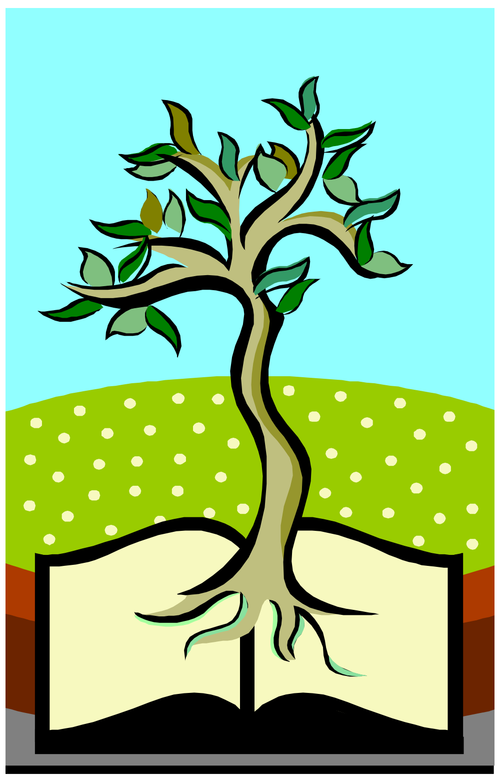
بروید و شاگردان بسازید



دوره شاگرد سازی از رادیو

دستورعمل شاگردسازی - کتاب چهارم

مــقــدمـــه

آیا می خواهید بعنوان شاگرد عیسی مسیح رشد کنید؟
آیا می خواهید به ایمانداران دیگر نیز كمك كنید تا در ایمانشان رشد كنند؟
دراینصورت **چهار کتاب دستورعمل شاگردسازی** را مطالعه كنید و مطالبش را بكار ببرید و خود را بیازمایید.
عیسی شاگرد ساخت. او به مردم گفت: " بیایید و ببینید" و" از من پیروی كنید " (یوحنا ۱: ۳۹ ، ۴۳).
مردم از همه جا میآیند تا ببینند او چگونه زندگی كرد و زندگی اش را صرف چه كاری نمود، علت اینكه مردم در تمام كشورهای جهان او را پیروی می كنند این است كه آنها در می یابند عیسی كیست و چه اعمالی انجام می دهد.
او زندگی انسانها را دگرگون می سازد، او زندگی ما را كاملاً دگرگون ساخت.

عیسی با دعا دوازده نفر را انتخاب كرد تا شاگردانش باشند و آنها را آماده ساخت.
او می خواست این شاگردان در حال رشد " با او" وقت بگذرانند، تا به كلامش گوش دهند و زندگی اش را از نزدیك ببینند، از زندگی اش سرمشق گیرند و مانند او خدمت كنند (مرقس ۳: ۱۳- ۱۵).
حدود دوسال بعد عیسی به شاگردانش ماموریتی داد: " بروید همه امتها را شاگردان بسازید" (متی ۲۸: ۱۸- ۲۰) و آنها رفتند و از اورشلیم تا اقصای عالم شاگردان ساختند (اعمال رسولان ۱: ۸).
این شاگردان هم به نوبه خود شاگردان بیشتری تربیت كردند و به مكان های دور دست دیگر رفتند و آنچه را یاد گرفته بودند به دیگران انتقال دادند (دوم تیموتائوس ۲: ۲)
بنابراین امروزهم شاگردان خداوند عیسی مسیح در تمام كشورهای جهان درحال تربیت شاگردان جدید هستند.
پولس رسول تعلیم می دهد كه عیسی مسیح به مسیحیان ماموریت مشخصی داده است:
" تا قوم خدا را برای انجام خدمت آماده بسازند بطوریكه بدن مسیح بنا شود" (افسسیان ۴: ۱۱- ۱۶).

هدف چهار كتب دستورعمل شاگردسازی، كمك كردن به سرگروه ها در مجهز كردن ایماندارانی است كه تحت سرپرستی آنها هستند تا آنان شاگردان مسیح بشوند. شاگرد، یك مسیحی بالغ می باشد.

این دوره، آموزش شاگردان را عملی و كاربردی می سازد چون سرگروه ها را در موارد زیر یاری می كند:
۱- هر یك از چهار كتابهای دستورعمل شاگردسازی شامل ۱۲ درس می باشد كه می توان آنرا در ۳ ماه تمام كرد.
۲- آیات اشاره شده از كتاب مقدس به شاگرد كمک میكند تا عیسی مسیح و كتاب مقدس را بشناسد.
۳- دستورالعمل هایی كه با حروف پررنگ چاپ شده مثل " **بخوانید**"، " **كشف و گفتگو كنید**" به سرگروه درهدایت گروه كمك می كند.
۴- " **ملاحظات** " جواب مختصری به هر سوال می دهند كه می توانند بعنوان خطوط راهنما برای سرگروه مورد استفاده قرار گیرند.
۵- این دوره آموزشی بطور انفرادی یا گروهی، روش هایی عملی را برای تمرین شاگردی مسیح بطور انفرادی یا گروهی تعلیم می دهد.
۶- هر درس دارای یك تكلیف خارج از كلاس می باشد.
۷- انتقال این دوره آموزشی به دیگران بسیار آسان است و بعد از گذراندن دروس یكی ازكتب دستورعمل شاگردسازی، فقط شاگردانی كه تصمیم دارند این دوره آموزشی شاگردسازی را به یک گروه كوچک دیگر تعلیم دهند، می توانند یك نسخه از آن كتاب دستورعمل شاگردسازی را دریافت كنند.

توجه: در این دوره برای درک بهتر در زبان فارسی، از كلمه خداوند به جای " یهوه" استفاده میشود.
" یهوه" نام خداوند در زبان عبرانی است.

دعای ما این است كه خداوند به سرعت تعداد شاگردان مسیح را در محل زندگی شما افزایش دهد و عده زیادی مطیع ایمان گردند (اعمال رسولان ۶: ۷).
با امید به اینكه نام خداوند جلال یابد: " زیرا كه از او و به او و تا او همه چیز است و او را تا ابدالاباد جلال باد، آمین ". (رومیان ۱۱: ۳۶)

دوره شاگرد سازی از رادیو

حقوق مؤلف کتاب

توصیه:
این دوره آموزشی بدین منظور تهیه شده است که بطور گسترده استفاده شود و باعث برکت بسیاری گردد، اما از آنجا که هدف چهار کتاب دستور عمل شاگردسازی، آموزش یا مجهز کردن مسیحیان است، توصیه میشود که فقط سرگروه های این دوره آموزش شاگردسازی، از چهار کتاب دستورعمل شاگردسازی برابربا اصل، کپی یا رونوشت بردارند.
هر شاگرد فقط پس از آنکه یک درس یا یک کتاب دستورعمل را بپایان رسانده و میخواهد شخص یا گروه کوچك دیگری را تعلیم دهد، می تواند يك نسخه از آن درس یا کتاب دستورعمل را داشته باشد.

<u>دوره شاگرد سازی از رادیو</u>

فهرست مطالب
دستورعمل شاگردسازی - کتاب چهارم

برنامه آموزشی ۱

يك برنامه هفتگی برای سه ماه - حدود ۱/۵ تا ۲ ساعت در هفته - تعداد افراد گروه بین حدود ۳ تا ۱۰ نفرباشد - هر برنامه با دعا شروع می‌شود و با دعای در پاسخ به کلام خدا و يك تكليف برای منزل پایان می‌یابد.

ضمیمه‌های دستور عمل شاگردسازی - کتاب اول " بروید و شاگردان بسازید " را ملاحظه کنید:
روش‌های رازگاهان، بررسی کتاب مقدس، تعمق و حفظ کردن

برنامه آموزشی ۲

این برنامه فشرده را می‌توان هفته‌ای یکروز (یك روز کامل) و یا در یك دوره فشرده آموزشی شش روزه استفاده کرد. تمام گروه را با همراهی یك سرگروه آموزش دیده، به گروه های کوچك تقسیم کنید. تعداد افراد هرگروه بین حدود ۳ یا ۱۰ نفر باشد.

برنامه پیشنهادی:

۹:۰۰ - ۹:۳۰	پرستش (گروه)
۹:۳۰ - ۱۱:۰۰	تعلیم (گروه)
	وقت استراحت
۱۱:۳۰ - ۱۳:۰۰	بررسی کتاب مقدس (گروه)
	وقت استراحت
۱۶:۰۰ - ۱۷:۰۰	وقت اضافی برای پایان دادن تعلیم یا بررسی کتاب مقدس، برای پاسخ به سؤالات یا برای یک تعلیم دیگر احتمالی (گروه)
	وقت استراحت
۱۷:۳۰ - ۱۷:۴۵	تعمق و حفظ کردن آیات (دونفری)
۱۷:۴۵ - ۱۸:۳۰	مطالعه کتاب مقدس برای رازگاهان (به تنهایی)
۱۸:۳۰ - ۱۹:۰۰	رازگاهان (دو نفری)
۱۹:۰۰ - ۱۹:۴۵	در میان گذاشتن برکات و دعا (در گروههای کوچك حداکثر ده نفره)

روز اول (دروس ۳۷ و ۳۸)

دعا
پرستش (تجربه کردن حضور خدا)
تعلیم (ثمر آوردن: گروه اکتشاف)
بررسی کتاب مقدس (اول تیموتاؤس ۶: ۳- ۱۹ - پول در دنیا)
حفظ کردن (خداوندی: رومیان ۱۲: ۱ - ۲)
خواندن کتاب مقدس در رازگاهان (یوشع ۱ - ۴، ۵: ۱۳ - ۸: ۳۵)
رازگاهان (دو به دو: یوشع ۱ - ۲)
در میان گذاشتن برکات و دعا

روز دوم (دروس ۳۹ و ۴۰)

دعا
پرستش (گوش دادن به صدای خدا)
تعلیم (شخصیت مسیحی: روحی بخشنده)
بررسی کتاب مقدس (متی ۴: ۱ - ۱۱ - وسوسه‌ها در دنیا)
حفظ کردن (انکار خود: لوقا ۹: ۲۳)
خواندن کتاب مقدس برای رازگاهان (روت ۱ - ۴ ؛ اول سموئیل ۹، ۱۰، ۱۲، ۱۴)
رازگاهان (دو به دو: روت ۱ - ۲)
درمیان گذاشتن برکات و دعا

روز ســوم (دروس ۴۱ و ۴۲)

دعا
پرستش (احترام گذاشتن به خدا)
تعلیم (روابط: ارتباط بین والدین - فرزند)
بررسی کتاب مقدس (افسسیان ۶: ۱۰ - ۲۰ - نبرد روحانی در دنیا)
حفظ کردن (خدمت: مرقس ۱۰: ۴۵)
خواندن کتاب مقدس در رازگاهان (دوم سموئیل ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۲۲ ؛ نحمیا ۴، ۸، ۹، ۱۰)
رازگاهان (دو به دو: نحمیا ۸: ۱ - ۹: ۱۲)
در میان گذاشتن برکات و دعا

روز چهـــارم (دروس ۴۳ و ۴۴)

دعا
پرستش (شکرگذاری خدا)
تعلیم (خداوندی: کشف اراده خدا)
بررسی کتاب مقدس (اول پطرس ۲: ۱۱ - ۲۵ - رنج کشیدن در دنیا)
حفظ کردن (بخشندگی: دوم قرنتیان ۹: ۶ - ۷)
مطالعه کتاب مقدس در رازگاهان (استر ۲ - ۹)
رازگاهان (دو به دو: استر ۳ - ۴)
درمیان گذاشتن برکات و دعا

روز پنجـــم (دروس ۴۵ و ۴۶)

دعا
پرستش (زندگی برای جلال دادن خدا)
تعلیم (روح‌القدس: تعمید و پرشدن با روح‌القدس)
بررسی کتاب مقدس (غلاطیان ۵: ۱۳ - ۲۶ - ثمره روح القدس در جهان)
حفظ کردن (شاگردسازی: متی ۲۸: ۱۸ - ۲۰)
خواندن کتاب مقدس در رازگاهان (ایوب ۱، ۲، ۱۲، ۱۴، ۳۸ - ۴۲)
رازگاهان (دو به دو: ایوب ۱ - ۲)
درمیان گذاشتن برکات و دعا

روز ششـم (دروس ۴۷ و ۴۸)

دعا
پرستش (وقف خود به خدا و به دعوت او)
تعلیم (رهبری: ویژگی‌های یك رهبر مسیحی)
بررسی کتاب مقدس (اعمال ۲۰: ۱۷ - ۳۸ - انتقال رهبری کلیسا در جهان)
حفظ کردن (مرور آیات درباره شاگردی)
خواندن کتاب مقدس در رازگاهان (جامعه ۱- ۸)
رازگاهان (دو به دو: جامعه ۱- ۲)
در میان گذاشتن برکات و دعا

امکانات برای تعلیم دیگراحتمالی

ضمیمه ۱: بخشندگی: ده یك
ضمیمه ۲: شخصیت مسیحی: خشم
ضمیمه ۳: خداوندی: درک نادرست در ارتباط با کشف اراده خدا
ضمیمه ۴: رهبری: سیر تحول تاریخی رهبری در کلیسای مسیحی
ضمیمه ۵: رهبری: خادمان (شماسان) در عهد جدید

درس ۳۷

۱	**دعا**

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره شاگردسازی را به حضور خداوند بیاورید.

۲	**پرستش (۲۰ دقیقه)** **تجربه حضور خدا**

موضوع: پرستش به عنوان تجربه حضور خدا و تقرب به او

تعلیم دهید: پرستش چیست؟ پرستش یعنی داشتن روحیه، احترام، تمجید، تسلیم و وقف به خدا که با دعاهای مختلف و عملی ساختن آن در زندگی می‌توان آن را نشان داد.
برای پرستش خدا باید بدانیم خدا چه کسی است. در این درس خواهیم آموخت که پرستش خود را با تجربه حضور خدا و تقرب به او ابراز کنیم.

۱ - **<u>خدا همه جا حضور دارد.</u>**

بخوانید: مزمور ۱۳۹: ۷ - ۱۰
خدا واقعاً وجود دارد. خدا در همه جای جهان حضور دارد. خدا به ما نزديك است. اما ما همیشه از وجود، حضور یا نزديك بودن او آگاه نیستیم. بنابراین باید حضور خدا را تجربه کنیم.

۲ - **<u>آگاهانه به حضور خدا وارد شوید.</u>**

بخوانید: مزمور ۲۷: ۴
ما احتیاج داریم که يك چیز را بخواهیم، آن یک چیز را بطلبیم و آنرا جستجو کنیم. آن یک چیز این است که تمام ایام عمر، در خانه خداوند ساکن باشیم و جمال خداوند را مشاهده کنیم.
چگونه اینکار را عملاً انجام دهیم؟

الف) دعا و پرستش خود را با سکوتی کوتاه شروع کنید. در طی سکوت به یاد خود بیاورید که خدا حاضر و نزديك است. با هشیاری و با دقت به حضور و تقرب به خدا وارد شوید.

ب) با تعمق بر جمال و زیبایی خداوند به دعا یا پرستش خود ادامه دهید. جمال خدا شامل تمامی ویژگی‌ها یا خصوصیات خدا است مثل قدرت، تقدس، عدالت، رحمت، محبت، امانت و غیره. آگاهانه در مورد یکی از این ویژگی‌های خدا تفکر کنید. اجازه دهید که روح‌القدس این ویژگی‌های خدا را با استفاده از کلام کتاب مقدس برای شما توضیح دهد. در باره دو سؤال زیر تعمق کنید:

۱) این ویژگی خدا برای خود او چه معنایی دارد؟
۲) این ویژگی خدا برای شخص شما چه معنایی دارد؟

۳ - **<u>آگاهانه با خدا قدم بزنید.</u>**

بخوانید: مزمور ۱۶: ۸ ، ۱۱
الف) آنچه را که داود انجام داد، بطور مرتب و مداوم انجام دهید. داود همیشه خداوند را پیش روی خود داشت. او آگاهانه و با علاقه به حضور و تقرب خدا می‌اندیشید.

ب) با اشتیاق خدا را در فعالیتهای زندگی روزانه خود دخالت دهید و بدین صورت وارد شدن به حضور خدا را تجربه کنید. در ارتباط خود با مردم، خدا را دخالت دهید. وقتی برنامه‌ریزی می‌کنید و تصمیم می‌گیرید، خدا را دخالت دهید. وقتی کار یا مطالعه می‌کنید، خدا را دخالت دهید.

پ) به خاطر خود بیاورید که خدا واقعاً به دست راست شما ایستاده و هرگز نمی‌گذارد که شما لغزش بخورید. آگاهانه بر معنای این موضوع که خدا در این لحظه به دست راست شما ایستاده است تفکر کنید. او به شما نگاه می‌کند و همه چیز را می‌بیند. او به صدای شما گوش می‌دهد و همه چیز را می‌شنود. او همه چیز را در مورد شما می‌داند و به شما فکر می‌کند. او اینجا است تا شما را ملاقات کند، با شما ارتباط پیدا کند، به صدای شما گوش کند و به شما چیزهایی را بگوید.
او برای هدف خاصی حضور دارد. در زمانهای مختلف و در شرایط متفاوت حضور خدا برای شما معانی مختلفی دارد. بعضی مواقع خدا آنجاست تا به شما هشدار دهد، نصیحت یا توبیخ کند و در مواقع دیگر آنجاست تا به شما آرامش و شفا دهد یا به شما قوت دهد. بعضی مواقع خدا آنجاست تا به شما انگیزه دهد، شما را تشویق کند و محرك شما باشد و به شما کمك کند. و در مواقع دیگر آنجاست تا چیزی را به شما تعلیم دهد، چیزی را برای شما آشکار و دری را برای شما باز یا بسته کند.
ت) خنوخ و نوح با خدا راه می‌رفتند (پیدایش ۵: ۲۲ ؛ ۶: ۹).
خدا ابـــراهیم را دوســـت خود خواند (اشعیاء ۴۱: ۸). عیسی شاگردانش را دوستان خود خواند (یوحنا ۱۵: ۱۵). بیایید با هم و با اشتیاق حضور و تقرب به خدا را تجربه کنیم.

پرستش: بیایید به مدت ۳ دقیقه در سکوت، خدا را بپرستیم. آگاهی از حضور و نزدیکی به خدا را تجربه کنید.

۳	**درمیان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه)** **یوشع**

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (یوشع ۱ - ۴) با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان میگذارد، بحث نکنید.

۴	**تعلیم (۷۰ دقیقه)** **ثمر آوردن: گروه اکتشاف**

برای موعظه و تعلیم انجیل راههای زیادی برای مسیحیان وجود دارد. بشارت شخصی، بشارت دادن از طریق گروههای کوچك، از طریق رسانه‌های گروهی، از طریق جزوه، از طریق داستان، موسیقی و سرود، فیلم، تلویزیون و رادیو. گروه اکتشاف نمونه‌ای از یك گروه کوچك بشارتی است. در این تعلیم یاد خواهید گرفت که چگونه اعضای یك گروه کوچك می‌توانند طوری با هم کتاب مقدس را مطالعه و در مورد اعضای آن گفتگو کنند که پیغام انجیل را برای خود کشف نمایند.

الف - اصول کتاب مقدس برای بشارت

کشف و گفتگو کنید: درهر متن کتاب مقدس چه اصلی برای بشارت وجود دارد؟

۱ - برای غیرمسیحیان دعا کنید.

بخوانید: کولسیان ۴: ۲ ـ ۴ ؛ اعمال ۱۶: ۱۴
ملاحظات: برای اعضای غیر ایماندار خانواده، دوستان، همکاران و همسایه‌هایتان مرتب دعا کنید تا خدا فرصـــتی را برای درمیان گذاشتن انجیل با آنان ایجاد کند و قلبهایشان را باز کند تا پیغام را بپذیرند. دعا ابراز وابستگی خود به خدا و کار او در قلبها و زندگی‌های مردم است.

۲ - به زندگی غیرمسیحیان وارد شوید.

بخوانید: یوحنا ۲: ۱۲ ؛ اعمال ۱۰: ۳۸
ملاحظات: با وارد شدن به مسائل زندگی غیرمسیحیان علاقه آنها را جلب کنید. انبیاء، عیسی مسیح و شاگردان چنین می‌کردند. زندگی مفیدی در بین آنها داشته باشید. درفعالیتهایشان سهیم شوید و مشارکت کنید. در مشکلات و در علائق آنها شرکت کنید و نسبت به آنها علاقه شخصی نـــشان دهید. اجازه دهید که زندگی شما را از نزدیك و به مدت طولانی مشاهده کنند. کیفیت زندگی، قابل اعتماد بودن، امانتداری، خلوص، مشارکت، کمك کردن، علاقه شخصی و محبت شما می‌تواند بی‌اعتمادی و نفرت آنها از مسیح را از بین برده وآنها را به سوی ارتباط با مسیح بکشاند.

۳ - غیرمسیحیان را در زندگی خود مداخله دهید.

بخوانید: یوحنا ۱: ۳۸ - ۳۹
ملاحظات: با دعوت یك غیرمسیحی به موقعیتهای مختلف زندگیتان، علاقه او را جلب کنید. در خانه خود زندگی نمونه‌ای داشته باشید، درب خانه خود را به روی غیرمسیحیان باز بگذارید، آنها را دعوت کنید تا " بیایند و ببینند " که مسیحیان چه کسانی هستند و چه کار می‌کنند، آنها را در فعالیتهایتان و مشارکتتان با سایر مسیحیان وارد سازید. اجازه دهید که غیرمسیحیان از نزدیك و به مدت طولانی ببینند که ارتباط، با خدا و سایر مسیحیان امکان‌پذیر است و این ارتباطات تأثیر عمیقی بر شما و خانوادهتان دارد. عمل کردن به آنچه موعظه می‌کنید پیغام شما را قدرتمند می‌سازد.

۴ - با غیرمسیحیان کتاب مقدس را بخوانید یا بررسی کنید.

بخوانید: رومیان ۱۰: ۱۴ - ۱۷ ؛ اعمال ۸: ۳۰ - ۳۱ ، ۳۵ ؛ ۱۷: ۲ - ۴
ملاحظات: ایمان از شنیدن پیغام است و پیغام از طریق کلام مسیح شنیده می‌شود. برای اینکه شخصی ایمان آورد، اعلام تعلیم یا درمیان گذاشتن انجیل اجتناب‌ناپذیر است. غیرمسیحیان را دعوت کنید تا با شما کتاب مقدس را بخوانند و بررسی کنند. بدین صورت او معرفت و درك انجیل را کسب خواهد کرد. برای مثال، یك گروه اکتشاف کتاب مقدس به صورت هفتگی به مدت چندین ماه یا در سرتاسر سال تشکیل دهید. شیوه شما بایستی شامل مواردی باشد که در اعمال ۱۷ ذکر شده است: " مباحثه کردن "، " واضح ساختن " و " روشن کردن ".

الف) " مباحثه کردن " یعنی گفتگو یا بحث در مورد یك عبارت کتاب مقدس.
ب) " واضح ساختن " یعنی کاملاً باز کردن قسمتهای سخت کتاب مقدس.
پ) " روشن کردن " یعنی از سایر قسمتهای کتاب مقدس حقایق و مدارکی را ارائه دهید، بخصوص حقایقی در ارتباط با خدا، مسیح و مرگ و قیام عیسی.
ت) هدف گروه اکتشاف، کشف و گفتگو در مورد کتاب مقدس و حقایقی در مورد خدا، انسان و زندگی است. کمك کنید تا غیرمسیحیان آنچه کتاب مقدس واقعاً می‌گوید را کشف کنند بخصوص در مورد عناوین زیر:
۱) خدا چه کسی است و چگونه می خواهد با ما ارتباط برقرار کند؟
۲) عیسی مسیح چه کسی است، بر روی زمین چه کرد و در حال حاضر چه می‌کند؟
۳) زندگی بدون خدا به چه چیز شباهت دارد و به کجا منتهی می‌شود؟
۴) زندگی با خدا به چه چیز شباهت دارد و به کجا منتهی می‌شود؟
۵) چگونه یك شخص می‌تواند با خدا ارتباط شخصی پیدا کند؟

۵ - اجازه دهید که غیرمسیحیان حقایق را برای خود کشف کنند.

بخوانید: لوقا ۱۰: ۲۵ - ۲۸ ؛ اعمال ۱۷: ۱۱
ملاحظات: کاری کنید تا غیرمسیحیان حقایق کتاب مقدس را برای خود کشف کنند. این کار را با پرسیدن سؤالات و با کمك به آنها در فکر کردن به مفهوم و نتایج آنچه می‌خوانند انجام دهید. بدین ترتیب آن حقیقت تأثیر عمیق‌تری بر آنها خواهد داشت و آن را بهتر به یاد خواهند آورد.

۶ - اجازه دهید که غیرمسیحیان حقیقت را با واژه‌های مورد نیاز خودشان درك کنند.

بخوانید: لوقا ۴: ۱۸ - ۱۹ ؛ اول قرنتیان ۹: ۱۹ - ۲۳
ملاحظات: اجازه دهید که غیرمسیحیان حقایق کتاب مقدس را با واژه‌هایی که برای آنها مناسب است درك کنند. احساس مردم نسبت به نیازهای زندگیشان بسیار متفاوت است.

الف) بعضی از مردم نیـــازهای جسمی دارنـــد. بیمار یا معلول، خسته یا فرسوده، گرسنه یا فقیر، مظلوم یا جفا دیده هستند.
ب) بعضی از مردم نیازهـــای روانی دارنـــد. احساس ناامنی می‌کنند، هویت خود را از دست داده‌اند، خود را دوست ندارند، با فشار شدید روانی زندگی می‌کنند یا از زخمهای عمیق روانی در رنج هستند.
پ) همه مردم دارای نیازهای روحانی هستند. از گذشته و وضعیت کنونی گناه‌آلود یا شرم‌آور خود رنج می‌کشند نسبت به شخص دیگر احساس تلخی یا نفرت می‌کنند، برعلیه خدا یاغی هستند یا فقط گمشده‌اند.
ت) اغلب مردم دارای نیازهای رفتاری هستند. اسیر عادتهای زشت یا روابطی هستند که فقط برای کسب رضایت خود به دنبال آنها می باشند. یا در رابطه با برقراری ارتباط یا هر فعالیت جدیدی غیرفعال هستند. به آنها نشان دهید که چگونه حقایق کتاب مقدس در موقعیتهای خاص آنها کاربرد دارد.

۷ - به غیرمسیحیان کمك کنید تا حقیقت را به زندگیشان ارتباط دهند.

بخوانید: مرقس ۱: ۱۴ - ۱۵ ؛ اعمال ۳: ۱۹ ؛ دوم قرنتیان ۶: ۱ - ۲
ملاحظات: غیرمسیحیان را تشویق کنید تا حقایق کتاب مقدس را به زندگی خود ارتباط دهند. آنها را تشویق یا ترغیب کنید که به پیغام کتاب مقدس پاسخ دهند. آنها را دعوت کنید تا مسیح را به عنوان نجات‌دهنده و خداوند خود در قلبها و زندگیشان بپذیرند. خدا کتاب مقدس را داد نه فقط برای اینکه باعث خشنودی افکار ما گردد بلکه زندگی‌های ما را تغییردهد. این جنبه از بشارت در گروه اکتشاف بدست نمی آید بلکه در طی یك ملاقات شخصی.

ب - شیوه‌ای برای یك گروه بشارتی كوچك

تعلیم دهید: شیوه عملی یك گروه اکتشاف را تعلیم دهید.

۱ - مکان، محیط و فعالیتها

الف) مکان. یك مکان مناسب انتخاب کنید مثل یك خانه، یك اطاق کوچك و یا یك مکان آرام در فضای بیرون و یکدیگر را در آنجا ملاقات کنید.
ب) تعداد. تعداد افراد را کم نگه دارید، در حدود ۴ تا ۸ نفر.
پ) شیوه. فعالیتها را **غیررسمی و بدون تشریفات** انجام دهید. بهتر است که شامل فعالیتهای خاص مسیحی مثل موعظه، سرودخوانی یا دعا نباشد. تنها فعالیتهای گروه اکتشاف، خواندن و گفتگو کردن در مورد کتاب مقدس است. در بعضی فرهنگ‌ها و مکانها اضافه کردن سرودخوانی و دعا ممکن است مفید و کمك کننده باشد. در سایر فرهنگها این فعالیتها مردم را از هدف اصلی که کشف حقایق کتاب مقدس است دور می‌سازد. در کشورهایی که مسیحیان تحت جفا هستند چنین فعالیتهایی نظیر موعظه، سرودخوانی و با صدای بلند دعا کردن توجه دشمنان را جلب خواهد کرد. در چنین وضعیتی گروه کوچك بایستی به قدری آهسته صحبت کند که هیچکس نتواند صدای آنها را پشت درب براحتی بشنود. درچنین شرایطی همه افراد نباید با هم وارد یا خارج شوند بلکه هرکدام به تنهایی یا دو به دو اینکار را انجام دهند. در مورد شیوه‌ای که نسبت به شرایط شما بهترین است تصمیم بگیرید.
ت) محیط. در موقعیتهای مطمئن تر و امن‌تر، قبل و بعد از گفتگو گروه اکتشاف یك موزیك مناسب بنوازید. اگر مناسب باشد، قبل و بعد از گفتگو نوشیدنی تعارف کنید مثل چایی.
ث) زمان. سرگروه بایستی به صورت توافقی زمان را محدود به ۶۰، ۹۰ یا ۱۲۰ دقیقه نگاه دارد و به موقع شروع کند و خاتمه دهد. به خصوص این موضوع در جوامع مدرن دارای اهمیت است که مردم بایستی در سایر زمینه‌ها نیز فعالیت کنند و دارای مسئولیتهای دیگری نیز هستند.

۲ - یك مسیحی با یك یا دو غیرمسیحی

الف) زمانیکه چند مسیحی تصمیم می‌گیرند که به مدت چند ماه هر هفته گروه اکتشاف داشته باشند هریك از آنها سعی می‌کند تا یکی از دوستان خود را به این جلسه‌ها دعوت کند.
ب) به مردم بگویید که هدف گروه اکتشاف **کشف و گفتگوی حقایق درباره خدا، انسان و زندگی از دید کتاب مقدس با یکدیگر است.**
پ) شخص مسیحی بایستی دوستش را به مکان جلسه همراهی کند نزدیك او بنشیند، درطی زمان کشف و گفتگو با یکدیگر کار کنند و سرانجام با یکدیگر جلسه را ترك کنند.

۳ - معرفی

سرگروه به همه خوشامد می‌گوید. هرکس خود را معرفی می‌کند (فقط اسم کوچك، شاید رشته تحصیلی یا شغل). سرگروه هدف گروه اکتشاف و همینطور شیوه کشف و گفتگو را توضیح می دهد، بدین ترتیب:

الف) هدف گروه اکتشاف، کشف و گفتگوی حقایق درباره خدا، انسان و زندگی از دید کتاب مقدس با یکدیگر است.
ب) ما یك فصل (یا یك عبارت) از کتاب مقدس را دوبار می‌خوانیم: ابتدا با یکدیگر و بعد به آرامی برای خودمان.
پ) سه یا چهار سؤال مهم وجود دارد که ما نخست هر سؤال را درگروههای کوچك دو نفره گفتگو خواهیم کرد.
ت) سپس اکتشافات خود را با یکدیگر در میان گذاشته و گفتگو خواهیم کرد و همینطور تلاش خواهیم کرد تا سؤالاتمان را در تمام گروه روشن سازیم.
ث) در پایان خلاصه‌ای از گفتگو را خواهیم داشت.

۴ - خواندن کتاب مقدس

الف) کتاب مقدس
بایستی همه از یك نوع ترجمه کتاب مقدس استفاده کنند. در صورت کمبود یک نوع ترجمه می‌توانید از قسمت مورد مطالعه کتاب مقدس فتوکپی گرفته و در دسترس همه بگذارید. طوری کتاب مقدس‌ها را پخش کنید که هر گروه کوچك، یعنی یك مسیحی و دوستش، یك کتاب مقدس داشته باشند.

ب) با یکدیگر بخوانید.
بعد از اینکه همه آن فصل کتاب مقدس یا آن قسمت را پیدا کردند، هر یک بنوبت یکی بعد از دیگری در گروه یک آیه بخواند.

پ) به تنهایی بخوانید.
بعد از آن از هر فرد بخواهید که به آرامی برای خودش یك یا چند بار آن فصل یا قسمت را بخواند.

۵ - انواع سؤالاتی که در گروه اکتشاف استفاده می‌شوند.

سرگروه بایستی از سؤالاتی استفاده کند که به اعضاء کمك میکنند تا حقایق انجیل را در آن فصل بخصوص انجیل پیدا کنند.

سؤالات زیر فقط برای نمونه هستند و در هر فصل خاص بایستی سؤالات مختص به همان فصل باشد.
سرگروه سه (یا چهار) سؤال مهم از هر فصل آماده می‌کند حداقل یك سؤال برای هرکدام از سه گروه زیر:

گروه ۱. عیسی مسیح چه می‌کند؟

نمونه سؤالات برای مثال:

- عیسی چگونه علاقه خود را به مردم نشان می‌داد؟
- عیسی چگونه نشان می‌داد که نیازهای مردم را درك کرده است؟
- نگرش عیسی چه تفاوتی با نگرش معاصرین خود داشت؟
- عیسی با یك مشکل خاص زندگی چگونه مواجه می‌شد؟ مشکلاتی مانند نادانی، بیماری، پیش‌داوری، انتقاد، لجاجت، خودخواهی، مخالفت، مرگ و غیره.
- عیسی چگونه قدرت خود را برای کمك کردن به مردم نشان می‌داد؟
- عیسی چگونه بر یك موقعیت خاص زندگی، اقتدار خود را نشان می‌داد؟
- اهمیت آنچه عیسی انجام می‌داد چیست؟
- معنی آنچه عیسی اینجا می‌گوید چیست؟ یا او چرا این را می‌گوید؟
- او چرا کارهایی بخصوص انجام می‌داد؟ برای مثال او چرا به زمین آمد؟
- از ســـخنان و عملکردهای عیسی چه چیز در مورد طبیعت انسانی و زندگی و یا دنیا می‌آموزیم؟

گروه ۲. عیسی مسیح کیست؟

نمونه سؤالات برای مثال:

- این اتفاق خاص چه جنبه بی‌نظیری از شخصیت او را آشکار می‌کند؟
- عیسی در مورد خودش چه ادعایی می‌کند؟
- منـــظور عیسی چیست وقتی که می‌گوید (برای مثال) " من نور جهان " یا " نان حیات " هستم ؟
- مردم فکر می‌کردند که عیسی چه کسی است؟
- یک نبی مشخص عهد عتیق صدها سال قبل در مورد عیسی چه می‌گوید؟

گروه ۳. مردم چگونه می‌توانند با عیسی مسیح ارتباط پیدا کنند؟

نمونه سؤالات برای مثال:

- عیسی می‌خواهد چگونه با ما ارتباط پیدا کند؟
- انسانهای مختلف چگونه به اعمال یا تعالیم عیسی واکنش نشان می‌دهند؟
- عیسی می‌گوید یك شخص بایستی برای داشتن ارتباط با او چکار کند؟
- عیسی مسیح از ما چه انتظاری دارد؟
- در شخصی که ایمان می‌آورد چه تغییراتی اتفاق می‌افتد؟
- یک ایماندار در رابطه اش با عیسی چه چیزی را میتواند انتظار داشته باشد که تجربه کند؟
- نتایج شروع رابطه با عیسی چیست؟
- نتایج رد کردن و نپذیرفتن رابطه با عیسی چیست؟
- مردم برای ایمان نیاوردن به عیسی از چه دلایل و برهانی استفاده میکنند؟
- معنی (برای مثال) " ایمان آوردن " یا پذیرفتن عیسی در قلب و زندگیتان چیست؟
- یك شخص چطور می‌تواند عملاً (برای مثال) عیسی را در قلب و زندگی خود بپذیرد؟

۶ - **کشف و گفتگو**

الف) عمل متقابل

ویژگی گروه اکتشاف خواندن، گفتگو کردن، توضیح دادن و ثابت کردن است. همانطور که در اعمال ۱۷ آمده است. موعظه، تعلیم یا دعوت مردم به گرفتن یك تصمیم شامل آن نمی‌شود. گروهی کوچك که با یکدیگر ارتباط متقابل دارند وجه تمایز گروه اکتشاف است و ارتباطی یکطرفه از سوی سخنران به طرف شنوندگان از ویژگی‌های آن نیست.

ب) برای خودتان کشف کنید.

تمرکز گروه اکتشاف بر این است که به مردم کمك کند تا حقایق کتاب مقدس را برای خودشان کشف کنند. پس در طی زمان کشف و گفتگو در گروه کوچك (متشکل از یك مسیحی و دوستش) شخص مسیحی بایستی دوستش را تشویق کند که مشاهدات خود را انجام دهد و نتیجه‌گیری‌های خود را کسب کند. فرد مسیحی از دوستش سؤالات اضافی دیگری می‌پرسد مثل:

۱) " در ارتباط با این سؤال چه حقایقی را می‌توانیم پیدا کنیم؟ "

۲) " فکرمی‌کنی این چه معنی دارد؟ "

۳) امروز چطور می‌توانیم این شرایط را به خودمان ربط بدهیم؟

پ) نظم دهنده (هماهنگ کننده) گفتگو

عملکرد سرگروه بیشتر این است که ناظر یا نظم‌دهنده گفتگو باشد تا اینکه معلم کتاب مقدس.

۱) بعد از معرفی و خواندن کتاب مقدس او اولین سؤال مهم را می‌پرسد؟

۲) گروه کوچك یعنی شخص مسیحی و دوستش سعی می‌کنند که در مدت تقریباً ۵ دقیقه حقایق را کشف و در مورد پاسخ سؤالات گفتگو کنند.

۳) سپس سرگروه این سؤال را در سطح کل گروه مطرح می‌کند. او گفتگو تمام اعضای گروه را هدایت می‌کند با تشویق تك تك افراد به مطرح کردن اکتشافات ابتدایی و نقطه نظراتشان، با پرسیدن هر سؤالی که آنها دوست دارند و حتی گفتگو در مورد یك نظر خاص. او سعی می‌کند که گروه را به گفتگو در مورد حقایقی بکشاند که آنها کشف کرده‌اند. همه سؤالات افراد را جدی می‌گیرد اما نبایستی از هدف اصلی منحرف شود. در صورتیکه مفید باشد خود او به یك سؤال مشکل جواب می‌دهد و یا بعد از جلسه گروهی به سؤالی پاسخ می‌دهد.

۴) تقریباً بعد از ده دقیقه گفتگو سرگروه پاسخ سؤال را خلاصه می‌کند و از نظرات همه اعضاء حاضر استفاده می‌کند. سپس دومین سؤال مهم را مطرح می‌سازد و غیره.

۵) در پایان جلسه گروه اکتشاف، بعد از اینکه این فرایند سه (یا چهار) بار تکرار شد، سرگروه خلاصه‌ای از اکتشافات را ترجیحاً به روش کشیدن تصویری بر روی تخته سیاه (یا تکه ای کاغذ) ارائه می‌کند. این تصویر بایستی حقایقی را نشان دهد که در آن فصل یا متن خاص مورد مطالعه، یافت شده اند.

۷ - **زمان بعد از جلسه گروه اکتشاف**

الف) دعوت

سرگروه می‌گوید، " جلسه گروه اکتشاف این هفته خاتمه می‌یابد لطفاً دوباره هفته دیگر بیائید. گروه اکتشاف هر هفته درهمین مکان (یا در فلان جا) و در همین زمان (یا در فلان ساعت) تشکیل می شود.

اگر الآن کار دیگری دارید لطفاً در ترك کردن اینجا آزاد باشید گرچه اگر دوست دارید می‌توانید بمانید و اگر مایل باشید بیشتر صحبت کنیم. "

ب) تماس خود را حفظ کنید.
مسیحیانی که دوستان خود را به جلسه گروه اکتشاف می‌آورند بایستی به ملاقات با دوستانشان در موقعیتهای دیگر وقت بدهند. آنها بایستی فرصتهایی را برای گفتگو کردن حقایق کتاب مقدس پیدا کنند.

پ) به درك او از انجیل توجه کنید.
هرگاه دوستی علاقمند یا آماده پذیرفتن عیسی مسیح به عنوان نجات‌دهنده در زندگی خود می‌شود دوست مسیحی‌اش بایستی مطمئن شود که او انجیل را درك کرده باشد. شیوه‌ای که مردم عیسی مسیح را در زندگیشان می‌پذیرند می‌تواند بسیار متفاوت باشد. بعضی مواقع مفید است که با او دعا کرد تا عیسی مسیح را به زندگیش بپذیرد. بعضی مواقع بهتر است که فقط سؤالات درستی درمورد درك او از انجیل بپرسید.

ت) تمرکز بر انجیل
گروه اکتشاف، یک گروه بررسی بشارتی کتاب مقدس است و هر جلسه به نوبه خود يك برنامه کامل است. بعضی دوستان فقط یکبار می‌آیند، بعضی دیگر نامرتب خواهند آمد، اما سایرین همیشه شرکت خواهند کرد. به همین علت است که در طی يك جلسه گروه اکتشاف هدف این است که با استفاده از سؤالات و گفتگو تا آنجائیکه امکان دارد حقایق انجیل را واضح ساخت.

ث) پیگیری
پس از اینکه افرادی در گروه اکتشاف، مسیح را به عنوان نجات‌دهنده خود بپذیرند. ازاین مسیحیان يك گروه رشد یا گروه شاگردی تشکیل دهید. اگر دارای يك تیم خادمان مسیحی هستید گروه اکتشاف را می‌توانید در سرتاسر سال ادامه دهید. بعضی از خادمان در گروه اکتشاف و بعضی در گروههای رشد یا شاگردی فعالیت خواهند کرد. مسیحیان جدید مدتی با ادامه شرکت در گروه اکتشاف از آن استفاده خواهند کرد. در بعضی شرایط گروه رشد یا شاگردی را می‌توان در مکانی مشابه با گروه اکتشاف اما در اطاقی دیگر تشکیل داد. اما در پایان در قسمت پذیرایی و مشارکت می‌توان همدیگر را ملاقات نمود.

پ - بخش پیشنهادی از کلام خدا برای يك گروه اکتشاف

می‌توانید از انجیل متی، مرقس، لوقا و یوحنا و همچنین فصلهایی مثل رومیان ۳ و افسسیان ۲ برای گروه اکتشاف استفاده کنید. قسمتهای زیر از کتاب مقدس ثابت کرده‌اند که در گروه اکتشاف مفید خواهند بود.

۱) متی ۱: ۱۸ - ۲: ۲۳ تولد مسیحا	۱) یوحنا ۱: ۱ - ۵۱ ازلیت عیسی، دعوت شاگردان
۲) متی ۴: ۱ - ۲۵ وسوسه ها، تعلیم، موعظه، شفا	۲) یوحنا ۲: ۱ - ۲۳ عروس، معبد
۳) متی ۵: ۱ - ۴۸ برکت‌ها، نور و نمك، شریعت	۳) یوحنا ۳: ۱ - ۲۱ تولد دوباره، نجات، محکومیت
۴) متی ۶: ۱ - ۳۴ هدیه دادن، دعا، روزه، پول، اضطراب	۴) یوحنا ۴: ۱ - ۴۲ روح‌القدس + پرستش روحانی
۵) متی ۷: ۱ - ۲۹ داوری، دعا، دروازه‌ها، درخت، بنا کنندگان	۵) یوحنا ۵: ۱ - ۴۷ ادعاهای او در مورد ارتباطش با خدا + شهادتهایی در مورد عیسی
۶) متی ۸: ۱ - ۳۴ شفا، بهای پیروی	۶) یوحنا ۶: ۱ - ۱۵، ۲۵ - ۷۲ نانی که فاسد می‌شود + نانی که حیات ابدی بدنبال دارد
۷) متی ۹: ۱ - ۳۸ شفا، دعوت، روزه، دعا	۷) یوحنا ۸: ۱ - ۵۹ ادعاهای عیسی
۸) متی ۱۱: ۱ - ۳۰ معجزات، ملکوت، آرامش درون	۸) یوحنا ۹: ۱ - ۴۱ کوری جسمانی + کوری روحانی
۹) متی ۱۲: ۱ - ۵۰ سبت، خادم، ملکوت، خانواده	۹) یوحنا ۱۰: ۱ - ۳۹ شبان و گوسفندان
۱۰) متی ۱۳: ۲۴ - ۵۱ مثل‌ها	۱۰) یوحنا ۱۱: ۱ - ۵۷ معجزه + جفا
۱۱) متی ۱۵: ۱ - ۲۰ پاك و ناپاك	۱۱) یوحنا ۱۲: ۱ - ۵۰ پیش‌بینی مرگ + بی‌ایمانی یهودیان
۱۲) متی ۱۸: ۱ - ۳۵ مثل‌ها	۱۲) یوحنا ۱۳: ۱ - ۳۸ پیش‌بینی خیانت و انکار
۱۳) متی ۱۹: ۱ - ۳۰ ازدواج، بچه‌ها، ثروتمندان	۱۳) یوحنا ۱۴: ۱ - ۲۷ ادعاهای عیسی + روح‌القدس
۱۴) متی ۲۰: ۱- ۲۸ مثل، مرگ، رهبری	۱۴) یوحنا ۱۵: ۱ - ۲۷ تاك و شاخه‌ها، نفرت دنیا
۱۵) متی ۲۱: ۲۸ - ۴۶ مثل‌ها	۱۵) یوحنا ۱۷: ۱ - ۲۶ دعای عیسی
۱۶) متی ۲۲: ۱ - ۴۰ مثل، دولت، ازدواج، محبت	۱۶) یوحنا ۱۸: ۱ - ۴۰ دستگیری، محاکمات
۱۷) متی ۲۳: ۱ - ۳۹ ریاکاران	۱۷) یوحنا ۱۹: ۱ - ۴۲ محکوم شدن، صلیب، دفن
۱۸) متی ۲۴: ۱ - ۵۱ آمدن ثانویه	۱۸) یوحنا ۲۰:۱ - ۳۱ قیام، ظهور
۱۹) متی ۲۵: ۱ - ۴۶ آمدن ثانویه، داوری نهایی	
۲۰) متی ۲۶: ۳۱ - ۷۵ درگیری، دستگیری، محاکمه	
۲۱) ۲۷: ۱ - ۶۶ محاکمه، صلیب، دفن	
۲۲) متی ۲۸: ۱ - ۲۰ قیام، مأموریت عظیم	

۱) مرقس ۱: ۱ - ۴۵ قدرتمند + روحانی، خدا + وسوسه شده، موعظه، تعلیم، شفا، محتاج و دلسوز ۲) مرقس ۲: ۱ - ۲۷ اقتدار، بیمار + سالم، کهنه + تازه ۳) مرقس ۳: ۱ - ۳۵ قوانین مذهبی + نیازهای انسانی، روح‌های شریر + روح‌القدس، خانواده زمینی + خانواده خدا ۴) مرقس ۴: ۳۵ - ۵: ۴۳ اقتدار بر طبیعت، دیوها، بیماریهای علاج ناپذیر و مرگ ۵) مرقس ۱۰: ۱ - ۲۵ طلاق، فرزندان، ثروتمند، رهبران و به صلیب کشیدن او ۶) مرقس ۱۵: ۱ - ۴۷ محاکمه، طرد شدن، مصلوب شدن، دفن	۱) اشعیاء ۵۲: ۱۳ - ۵۳: ۱۲ نبوت در مورد انسانیت، رنج و پیروزی عیسی، مسیح ۲) رومیان ۳: ۹ - ۳۱ نیاز به عدالت + عادل شمردگی از طریق ایمان ۳) افسسیان ۲: ۱ - ۱۰ مرگ در گناهان + حیات داشتن در مسیح ۴) اعمال ۱: ۱ - ۱۱، اول تسالونیکیان ۴: ۱۳ - ۵: ۱۱ صعود + آمدن ثانویه ۵) کولسیان ۱: ۱۵ - ۲۳، ۲: ۹ - ۱۵ عظمت عیسی ۶) کولسیان ۲۰: ۱۱ - ۲۱: ۸ ، ۲۱: ۲۲ - ۲۲: ۶ داوری نهایی + آسمان و زمین جدید

ت - <u>نمونه‌ای از يك برنامه گروه اكتشاف</u>

موارد زیر مثالی از يك برنامه گروه اكتشاف است.

۱ - <u>مقدمه</u>

اجازه بدهید که هر فرد مسیحی کنار دوستش بنشیند. هدف گروه اكتشاف را توضیح بدهید كه كشف و گفتگوی حقایق درباره خدا، انسان و زندگی از دید كتاب مقدس با يكديگر است.

۲ - <u>خواندن</u>

يك فصل یا قسمت از كتاب مقدس را دوبار بخوانید. از یک نوع ترجمه كتاب مقدس و یا فتوکپی آن قسمت از كتاب مقدس استفاده كنيد. نخست در گروه هر شخص به نوبت يك آيه از متی ۹: ۱ - ۳۸ را بخواند، سپس بگذارید كه هر شخص متی ۹: ۱ - ۳۸ را به آرامی برای خود بخواند.

۳ - <u>سؤالات</u>

سرگروه سؤالات مهم زير را آماده می‌کند.

سؤال ۱) عیسی چگونه علاقه خود را به مردم نشان می‌داد؟

سؤال ۲) در واقعه شفای مرد مفلوج كدام جنبه از شخصيت مسيح آشكار گرديد؟

سؤال ۳) منظور عیسی چه بود وقتی گفت، " حصاد فراوان است ليكن كارگر كم " (۹: ۳۷)؟

سؤال ۴) در این فصل اشخاص مختلف چگونه به عیسی پاسخ دادند؟

قبل از ادامه گفتگو در <u>تمام گروه</u> در مورد هر يك از سؤالات مهم به مدت ۵ دقیقه در <u>گروه كوچك</u> كه شامل يك مسيحی و دوست او می‌گردد گفتگو كنيد.

۴ - <u>گفتگو</u>

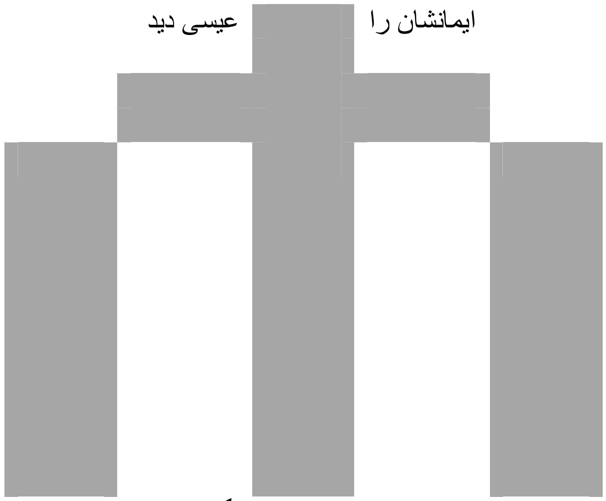
اكتشاف گروه كوچك را در میان گذاشته و مورد گفتگو قرار دهيد. سعی كنيد كه سؤالات را در كل گروه روشن سازيد. برای هر سؤال مهم و گفتگو ده دقيقه وقت صرف كنيد.

۵ - <u>خلاصه</u>

در پایان هر سؤال مهم و گفتگو در مورد آن، با استفاده از آنچه هر يك از اعضاء گروه در میان می‌گذارد پاسخ را خلاصه كنيد. در پایان جلسه گروه اكتشاف، با كشيدن يك تصوير كه حقايق اصلی موجود در متی ۹: ۱ - ۳۸ را نشان می‌دهد، اكتشافات را خلاصه كنيد سپس همه را برای جلسه بعدی گروه اكتشاف دعوت كنيد. اين تصوير خلاصه‌ای از متی ۹: ۱ - ۳۸ است.

مسیـــــح

ایمانشان را عیسی دید



خــــدا

انســـان واقــعاً بخشیده و شفــا یافته است.

بـا انجام تمـــام ایـــن چیـــزها عیسی نشـــان داد کـــه چـــه کسی است.

انسان

بـــعضی مـــردم مـــی‌دانند کــــه گناهکار هستند.
گناهان بخشیده نشده.
از نظـــر اجتماعی مطرود.
از نـــظر روانـــی بیمار.

بعضی مردم از نظر خودشـــان عادل هستند.

عیسی اقتدار دارد تا گناهان را ببخشد.
او واقعاً گناهان را می‌بخشد.
او معلولین را احیاء می‌کند.
او واقعاً بیماری را شفا می‌دهد.
او واقــعاً مردگان را قیام می‌دهد.

زندگی تازه خدا، قلبی نو می‌خواهد.

عیسی پرسید، " آیا ایمان دارید که این کار را می‌توانم کرد؟ "

۵	**دعا (۸ دقیقه)** **دعای در پاسخ به کلام خدا**

به نوبت در تمام گروه یا درحالیکه به گروه‌های دو یا سه نفری تقسیم شده‌اید با دعاهای کوتاه، حقایقی را که امروز یاد گرفته‌اید به حضور خدا بیاورید.

۶	**تکلیف منزل (۲ دقیقه)** **برای درس بعدی**

(**سر گروه:** رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

۱- تعهد - متعهد باشید به اینکه شاگردان بسازید.
تعلیم " گروه اکتشاف " را برای یکدیگر، برای شخصی دیگر یا برای جمعی از مردم موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید. دعا کنید و تصمیم بگیرید که آیا بایستی يك گروه اکتشاف را با بعضی اشخاص غیرمسیحی شروع کنید.
۲- رازگاهان - هر روز نیمی از يك فصل از قسمت یوشع ۵: ۱۳ - ۸: ۳۵ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
۳- بررسی کتاب مقدس – درس بعدی بررسی کتاب مقدس (اول تیموتائوس ۶: ۳ - ۱۹- پول در دنیا) را در خانه آماده کنید. از روش ۵ قدم بررسی کتاب مقدس استفاده کنید و یادداشت بردارید.
۴- دعا - این هفته برای یک شخص یا موضوعی خاص دعا کنید و شاهد کارخدا در آن مورد باشید (مزمور ۵: ۳).
۵- آموخته های جدید در مورد شاگردسازی را وارد دفتر(یا پوشه) خود کنید. از تمام یادداشتهای خود در مورد پرستش، رازگاهان، یادداشتهای تعلیمی و این تکلیف منزل يك دفتر(یا پوشه) درست کنید.

درس ۳۸

۱	دعا

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره شاگردسازی را به حضور خداوند بیاورید.

۲	درمیان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه) یوشع

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (یوشع ۵: ۱۴ - ۸: ۳۵)، با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان میگذارد، بحث نکنید.

۳	تعمق و حفظ کردن (۲۰ دقیقه) خداوندی - رومیان ۱۲: ۱ - ۲

الف - تعـــمق

بخوانید: رومیان ۱۲: ۱ - ۲

محل این آیه حفظی را روی پشت یک کارت یا صفحه بنویسید:

خداوندی رومیان ۱۲: ۱ - ۲
" بنابراین، ای برادران، شما را به رحمتهای خدا استدعا می‌کنم که بدنهای خود را قربانی زنده مقدس پسندیده خدا بگذرانید که عبادت معقول شما است. و همشکل این جهان مشوید بلکه به تازگی ذهن خود صورت خود را تبدیل دهید تا دریافت کنید که اراده نیکوی پسندیده کامل خدا چیست ". رومیان ۱۲: ۱ - ۲

۱ - <u>پایه و اساس برای قربانی کردن</u>

این قسمت با کلماتی مثل " بنابراین ... به رحمتهای خدا " شروع می‌شود. این کلمات مربوط به آنچه است که در رومیان فصلهای ۱ - ۱۱ نوشته شده است. مسیحیان می‌توانند بدنهای خود را مثل قربانی زنده به خدا تقدیم کنند. چون در ابتدا، خدا تنها و یگانه پسر خود را به خاطر ما بخشید. خدا هرگز از مسیحیان نمی‌خواهد که تعهدی را بپذیرند مگر اینکه او خودش به مسیحیان قدرت پذیرفتن آن مسئولیت را داده باشد. نخست خدا مسیح را به نفع ما قربانی کرد، پس او نیز از ما می‌خواهد که خودمان را به خاطر او قربانی کنیم.

۲ - <u>وقف بدنهایمان</u>

بخوانید: رومیان ۱۲: ۱ ؛ ۶: ۱۲ - ۱۳، ۱۹

الف) <u>بدنها</u>
در اینجا منظور از " بدنهایمان " فقط بدن جسمانی نیست. بلکه شامل تمام وجود و شخصیت ما است. چون جسم ما و اعضای آن تجلی وجود و شخصیت ما هستند. اعضای بدن ما فقط ابزاری هستند که ما با آنها اهداف خدا را انجام می‌دهیم. در این زندگی، جسم و روح ما یك اتحاد را تشکیل می‌دهند و جداناپذیر می‌باشند. جان ما، دم حیات یا اصل

حیات‌بخش درون ما و عنصر غیرمادی و نادیدنی طبیعت انسانی ما است بخصوص در ارتباط با جسم و زندگی ما بر روی زمین. مشابه روح ما است که آن هم عنصر غیرمادی و نادیدنی طبیعت انسانی ما است اما بخصوص در ارتباط با خدا.

ب) قربانی زنده
در عهد عتیق تمام قربانی‌ها حیوان بودند اما در عهد جدید این قربانی‌ها، انسان هستند و حیوانی نمی‌باشند. در عهد عتیق همه قربانی‌ها کشته می‌شدند اما در عهد جدید این قربانی‌های انسانی بایستی زنده بمانند و نمیرند. در عهد عتیق قربانی‌های حیوانی را به صورت دوره‌ای تقدیم می‌کردند اما در عهد جدید این قربانی‌های انسانی را بایستی دائماً تقدیم نمود و نه به صورت دوره‌ای. خدا احتیاجی ندارد که قومش خود را برای او بکشند بلکه برای او زندگی کنند. به هر حال قربانی کردن زندگیمان برای خدا فقط در صورتی امکان‌پذیر است که ما زندگی جدیدی در مسیح داشته باشیم. طبیعت کهنه ما نمی‌خواهد بمیرد. می‌خواهد از گناه لذت ببرد و خواهشهای خـودخواهانه خود را انجام دهد. می‌خواهد که بخورد و بنوشد و شاد باشد (اول قرنتیان ۱۵: ۳۲) و هر نوع لذت را برای خود داشته باشد. طبیعت کهنه ما میخواهد برای خودش زندگی کند. وقتی عیسی مسیح می‌آید تا در قلب و زندگی ما زندگی کند طبیعت کهنه ما روی صلیب مصلوب می‌شود و بایستی آنجا بماند. روح عیسی مسیح در ما طبیعت تازه‌ای را خلق می‌کند که ما آن را بعنوان " تولد تازه " تجربه می‌کنیم. طبیعت جدید ما نگرش عیسی مسیح را دارد و دوست دارد که دارای زندگی فداکارانه و در خدمت عیسی مسیح و سایر مردم باشد.

پ) قربانی مقدس
کلمه " مقدس " به معنی جدا شده از شیطان و وقف به خدا است. کار روح‌القدس در ما باعث می‌شود که ما از گناه و انواع مختلف آن متنفر باشیم و خود را ملزم بدانیم که زندگی بی‌عیبی درمقابل چشمان خدا داشته باشیم.
تقدس در تمام ویژگی‌های خدا تجلی پیدا می‌کند. برای مثال، محبت خدا، مقدس است. جدا بودن مطلق از هر نوع گناه است. محبت خدا، خودخواه نیست، طرفداری نمی‌کند ونمی‌تواند همراه با فساد جنسی باشد. همچنین عدالت خدا، مقدس است. جدایی مطلق از هر نوع بی‌عدالتی است. این عدالت براساس قوانین ارزشهای مطلق است و به صورت مطلق عادلانه و منصفانه است. به همین ترتیب، راستی خدا، رحمت، امانت و سایر ویژگی‌های او تماماً مقدس است. و حالا خدا دوست دارد که ما مسیحیان نیز همین نوع تقدس را در زندگیمان نشان بدهیم. از طریق روح‌القدس او ما را قادر می‌سازد تا چنین زندگی مقدسی داشته باشیم.

ت) قربانی که خدا را خشنود می‌سازد.
کلمه " مقبول " به معنی این است که خدا آن را قلباً پذیرفته و آن قربانی خدا را خشنود می‌سازد. ما مسیحیان به هر جا که می‌رویم بایستی از خودمان این سؤال را بپرسیم " آیا این مکان و یا این اشخاصی که همراه من هستند خدا را خشنود می‌سازند؟ عیسی مسیح در چنین وضعیتی چه می‌کرد؟ " تنها راهی که می‌توانیم به وسیله آن به این سؤالات پاسخ بدهیم خواندن و بررسی مکرر کتاب مقدس است. خدا معمولاً مسیحیان را از طریق کتاب مقدس و روح‌القدس هدایت می‌کند تا زندگی ای داشته باشند که مقبول او باشد.

ث) عمل روحانی پرستش یا عمل روحانی خدمت
کلمه " روحانی " بهتر است که درست و صحیح ترجمه شود. پس وقتی که ما مسیحیان خودمان را به عنوان قربانی زنده مقدس و مقبول خدا به او تقدیم می‌کنیم آنچه را که درست و صحیح است از نظر خدا انجام می‌دهیم. این يك زندگی روحانی واقعی مسیحی است. يك مسیحی، نه وقتی که هیجان‌زده و احساساتی است، روحانی است بلکه وقتی تمام زندگی خود را به عنوان قربانی تقدیم خدا می‌کند. او روحانی است نه وقتی که در جلسات پرستشی مسیحی شرکت میکند بلکه بخصوص در تمام روزهای هفته.

۳ - وقف افکارمان
بخوانید: رومیان ۱۲: ۲

الف) به همشکلی با دنیا (همرنگ شدن با این دنیا) " نه " بگویید.
ما اجازه نمی دهیم که قالب و شکل الگوهای این دوران شیطانی را به خود بگیریم و یا خودمان را با آنها وفق بدهیم. ما اجازه نمیدهیم که دنیای شیطانی ما را به صورت قالب خودش دربیاورد. مسیحیان واقعی از همرنگ شدن با تمامی جریانات شیطانی اجتناب می‌کنند: فلسفه‌های مبتنی بر انکار خدا، مذاهب دروغین، فساد جنسی، دوستان بد، گفتگوهای مخرب، مجله‌های کثیف، فعالیتهای سؤال برانگیز، لباسهای وسوسه‌کننده، سـیاستهای افراطی، استفاده از داروهای مخدر، ورزشهای شدید و غیره. مسیحیان واقعی در مقابل هر گونه تأثیرات شیطانی مقاومت می‌کنند. همرنگ شدن با شیوه و رفتار سایر مردم قدرت شدیدی است که می‌تواند ما را از خدا به سمت زندگی که او را ناراضی می‌کند بکشاند. ما نباید دیگر اجازه بدهیم که جذابیت‌های شیطانی دنیا یا همرنگ شدن با آن ما را شکل بدهند. حرف زدن به زبانی فاسد

یا بی بندوبار را کنار بگذاریم. خواندن یا گوش دادن موسیقی غیراخلاقی و فاسد را ادامه ندهیم. خواندن کتابها یا مجله‌های قبیح را کنار بگذاریم. لباسهای وسوسه‌کننده را نپوشیم. در فعالیتهای سؤال برانگیز شرکت نکنیم. با دوستان دنیوی خود ارتباط صمیمانه برقرار نکنیم.

ب) به تغییرات درونی خود نسبت به اراده خدا " بله " بگویید.
ما خودمان را تسلیم احیای مداوم افکارمان می‌سازیم. در حالیکه همرنگ شدن با پیروی از الگوهای ظاهری مردم شروع می‌شود، تغییر و تبدیل نیز با تغییر درونی یا تبدیل افکار انگیزه‌ها و نگرش‌ها براساس اراده خدا آغاز می‌شود. این تغییر هنگامی آغاز می‌شود که ما خود را تسلیم همکاری با کلام خدا و روح خدا بسازیم. تغییر درونی که سرانجام خود را به صورت تغییری بیرونی متجلی می‌سازد بهترین شیوه زندگی است که خدا را خشنود می‌سازد.

۴ - وعده خدا برای قربانی کردن

پنج شرط کلیدی برای کشف کردن و قدم زدن در اراده خدا وجود دارند.
الف) یوحنا ۱۵: ۵ * خود را وادار کنید که رابطه شخصی و صمیمانه‌تان را با خدا حفظ کنید.
ب) لوقا ۶: ۴۶ - ۴۹ * از اراده آشکار، مکشوف و مقتدر خدا در کتاب مقدس اطاعت کنید.
پ) رومیان ۸: ۲۸ * بنا به اقتضای شرایط، تسلیم اراده مکشوف نشده و مقتدر خدا شوید.
ت) رومیان ۱۲: ۲ * با فکری که احیاء شده است تبدیل شوید. پس ما بایستی از چیزهایی مشخص اجتناب کنیم. چیزهای شیطانی مشخصی را کنار بگذاریم و انجام کارهای مشخص خوبی را آغاز کنیم.
ث) رومیان ۱۲: ۱ * تصمیمات فداکارانه بگیریم. به جای اینکه اغلب به نفع خودمان تصمیم بگیریم در پی علائق دیگران باشیم. به جای اینکه با هزینه خانواده پیشرفت شغلی کسب کنیم خودمان را وقف وظایف خانوادگی خود بسازیم. به جای اینکه به انسانهای مذهبی، قدرتمند و ثروتمند علاقه نشان دهیم بهتر است که فقرا، معلولین و مظلومین را به زندگی خود دعوت کنیم (لوقا ۱۴: ۱۲ - ۱۴).

ب - حفظ کردن و مرور

۱- **بنویسید:** آیه کتاب مقدس را روی یك کارت سفید یا یك صفحه از دفترچه یادداشت خود بنویسید.
۲- **حفظ کنید:** آیه کتاب مقدس را به روش صحیح حفظ کنید. خداوندی: رومیان ۱۲: ۱ - ۲
۳- **مرور کنید:** به گروههای دو نفری تقسیم شوید و آخرین آیه حفظی را از یکدیگر بپرسید.

۴	**بررسی کتاب مقدس (۷۰ دقیقه)** **پول در دنیا**

با استفاده از روش ۵ قدم بررسی کتاب مقدس، اول تیموتاؤس ۶: ۳ - ۱۹ را با یکدیگر بررسی کنید.

قدم ۱: بخوانید
بخوانید: اول تیموتاؤس ۶: ۳ - ۱۹ را با هم بخوانیم.
هر یک به نوبت یك آیه را بخواند تا تمام قسمت خوانده شود.

قدم ۲: کشف کنید
توجه کنید: چه حقیقتی در این قسمت برای شما مهم است؟ یا کدام حقیقت در این قسمت ذهن یا قلب شما را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟
بنویسید: یك یا دو حقیقتی را که درك می‌کنید، کشف نمایید، در مورد آنها فکر کنید و افکارتان را در دفترچه یادداشت خود بنویسید.
در میان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی به اعضاء گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد، به نوبت برکاتشان را با هم درمیان بگذارند). به نوبت برکات خود را از نکاتی که کشف کرده‌ایم با یکدیگر درمیان بگذاریم.
(موارد زیر مثال دو شخصی است که برکاتشان را با یکدیگر درمیان می‌گذارند. به خاطر داشته باشید که در هر گروه کوچك اعضای آن گروه نکات مختلفی را با هم درمیان می‌گذارند که نباید لزوماً یکسان باشند).

<u>کشف ۱)</u> يك حقيقت مهم از نظر من در اول تيموتاؤس ۶: ۸ می‌باشد. <u>خداپرستی با قناعت سود عظیمی است</u>. قبلاً فكر می‌كردم كه پول درآوردن بيشتر، سود عظيمی است اما حالا می‌بينم كه خداپرستی و قناعت سود عظيم‌تری از پول و ثروت است. می‌خواهم اين را كشف كنم كه چگونه قانع باشم و چگونه با خدا زندگی كنم.

<u>کشف ۲)</u> يك حقيقت مهم از نظر من در اول تيموتاؤس ۶: ۱۸ - ۱۹ می‌باشد. <u>آنچه مسیحیان می‌توانند بکنند.</u>
خواه پولدار باشم يا نباشم، بايستی پولم را برای دوران آينده يعنی برای ملكوت نگاه دارم. می‌خواهم بهترين سرمايه‌گذاری مالی را در ملكوت خدا را بيند وزم پس بايستی صادقانه گنج خود را در آسمان ذخيره كنم كه بی‌ارزش نمی‌شود و كسی نمی‌تواند آن را بدزدد.

<u>قدم ۳: سؤال</u>
توجه كنيد: در اين متن چه سؤالاتی در زمينه‌های مختلف وجود دارد كه مايليد در گروه آنها را بپرسيد؟
سعی كنيم تمام حقايق مربوط به اول تيموتاؤس ۶: ۳ - ۱۹ را درك كنيم و در مورد آنچه نمی‌فهميم سؤالهای خود را مطرح كنيم.
بنويسيد: تا آنجايی كه امكان دارد سؤالهای خود را واضح و صريح مطرح كنيد و سپس آنها را در دفترچه يادداشت خود بنويسيد.
درميان بگذاريد: (بعد از اينكه مدتی به اعضای گروه فرصت فكر كردن ونوشتن داده شد اجازه دهيد كه هركدام از افراد سؤال خود را برای ديگران مطرح سازد).
گفتگو كنيد: (سپس چند سؤال را از بين همه سؤالها انتخاب كنيد و سعی كنيد با گفتگو كردن در مورد آنها در گروه جوابی برايشان پيدا كنيد. در ادامه، نمونه سؤالاتی كه ممكن است شاگردان بپرسند و همچنين ملاحظاتی در رابطه با آن مباحث آمده است).

سؤال ۱) (اول تيموتاؤس ۶: ۵) . معلمين كاذب چگونه خداپرستی را به عنوان وسيله‌ای برای كسب سود بسيار می‌پنداشتند؟
ملاحظات: در طی قرن اول معلمين كاذبی وجود داشتند كه در آميختن عجيب حقيقت كلام خدا با تخيلات و افكار پريشان خود افراط می‌كردند. مشاجرات موشكافانه آنها با انديشه آنها در ارتباط با شريعت يهود و داستانهای افسانه وار نسب نامه‌های يهودی ارتباط داشت. آنها يكی از اسامی موجود در نسب‌نامه پيدايش يا كتاب تواريخ انتخاب می‌كردند و در مورد آن يك داستان زيبا می‌ساختند. اين كار قسمتی از تعاليم هميشگی كنيسه‌های يهودی بود و بعدها در دست نوشته‌های يهودی به نام تلموذ ثبت گرديد. آنها از طريق تعاليم كاذبشان تجارت مالی عظيمی بوجود آوردند. آنها نخست نمايشی از مذهبشان را اجراء كردند تا بسياری از مردم از وجود آنها اطلاع يافتند. سپس دوره‌های مذهبی را تنظيم كرده و برای دستورالعمل‌های خود دست مزدهای گزافی را تعيين نمودند. بدين ترتيب آنها از آنچه خداپرستی می‌ناميدند به عنوان وسيله‌ای برای پولدار شدن سوءاستفاده كردند. اين گروه معلمين كاذب، مذهب خود را به مردم می‌فروختند. در روزگار ما هنوز چنين معلمينی بسيار فعال هستند. آنها باز هم مذهب خود را به مردم می‌فروشند. هر جايی كه دوره‌های مذهبی ارائه می‌كنند اين انتظار را دارند كه مردم در عوض، دست مزدهای گزافی به آنان پرداخت كنند. ساير گروههای معلمين كاذب موجود در دنيا وفاداری مردم را با پول می‌خرند و يا سعی می‌كنند با هدايا به مردم رشوه بدهند. برای مثال به مردم می‌گويند، " اگر به مذهب ما ملحق شويد، به شما تلويزيون و يا كار می‌دهيم ". از تمام گروههای كاذب مذهبی برحذر باشيد. مكاشفه ۲۱: ۸ می‌گويد كه مكان تمام دروغگويان درياچه آتش خواهد بود كه به آتش و كبريت افروخته شده است.

سؤال ۲) (اول تيموتاؤس ۶: ۱۰) <u>چرا عشق به پول، ريشه همه بديها خوانده شده است؟</u>
ملاحظات: خود پول ريشه تمام بديها نيست اما طمع مردم نسبت به آن، ريشه بدی است. عشق به پول تنهـــا ريشه همه بـــديها نيست، بلكه تلخی و مرارت نيز می‌تواند باعث آلودگی بسيار گردد (عبرانيان ۱۲: ۱۵).
در كتاب مقدس می‌خوانيم كه چطور طمع پول باعث بدی بسيار می‌گردد. در مرقس ۱۰: ۲۱ - ۲۲ مرد جوان ثروتمند از پيروی عيسی مسيح صرفنظر می‌كند زيرا او ثروتش را بيش از عيسی مسيح دوست می‌داشت. در لوقا ۱۶: ۱۹ - ۳۱، مردم ثروتمند از مهربانی در حق مرد فقير يعنی ايلعازر غفلت می‌كند. او مرد و به خاطر خودخواهی‌اش به جهنم رفت. در لوقا ۲۲: ۱ - ۶ يهودا به خاطر پول توافق می‌كند تا به عيسی خيانت كند. او بعدها مرتكب خودكشی می‌شود. در اعمال ۵: ۱ - ۱۱، حنانيا و سفيره در مورد ثروت خود دروغ می‌گويند و افتاده می‌ميرند. در يعقوب ۵: ۱ - ۶ بعضی از ثروتمندان، ثروت خود را برای خودشان می‌اندوزند، دارای شيوه زندگی تجملی می‌باشند و تن‌پرور هستند در حاليكه فراموش می‌كنند كه دستمزد كاركنانشان را بپردازند. حتی برای اينكه پولدارتر شوند انسانهای بيگناه را می‌كشند. يعقوب هشدار می‌دهد كه آنها در پايان زندگيشان، به جهنم خواهند افتاد.
عشق به پول باعث شده است كه بسياری به خاطر پول با شخصی ازدواج كنند و در نتيجه گرفتار بسياری از مشكلات زناشويی گردند. طمع پول باعث شده است كه بسياری از تاجران به فريب و رشوه متوسل شده و تباه گردند. عشق به پول باعث شده است كه سياستمداران دروغ بگويند، رسوايی‌های مالی به بار آورند و حتی برای اينكه پولدارتر شوند

کشورشان را تباه ساخته‌اند. طمع پول باعث شده است که بسیاری از مردم دزدی کنند دیگران را غارت کنند و مرتکب قتل شوند. مطمئناً عشق به پول ریشه همه بدیها است.

سؤال ۳) <u>پول چه تأثیری بر زندگی شما دارد؟</u>
ملاحظات:
الف) <u>پول نمی‌تواند هرگز شما را ارضاء کند.</u>
در جامعه ۵: ۱۰ - ۱۷ می‌خوانیم، " آنکه نقره را دوست دارد از نقره سیر نمی‌شود و هر که توانگری را دوست دارد از دخل سیر نمی‌شود ... چون نعمت زیاد شود خوردندگانش زیاد می‌شوند ... سیری مرد دولتمند، او را نمی‌گذارد که بخوابد ". پول هرگز نمی‌تواند شما را ارضاء کند هرگز به زندگی شما آرامش نمی‌بخشد.

ب) <u>پول می‌تواند کلام خدا را در زندگی شما خفه کند.</u>
در مرقس ۴: ۱۸ - ۱۹ می‌خوانیم که برزگر که تخمها را می‌کارد بعضی از تخمها را میان خارها می‌اندازد. این حالت بیانگر انسانهایی است که کلام خدا را می‌شنوند اما نگرانی‌های زندگی، فریب ثروت و خواهش چیزهای دیگر وارد می‌شوند و کلام را خفه یعنی بی‌ثمر می‌سازد. پول و ثروت می‌توانند کلام خدا را در زندگی شما خفه سازد یعنی کلام خدا اصلاً در زندگی شما تأثیری نخواهد داشت.

پ) <u>پول باعث می‌شود که شما اولویت‌های اصلی زندگیتان را فراموش کنید.</u>
در لوقا ۱۲: ۱۳ - ۲۱ در مورد مرد ثروتمندی می‌خوانیم که املاکش محصول فراوان آورد. او تصمیم گرفت که انبار بزرگی بسازد و محصولاتش را در آن ذخیره کند تا سپس خیالش آرام بگیرد. او به خود گفت، " اموال فراوان اندوخته شده به جهت چندین سال داری. اکنون بیارام و به اکل و شرب و شادی بپرداز ". اما خدا به او گفت، " ای احمق. در همین شب جان تو را از تو خواهند گرفت. آنگاه آنچه اندوخته‌ای از آن که خواهد بود؟ ". این اتفاق برای هرکس که برای خود می‌اندوزد و برای خدا غنی نیست می‌افتد. پول و ثروت می‌توانند باعث شوند که شما اولویت‌های نخست زندگی خود یعنی محبت و خدمت کردن خدا، را فراموش کنید.

ت) <u>پول می‌تواند باعث شود شما بت‌پرست شوید.</u>
درمتی ۶: ۲۴ می‌خوانیم که هیچکس نمی‌تواند دو آقا را خدمت کند زیرا یا از یکی نفرت دارد و با دیگری محبت و یا به یکی می‌چسبد و دیگر را حقیر می‌شمارد. محال است خدا و ممونا، یعنی بت پول، را خدمت کنید. پول و ثروت می‌تواند شما را بت‌پرست سازد و کاری کند که شما بت پول را خدمت کنید.
به طور خلاصه، پول و ثروت می‌توانند تأثیر بدی بر روی يك مسیحی بگذارد. بعد خواهیم دید که چگونه مسیحیان می‌توانند از پول برای داشتن تأثیری مثبت استفاده کنند.

سؤال ۴) <u>منظور از تباهی چیست؟</u>
تباهی یعنی بدست آوردن پول و ثروت از طریق شرارت‌آمیز و استفاده از آن برای انجام شرارت است. برای مثال وقتی دزدی یا چپاول می‌کنید، تباه شده‌اید (لاویان ۱۹: ۱۱ - ۱۳). وقتی پولی را که قرض گرفته‌اید پس نمی‌دهید، تباه شده‌اید (مزمور ۳۷: ۲۱). وقتی از پرداخت دستمزد کارکنانتان خودداری می‌کنید، تباه شده‌اید (یعقوب ۵: ۴). تباه شده‌اید وقتی که متقلب و فریبکار هستید (تثنیه ۲۵: ۱۳ - ۱۵). تباه شده‌اید وقتی که با بی‌عدالتی پول یا هر چیز دیگر را می‌اندوزید (امثال ۱۱: ۲ ؛ ۱۶: ۸). پول درآوردن از طریق فروش بلیطهای بخت‌آزمایی، قماربازی یا شرطبندی نمونه‌هایی از گنج‌های نامشروع یا سود غیرمنصفانه می‌باشند. تباه شده‌اید وقتی رشوه می‌دهید و رشوه می‌پذیرید (امثال ۱۷: ۸ ، ۲۳).
مسیحیان بایستی بدانند که هر نوع رشوه فساد و تباهی است. تباه شده‌اید وقتی که براساس روابط برای سودجویی کادو می‌دهید یا کادویی بزرگ هدیه می‌کنید که همراه با يك معامله تجاری باشند. تباه شده‌اید وقتی که به يك قاضی یا یکی از اعضاء هیئت قضایی پول می‌دهید تا در يك دادگاه قانونی در موردی به نفع شما رأی دهند یا يك حریف منفور را به نفع شما کنار بگذارند. تباه شده‌اید وقتی که به ربا خواری علاقه‌مند شوید (امثال ۲۸: ۸). تباه شده‌اید وقتی مردم را مجبور می‌کنید به شما پول بدهند (جامعه ۷: ۷). تباه شده‌اید وقتی از رستورانها، مغازه‌ها و مراکز تجاری باج می‌گیرید. تباه شده‌اید در صورتی که سیگار قاچاق یا مواد مخدر می‌فروشید. تباه شده‌اید وقتی که نسخه‌های جعلی یا مدارك تحصیلی جعلی می‌فروشید. تباه شده‌اید وقتی پول جعلی یا کارت‌های اعتباری چاپ می‌کنید. اگر از پرداخت مالیات خود طفره می‌روید تباه شده‌اید و غیره.

ب) <u>مجازات تباهی</u>
خدا از فساد و تباهی متنفر است. خدا یقیناً فریب و فساد را مجازات خواهد کرد. برای انسانهایی که رشوه می‌دهند و می‌گیرند و تباه شده‌اند چه اتفاقی خواهد افتاد؟ کتاب مقدس به هر شخص تباه و فاسد هشدار می دهد که او در معرض خطری جدی است. وقتی او رشوه می‌دهد و یا رشوه می‌گیرد از نظر خدا، او از نظر اخلاقی فاسد و گناهکار است با حمایت از مجرمین و تحت فشار قرار دادن اشخاص بی‌گناه، او برای خانواده خودش مشکلاتی را به بار خواهد آورد. او

باعث خرابی کشور، شهر و کلیسای خود خواهد شد. بدترین مجازات این است که خدا او را لعنت خواهد کرد (تثنیه ۲۷: ۲۵). خدا خانواده و دارایی او را نابود خواهد کرد (ایوب ۱۵: ۳۴) و سرانجام او را به آتش جهنم خواهد انداخت چون او باعث گناه کردن سایر انسانها شده است (متی ۱۸: ۷ - ۹).

سؤال ۵) (اول تیموتاؤس ۶: ۶ - ۱۲). <u>شیوه زندگی يك مسيحی معمولی چگونه باید باشد؟</u>
ملاحظات:

الف) <u>مسیحیان بایستی در هر شرایطی قانع باشند.</u>
خواهش و آرزوی پولدار شدن به خداپرستی آسیب می‌زند و حتی آن را از بین می‌برد. اما قناعت به آنچه دارید باعث رشد یک زندگی خداپسندانه می‌شود. مسیحیان بایستی به خاطر داشته باشند که هنگام تولد چیزی با خود به این دنیا نمی‌آورند. همچنین وقتی می‌میرند نیز با خود چیزی به همراه نمی‌برند. پس پول يك دارایی موقتی است. پس مسیحیان به منظور افزایش خداپرستی خود بایستی در مورد نحوه استفاده از پول در دوران کوتاه زندگی خود فکر کنند. مسیحیان نباید هرگز دوست داشته باشند پول خود را بیشتر کنند بلکه بایستی دوست داشته باشند از هر آنچه خدا به آنها داده است برای گسترش ملکوت خدا استفاده کنند (اول تیموتاؤس ۶: ۱۷ - ۱۹). مسیحیان بایستی کاملا از این قانع باشند که از نیازهای اولیه زندگی برخوردار هستند یعنی غذا برای خوردن و لباس برای پوشاندن بدن خود.

ب) <u>مسیحیان بایستی از عشق به پول فرار کنند.</u>
مسیحیان دیگر قوم " ممونا " (بت پول) نیستند بلکه " قوم خدا ". آنها قوم مطیع فرامین خدا هستند و نه مطیع قدرت پول. مسیحیان بایستی از چیزهایی که آنها را درگیر آموزه‌های غلط می‌کند، علائق سؤال برانگیز و غیرسالم، حسادت، نزاع، سخنان حیله‌گرانه، سوءظن‌های شریرانه، فساد، شرارت، طمع و عشق به پول بیشتر پرهیز کنند.

پ) <u>مسیحیان بایستی خواهان زندگی خداپسندانه باشند.</u>
مسیحـــیان بایستی به دنبال، در تعقیب و در جستجوی چیزهایی مثل عدالت، باخدایی، ایمان، محبت، تحمل و آرامی باشند (متی ۶: ۳۳)، صبر میوه امید است (اول تسالونیکیان ۱: ۳). ایمان وابستگی فعالانه به خدا و وعده‌های او است (عبرانیان ۱۱). ایمان، محبت و امید سه ویژگی کلیدی مسیحیان هستند (رومیان ۵: ۲ - ۵ ؛ اول قرنتیان ۱۳: ۱۳ ؛ غلاطیان ۵: ۵ - ۶ ؛ افسسیان ۴: ۲ - ۵ ؛ کولسیان ۱: ۴ - ۵ ؛ اول تسالونیکیان ۱: ۳ ؛ ۵: ۸ ؛ عبرانیان ۶: ۱۰ - ۱۲).

ت) <u>مسیحیان بایستی به جنگ نیکوی ایمان بجنگند.</u>
کلمه جهد یا جنگ در اینجا در اصل مربوط به هر نوع تلاش ورزشی (اول قرنتیان ۹: ۲۵ ؛ عبرانیان ۱۲: ۱) یا مبارزه روحانی است (فیلیپیان ۱: ۳۰ ؛ اول تسالونیکیان ۲: ۲). ایمان، اعتماد فعالانه به خدا و وعده‌های او است. مسیحیان یکبار و برای همیشه حیات جاودانی را بدست آورند. وقتی عیسی آنها را دعوت می‌کند آن را بدست میآورند و نباید به خود اجازه بدهند که آن را ترك کنند.

ث) <u>مسیحیان بایستی مأموریتی را که دریافت کرده‌اند حفظ کنند.</u>
مأموریتی که تیموتاؤس در این نامه دریافت کرده است این است که در شیوه زندگی مسیحی و انجام دادن وظیفه‌اش به عنوان يك رهبر مسیحی در اداره کلیسا نمونه باشد. مسیحیان بایستی به خدمات خدادادی خود عمل کنند طوری که هیچکس نتواند آنها را به خاطر غفلت سرزنش کند.

سؤال ۶) (اول تیموتاؤس ۶: ۱۷ - ۱۹). <u>شیوه زندگی يك مسيحی ثروتمند چیست؟</u>
ملاحظات: ثروتمند بودن برای يك مسيحی نادرست نیست بلکه آرزو و خواهش ثروتمند بودن اشتباه است. برای يك مسيحی این اشتباه است که به دنبال پول باشد. برای يك مسيحی این نادرست است که از طریق هر فسادی پولدار شود. برای يك مسيحی این اشتباه است که بخواهد پولدار شود زمانیکه خدا بسیاری چیزها را به او داده باشد. مسیحیان ثروتمند بایستی بدانند که خدا همه این ثروتها را به آنها سپرده است چون او می‌خواهد آنها با ثروتهای او کاری را انجام دهند. خدا به مسیحیان ثروتمند خدمات خاصی را در ملکوت خود سپرده است.

الف) <u>چیزهایی که مسیحیان پولدار نباید انجام دهند.</u>
مسیحی ثروتمند نباید نسبت به ثروت خود بی‌تفاوت و از خود راضی باشند. نباید به خاطر اینکه ثروتمند هستند مغرور یا متکبر باشند. هرگز نباید به جای خدا وابسته به ثروت خود باشند.

ب) <u>چیزهایی که مسیحیان پولدار ممکن است انجام دهند.</u>
مسیحیان ثروتمند ممکن از آنچه خدا به آنها بخشیده است خوشحال باشند.
پ) <u>چیزهایی که مسیحیان پولدار باید انجام دهند.</u>

مسیحیان پولدار بایستی در انجام کارهای نیکو غنی باشند. بایستی بخشنده باشند و بخواهند که دیگران را در ثروت خود شریك بسازند. مسیحیان پولدار بایستی با در نظر گرفتن دوران آمدن مسیح گنج‌های خود را بیندوزند. این موضوع شرح می دهد که چرا کارهای خوب آنها و در میان گذاشتن ثروتشان با دیگران بایستی با توجه به ملکوت خدا انجام شود و نه فقط اهداف بشر دوستانه در دنیا. پس به مسیحیان ثروتمند یك مسئولیت خاص سپرده شده است. آنها باید با حکیمانه‌ترین شیوه، پول و ثروتشان را در ملکوت خدا مصرف کنند. برای مثال بایستی ثروت خود را با یك کلیسای مسیحی که در نیاز است درمیان بگذارند. در طی دوران یك قحطی، کلیساهای یونان مکادونیه از کلیساهای فلسطین حمایت کردند. مسیحیان ثروتمند همچنین می‌توانند از مبلغین، کار یا پروژه‌های رسالت تبلیغی حمایت کنند. امروزه این کار در بسیاری نقاط اتفاق می‌افتد.

سؤال ۷) <u>شیوه زندگی یك مسیحی که دارای مقامی عالی است چه می‌باشد؟</u>
ملاحظات: در دانیال ۶: ۴ - ۵ می‌خوانیم، " پس این دانیال به سایر وزراء و والیان تفوق جست زیرا که روح فاضل در او بود و پادشاه اراده داشت که او را بر تمام مملکت منصوب نماید پس وزیران و والیان بهانه می‌جستند تا شکایتی در امور سلطنت بر دانیال بیاورند اما نتوانستند که هیچ علتی یا تقصیری بیابند چونکه او امین بود و خطایی یا تقصیری در او هرگز یافت نشد ".
امروزه فساد و تباهی گسترش یافته است بخصوص بین بسیاری از تجار و حکمرانان دولتی و رهبران مذهبی. این فاسدان درحالیکه خودشان پولدار و قدرتمند می‌شوند برای مردم رنج و زحمتی ایجاد کرده اند که غیر قابل وصف است. از طرف دیگر بسیاری از آنها گرفتار و رسواء شده‌اند.
دانیال در چنین دنیایی زندگی کرد و جرأت نمود که متفاوت باشد. دانیال با آزاد بودن مطلق از هر نوع فساد، شایستگی خود را به عنوان یك مأمور دولتی نشان داد. این موضوع برای او شخصاً و برای شغل و موقعیت او مشکلات بزرگی به بار آورد. همکاران نقشه سقوط او را می‌کشیدند. آنها به ایمان او به خدا حمله کردند و آن را غیرقانونی شمردند و عاقبت او را به چاهی در مقابل شیران گرسنه انداختند. ولی با اینحال با وجود تمام این رنجها که او متحمل شد در آخر خدا، دانیال را محترم شمرد. پس کتاب مقدس، مسیحیان را تشویق می کند تا مثل دانیال باشند و شایستگی خود را به عنوان یك تاجر مسیحی، یك مأمور دولتی و به عنوان یك مسیحی در هر مقامی در دنیا نشان دهند. خود را به عنوان فردی درستکار و کاملاً قابل اعتماد نشان داده و هرگز نسبت به خدمت خود غفلت نکنند. جرأت داشته باشید که با فاسدان این دنیا تفاوت داشته باشید.

<u>قدم ۴: بکار ببرید</u>
توجه کنید: کاربرد چه حقایقی در این قسمت برای مسیحیان امکان‌پذیر است.
درمیان بگذارید و بنویسید: افکار خود را صریحاً با هم درمیان بگذارید و فهرستی از کاربردهای امکان‌پذیر براساس اول تیموتائوس ۶: ۳ - ۱۹ تهیه کنید.
توجه کنید: خدا از شما می‌خواهد کدامیک از کاربردهای امکان‌پذیر را تبدیل به یك کاربرد شخصی بکنید؟
بنویسید: این کاربرد شخصی را در دفترچه یادداشت خود بنویسید. کاربرد شخصی خود را بدون دغدغه با دیگران درمیان بگذارید. به یاد داشته باشید که افراد در هر گروه، کاربرد حقایق متفاوتی را پیدا می‌کنند و حتی از یك حقیقت کاربردهای متفاوتی می‌یابند.
(فهرست زیر، نمونه هایی از کاربردهای امکان‌پذیر در این قسمت از کتاب مقدس میباشند).

<u>نمونه هایی از کاربردهای امکان‌پذیر (اول تیموتائوس ۶: ۳ - ۱۹)</u>

- ۶: ۳ * از کسانی که آموزه غلط تعلیم می‌دهند پرهیز کنید. حتی آنها را به خانه خود دعوت نکنید (دوم یوحنا ۱۰- ۱۱).
- ۶: ۴ * از کسانی که اغلب دوست دارند در مورد کلمات بجنگند، نزاع می‌کنند و در سایر مسیحیان سوءظن ایجاد می‌کنند پرهیز کنید.
- ۶: ۵ * از کسانی که سعی می‌کنند از طریق مذهب خود پول بدست بیاورند اجتناب کنید.
- ۶: ۶ - ۸ * در صورتی که غذا برای خوردن و لباس برای پوشیدن و محلی برای زندگی دارید قانع باشید.
- ۶: ۹ - ۱۱ * هرگز عاشق پول نباشید. هرگز خود را وادار نکنید که پولدارتر شوید. از چنین آرزو و خواهشهایی فرار کنید.
- ۶: ۱۱ * از عدالت، باخدایی، ایمان، محبت و امید پیروی کنید.
- ۶: ۱۲ * مثل یك کشتی‌گیر جهد و مبارزه کنید تا اعتماد خود را به خدا و وعده‌های خدا حفظ کنید.
- ۶: ۱۴ * وفادارانه به مأموریتی که خدا به شما سپرده است متعهد باشید.
- ۶: ۱۷ * رهبران مسیحی بایستی به مسیحیان ثروتمند بگویند که به خاطر ثروت و یا قدرتشان متکبر نباشند.

- ۶: ۱۸ * رهبران مسیحی بایستی به مسیحیان ثروتمند بگویند که در انجام اعمال نیکو ثروتمند باشند و ثروت خود را با افرادی که واقعاً نیازمند هستند به مشارکت بگذارند.
- ۶: ۱۹ * رهبران مسیحی به ثروتمندان مسیحی بایستی بگویند که از پول و دارایی خود برای پیشبرد ملکوت خدا استفاده کرده و گنج خود را در آسمان بیندوزند.

نمونه هایی از کاربردهای شخصی

الف) می‌خواهم ناظر خوبی برای تمام دارایی‌هایی باشم که خدا در مواظبت از آنها به من اعتماد کرده است. می‌خواهم بخصوص نسبت به خوراك لباس و مسکن قانع باشم و می‌خواهم بقیه پول خود را صرف ملکوت خدا کنم. می‌خواهم از یك خانواده فقیر مسیحی که در همسایگی من هستند و همچنین از کسانی که انجیل را موعظه می‌کنند و کلیساهای مسیحی را بنا می‌کنند حمایت کنم.

ب) می‌خواهم در جامعه خود به عنوان یك مسیحی متفاوت باشم. می‌خواهم در ارتباط با پول درستکار باشم و در انجام وظایف خود هرگز غفلت نکنم. از دادن رشوه امتناع خواهم کرد و هیچگاه تحت هیچ شرایطی رشوه نخواهم پذیرفت. پولم را فقط به روشی کاملاً درست بدست خواهم آورد. می‌خواهم در انجام کارهای خوب غنی باشم و مشتاق شریك ساختن اشخاص نیازمند در اموال خود باشم. می‌خواهم با اشخاص شریر دنیا تفاوت داشته باشم و با شیوه زندگی کردنم خدا را جلال بدهم.

قدم ۵: دعا کنید
در مورد حقیقتی که خدا به ما در اول تیموتاؤس ۶: ۳ - ۱۹ آشکار کرده است، دعا کنیم.
(در دعای خود به آنچه که درطی این بررسی کتاب مقدس دریافت کرده اید، پاسخ دهید. تمرین کنید که در فقط یک یا دو جمله دعا کنید. بیاد داشته باشید که افراد در هر گروه، در مورد حقایق متفاوتی، دعا خواهند کرد.)

۵	**دعا (۸ دقیقه)** **دعای شفاعت**

به دعا کردن در گروه های دو یا سه نفری ادامه دهید. برای یکدیگر و مردم دنیا دعا کنید.

۶	**تکلیف منزل (۲ دقیقه)** **برای درس بعدی**

(**سرگروه:** رونوشت برنامه مطالعه کلام را بین اعضای گروه پخش کنید یا همانجا آن را بخوانید تا همه در دفترچه یادداشت خود بنویسند).

۱- تعهد - متعهد باشید به اینکه شاگردان بسازید.
آموخته های بررسی کتاب مقدس در ارتباط با اول تیموتاؤس ۶: ۳ - ۱۹ را برای یکدیگر، برای شخصی دیگر یا برای گروهی از مردم موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
۲- رازگاهان - هر روز نیمی از یك فصل را از قسمت روت ۱ - ۴ بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
۳- حفظ کردن - آیه شاگردی ۱- خداوندی - رومیان ۱۲: ۱ - ۲ را حفظ کنید. هر روز آخرین ۵ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.
۴- دعا - در ایـــن هفته برای شخص یا موضوعی خاص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ۵: ۳).
۵- آموخته های جدید درمورد شاگردسازی را وارد دفتر(یا پوشه) خود کنید. از تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگاهان، آیات حفظی، بررسی کتاب مقدس و این تکلیف منزل یك دفتر(یا پوشه) درست کنید.

درس ۳۹

۱	دعا

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره شاگردسازی را به حضور خداوند بیاورید.

۲	پرستش (۲۰ دقیقه) گوش دادن به صدای خدا

موضوع: پرستش به عنوان گوش دادن به صدای خدا

در این درس می‌آموزیم که چطور پرستش خود را با گوش کردن به صدای خدا ابراز کنیم.

۱ - <u>**سعی کنید صدای خدا را بشنوید.**</u>
پرستش نه فقط سرود خواندن و دعا کردن بلکه گوش کردن به صدای خدا هم هست. پرستش، عملاً و آگاهانه سکوت کردن به منظور شنیدن صدای خداست.

الف) پرستش، گوش کردن به کلام خدا با تمرکزی بسیار است وقتی که آن را می‌خوانید و می‌شنوید.
ب) پرستش توجه کردن به سخنانی است که روح خدا در فکر و قلبتان می گوید.
پ) پرستش توجه کردن دقیق به عمل خدا در زندگیتان است.
پس پرستش توجه دقیق و سعی در درك آن چیزی است که خدا می‌خواهد به شما بگوید.

۲ - <u>**سعی کنید حقیقت را تمیز دهید.**</u>
یکی از جنبه‌های مهم گوش کردن تمیز دادن بین حقایق و دروغ است. درحالیکه روحی شریر با شخصی شـــریر ممکن است دروغی را مانند مشعلی شعله‌ور در ذهـن و یا جان شما روشن کند (افسسیان ۶: ۱۶)، روح خدا فقط حقیقت را به شما می‌گوید و هرگز چیزی که خلاف کتاب مقدس باشد به شما نمی‌گوید (یوحنا ۱۶: ۱۳). پس خیلی مهم است که همیشه صدای روح خود را با کلام خدا در کتاب مقدس توسط مقایسه، امتحان کنیم. فقط کلماتی که کاملاً موافق کلمات کتاب مقدس هستند از خدا می‌باشند (اول یوحنا ۴: ۱ - ۶).
پرستش. بیایید در حالیکه این قسمت خوانده می‌شود با سکوت به منظور گوش کردن به صدای خدا او را بپرستیم. سعی کنید آنچه خدا می‌خواهد به شما بگوید را بشنوید (سرگروه لوقا ۶: ۲۰ - ۴۵ را به آرامی و با مکثی کوتاه بین آیات می‌خواند).

۳	درمیان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه) روت

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (روت ۱ - ۴) با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان میگذارد، بحث نکنید.

۴	تعلیم (۷۰ دقیقه) شخصیت مسیحی: روحی بخشنده

این بررسی در مورد يك ویژگی مسیحی است. چگونه می‌توان با مشکل تلخی برخورد کرد؟
همچنین ضمیمه ۲ را ملاحظه کنید: چگونه می‌توان با خشم مقابله کرد؟

الف - تلخی و علل آن

۱ - تلخی چیست؟

تعلیم دهید: تلخی یعنی روحی که نمی‌بخشد. تلخی نتیجه احساساتی مجروح است که شفا نیافته است. احساس خشم و سرزنش است نسبت به رفتاری اشتباه و یا بی‌عدالتی که واقعاً اتفاق افتاده یا شخص آنگونه فرض می‌کند. تلخی همیشه فکر را دچار مشکل می‌کند و مانع تشخیص و داوری صحیح نسبت به بعضی چیزها می‌شود.

۲ - چرا مردم تلخ می‌شوند؟

گفتگو کنید: چه دلیلی وجود دارد که شما ممکن است تلخ شوید.
ملاحظات:
الف) اعتمادی آسیب دیده.
بعد از اینکه مشکلات و صدمات خود را با دوستی معتمد درمیان گذاشتید ، این شخص به اعتماد شما خیانت کرده و در مورد مشکلات و جراحات شما با دیگران صحبت کرد.

ب) داوری غلط.
شاید حداکثر تلاش خود را کرده‌اید اما موفق نشده‌اید که انتظارات زیاد و درخواستهای غیرمنطقی دیگران را برآورده سازید. پس در مورد شما سوءتفاهم پیش آمده، مورد داوری غلط قرار گرفته و خوار و طرد شده‌اید.

پ) نـاامیـــدی.
شاید شخصی دیگر نتوانسته انتظارات زیاد شما را نسبت به خود برآورده سازد، او نتوانسته قول خـــود را نگه دارد و یا کیفیتی که شما انتظار داشته‌اید را ارائه کند و احساس می‌کنید فریب خورده‌اید.

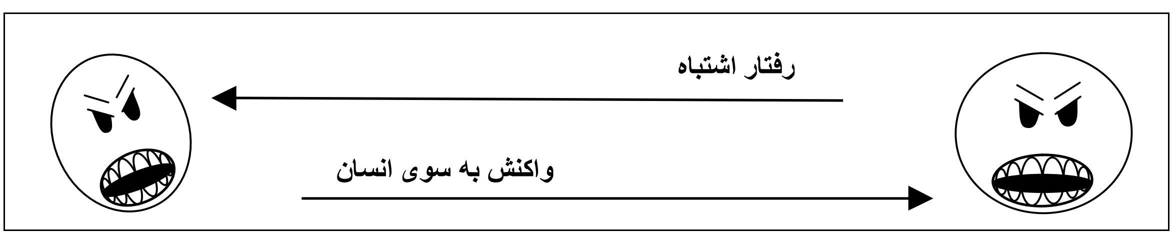
ت) سوء استفاده.
شاید شخصی دیگر به حقوق شما تجاوز کرده از خوبی شما و خدمات شما استفاده و یا از جسم و املاك شما سوءاستفاده کرده است.

ث) بـی‌عدالتـــی.
ممکن است با شما غیرمنصفانه رفتار کرده باشند. همسرتان شما را دوست نداشته باشد. فرزندانتان شما را طرد کنند. رئیستان به شما ارتقاء ندهد و یا معلمتان برای انجام کارتان شما را تائید نکند.

ج) سرکشـــی.
بعضی اوقات خدا شما را درموقعیتهای دشوار قرار می‌دهد تا شخصیت شما را بسازد و یا ملکوت خود را به پیش برد. ممکن است شما از رفتار خدا خشمگین شوید و شخصیت وبرنامه‌های او را زیر سئوال ببرید.

ب - واکنش نسبت به تلخی و نتایج تلخی

۱ - تصویری از واکنش بسوی انسان، نسبت به رفتار اشتباه



وقتی شما با رفتاری اشتباه مواجه می‌شود اغلب از جنبه طبیعی و افقی به قضیه نگاه می‌کنید. فقط شخص خاطی را می‌بینید که با بی‌عدالتی نسبت به شما رفتار کرده است. احساس می‌کنید که احساسات شما جریحه‌دار شده، خشمگین هستید و نسبت به او احساس تلخی می‌کنید. درنتیجه نسبت به شخص خاطی عکس‌العمل نشان می‌دهید. حتی ممکن است به او تهمت یا آسیب بزنید. انگیزه شما انتقام و جبران اشتباهی است که در حق شما کرده است. این روش رفتار اشتباه را به عنوان مهمترین مشکل به حساب می‌آورد و خدا در این اتفاق دخالت داده نمی‌شود.

۳ - نتایج تلخی در برابر رفتار اشتباه

بخوانید: متی ۶: ۱۵ ؛ عبرانیان ۱۲: ۵ - ۶ ، ۱۰ - ۱۱، ۱۴ - ۱۵
کشف و گفتگو کنید: در ارتباط با خدا، در ارتباط با سایر مردم و در ارتباط با خودتان، نتایج تلخی چیست؟
ملاحظات:

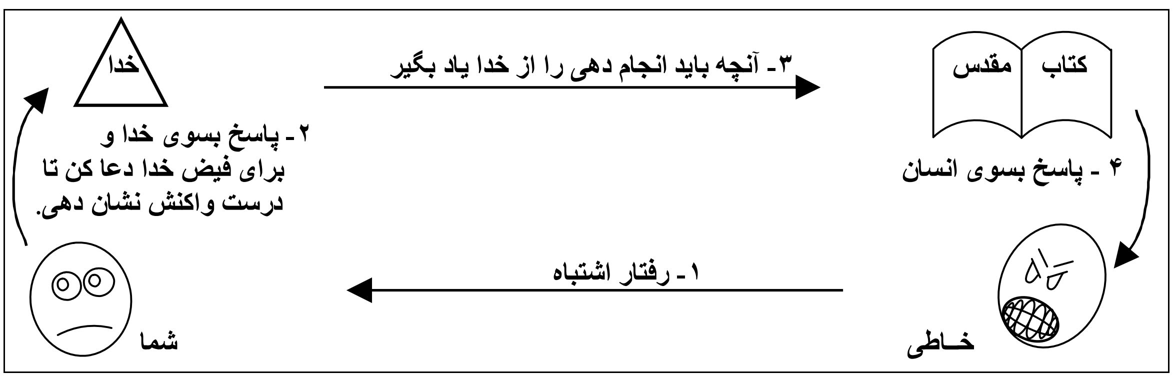
الف) تلخی بر ارتباط شما با خدا اثر میگذارد.
در ارتباط شما با خدا بیشتر و بیشتر فاصله ایجاد میشود. وقتی از فیض خدا برای بخشیدن و محبت کردن امتناع می‌کنید، فرصت بزرگی را برای رشد در تقدس و ثمر آوردن از دست خواهید داد.

ب) تلخی بر ارتباط شما با سایر مردم تأثیر می‌گذارد.
شما یا از مردم کنار می‌کشید و دوستانتان را از دست می‌دهید و یا ارتباطات خود را خراب می‌کنید." تلخی شما، مشکل ایجاد می‌کند و بسیاری را آلوده می‌سازد". شما مشکل‌آفرین می‌شوید. شخص خاطی را لعنت می‌کنید و به او ناسزا می‌گویید و سعی می‌کنید سایرین را در جانبداری کردن از خودتان در مورد آن مشکل دخالت دهید. اشخاصی که فقط زاویه دید شما را در مورد مشکل می‌شنوند، می‌توانند تلخی و درگیری شما را در همه جا پخش کنند. تلخی در کنار ریشه بسیاری از روابط از هم گسیخته و جدایی کلیساها قرار گرفته است.

پ) تلخی بر ارتباط شما با خودتان تأثیر می‌گذارد.
مانند سمی در روح، فکر و جسم شما است. کل وجود شما را مسموم می‌کند، تشخیص و داوری شما را منحرف می‌سازد، روحیه شما را خراب می‌کند، به احساسات شما آسیب می‌زند و قلب شما را سخت می‌سازد. شما را ظالم، انتقادگر، سنگدل، ناخوشایند و افسرده می‌کند.
به ارتباطات شما خاتمه می‌دهد و باعث می‌شود که شما شخص ناخوشایند و اغلب تنها باشید.

پ - برخورد با تلخی در مقابل رفتاری اشتباه

۱ - تصویری از واکنش بسوی خدا نسبت به رفتار اشتباه



وقتی با رفتاری اشتباه مواجه می‌شوید، می‌توانید با دید یك مسیحی به آن نگاه کنید یعنی از جنبه‌های فوق طبیعی و عمودی. در آنچه اتفاق افتاد دست خدا را می‌بینید. برای فیضش به او نگاه می‌کنید تا درست عکس‌العمل نشان دهید. از او انتظار دارید که از تجربیات دردناك به نفع شما استفاده کند. و در مورد آنچه باید انجام بدهید منجر به دعا کردن در حضور خدا و مطالعه کتاب مقدس و مصالحه با شخص خاطی می‌شود. دراین شیوه رفتاراشتباه آن شخص، بی‌اهمیت‌ترین جنبه ولی خدا و هدف او مهمترین می‌باشند.

۲ - تصویری از زندگی یوسف

الف) بدرفتاری نسبت به یوسف
کشف و گفتگو کنید. دیگران با یوسف چگونه رفتار کردند؟
۱) **بخوانید:** پیدایش ۳۷
ملاحظات: خانواده خودش با یوسف رفتاری اشتباه داشتند. برادرانش حسود بودند و رفتار ناشایسته‌ای با او داشتند و سرانجام نیز او را به عنوان برده فروختند. آنها به پدر خودشان به دروغ گفتند که حیوان وحشی یوسف را کشته است. یوسف سزاوار چنین رفتاری نبود. او قربانی بی‌گناه بی‌عدالتی خانواده خود بود.

۲) **بخوانید:** پیدایش ۳۹: ۱ - ۲۰
ملاحظات: ارباب یوسف با او رفتاری اشتباه داشت. همسر صاحب او سعی کرد که چندین بار یوسف را فریب دهد. چون یوسف دائماً او را رد می‌کرد، او به دروغ به یوسف تهمت زده و یوسف بدون محاکمه‌ای منصفانه به زندان افتاد. یوسف کاملاً بی‌گناه بود. با این وجود او قربانی بی‌گناه بی‌عدالتی ارباب خود بود.

۳) **بخوانید:** پیدایش ۴۰
ملاحظات: دوستان یوسف با او رفتار ناشایسته‌ای داشتند. در زمانی که آنها با او در زندان بودند یوسف به آنها کمک میکرد اما بعد کاملاً او را فراموش کردند. او سالهای بسیار فراموش شده و تنها در زندان ماند.

ب) رنج یوســف
بخوانید: پیدایش ۳۷: ۲ ، ۴۱ - ۴۶
کشف و گفتگو کنید: یوسف چه مدت به خاطر رفتار ناشایسته دیگران رنج کشید؟
ملاحظات: یوسف به مدت طولانی در رنج بود. وقتی به صورت برده به مصریان فروخته شد، ۱۷ ساله بود و سرانجام وقتی آزاد شد، ۳۰ ساله. از طریق اتفاقات زنجیره‌ای جالبی یوسف آزاد شده و نخست وزیر مصر گردید. اما قبل از آن، به خاطر رفتار ناشایسته دیگران، ۱۳ سال را به عنوان برده و زندانی در یك کشور غریب گذراند.

پ) عکس‌العمل یوسف به سوء رفتار دیگران
بخوانید: پیدایش ۴۵: ۱ - ۱۱
کشف و گفتگو کنید: یوسف به سوء رفتار دیگران چگونه پاسخ داد؟ او به این اتفاقات چگونه نگاه کرد؟
ملاحظات: یوسف در برابر رفتار ناشایسته آنها به سمت خدا واکنش نشان داد. در طی قحطی بزرگ او گندم زیادی را در مصر ذخیره نمود (پیدایش ۴۱: ۴۷ - ۴۹). درحالیکه خانواده او در معرض گرسنگی بودند، پدرش برادرانش را برای خرید گندم به کنعان فرستاد. پس آنها بدون اینکه ماجرا را به یاد آورند در مقابل او ایستاده و از او غذا خواستند. یوسف آنها را شناخت ولی آنها او را به خاطر نیاوردند (پیدایش ۴۲: ۱ - ۸). سرانجام، یوسف خود را به برادرانش آشکار کرد و از آنها خواست که بدون اینکه بترسند به او نزدیك شوند.
او در مقابل آزاردهندگان خود به صورت افقی و با خشم و تهدید واکنش نشان نداد بلکه واکنش او عمودی و به سمت خدا بود. او چهار بار به برادرانش اطمینان داد که خدا او را پیشاپیش خانواده‌اش فرستاده تا زندگی آنها را نجات دهد. یوسف در بدرفتاری که متحمل آن شد، دست خدا را دید. در طی تمام این سالهای سخت، یوسف توجه خود را بر خدا متمرکز ساخت و نه به شرایط غیرمنصفانه و سخت. او از خدا آموخته بود که چگونه بر بدرفتاری دیگران پیروز شود و قربانی احساسات جریحه‌دار خود نگردد. مشکلات سخت اوتبدیل به امکانات خدا گردید.

ت) عکس‌العمل یوسف نسبت به آزاردهندگانش
بخوانید: پیدایش ۴۵: ۱۳ - ۱۵، ۲۱ - ۲۴، ۵۰: ۱۵ - ۲۱
کشف و گفتگو کنید: یوسف به برادرانش که نسبت به او رفتار ناشایسته نشان داده بودند چگونه واکنش نشان داد؟
ملاحظات: یوسف سرانجام واکنش صحیح را به سوی انسان از خود نشان داد. او برادرانش را بخشید. ملحق شدن او به برادرانش بایستی صحنه دلسوزانه‌ای بوده باشد، بغل کردن، بوسیدن، گریه کردن و حرف زدن با یکدیگر، احتمالاً اشکهای توبه و اشکهای شادی. او اشتباهات گذشته آنها را برعلیه آنها نگه نداشته بود. اشتباهات آنهارا ثبت نکرده بود. در نتیجه حتی در زمان غیبت آنها، و وقتی که او هنوز نتوانسته بود با آنها آشتی کند آنها را بخشیده بود و به خدا اجازه داده بود که هر نوع تلخی را از او دور کند. بعد از اینکه پدرشان مرد، برادرانش دوباره نگران شدند که شاید حالا او انتقام خود را از آنها بگیرد. ولی یوسف باز هم به آنها اطمینان داد و ثابت کرد که آنان را پذیرفته است. به جای تلخی و انتقام، یوسف فقط مهربانی و آرامی خود را نشان داد. احساسات جریحه‌دار او سالها قبل شفا یافته بود.

۳ - تعلیم کتاب مقدس در مورد رفتار ناشایسته

الف) نحوه نگاه کردن به تجربیات
بخوانید: رومیان ۸: ۲۸ ؛ فیلیپیان ۱: ۱۲ - ۱۴
کشف و گفتگو کنید: به رفتار ناشایسته‌ای که نسبت به شما انجام شده چگونه می‌توان نگاه کرد؟
ملاحظات: می‌توانید به آن رفتار اشتباه به عنوان چیزی که خدا به نفع شما یا به نفع دیگران به آن اجازه داده است نگاه کنید.
ب) نحوه واکنش نسبت به تجربیات
بخوانید: لوقا ۱۷: ۳ - ۴ ؛ اول پطرس ۲: ۲۱ - ۲۳
کشف و گفتگو کنید: بایستی چگونه نسبت به رفتار ناشایسته عکس‌العمل نشان دهید؟

ملاحظات: هرگز نباید به دنبال تلافی کردن یا انتقام بود بلکه بایستی خود را تسلیم خدایی کرد که داوری اش عادلانه است. عکس‌العمل خود را با پاسخ دادن به شخص آزاردهنده شروع نکنید بلکه ابتدا به خدا پاسخ دهید. از خدا بخواهید به شما فیض ببخشد تا مثبت احساس و فکر کنید، به شما قدرت تحمل تجربیات را ببخشد و به شما محبت بدهد تا شخص آزاردهنده خود را ببخشید. فقط بعد از اینکه خدا به شما یاد داد که چگونه نسبت به آزاردهنده خود پاسخ نشان بدهید بایستی نسبت به پاسخ دادن به او اقدام کنید.

پ) <u>نحوه برخورد با احساسات جریحه‌دار</u>
بخوانید: مزمور ۳۸
کشف و گفتگو کنید: با احساسات جریحه‌داری که هنوز در شما وجود دارند چگونه بایستی برخورد کرد؟
ملاحظات: در مورد احساسات و افکار خود کاملاً با خدا رو راست باشید. خشم، تلخی، درد و احساسات جریحه‌دار خود را علنا به خدا ابراز کنید. بعضی اوقات خدا بلافاصله احساسات جریحه‌دار شما را شفا می‌دهد. اما بعضی اوقات شفای او بیشتر به طول می‌کشد و احتیاج دارید که به دعا و بخشیدن ادامه دهید. وقتی بخشیدن را غیرممکن می‌بینید و یا احساسات مجروح شما ازبین نمی‌رود از یك یا دو نفر از دوستان خود بخواهید که در مورد این موضوع مرتب با شما دعا کند تا کاملاً بتوانید او را ببخشید و احساسات مجروح شما کاملاً شفا یابد (یعقوب ۵: ۱۶ ؛ اول یوحنا ۵: ۱۶).

ت) <u>نحوه نگریستن به اهمیت تجربیات</u>
بخوانید: رومیان ۵: ۲ - ۵ ؛ عبرانیان ۱۲: ۱۰ - ۱۱ ؛ یعقوب ۱: ۲ - ۴
کشف و گفتگو کنید: از تجربیات، چه منافعی را می‌توانید انتظار داشته باشید؟
ملاحظات: تجربیات باعث رشد صبر، شخصیت و تقدس شما می‌شود و زندگی شما را پرثمر و مفید می‌سازد. خدا از تجربیات استفاده می‌کند. او از زحمت کشیدن و حتی جفا نخست برای تغییر دادن شما استفاده می‌کند و بعد از شما شخصی می‌سازد که دگرگون کننده دیگران باشید، یعنی شخصی شوید که بتوانید شاگردان بسازید.

ث) **<u>کاربرد عملـی</u>**
۱) رفتاری ناشایسته را که مربوط به گذشته است در نظربگیرید. در صورتیکه لازم باشد، اولویت را به مصالحه و آشتی بدهید. به خدا اجازه بدهید که احساسات جریحه‌دار و خاطرات دردناك شما را شفا دهد.
۲) تمرین کنید. دفعه بعد که با رفتاری نادرست مواجه شدید اجازه دهید که خدا از این اتفاق برای ساختن شخصیت شما استفاده کند.

۵	**دعا (۸ دقیقه)** **دعای در پاسخ به کلام خدا**

به نوبت در تمام گروه یا درحالیکه به گروه‌های دو یا سه نفری تقسیم شده‌اید با دعاهای کوتاه، حقایقی را که امروز یاد گرفته‌اید به حضور خدا بیاورید.

۶	**تکلیف منزل (۲ دقیقه)** **برای درس بعدی**

(**سر گروه:** رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

۱ - <u>تعهد</u> - متعهد باشید به اینکه شاگردان بسازید.
آموخته های درس " روح بخشیده " را برای یکدیگر، برای شخصی دیگر یا برای گروهی از مردم موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
۲ - <u>رازگاهان</u> - هر روز نیمی از یك فصل را از قسمت اول سموئیل ۹، ۱۰، ۱۲، ۱۴ بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
۳ - <u>بررسی کتاب مقدس</u> - درس بعدی بررسی کتاب مقدس (متی ۴: ۱ - ۱۱- وسوسه‌ها در دنیا) را در خانه آماده کنید. از روش ۵ قدم بررسی کتاب مقدس استفاده کنید و یادداشت بردارید.
۴ - <u>دعا</u> - در این هفته برای یك شخص یا موضوعی خاص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید. (مزمور ۵: ۳)
۵ - <u>آموخته های جدید</u> درمورد شاگردسازی را وارد دفتر(یا پوشه) خود کنید. از تمام یادداشت‌های خود در مورد پرستش، رازگاهان، یادداشتهای تعلیمی و این تکلیف منزل یك دفتر(یا پوشه) درست کنید.

درس ۴۰

۱	دعا

سرگروه: دعا كنيد و گروه خود و اين دوره شاگردسازی را به حضور خدا بياوريد.

۲	درميان گذاشتن بركات (۲۰ دقيقه) اول سموئيل

به نوبت و به طور خلاصه بركات يكی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (اول سموئيل ۹، ۱۰، ۱۲، ۱۴)، با ديگران **در ميان بگذاريد** (يا از روی يادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانيد**).
به كسی كه بركاتش را بازگو می‌كند گوش دهيد. به حرفهايش اهميت دهيد و او را بپذيريد، در مورد آنچه در ميان ميگذارد، بحث نكنيد.

۳	تعمق و حفظ كردن (۲۰ دقيقه) انكار خود - لوقا ۹: ۲۳

الف - تعمـــق

بخوانيد: لوقا ۹: ۲۲ - ۲۷

اين آيه حفظی را روی يک صفحه يا تخته سياه بنويسيد:

انكار خود لوقا ۹: ۲۳
اگر كسی بخواهد مرا پيروی كند می‌بايد نفس خود را انكار نموده صليب خود را هر روزه بردارد و مرا متابعت كند. لوقا ۹: ۲۳

۱- **خداوند شاگردان، خودش بايد رنج می كشيد، می مرد و قيام می كرد.**

اين قسمت، از نخستين جاهايی است كه عيسی رنج، مرگ و قيام خود را علناً پيش‌بينی می‌كند. بسياری از يهوديان در زمان عيسی از مسيحای موعود و نجات‌دهنده خود انتظار داشتند كه زندگی كند و بر دشمنانشان غلبه يابد. پس اين پيش‌بينی برای شاگردان مثل يك شوك وحشتناك بود. اما مرگ او توسط انبياء پيش‌بينی شده بود، و نمونه آن قربانی‌های عهد عتيق بوده و عيسی خودش آن را انتخاب كرد. در يوحنا ۱۰: ۱۱ می گويد، " من شبان نيكو هستم، شبان نيكو جان خود را در راه گوسفندان می نهد ". عيسی بايد آنچه می‌خواست انجام دهد را انجام دهد. مرگ او لازم بود (لوقا ۲۴: ۴۴ ؛ اعمال ۴: ۱۲) و تنها راهی بود كه خشم عادلانه خدا در مقابل گناه را فرو می‌نشاند و جريمه كامل گناهانمان را پرداخت می‌كرد. توجه كنيد كه حقيقتاً كسانی كه بايستی از منافع مذهبی اسرائيل دفاع می‌كردند نجات‌دهنده خود را مصلوب ساختند. مشايخ اسرائيلی اعضای سنهدرين بوده كه همه شامل خانواده‌های بسيار ممتاز و اشرافی اورشليم بودند. رئيس كاهنان و همينطور كاهن اعظم از اعضاء خانواده‌های بزرگ كاهنين بودند. معلمين شـــريعت، معلمين آموزش ديده و منصوب شده درعـــهد عتيق بودند. وظيفه آنها مطالعه، تفسير و انتقال آن بوده و آن را كپی كرده و شريعت را تعليم می‌دادند.

۲- **شاگرد بايستی خود را انكار كند.**

الف) پيروی از عيسی
عبارت " پيروی كردن " به معنی وصل شدن يكنفر به عيسی مسيح به عنوان شاگرد او است. صدها نفر وجود داشتند كه ظاهراً عيسی را پيروی می‌كردند به هر جا می‌رفت او را دنبال می‌كردند و به تعاليم او گوش می‌كردند و معجزات او را می‌ديدند . اما عيسی در اين آيه كاملاً آشكار ساخت كه او از يك شاگرد حقيقی چه انتظاری دارد.

ب) انکار خود
يك شاگرد واقعی در وهله اول خودش را انکار می‌کند. وقتی پطرس عیسی را انکار کرد گفت " او را نمی‌شناسم". اینجا انکار به معنی انتخاب " او را نشناختن " و یا گرفتن این تصمیم است که " به او تعلق ندارم ". انکار به معنی این است که یکبار و برای همیشه به خودتان " نه " بگویید. به معنی " نه " گفتن به طبیعت کهنه خودتان است یعنی طبیعتی که از فیض خدا به دور است یعنی نفسی که تولد تازه ندارد. وقتی خودتان را انکار می‌کنید تمامی اعتماد خود را به هرآنچه ذاتاً هستید ترك می‌کنید. اعتماد به حکمت، قدرت، توانایی‌ها، املاك و موقعیت خود را کنار می‌گذارید. در عوض وقتی خود را انکار می‌کنید برای نجات و زندگیتان فقط به خدا وابسته می‌شوید.
پس، انکار در ارتباط با هر آن چیزی است که شما برای نجات و زندگی درست به آن اعتماد می‌کنید، وابسته هستید، توکل و تکیه می‌کنید و به آن وابسته اید. انکار یعنی بازگشت از هر چیزی که گناه‌آلود است یعنی دوری از موضوعاتی که استقلال از خدا را بیان می‌کنند تا هر آنچه طغیان برعلیه خداست. نمونه‌های مربوط به انکار را در دوم قرنتیان ۸: ۹ ؛ متی ۴: ۱۹ - ۲۲، متی ۹: ۹ و فیلیپیان ۳: ۷ - ۸ ملاحظه کنید.

۳- **شاگرد بایستی صلیب خود را بردارد.**

برداشتن صلیب معمولاً تصویری از انسان محکوم است که به اجبار صلیب خود را تا محل اعدام حمل می‌کند. در حالیکه در اینجا معنی متفاوتی دارد. آنچه که شخص محکوم مجبور است انجام دهد، شاگرد عیسی مسیح با اختیار انجام می‌دهد. سهم خاصی که او به خاطر وفاداریش به مسیح و به خاطر مسیح خواهد پذیرفت این است که او داوطلبانه جفا، رنج، طرد شدن و خجالت را قبول می کند. هر شاگرد، صلیب متفاوتی برای حمل کردن دارد. مثالهایی از حمل صلیب در زیر ذکر شده است.
در اعمال ۵، شاگردان دستگیر شده‌اند و به زندان افتاده وبا شلاق تنبیه شدند چون انجیل را برای مردم موعظه می‌کردند. صلیب آنها شکنجه و زندان بود. در اعمال ۷، استیفان تا به مرگ سنگسار شد چون شنوندگان خود را انسانهای سرسختی خواند که گوشها و قلبهایشان نامختون است. آنانی که همیشه با روح‌القدس مقاومت می‌کردند و به مسیح خودشان خیانت کردند و او را کشتند (اعمال ۷: ۵۱ - ۵۲). صلیب او شهادت بود. در دوم قرنتیان ۱۱: ۲۳ - ۲۸، پولس رسول صلیب خود را خلاصه می‌کند. " در سختیها افزونتر در تازیانه‌ها زیادتر در زندانها بیشتر و در مرگها مکرر از یهودیان پنج مرتبه از چهل يك کمتر تازیانه خوردم سه مرتبه مرا چوب زدند يك دفعه سنگسار شدم، سه دفعه شکسته کشتی شدم، شبانه روزی در دریا بسر بردم، ... در خطرها در نهرها درخطرهای دزدان در خطرها از قوم خود و در خطرها از امـتها ... بی‌خوابیها بارها در گرسنگی و تشنگی در روزه‌ها بارها در سرما و عریانی بدون آنچه علاوه بر اینها است آن باری که هر روزه به من است یعنی اندیشه برای همه کلیساها ". در مکاشفه ۱: ۹ می‌خوانیم که یوحنای رسول به دلیل موعظه و تعلیم کلام خدا و شهادت به عیسی مسیح به جزیره پطمس تبعید شده بود. صلیب او طرد شدن و تبعید بود.

۴- **شاگرد بایستی پیرو عیسی مسیح باشد.**

يك شاگرد پیروی از عیسی را شروع می‌کند و به آن ادامه می‌دهد.
الف) در کتاب مقدس پیروی به معنی ایمان آوردن به عیسی است. در یوحنا ۶: ۶۶ - ۶۹ می‌خوانیم که چون شاگردان به عیسی که قدوس خدا بود ایمان آوردند از پیروی او بازنگشتند و آن را ترك نکردند یعنی همان کاری که بسیاری از اشخاص دیگر کردند.
ب) پیروی یعنی سلوك کردن در اثر قدمهای عیسی. در اول پطرس ۲: ۲۱ می‌خوانیم، " و شما را نمونه گذاشت تا در اثر قدمهای وی رفتار نمائید".
پ) پیروی یعنی اطاعت از عیسی.
ت) پیروی یعنی خدمت کردن عیسی. در یوحنا ۱۲: ۲۶ می‌خوانیم، " اگر کسی مرا خدمت کـند مرا پیروی بکند و جائیکه من می‌باشم آنجا خادم من نیز خواهد بود ".
برطبق این آیه، آنها بایستی هر روز در زندگی خود این کار را انجام دهند. انکار خود، برداشتن صلیب و پیروی از عیسی مسیح، راه دیگری است برای اینکه بازگشت واقعی شخص ثابت شود و تقدیس او ادامه یابد و اینها در عین حال هم عطایی از جانب خدا و هم مسئولیت شخص است.

۵- **شاگرد عیسی مسیح بایستی زندگیش را فدای او کند.**

لوقا ۹: ۲۴- ۲۵ میگوید: " زیرا هر که بخواهد جان خود را خلاصی دهد، آن را هلاک سازد و هر کس جان خود را بجهت من تلف کرد ، آن را نجات خواهد داد. زیرا انسان را چه فایده دارد که تمام جهان را ببرد و نفس خود را برباد دهد یا آن را زیان رساند." کلمه " زندگی " را میتوان با کلمه جان، خود و حیات ترجمه شود.

الف) نخستین مفهوم کلمه جان

در قسمت اول آیه ۲۴، کلمه جان، بخش غیرمادی و نادیدنی شخص را شرح می‌دهد که جدا از فیض خدا است یعنی جان او تولد تازه ندارد و احیاء نشده است. اگر شخصی می‌خواهد جان و زندگی خود را نجات دهد یعنی در صورتیکه به زندگی گناه‌آلود خود، دارایی، لذت، شهرت، مقام، نفوذ و خواهش‌های خود وابسته باشد و برای خود زندگی کند سرانجام جان یا زندگی خود را از دست خواهد داد. هر هدفی که خدا برای جان و زندگی او داشته روز به روز بیشتر از بین رفته و سرانجام او در جهنم هلاك خواهد شد.
برای مثال در لوقا ۱۲: ۱۶ - ۲۱ شخص ثروتمند با خود گفت، " ای جان اموال فراوان اندوخته شده به جهت چندین سال داری الحال بیارام و به اکل و شرب و شادی بپرداز. " اما خدا به او گفت، " ای احمق. در همین شب جان ترا از تو خواهند گرفت آنگاه آنچه اندوخته ای از آن که خواهد بود؟ همچنین است هر کسی که برای خود ذخیره کند و برای خدا دولتمند نباشد ".

ب) دومین مفهوم جان
در بخش دوم آیه ۲۴، کلمه " جان " بخش درونی، غیرمادی و نادیدنی شخص را شرح می‌دهد که تحت تأثیر فیض خدا است یعنی تولد تازه یافته است. وقتی شخصی جان یا زندگی خود را به خاطر مسیح فدا می‌کند یعنی زندگی خود را کاملاً به مسیح وقف می‌کند و او را در جهان خدمت می‌کند در واقع او جان یا زندگیش را نجات می‌دهد. او در درون خود و زندگی خارجی خود بیش از پیش آرامش، اطمینان و خوشی و بخصوص محبت در روابط خود و داشتن هدف در زندگی را تجربه خواهد کرد. عیسی به آنانی میخواهند شاگردانش او شوند، اصرار می‌کند که به طرف درون خود بازگشت نکنند و زندگی خودخواهانه را در پیش نگیرند بلکه به سمت دنیای بیرون از خود متمایل باشند و برای او و ملکوت او زندگی کنند.
برای مثال در متی ۱۰: ۳۷ - ۳۹ عیسی از عبارتی مثل " جان خود را هلاك سازد " در کنار موضوع " دوست داشتن پدر و مادر یا پسر یا دخترتان بیش از او " استفاده می‌کند. در متی ۱۶: ۲۱ - ۲۵ از همین عبارت در کنار موضوع " تحمل رنج به خاطر پیوستن به عیسی و تعلیم کلام مسیح " استفاده می‌کند. در یوحنا ۱۲: ۲۴ - ۲۶ عیسی از عبارت " جان خود را دشمن دارد " در کنار موضوع " خدمت فداکارانه مسیح " استفاده می‌کند. در لوقا ۱۷: ۳ - ۳۳ عیسی از عبارت " هر که جان خود را هلاك کند " در کنار موضوع " آمادگی رفتن با عیسی در آمدن ثانویه " استفاده می‌کند. عیسی مسیح نسبت به هدف او در روابط، در موقعیت خدمت مسیحی ما و نسبت به زندگیمان در آینده وقف کامل ما را به خود می‌طلبد.
حتی اگر شخصی تمام دنیا را با تمام گنج‌های مادی، لذتها و شهرتش میتوانست ببرد و در این بین زندگی که خدا میتوانست به او عطا کند را از دست بدهد، نه تنها چیزی بدست نیاورده بلکه همه چیز را هم ازدست داده است.

۶- شاگرد بایستی شجاعانه خود را با عیسی مسیح یکی بداند.

در لوقا ۹: ۲۶ میگوید: " زیرا هر که از من و کلام من عار دارد پسر انسان نیز وقتی که در جلال خود و جلال پدر و ملائکه مقدسه آید از او عار خواهد داشت. " عار داشتن یا خجالت کشیدن از مسیح و کلام او یعنی آنقدر ترسو و یا مغرور باشید که نخواهید هیچکاری را با او یا با هدف او انجام دهید. انسانهایی که برای خود زندگی می‌کنند از مسیح غافل هستند و یا با او مخالفت می‌کنند و نمی‌توانند نجات بیابند. در لوقا ۱۳: ۲۴ - ۲۵ عیسی می‌گوید، " جد و جهد کنید تا از در تنگ داخل شوید زیرا که به شما می‌گویم بسیاری طلب دخول خواهند کرد و نخواهند توانست. بعد از آنکه صاحبخانه برخیزد و در را ببندد و شما بیرون ایستاده در را کوبیدن آغاز کنید و گویید خداوندا خداوندا برای ما باز کن آنگاه وی در جواب خواهد گفت شما را نمی‌شناسم که از کجا هستید ".

۷- ملکوت خدا را که با قدرت می‌آید می‌بینید.

لوقا ۹: ۲۷ میگوید: " لیکن هر آینه به شما میگویم که بعضی از حاظرین در اینجا هستند که تا ملکوت خدا را نبینند ذائقه موت را نخواند چشید." چگونه امکان دارد که بعضی از شاگردان عیسی دیده باشند که ملکوت خدا با قدرت می‌آید (مرقس ۹: ۱)؟ لوقا ۹: ۲۶ - ۲۷ متصل به همدیگر هستند و پایان و شروع کار عیسی مسیح بر روی زمین را شرح می‌دهند. در آیه ۲۶ عیسی از آمدن ثانویه خود می‌گوید. وقتی که بر ابرها با هزاران فرشته ظاهر می‌شود. در همان زمان تمام انسانهایی که تا به آن موقع بر زمین زندگی کرده باشند را داوری خواهد کرد. او براساس شناختی که آنها از او داشته‌اند، او را پیروی کرده یا نکرده باشند داوری می‌کند. در آیه ۲۷ عیسی از شروع ملکوت بر روی زمین سخن می‌گوید یعنی قیام، صعود، سلطنت گرفتن، جاری شدن روح‌القدس و گسترش سریع پیغام انجیل به بسیاری از قوم‌ها در طی قرن اول. قیام عیسی از طریق قدرت خدا بود، با نشستن او به دست راست خدا و بالاتر از تمام قدرتهای موجود در جهان وریزش روح‌القدس شاگردانش با قدرت مجهز گردیدند (افسسیان ۱: ۱۹ - ۲۱ ؛ اعمال ۱: ۸). صدها تن از پیروانش در تمام طول زندگیشان بر این اتفاقات شهادت دادند. (اول قرنتیان ۱۵: ۶)

ب - حفـظ کردن و مـــرور

۱- **بنویسید:** آیه کتاب مقدس را روی يك كارت سفید یا يك صفحه از دفترچه یادداشت کوچکتان بنویسید.
۲- **حفظ کنید:** آیه کتاب مقدس را به روش صحیح حفظ کنید. شاگردی ۲. انکار. لوقا ۹: ۲۳
۳- **مرور کنید:** به گروههای دو نفری تقسیم شوید و آخرین آیه حفظی را از یکدیگر بپرسید.

۴	**بررسی کتاب مقدس (۷۰ دقیقه)** **وسوسه‌ها در دنیا - متی ۴: ۱ - ۱۱**

با استفاده از روش ۵ قدم بررسی کتاب مقدس، متی ۴: ۱ - ۱۱ را با یکدیگر بررسی کنید.

قدم ۱: بخوانید
بخوانید: متی ۴: ۱ - ۱۱ را با هم بخوانیم.
هر یک به نوبت يك آیه بخواند تا تمام قسمت خوانده شود.

قدم ۲: کشف کنید
توجه کنید: چه حقیقتی در این قسمت برای شما مهم است؟ یا کدام حقیقت در این قسمت ذهن یا قلب شما را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟
بنویسید: يك یا دو حقیقتی را که درك می‌کنید، کشف نمایید، در مورد آنها فکر کنید و افکارتان را در دفتر یادداشت خود بنویسید.
در میان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی به اعضای گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد، به نوبت برکاتشان را با هم در میان بگذارند). به نوبت برکات خود را از نکاتی که کشف کردیم با یکدیگردر میان بگذاریم.
(موارد زیر، مثال دو شخصی است که برکاتشان را با یکدیگر در میان می‌گذارند. به خاطر داشته باشید: در هر گروه کوچك اعضای آن گروه نکات مختلفی را با هم در میان می‌گذارند که نباید لزوماً یکسان باشند.)

کشف ۱) يك حقیقت مهم از نظر من در متی ۴: ۴ می‌باشد. عبارت: مکتوب است. عیسی در هنگام اقتباس از کتاب مقدس از این عبارت استفاده می‌کرد. در اینجا در متی، عیسی سه بار از تثنیه فصلهای ۶ و ۸ در عهدعتیق اقتباس کرد. عیسی دارای دید عالی ای از کتاب مقدس بود. او کتاب مقدس را معیار نهایی تشخیص آموزه و زندگی صحیح و همینطور " محکمه نهایی برای درخواست حق و حقوق " می‌دانست. او از کتاب مقدس برای تعلیم و آموزش مردم استفاده می‌کرد. او از کتاب مقدس برای موعظه و هشدار به مردم استفاده می‌کرد. او از کتاب مقدس برای پاسخ به سؤالات مردم استفاده می‌کرد و از کتاب مقدس برای مبارزه با وسوسه‌های شیطان استفاده کرد.

کشف ۲) يك حقیقت مهم از نظر من در متی ۴: ۱۱ است. ابلیس عیسی را رها کرد.
اوقاتی هستند که شریر مسیحیان را وسوسه میکند. مثل اینجا، شریر می‌تواند با وسوسه‌های بسیاری یکی پس از دیگری بیاید تا باعث سقوط،، ضعیف شدن و شکست ما مسیحیان شود. به هر حال عیسی ثابت کرد که ما مسیحیان می‌توانیم بر وسوسه‌های شیطان غلبه کنیم. به علاوه خدا به شیطان اجازه نمی‌دهد که به وسوسه کردن ما ادامه دهد. بعد از يك نبرد برعلیه وسوسه، شیطان ما را ترك می‌کند، اما ما مسیحیان بایستی همیشه هوشیار باشیم او قطعاً برمی‌گردد تا یکبار دیگر سعی کند تا باعث سقوط ما شود.

قدم ۳: سؤال کنید
توجه کنید: در این متن چه سؤالاتی در زمینه‌های مختلف وجود دارند که مایلید در گروه آنها را بپرسید؟
سعی کنیم تمام حقایق مربوط به متی ۴: ۱ - ۱۱ را درك کنیم و در مورد آنچه نمی‌فهمیم، سؤال‌های خود را مطرح کنیم.
بنویسید: تا آنجایی که امکان دارد سؤال‌های خود را واضح و صریح مطرح کنید و سپس آنها را در دفتر یادداشت خود بنویسید.
در میان بگذارید: (بعد از این که مدتی به اعضای گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد اجازه دهید که هر کدام ازافراد سؤال خود را برای دیگران مطرح سازد).
گفتگو کنید: (سپس چند سؤال را از بین همه سؤالها انتخاب کنید و سعی کنید با گفتگو کردن در مورد آنها در گروه، جوابی برایشان پیدا کنید. درادامه نمونه‌هایی از سؤالهایی که شاگردان ممکن است بپرسند و همچنین ملاحظاتی در رابطه با آن مباحث آمده است.)

سؤال ۱) (۴: ۲) عیسی چهل شبانه‌روز روزه گرفت. آیا مسیحیان نیز امروزه بایستی روزه بگیرند؟
ملاحظات:

الف) دعا و روزه در متی ۶: ۵ - ۱۸
عیسی مسیح به مسیحیان تعلیم داد که دعا کنند. او روزه گرفتن را برای آنها نه ضروری دانست و نه آن را قدغن کرد. اگر آنها بخواهند روزه بگیرند می‌توانند اما بر طبق متی ۶: ۱۶ - ۱۸ بایستی تا آنجا که ممکن است طوری روزه بگیرند که کسی متوجه نشود و علنی نباشد. اما با آمدن اولیه عیسی، شریعت تشریفاتی روزه در عهد عتیق تغییر کرد.

ب) روزه در متی ۹: ۱۴ - ۱۵
در متی ۹: ۱۵ او تعلیم داد، " آیا پسران خانه عروسی، مادامیکه داماد با ایشان است می‌توانند ماتم کنند و لکن ایامی می‌آید که داماد از ایشان گرفته شود در آن هنگام روزه خواهند داشت ...". مسیح، داماد است و مسیحیان عروس. در یوحنا ۱۶: ۱۶ - ۲۲ مسیح تعلیم می‌دهد که مسیحیان فقط به مدت ۳ روز وقتی داماد بمیرد عزاداری خواهند کرد و روزه خواهند گرفت. بعد از قیام آنها دوباره داماد را خواهند دید و خوشی آن بازگشت خواهد کرد و هیچکس این خوشی را از آنها نخواهد گرفت. بعد از قیام داماد تا به انقضای عالم همراه آنها خواهد بود (متی ۲۸: ۲۰).

پ) روزه در متی ۹: ۱۶ - ۱۷
سپس عیسی اینگونه ادامه داد که هیچکس شراب نو را در مشکهای کهنه نمی‌ریزد. اگر چنین کنند مشکها دریده شده و شراب ریخته و مشکها تباه می‌گردد. بلکه شراب نو را در مشکهای نو می‌ریزند تا هر دو محفوظ باشند. شراب نو معرف نجات و برکتی است که مسیح می‌آورد و مشکها بیانگر صورت جدید پرستش مسرورانه مسیحی است. شراب کهنه بیانگر عزاداری است که مشخصه مهم یهودیان بعد از دوران تبعید بوده و مشك کهنه معرف شکل قدیمی روزهای روزه‌داری و آداب روزه‌داری یهودیان است. خوشی نجات با غم روزه‌داری هماهنگ نیست. خوشی نجات منجر به شیوه جدیدی برای ارتباط برقرار کردن با خدا و خدمت خدا می‌شود. شیوه قدیمی روزه‌داری خوشی و شادی را حذف می‌کرد. اینکار در دوران عهد عتیق فقط يك روز در سال یعنی " خود را ذلیل سازید "، بـــرای مردم اسرائیل فریضه بود و آن روز، روز کفاره بود (لاویان ۱۶: ۲۹ - ۳۱). این کلمه را " روزه " تفسیر می‌کنند که به تشریفات شـــریعت عهد عتیق متعلق بود. مرگ و قیام عیسی مسیح قوانین شریعت را تمام کرد (متی ۵: ۱۷)، محو ساخت (کولسیان ۲: ۱۴) و نابود ساخت (افسسیان ۲: ۱۵). روزه‌داری دیگر از ضروریات مذهبی نیست و به صورت ضروریات مذهبی نباید دوباره معرفی شود. مسیحیان اگر دوســـت داشته باشند خودشان روزه می‌گیرند اما نباید از مسیحیان دیگر انتظار داشته باشند که آنها هم روزه بگیرند.

سؤال ۲) (متی ۴: ۱). وسوسه چیست و چه کسی مردم را به وسوسه می‌کشاند؟
ملاحظات: وسوسه چیزی است که می‌خواهد ما را به گناه بیندازد. گناه چیزی است که هدف خدا را از نظر دور می‌کند. وسوسه معمولاً می‌خواهد زندگی ما را به شکست بکشاند. به صورت زیر وسوسه می‌شویم.

الف) طبیعت کهنه ما می‌تواند ما را وسوسه کند.
در یعقوب ۱: ۱۳ - ۱۵ نوشته شده که هیچکس چون در وسوسه افتد نگوید خدا مرا وسوسه می‌کند زیرا خدا هرگز از بدیها تجربه نمی‌شود و او هیچکس را وسوسه نمی‌کند. اما هرکس وقتی در وسوسه می‌افتد شهوت او را جذب کرده و فریفته می‌سازد پس شهوت آبستن شده گناه را می‌زاید و گناه به انجام رسیده موت را تولید می‌کند ".

ب) دنیای شریر می‌تواند ما را وسوسه کند.
در دنیا وسوسه‌های گوناگون و متفاوتی وجود دارد. در اول یوحنا ۲: ۱۵ - ۱۷ یوحنای رسول می‌گوید که این وسوسه‌ها بایستی با آنچه می‌بینیم و در قلبمان خواهش می‌کنیم اتفاق افتاده و بالاخره انجام می‌شود. چشمان آنهایی که به دنیای گناه‌آلود تعلق دارند آرزوی چیزهای ممنوعه را می‌کند. قلبشان چیزهای گناه‌آلود را می‌طلبد و بعد با بدنشان آنچه اشتباه است انجام می‌دهند. بعداز اینکه مرتکب گناه شدند حتی به کارهای اشتباهی که انجام داده‌اند افتخار می‌کنند. آنها نسبت به کارهای اشتباه خود مغرور می‌شوند. آنها به کشتن مردم افتخار می‌کنند. به فساد جنسی خود مغرور می‌شوند. به غیبت کردن پشت سر مردم افتخار می‌کنند. یوحنای رسول در مقابل این دنیای شریر و همچنین خواستهای شریرانه آن که قطعاً در گذر است هشدار می‌دهد.

پ) شیطان می تواند ما را وسوسه کند.
شیطان مانند شیر غران است که گردش می‌کند تا کسی را بیابد (اول پطرس ۴: ۸ ، افسسیان ۶: ۱۶). آرزوی او وسوسه کردن مردم به گناه یعنی به انجام کارهایی است که برخلاف هدف خدا می‌باشد.

سؤال ۳) (متی ۴: ۱). شیطان کیست؟
ملاحظات: شیطان یکی از فرشتگان سقوط کرده است. او با خدا و نقشه نجات خدا مخالفت می‌کند. با تسلط بر لشگری از دیوها و بی‌ایمانان دنیا سعی می‌کند از موعظه انجیل خودداری کند، او مردم را وسوسه می‌کند تا گناه کنند یعنی آنچه خدا را محزون می‌کند و سعی می‌کند افکار بی‌ایمانان را تسخیر کند تا اراده او را انجام دهند. او مخالف نیرومندی است که مسیحیان فقط با قدرت خدا می‌توانند در برابر او مقاومت کنند. شیوه او نخست این است که مردم را به گناه وسوسه کند و بعد از اینکه آنها مرتکب گناه شدند به مخالف آنها تبدیل شود و در حضور خدا آنها را لعنت کند. مهمتر از همه، شیطان دروغگو است. عیسی حتی او را پدر دروغگویان نامید (یوحنا ۸: ۴۴).

سؤال ۴) (متی ۴: ۲ - ۴). اولین وسوسه عیسی توسط شیطان چه بود؟
ملاحظات: بعد از چهل روز روزه گرفتن، عیسی گرسنه شد. شیطان از عیسی خواست که سنگهای بیابان را به نان تبدیل کند. با تبدیل سنگ‌ها به نان، عیسی می‌توانست نیازهای جسمی خود را برطرف کند. در وسوسه اول، شیطان عیسی را وسوسه کرد که اصلاً به خدا اعتماد نکند. او سعی کرد اعتماد عیسی به خدا را نابود کند که نیازهای جسمی و مادی او را رفع می‌کند او عیسی را وسوسه کرد که مشکلاتش را به دست خود بگیرد و مستقل از خدا عمل کند. عیسی با اعتماد به کلام مکتوب خدا بر این وسوسه غلبه یافت. اگر خدا می‌تواند ستارگان جهان و یا تمام زمین را با گفتن کلامی بیافریند پس عیسی به خدا اعتماد می‌کند که می‌تواند نیازهای روزانه او را فقط با گفتن کلمه‌ای برطرف سازد.

سؤال ۵) (متی ۴: ۴). " به هر کلمه که از دهان خدا صادر گردد " یعنی چه؟
ملاحظات: " به هر کلمه که از دهان خدا صادر می‌گردد " کلام قدرتمندی است که خدا گفت و با آن هستی را آفرید (عبرانیان ۱۱: ۳) و تا به امروز حامل آن بوده است (عبرانیان ۱: ۲ - ۳). خدا با کلام مقتدر خود برای اسرائیلیان در بیابان غذا بوجود آورد و از آنها مواظبت کرد. پس با کلمه خود می‌تواند برای حفاظت از عیسی در بیابان و بعد از چهل روز روزه‌داری شرایطی را بوجود آورد و آنها را محافظت کند. در حالیکه شیطان اعتقاد داشت که نان معمولی قطعاً برای حفظ زندگی ضروری است عیسی واضح ساخت که نه نان بلکه کلمه قدرتمندی که از دهان خدا بیان می‌شود تنها منبع زندگی و سلامتی انسان بر روی زمین است.

سؤال ۶) (متی ۴: ۵-۷). وسوسه دوم عیسی توسط شیطان چه بود؟
ملاحظات: شیطان از عیسی خواست که با پرت کردن خود از بام معبد، خدا را امتحان کند که آیا واقعاً فرشتگان خدا او را خواهند گرفت. در وسوسه دوم، شیطان عیسی را وسوسه کرد که اعتمادی کاذب به خدا داشته باشد. وسوسه او در زمینه ماوراءالطبیعی بود و سعی کرد که عیسی کاری غیرعادی و هیجان‌انگیز انجام دهد. شیطان از عیسی خواست که از طریق انجام کاری احمقانه چیزی نیکو را ثابت کند. او از عیسی خواست تا با پرتاب کردن خود از یك ساختمان بلند ثابت کند که خدا از او محافظت می‌کند. او می‌خواست عیسی را فریب دهد تا در چیزهایی اشتباه به خدا اعتماد کند. او می‌خواست عیسی را وسوسه کند تا در چیزهایی به خدا اعتماد کند که خدا در مورد آنها هیچ وعده‌ای نداده بود. او عیسی را وسوسه کرد که شك را به جای ایمان و تکبر شرم‌آور را به جای اطاعت از هدایت خدا جانشین سازد. او عیسی را وسوسه کرد که خدا را آزمایش کند و او را امتحان کند که آیا واقعاً خدا است. او گفت که با پریدن از یك ساختمان بلند، عیسی می‌توانست ثابت کند که خدا وجود دارد و آنچه در کتاب مقدس وعده داده انجام داد. آنچه خدا وعده داد این است که او از آنانی که به او اعتماد می‌کنند مواظبت خواهد کرد. خدا وعده نداده است که مردم را از امتحانات احمقانه نجات دهد. شیطان عیسی را وسوسه کرد که در زمینه‌هایی به خدا اعتماد کند که خود شیطان تعیین می کند. عیسی با اقتباس از کلامی دیگر از کتاب مقدس که می‌گوید " خداوند خدای خود را تجربه مکن " بر این وسوسه غالب آمد.
نمونه‌های زیر مواردی است از اعتماد کاذبانه نسبت به خدا:
اگر در حالیکه دارای شیوه زندگی ناسالمی هستم از خدا بخواهم که بیماری مرا شفا دهد پس من اعتماد کاذبانه‌ای نسبت به خدا دارم.
اگر فیلم ویدیویی غیراخلاقی و فاسد نگاه می‌کنم و در عین حال دعا می‌کنم که " چشمانم را از دیدن بطالت برگردان " (مزمور ۱۱۹: ۳۷) پس به خدا اعتماد کاذبی دارم. عیسی می‌گوید که من نباید با بوجود آوردن موقعیتهایی که در آن کاذبانه به خدا اعتماد می‌کنم خدا را امتحان کنم.

سؤال ۷) (متی ۴: ۶). آیا عیسی نباید از کلامی که شیطان از کتاب مقدس اقتباس کرد اطاعت کند؟
ملاحظات: شیطان برای عیسی از مزمور ۹۱: ۱۱ - ۱۲ اقتباس کرد. او از کتاب مقدس سوءاستفاده کرد تا عیسی را وسوسه کند. در یوحنا ۸: ۴۴ عیسی می‌گوید شیطان دروغگو و پدر تمام دروغگویان است. شیطان هیچوقت حقیقت را نمی‌گوید. درحالیکه کلام کتاب مقدس حقیقت و راستی است دشمنان خدا می‌توانند آن را تعریف کنند. کلمات کتاب مقدس بایستی براساس مقصود اولیه خدا درك شوند. پس کلمات کتاب مقدس بایستی به ترتیب تاریخی و در متن و برطبق مفهوم واژه‌های زبان اصلی یعنی عبری و یونانی و هماهنگ با آنچه که کل کتاب مقدس تعلیم می‌دهد توضیح داده شوند.
وقتی این قوانین مورد غفلت قرار می‌گیرد و یا عملاً فراموش می‌شود در نتیجه کلام کتاب مقدس به صورت اشتباه تفسیر خواهد شد این دقیقاً مقصود شریر است. همچنین هدف آگاهانه بسیاری از معلمین دروغین دنیا است. آنها وانمود

می‌کنند که به کتاب مقدس ایمان دارند اما در واقع تفسیر خودشان را بر کتاب مقدس تحمیل می‌کنند تا مردم را به انحراف بکشانند. عیسی هدف شیطان را می‌دانست. او می‌دانست که شیطان به کتاب مقدس معنا و مفهوم دروغینی می‌دهد. عیسی با یك اقتباس دیگر از کتاب مقدس برطبق معنی درست، با حمله شیطان مقابله کرد. عیسی گفت: "خداوند خدای خود را تجربه مکن".

سؤال ۸) (متی ۴: ۸ - ۱۰). وسوسه سوم عیسی به وسیله شیطان چه بود؟
ملاحظات: شیطان عیسی را وسوسه کرد خدا را رد کرده و در عوض شیطان را انتخاب کند. او عیسی را در زمینه قدرت این جهان وسوسه کرد. احتمالاً با یك رویا، شیطان تمام پادشاهی این جهان را به او نشان داد و بعد به عیسی وعده داد که تمام پادشاهی‌های جهان و تمامی شکوه آنها را به او می‌بخشد اگر در مقابل او زانو بزند و او را بپرستد. در وسوسه سوم، شیطان عیسی را وسوسه کرد که به شیطان به جای خدا اعتماد کند. شیطان از عیسی خواست که برای رسیدن به جلال و بدست آوردن تاج پادشاهی تمام قدرتهای جهان راه میانبری را بدون تحمل صلیب انتخاب کند. (مزمور ۲: ۶ - ۸ ، عبرانیان ۱: ۱ - ۵ ؛ ۵: ۵) اما شیطان دروغگو است. (یوحنا ۸: ۴۴) و با ماسکی چهره اش را میپوشاند تا مردم تصور کنند که او فرشته نور است. (دوم قرنتیان ۱۱: ۱۴) شریر مطمئناً مالک هیچگونه پادشاهی در این دنیا نیست، بنابراین او نمیتواند چیزی را بدهد که خود ندارد. عیسی باز هم با اقتباس از کلام خدا از کتاب مقدس بر این وسوسه غالب شد یعنی با این کلام که می‌گوید فقط خداوند لایق پرستش و خدمت است.
ما بسیاری از مردم را می‌بینیم که به معابد می‌روند و با بت‌ها معامله می‌کنند. بسیاری از مردم را دیده‌ایم که به ساختمانهای مذهبی دیگر می‌روند و به دروغهای واعظین آنجا و کلام خدایانشان که خدای واقعی نیستند گوش می‌دهند. بسیاری از مردم را دیده‌ایم که به دروغهای موجود در روزنامه‌ها، کتابها و مجلات گوش می‌دهند. شیطان سخت تلاش می‌کند تا مردم به غیر از خدای زنده که خود را در کتاب مقدس آشکار کرده است به هر چیزی اعتماد کنند. آرزوی واقعی شیطان این است که مردم او را به جای خدای زنده بپرستند. عیسی می‌گوید که مردم بایستی فقط خدایی را بپرستند که خود را در کتاب مقدس آشکار ساخته است.

سؤال ۹) (متی ۴: ۸ - ۹). آیا این حقیقت دارد که تمام دنیا متعلق به شیطان است؟
ملاحظات:

الف) ادعای کذب شیطان
شیطان به این فخر می‌کند که تمام پادشاهی‌های روی زمین متعلق به او است. چون او معتقد است که تمام پادشاهی‌های روی زمین به او بخشیده شده است (لوقا ۴: ۵ - ۷) اما شیطان دروغگو و متظاهر است (یوحنا ۸: ۴۴ ؛ دوم قرنتیان ۱۱: ۱۴). افتخار او یک افتخار پوچ و بی ارزش و ادعای او ادعایی کذب است.

ب) فقط دنیای شریر تحت سلطه شیطان است.
وقتی یوحنای رسول می‌گوید که کل دنیا تحت سلطه شریر است (اول یوحنا ۵: ۱۰) منظور اواین نبود که هر کشوری با تمام مردم تحت سلطه شیطان هستند. کلمه " دنیا " به چند مفهوم در کتاب مقدس استفاده شده است. در اول یوحنا ۵: ۱۹ " دنیا " به معنی کل زمین نیست و فقط به مفهوم دنیای گناه‌آلود، دنیایی که شامل بی‌ایمانان است، دولتهایی که با عیسی مسیح مخالفت می‌کنند و مردمان شریر و لشگر شیطانی روحهای شریر است. پس شیطان بر تمام مردم شریر جهان تسلط دارد اما علت اینکه او دارای این تسلط است این است که خدا به او چنین اجازه‌ای داده است (ایوب ۱: ۱۲ ؛ اول قرنتیان ۵: ۵).

پ) کل جهان پهناور در دستان عیسی مسیح
حتی در دوران عهد عتیق مالك و حاکم مقتدر تمام جهان خدا است (مزمور ۲، مزمور ۹: ۷ ؛ ۲۹: ۱۰ ؛ ارمیاء ۳۲: ۱۷، ۲۷). کتاب مقدس بوضوح تعلیم می‌دهد که بعد از قیام و صعود عیسی مسیح تمام اقتدار و قدرت موجود در کل جهان متعلق به مسیح است (متی ۲۸: ۱۸ ؛ یوحنا ۱۳: ۳). شیطان هرگز بر زمین دارای تمام قدرت نبوده و هیچگاه نیز نخواهد بود. شریر هرگز حاکم بر ایمانداران در این دنیا نبوده و هیچگاه نیز نخواهد بود (کولسیان ۱: ۱۳؛ دوم تیموتائوس ۲: ۲۵- ۲۶). وقتی عیسی مسیح مرد، شیطان از آسمان که در آنجا متکبرانه ایمانداران را متهم میکرد به بیرون انداخته شد (ایوب ۱: ۶ ؛ مکاشفه ۱۲: ۷- ۱۲) و آن قدرتی که روی زمین داشت که از رسیدن پیام عیسی مسیح به همه کشورها و ملتها در جهان و مردم شریر بیشماری در این دنیا جلوگیری میکرد، از او گرفته شد. (دانیال ۱۰: ۱۳- ۱۴؛ متی ۱۲: ۲۸- ۳۰؛ ۲۴: ۱۴؛ یوحنا ۱۲: ۳۱- ۳۲؛ اول یوحنا ۳: ۸؛ مکاشفه ۲۰: ۱- ۳).

سؤال ۱۰) آیا مسیحیان می‌توانند بر وسوسه‌ها پیروز شوند؟
ملاحظات: در اول قرنتیان نوشته شده که هیچ وسوسه ای جز آنکه مناسب بشر باشد برای او نمیآید اما خدا امین است که نمی‌گذارد او فوق طاقت خود آزموده شود بلکه با هر وسوسه امکانی نیز فراهم می‌سازد تا توان مقابله با آن را داشته باشد. خدا وفاداری خود را به مسیحیان بدین گونه نشان می‌دهد او نمی‌گذارد که هیچ وسوسه قویتر از قدرت تحمل هر

مسیحی بر او وارد شود. و خدا در هر وسوسه زندگی، برای هر مسیحی راه فراری مهیا می‌کند. پس مسیحیان اگر بخواهند می‌توانند بر وسوسه پیروز شوند.

قدم ۴: بکار ببرید
توجه کنید: کاربرد چه حقایقی در این قسمت برای مسیحیان امکان پذیر است؟
در میان بگذارید و بنویسید: افکار خود را صریحاً با هم در میان بگذارید و فهرستی از کاربردهای امکان پذیر بر اساس متی ۴: ۱ - ۱۱ تهیه کنید.
توجه کنید: خدا از شما می خواهد کدامیک از کاربردهای امکان پذیر را تبدیل به یك کاربرد شخصی بکنید؟
بنویسید: این کاربرد شخصی را در دفتر یادداشت خود بنویسید. کاربرد شخصی خود را بدون دغدغه با دیگران در میان بگذارید. به یاد داشته باشید که افراد در هر گروه، کاربرد حقایق متفاوتی را پیدا می کنند وحتی از یك حقیقت کاربردهای متفاوتی می یابند.
(فهرست زیر، نمونه هایی از کاربردهای امکان پذیر در این قسمت از کتاب مقدس میباشند).

نمونه هایی از کاربردهای امکان‌پذیر (متی ۴: ۱- ۱۱)

- ۴: ۱ * به خاطر داشته باشید که بعضی مواقع خدا یك مسیحی را به موقعیتی هدایت می‌کند که ممکن است در آن موقعیت، او به گناه وسوسه شود. خدا او را وسوسه نمی‌کند که شرارت کند (یعقوب ۱: ۱۳) و نیـز نمی‌خواهد که او را به گناه بکشاند. بلکه خدا می‌خواهد او را امتحان کند (یعقوب ۱: ۱۲) و به او تعلیم دهد که به خدا وابسته باشد و به امانت خدا اعتماد کند که او راهی را برای فرار مهیا خواهد کـرد (اول قرنتیان ۱۰: ۱۳). غـلبه بر یك وسوسه ویژگی‌هایی را پرورش می‌دهد (صبر و تحمل) (یعقوب ۱: ۲ - ۴) و در مقابل وسوسه کننده یعنی شیطان، جلال را به خدا می‌دهد (ایوب ۱: ۲۱ - ۲۲ ؛ متی ۴: ۱۰).
- ۴: ۲ * به خاطر داشته باشید که عیسی، پسر خدا است و ما نیستیم. اگرچه عیسی ۴۰ روز در بیابان روزه داشت هیچ جای کتاب مقدس الزام نمی‌کند که مسیحیان بایستی روزه بگیرند. اگر می‌خواهید برای مدت زمانی روزه بگیرید آن را در خفا و بدون جلب توجه انجام دهید (متی ۶: ۱۶ - ۱۸).
- ۴: ۳ * فراموش نکنید که شیطان بخصوص مسیحیان را وسوسه می‌کند چون آنها دیگر تحت سلطه او نیستند (کولسیان ۱: ۱۳ ؛ یعقوب ۴: ۷ ؛ اول پطرس ۵: ۸ - ۹).
- ۴: ۴ * برای نان زیست کنید اما همینطور به هر کلمه که از دهان خدا خارج می‌گردد. یك مسیحی چنین تصمیم مهمی گرفت، " اگر کتاب مقدس نه، صبحانه هم نه ". صبح‌ها او قبل از خوردن صبحانه ابتدا بر کلام کتاب مقدس تعمق می‌کرد.
- ۴: ۵ * به خاطر داشته باشید که شیطان سعی می کند حتی وقتی در کلیسا هستید شما را وسوسه کند. به او فرصت ندهید.
- ۴: ۶ * به خاطر داشته باشید که شیطان از کتاب مقدس سوءاستفاده خواهد کرد و کلام خدا را تعریف می‌کند تا شما وسوسه شوید اراده او را انجام دهید. هر روز کتاب مقدس را بخوانید و کتاب مقدس را طوری یاد بگیرید که خدا می‌خواهد آنطور آن را درك کنید. بدین ترتیب بیشتر خواهید توانست دروغهای شیطان را تشخیص دهید.
- ۴: ۷ * وقتی شیطان شما را وسوسه می‌کند، به او بگویید " در نام عیسی مسیح دور شو ". یا پاسخ درستی را از کتاب مقدس برای او اقتباس کنید. برای مثال بگویید " در کتاب مقدس مکتوب است: خداوند خدای خود را تجربه مکن ".
- ۴: ۸ * به خاطر داشته باشید که شیطان سعی می‌کند که شما را به مکانهایی ببرد که در آنجا بتواند شما را وسوسه کند. از مکانهای وسوسه اجتناب کنید.
- ۴: ۹ - ۱۰ * به خاطر داشته باشید که هدف تمام وسوسه‌های شیطان یك چیز است: اینکه شما پرستش خدای زنده را ترك کنید و شیطان را بپرستید. درست به هدف شیطانی او توجه کنید و از آن فرصت برای این شهادت استفاده کنید که شما فقط خدای زنده را می‌پرستید و خدمت می‌کنید.
- ۴: ۱۱ * به خاطر داشته باشید که شما مدام وسوسه نخواهید شد. هشیار باشید که شیطان همیشه برمی‌گردد تا یکبار دیگر سعی کند شما را وسوسه کند (لوقا ۴: ۱۳).

نمونه هایی از کاربردهای شخصی

الف) می‌خواهم هرگاه وسوسه می‌شوم از کتاب مقدس استفاده کنم. می‌خواهم یاد بگیرم که به وسوسه‌های شیطان با پاسخ‌های خدا در کتاب مقدس جواب بدهم. پس هر روز کتاب مقدس را خواهم خواند، بطوری که کتاب مقدس را خیلی خوب بفهمم تا هرگاه او مرا وسوسه می‌کند بتوانم پاسخ او را بدهم.

ب) حالا بیشتر هوشیار شده‌ام که وقتی شیطان من را وسوسه می‌کند تا کارهای اشتباه انجام دهم انگیزه واقعی او نابودی ارتباط من با خدا است. او مرا وسوسه می‌کند با این انگیزه که من به خدا اعتماد نکنم و یا اعتماد کاذبی به خدا داشته باشم و یا به شیطان به جای خدا اعتماد کنم پس من بـــایستی با تلاش بیشتر با او مقاومت کنم چون او نه تنها دشمن من است بلکه دشمن خدا نیز هست.

قدم ۵: دعا کنید در مورد حقیقتی که خدا به ما در متی ۴: ۱ - ۱۱ آشکار کرده است، دعا کنیم. (در دعایتان به آنچه که در طی این بررسی کتاب مقدس دریافت کرده اید، پاسخ دهید، تمرین کنید که در فقط یک یا دو جمله دعا کنید. بیاد داشته باشید که افراد درهر گروه، در مورد حقایق متفاوتی، دعا خواهند کرد.)

دعا (۸ دقیقه) **دعای شفاعت**	**۵**

به دعا در گروه های دو یا سه نفری ادامه دهید. برای یکدیگر و مردم دنیا دعا کنید.

تکلیف منزل (۲ دقیقه) **برای درس بعدی**	**۶**

(**سر گروه:** رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

۱ - تعهد - متعهد باشید به اینکه شاگردان بسازید.
آموخته های بررسی کتاب مقدس در ارتباط با متی ۴: ۱ - ۱۱ را برای یکدیگر، برای شخصی دیگر یا برای گروهی از مردم موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
۲ - رازگاهان - هر روز نیمی از يك فصل را از قسمت دوم سموئیل فصلهای ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۲۲ بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
۳ - حفظ کردن - انکار: لوقا ۹: ۲۳ را حفظ کنید. هر روز آخرین ۵ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.
۴ - دعا - در این هفته برای يك شخص یا موضوعی خاص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید. (مزمور ۵: ۳)
۵ - آموخته های جدید در مورد شاگردسازی را وارد دفتر(یا پوشه) خود کنید. از تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگاهان، آیات حفظی، بررسی کتاب مقدس و این تکلیف منزل يك دفتر(یا پوشه) درست کنید.

درس ۴۱

۱	دعا

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره شاگردسازی را به حضور خدا بیاورید.

۲	پرستش (۲۰ دقیقه) احترام گذاشتن به خدا

موضوع: پرستش به عنوان احترام گذاشتن به خدا

در این درس یاد خواهیم گرفت که با احترام گذاشتن به خدا پرستش خود را ابراز کنیم.

بخوانید: مکاشفه ۴: ۱ ـ ۱۱
یوحنا در یك رویا تختی را در آسمان دید که آنقدر عظیم و زیبا بود که با کلمات معمولی نمی‌توان آن را وصف کرد.

۱- <u>تخـت</u>

یوحنا تختی را در آسمان می‌بیند (مکاشفه ۴: ۲). این زمین، خورشید یا یك صورت فلکی نیست که مرکز موجودات هستی را تشکیل می‌دهد بلکه خدا است بر تخت خود. هر آنچه که در جهان و یا برجهان و یا در طی کل تاریخ این جهان اتفاق افتاده است تحت تسلط حکمرانان یا قدرتمندان یا اغنیاء یا افراد هوشمند یا رسانه‌های ارتباط جمعی یا متخصصین روی زمین نمی‌باشد. خدا بر تخت خود نشسته است و همه چیز را تحت تسلط دارد. همه چیز را خدا آفریده است چون او خواسته است آنها را بیافریند (مکاشفه ۴: ۱۱). او شما را آفریده است چون می‌خواست که شما زندگی کنید (اشعیاء ۴۳: ۷ ؛ کولسیان ۱: ۱۶). هیچ چیز نمی‌تواند از سلطه پراقتدار خدا خارج شود (اشعیاء ۱۴: ۲۴، ۲۷).

۲- <u>تشعشع</u>

یوحنا صورت خدا را شرح نمی‌دهد اما درخشش های او را توضیح می‌دهد (مکاشفه ۴: ۳) آن نشسته بر تخت صورتش مانند یشم و عقیق است و قوس قزح گرداگرد تخت شبیه به زمرد است.

الف) <u>سه رنگ</u>
۱) یشم مانند بلور شفاف است (مکاشفه ۲۱: ۱۱). الماسی شفاف و سمبلی است از تشعشع جلال و تقدس خدا.
۲) عقیق قرمز است و سمبلی است از " زندگی " (جون) یا تشعشع ویژگی خدا است که خود را به صورت داوری ابراز می‌کند.
۳) قوس قزح شبیه زمرد، سبز دریایی است و سمبلی است از تشعشع ویژگی خدا که خود را به صورت وفاداری لاتغیر و نجات (پیدایش ۹: ۱۲ ـ ۱۷ ؛ حزقیال ۱: ۲۸) نشان می‌دهد.

ب) <u>پیغام این سه رنگ</u>
پیغام مکاشفه برای قوم خدا در دوران عهد جدید است. در جلال و ویژگی قدوسیت خدا (شفاف، رنگ شفاف)، خشم مقدس خدا در مقابل کسانیکه شریر هستند (رنگ قرمز) و وفاداری پر از محبت و در نجات همه کسانی که به او اعتماد می‌کنند (رنگ سبز) جدایی‌ناپذیر هستند. برای قوم خدا یعنی ایمانداران به عیسی مسیح طوفان داوری خدا به پایان رسیده است. هیچ محکومیت یا لعنتی بر آنانی که در مسیح عیسی هستند نیست (رومیان ۸: ۱). قوس قزح وعده پابرجای خدا نسبت به عادل شمردگی از طریق ایمان از طریق کار کامل نجات عیسی مسیح تا به ابد می‌درخشد (رومیان ۵: ۱). این سه جنبه از ویژگی خدا از تخت خدا می‌درخشد. خدا بر تخت خود با تقدسی پرجلال با داوری عادلانه و با کار وفادارانه نجات سلطنت می‌کند.

پ) <u>برقها و رعدها</u>
از تخت برقها و صداها و رعدها برمی‌آید (مکاشفه ۴: ۵). این پدیده طبیعت باعث ترس و وحشت مردم می‌شود. بیانگر عظمت و شکوه خدا است هنگامیکه او اراده خود را آشکار می‌کند. و زمانی که او ده فرمـــان را آشکـار ساخت (خروج

۱۹: ۱۶، ۲۰: ۱۸)، در هنگام آشکار کردن فیض خود به ایوب (ایـوب ۳۷: ۲ - ۷ ، ۱۳)، زمانی که تسلط پراقتدار خود را بر یوحنا آشکار ساخت (مکاشفه ۴: ۵) و زمانی که داوری عادلانه خود را آشکار ساخت (ایوب ۳۷: ۸ - ۱۳ ؛ مکاشفه ۸: ۵ ؛ ۱۱: ۱۹ ؛ ۱۶: ۱۸) اتفاق افتاد.

۳- <u>تثلیـث</u>

یوحنا پری روح‌القدس را دید که سمبل آن هفت چراغ آتشین است که پیش تخت افروخته است (مکاشفه ۴: ۵). و او عیسی مسیح را دید که سمبل آن بره‌ای است که در میان تخت چون ذبح شده ایستاده است (مکاشفه ۵: ۶). خدای واحد که خود را با سه شخصیت درونی متمایز می‌کند بر تخت آسمان نشسته است. او خود را به صورت خدای پدر که تصمیم می‌گیرد، به صورت خدای پسر که خدایی است که با طبیعتی انسانی در تاریخ انسان وارد شد تا تصمیم خدا را انجام دهد و همچنین به صورت روح‌القدس که در میان قوم خدا بر روی زمین ساکن می‌شود تا تصمیمات خدا را در زندگی آنها به کار برد، آشکار می‌کند (مکاشفه ۱: ۴ - ۵).

۴- <u>چهار مخلوق زنده</u>

یوحنا چهار مخلوق زنده را در اطراف تخت خدا می‌بیند (مکاشفه ۴: ۶ ، ۹). آنها موجودات آسمانی هستند که بیانگر هستی مخلوق با تمام موجودات زنده آن است. مسئولیت آنها آشکار ساختن جلال خدا در حکمرانی او بر مخلوقات است.

۵- <u>۲۴ پیر</u>

یوحنا، ۲۴ پیر را دید که بر ۲۴ تخت دراطراف تخت خدا نشسته‌اند (مکاشفه ۴: ۴ ، ۲۱: ۱۲ - ۱۴). آنها یکی از بزرگترین مراتب فرشتگان در آسمان هستند که بیانگر قوم خدا در عهد عتیق (۱۲ قبیله) و قوم خدا در دوران عهد جدید (۱۲ رسول) هستند. مسئولیت آنها آشکار کـــردن جلال خدا در کار نجات قوم او بر روی زمین است (عبرانیان ۱: ۱۴).

۶- <u>دریایی از شیشه</u>

یوحنا دریای شفافی از شیشه دید که با وجود اینکه با آتش مخلوط بود ولی باز هم مثل بلور شفاف بوده و به طرف تخت خدا کشیده می‌شد و در کنار آن تمام کسانی ایستاده بودند که بر آن موجود خبیث پیروز شده بودند (مکاشفه ۴: ۶ ؛ ۱۵: ۲ - ۳). دریای سرخ را به خاطر می‌آورد که وقتی اسرائیلیان با دشمنانشان مواجه شدند تا مقابل قوم خدا کشیده شد (خروج ۱۵: ۱- ۲). درحالیکه بنا به هر دلیل طبیعی، ممکن است این دریا طوفانی باشد اما از نقطه نظر آسمان این دریا کاملاً آرام و ملایم است. حتی بعد از اینکه دریا تمام دشمنان خدا را در خود فرو برد باز هم کاملاً شفاف ماند. این دریا سمبلی است از تمام داوری خدا و او باز هم کاملاً مقدس و عادل (شفاف) است. در تمام داوری‌های او تقدس وعدالت خدا مانند دریایی صاف و شفاف می‌درخشد. هیچ چیز ناپاك و شریری نمی‌تواند در مقابل خدا بایستد (مکاشفه ۲۱: ۸، ۲۷). هیچ چیز از نظر خدا مخفی نیست (عبرانیان ۴: ۱۳).

۷- <u>پرستش جهانی</u>

یوحنا چهار مخلوق آسمانی را می‌بیند که دائماً خدا را تحسین کرده و قدوسیت خدا را می‌ستایند (مکاشفه ۴: ۸) و او ۲۴ پیر را می‌بیند که در مقابل تخت خدا تعظیم میکنند تا او را پرستش، تحسین و ستایش کنند (مکاشفه ۴: ۱۰ - ۱ ؛ ۵: ۱۱ - ۱۴).

پرستش: به عنوان بخشی از جمعیت اطراف تخت خدا، بیائید خدا را با تحسین و ستایش سلطنت مقتدارنه‌اش بر هر چیز و هر فردی پرستش کنیم.

۳	**درمیان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه)** **دوم سموئیل**

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (دوم سموئیل ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۲۲) با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان میگذارد، بحث نکنید.

۴	تعلیم (۷۰ دقیقه) روابط: ارتباط بین والدین - فرزند

این مطالعه نتیجه اشتیاقی شدید برای این است که پدر، مادر یا فرزندی که خدا میخواهد، باشیم.
کاربردهای عملی فقط پیشنهاداتی هستند که شما می‌توانید با دعا و در فرهنگ خود بپذیرید.

الف - مسئولیتهای والدین نسبت به فرزندان

۱- مسئولیتهای والدین در ازدواج

بخوانید: افسسیان ۵: ۲۲ - ۲۳ ؛ کولسیان ۳: ۱۸ - ۱۹ ؛ یوحنا ۱۳: ۳۴ - ۳۵
کشف و گفتگو کنید: خدا چه مسئولیتهایی را به شوهران و همسران داده است؟
ملاحظات: شوهر و همسر بایستی بخصوص درشیوه برقراری ارتباط با یکدیگر نمونه باشند. آنها بایستی در مورد اختیاری که به شوهر داده شده تا به زنش همانگونه که مسیح محبت میکند، محبت کند و همسرش را تجلیل کند و نیز در مورد اختیار برابری که به زن داده شده تا به شوهرش کمک کند تا بهترین برای مسیح باشد، توسط رابطه خود با یکدیگر به فرزند آموزش دهند. البته آنها بایستی در نحوه ارتباط با دیگران و منجمله فرزندانشان نیز نمونه باشند.

۲- مسئولیتهای پدر و مادر به عنوان والدین

بخوانید: افسسیان ۶: ۴ ؛ کولسیان ۳: ۲۱ ؛ اول تیموتائوس ۳: ۴ - ۵ ؛ تیطس ۱: ۶ ؛ تیطس ۲: ۴ - ۵
کشف و گفتگو کنید: مسئولیتهای خاصی که خدا به والدین بخشیده است؟
ملاحظات:

الف) پدران
۱) فرزندان خود را خشمگین یا ناراحت نکنید.
۲) ایشان را به تأدیب و نصیحت خداوند تربیت نمائید.
۳) خانواده خود را به خوبی اداره کنید.
۴) فرزندانتان را طوری تربیت کنید تا با احترام بجا و صحیح از شما و همسرتان اطاعت کنند.

ب) مادران
۱) فرزندانتان را دوست بدارید.
۲) در امورخانه مشغول باشید.
۳) اجازه ندهید که رفتار شما باعث شود دیگران نسبت به کلام خدا بدبین شوند.

ب - ای پدران فرزندان خود را به خشم میاورید.

تعلیم دهید: خدا با پدر به عنوان سرخانواده سخن می‌گوید. پس مادر بایستی به پدر در انجام این مسئولیت کمك کند (پیدایش ۲: ۱۸).

الف) به خشم آوردن
به خشم آوردن یعنی ناامید کردن. چگونه می‌توانید بفهمید که فرزند خود را به خشم آورده یا ناامید کرده‌اید؟ با دیدن عکس‌العملش نسبت به خودتان. برای مثال آنها تحریك‌پذیر، خشمگین یا افسرده‌اند، از والدین خود دوری می‌کنند یا آنها را ترك کرده‌اند. عکس‌العمل آنها بیانگر این است که شما بایستی شیوه رفتار خود با فرزندانتان را عوض کنید.

ب) احتـــرام
چگونه می‌توانید رابطه خود را با فرزندانتان تغییر دهید؟ به فرزندانتان اجازه دهید تا:
۱) زمان کافی برای رشد و تکامل داشته باشند و مرتکب اشتباه نیز بشوند.
۲) حس مسئولیت و پاسخگویی آنها را رشد کند.
۳) در اعتقادات شخصی خود رشد کنند.
۴) در ارتباطات بالغانه رشد کنند.

۱- <u>اجازه دهید که پسران و دختران شما مسئولیت‌پذیر و پاسخگو رشد کنند.</u>

الف) هدف والدین:
هـدف ما والدین فقط راضی کردن فرزندانمان نیست بلکه این است که آنها بالغینی مسئول بار بیایند.
گفتگو کنید: اگر هدف شما فقط راضی کردن بچه‌ها است آنها چگونه خواهند شد؟
ملاحظات: آنها لوس، خودخواه و بوالهوس خواهند شد.

ب) <u>رشد مسئولیت‌پذیری</u>
گفتگو کنید: چگونه می‌توانید به فرزندانتان کمك کنید تا بالغینی مسئولیت‌پذیر بار بیایند؟
ملاحظات: بالغین مسئول می‌آموزند که مسئول تمام قسمتهای زندگی خود باشند. قسمتهای مهمی که نیاز به آموزش مسئولیت‌پذیری دارند عبارتند از: نگرش‌ها، سخنان و رفتار، تحصیلات یا شغل، وظایفشان در خانواده، نگهداری پول، تنها مسافرت کردن، برقرار کردن دوستی، مواجه شدن با فشارها و روبرو شدن با عقاید دیگران و رابطه شخصی با خدا.

پ) <u>مراحل رشد مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی</u>
تعلیم دهید: شیوه شما از دوران بچگی تا بزرگسالی می‌تواند پنج مرحله داشته باشد:
۱) <u>کودکان: هرکاری را شما برای کودک انجام دهید.</u> تمام تصمیمات و انتخابات را شما برای کودکتان انجام می‌دهید و آنها را برای او اجراء می‌کنید. به عنوان والدین، نسبت به آنچه برای او انجام می‌دهید صد درصد در برابر خدا مسئول و پاسخگو هستید.
۲) <u>فرزندان کوچک: با فرزندان کوچک این چیزها را انجام دهید.</u> فرصتهای زیادی را بوجود بیاورید تا کارهایی را به اتفاق فرزند خود انجام دهید . تا آنجائیکه امکان دارد حقایق، ارزشها، عادات و مهارتهای زیادی را به فرزند خود تعلیم و آموزش دهید. در روش انجام کارها برای فرزند خود نمونه باشید معیارهای کیفی وضع کنید و همینطور ارزشهای عادلانه، اخلاقی و روحانی ای را تعیین کنید که او قادر است از آنها پیروی کند. به فرزندانتان نشان بدهید که شما زندگیتان را تسلیم خدا و کلام او کرده‌اید وشما خودتان نیز در برابر خدا مسئول و پاسخگو هستید.
۳) <u>نوجوانان: اجازه دهید که نوجوانان بیشتر و بیشتر کارهایی را به تنهایی و تحت نظارت شما انجام دهند.</u> دراین مرحله فرزند، دیگر نوجوان است. در تمام قسمتهایی که نوجوان قادر است مسئولیت بپذیرد به او وظایفی را محول کنید و از او بخواهید که نسبت به مسئولیتهایش پاسخگو باشد. آزادی بیشتر برای یك نوجوان به این مفهوم است که به او مسئولیتهای بیشتری سپرده شده و او بیشتر پاسخگو خواهد بود. آزادی به این مفهوم نیست که نوجوان هرکاری که دوست دارد بکند بدون اینکه نسبت به کسی پاسخگو باشد (تثنیه ۱۲: ۸ ؛ داوران ۲۱- ۲۵). فرصتهای زیادی را بوجود آورید که در آنها نوجوان تصمیم بگیرد و برنامه‌ریزی کند و تحت نظارت شما چیزهایی را بگوید و انجام دهد. به عنوان والدین باز هم تصمیم‌گیری نهایی را شما انجام می‌دهید پس نهایتاً مسئولیت به عهده شما است و شما پاسخگو هستید.
۴) <u>جوانان: اجازه دهید که جوانان هرکاری را خودشان انجام دهند.</u> حالا فرزندتان جوانی بالغ است. در نهایت، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی را به جوان بالغ خود بسپارید. مطمئن شوید که جوان مسئولیتهایش را درك کرده و حالا در برابر آنچه می‌گوید و انجام می‌دهد صد درصد مسئول و پاسخگو است. در وهله نخست نسبت به شما به عنوان والدینش که هنوز در خانه شما است و در تحلیل نهایی در برابر خدا.
۵) <u>بزرگسالان: اجازه دهید که بزرگسالان استقلال کامل خود را داشته باشند.</u> وقتی بچه‌ها دیگر " بچه " نیستند و به سن بزرگسالی رسیده‌اند، یا خانه والدین را برای ادامه تحصیل یا کار ترك می‌کنند، یا ازدواج می‌کنند و بایستی خانه والدین را ترك کنند، والدین بایستی اجازه دهند آنها کاملاً از دوران بچگی خارج شوند و والدین نیز بایستی کاملاً به آنها استقلال عمل بدهند (متی ۱۹: ۵). بزرگسالان حالا فقط در برابر خدا صد درصد مسئول و پاسخگو هستند. آن مسئولیت والدین که باز هم ادامه پیدا می‌کند محبت کردن فرزندان بالغ است و نه تسلط و اقتدار بر آنها. مسئولیتی که باز هم ادامه پیدا می‌کند محبت کردن فرزندان بالغ، دعا کردن برای آنها، نصیحت کردن آنها در مواقعی است که خود آنها، آن را می‌طلبند و هشدار به آنها در مواقع خطر واقعی است.

۲- <u>اجازه دهید که پسران و دختران شما در اعتقادات شخصی‌شان، رشد کنند.</u>

الف) <u>هدف والدین</u>
هدف ما والدین این نیست که به بچه‌ها اجازه دهیم به سمت اعتقادات ما کشیده شوند بلکه آنها را تشویق کنیم تا اعتقادات، ایمان، ارزشها و اولویتهای خود را رشد دهد.

ب) <u>رشد اعتقادات شخصی</u>
گفتگو کنید: چگونه می‌توان به بچه‌ها کمك کرد تا اعتقادات خود را رشد دهند؟
ملاحظات: تا زمانیکه والدین توقع دارند که بچه‌ها به صورت مطلق از اعتقادات، ایمان، ارزشها و اولویتهای آنها اطاعت کنند هرگز بچه‌ها تبدیل به بالغینی مسئول نخواهند شد که دارای اعتقادات، ایمان، ارزشها و اولویتهای شخصی و شیوه‌هایی برای انجام کارهایش باشد.

پ) قدم‌های رشد اعتقادات شخصی

تعلیم دهید: شیوه شما برای کمك به رشد یك اعتقاد خاص در فرزندانتان می‌تواند سه مرحله داشته باشد.

۱) همراه با آنها حقیقتی را از کتاب مقدس کشف کنید. اصول کتاب مقدسی برای تعیین محدودیتهای هر تصمیمی که ایماندار می‌گیرد.

۲) اجازه دهید که خودش کاربرد آن حقیقت را انتخاب کند. در حالیکه اصول کتاب مقدس هرگز تغییر نمی‌کنند کاربردهای امکان‌پذیر بسیاری برای یك حقیقت وجود دارد.

۳) نتایج تصمیمشان را با آنها مورد گفتگو قرار دهید.

- برای مثال در ارتباط با لباس پوشیدن نوجوانان، کتاب مقدس دو اصل را تعلیم می‌دهد. لباس پوشیدن بایستی همیشه از نظر اخلاقی پذیرفته شده (افسسیان ۵: ۵) و از نظر فرهنگی مناسب شرایط باشد (اول قرنتیان ۱۰: ۳۱-۳۳). در این محدوده اخلاقی و فرهنگی نوجوانان حق انتخاب آزادانه دارند و آنها خودشان انتخاب می‌کنند یا تصمیم می‌گیرند. والدین نتایج انتخاب و تأثیر آنرا بر سایرین و همچنین تأثیری که برخود آنها خواهد گذاشت را مورد گفتگو قرار می‌دهند.

۳- اجازه دهید که پسران و دختران شما احساسات و روابط بالغانه برقرار کنند.

الف) هدف والدین

هدف ما به عنوان والدین ایجاد یك رابطه ملایم با فرزندانمان نیست بلکه یك رابطه بالغانه است. هدف ما به عنوان والدین فقط ایجاد استقلال نیست بلکه وابستگی سالم به یکدیگر است. ویژگی‌های یك ارتباط بالغانه این است که هر شخص کاملاً مسئول سخنان و اعمال خود باشد، هر شخص براساس اعتقادات شخصی خود زندگی کند و آنها را ابراز نماید، و اینکه هر شخص احـــساسات خود را صادقانه بیان کند و هر دو شخص نسبت به یکدیگر وابستگی سالم داشته باشند.

ب) رشد احساسات بالغانه

گفتگو کنید: چطور می‌توانیم به نوجوانان خود کمك کنیم تا احساسات خود را صادقانه و به صورت بالغانه ابراز کنند؟

ملاحظات: نوجوانان دارای احساسات قوی هستند و آنها را نیز ابراز می‌کنند. والدین اغلب ابراز احساسات قوی را نمی‌پسندند احساساتی مانند خشم، تحریك عصبی، فریاد زدن، جنگیدن، گریه کردن وغیره و سعی می‌کنند که آنها را در فرزندانشان مهار کنند. نوجوانان واقعاً تلاش می‌کنند بـــگویند، " من این هستم. " ، " احساسات واقعی من این است. " ، " من را آنطور که واقعاً هستم بپذیرید. " نوجوانان معمولاً به دنبال روابط صادقانه هستند در حالیکه والدین معمولاً روابط ملایم می‌خواهند. به هر حال اگر احساسات نوجوان دائماً مهار شود ممکن است آنها را به صورت انواع مختلفی از رفتارهای ضداجتماعی خود را ابراز کنند مثل دروغ گفتن، مرتکب جرم شدن، درگیر شدن با مواد مخدر، تجاوز و مسائل جنسی یا انواع مختلف مشکلات احساسی مثل افسردگی، انزوا، خشم پنهان، تلخی و نگرش‌های منفی. پس به فرزندان خود اجازه دهید که احساسات خود را ابراز کنند اما کمکشان کنید که آنها را به شیوه‌ای صادقانه، محبت‌آمیز و با پرهیزگاری بیان کنند.

پ) رشد روابط بالغانه

گفتگو کنید: چگونه می‌توانید به جوانان کمك کنید تا رابـطه‌ای براساس وابستگی سالم برقرار کنند؟

ملاحظات: کتاب مقدس هر ایماندار را در یك خانواده خاص، یك کلیسای خاص و در یك اجتماع خاص قرار می‌دهد. نظریه جهانی کتاب مقدس شامل افراد به صورت جداگانه نمی شود و اینکه هرکس راه خود را برود بلکه افراد درخانواده‌ها، افراد در کلیساها و افراد در اجتماعات مطرح می شوند. نظریه جهانی کتاب مقدس این است که همه ما به یکدیگر نیاز داریم و نسبت به هم مسئولیتهایی خاص برای انجام دادن داریم.

برای مثال: والدین و فرزندانشان بایستی همدیگر را تشویق کنند که کارهایی را با هم انجام دهند، نسبت به همدیگر شفاف و بی‌آلایش باشند از یکدیگر یاد بگیرند و همدیگر را خدمت کنند.

مثالهایی از ارتباطات ناسالم:

۱) بعضی مادرها سعی می‌کنند که بچه‌هایشان را وابسته به خود نگه دارند.

۲) بعضی از بچه‌های بالغ نمی‌توانند خود را از سلطه و تسلط والدین خود آزاد سازند.

۳) بعضی مردها به جای نامزد دنبال یك مادر هستند.

۴) بعضی زنان سعی می‌کنند که برای نامزد ضعیف خود پرستاری دلسوز باشند.

۵) همجنس‌بازی رابطه ای است که براساس کتاب مقدس از روابط وابسته ممنوع به شمار می‌آید.

پ - ای پدران، فرزندان خود را به نصیحت و تأدیب خداوند تربیت نمائیـــد.

تعلیم دهید: دوست داشتن مادر بچه و تربیت بچه دو وظیفه عمده هر پدری است.

- " تربیت به نصیحت خداوند " یعنی تعلیم حقایق کتاب مقدس به فرزندتان.

- " تربیت فرزند به تأدیب خداوند " یعنی یاد دادن اطاعت از حقایق کتاب مقدس به فرزندتان. مادران نیز بایستی در انجام این مسئولیت به پدران كمك كنند (پیدایش: ۲: ۱۸).

۱- <u>فرزندانتان را طوری تربیت کنید که شهروندان خوبی برای این دنیا باشند.</u>

بخوانید: امثال ۲۲: ۶ ؛ امثال ۱۳: ۲۴ ؛ امثال ۱۷: ۲۱ و ۲۳: ۲۴ ؛ لوقا ۲: ۵۲ ؛ اول قرنتیان ۱۳: ۴ ـ ۸
کشف و گفتگو کنید: مهمترین بخشی که والدین بایستی به فرزندان خود بیاموزند چیست؟
ملاحظات: طفل را در طریقی که خدا میخواهد، تربیت نما. خانوادههای سالم، مصالح ساختمانی یك ملت سالم هستند.

الف) <u>مفهوم تربیت</u>
در تمام موارد بالا تربیت یعنی:
۱) به آنها یاد بدهید که حقایق را به اجراء بگذارند.
۲) آنها را دوباره و دوباره تشویق کنید.
۳) درصورت لزوم به آنها نظم بدهید یا تنبیه کنید.

ب) <u>محدودههای تربیت</u>
آنها را تربیت کنید بخصوص:
۱) به سمت بلوغ عقلی، جسمی، روانی و اجتماعی
۲) در اینکه حکیم باشند
۳) در اینکه محبت داشته باشند (" محبت " به معنی این است که صبر، مهربانی، تواضع، فروتنی، رفتار خوب، خدمت فداکارانه، پرهیزگاری و بخشش را بیاموزند).

۲- <u>فرزندانتان را طوری تربیت کنید تا شهروندان خوب ملکوت خدا باشند.</u>

بخوانید: امثال ۱۴: ۲۶ و ۲۰: ۷ ؛ تثنیه ۶: ۴ ـ ۹
کشف و گفتگو کنید:
- اهمیت نمونهای که والدین به جا میگذارند چیست؟
- اهمیت کتاب مقدس در تربیت چیست؟

ت - <u>مسئولیتهای فرزندان نسبت به والدینشان</u>

مسئولیتهای بچهها نسبت به والدینشان چیست؟ بچهها بایستی بدانند که والدینشان گرچه کامل نیستند ولی بسیار باارزش هستند. والدین عاشق بچههایشان هستند و به همکاری بچههایشان نیاز دارند تا بتوانند والدین خوبی بشوند.
بخوانید: افسسیان ۶: ۱ ـ ۳ ؛ کولسیان ۳: ۲۰ ؛ امثال ۲۳: ۲۲ ـ ۲۵
کشف و گفتگو کنید: وظایف خاصی که خدا به فرزندان داده است چیست؟
ملاحظات: دو مسئولیت مهم وجود دارد که به عنوان بزرگترین هدایا میتوانید به والدین خود بدهید: اطاعت، وقتی هنوز جوان هستید و احترام، وقتی بزرگسال می باشید.

ث - <u>ای فرزندان، والدین خود را در خداوند اطاعت نمائید.</u>

تعلیم دهید: سه حقیقت مهم در ارتباط با اطاعت از والدین:

۱- <u>در هر چیز که خلاف کتاب مقدس نیست، از والدین خود اطاعت کنید.</u>

بخوانید: متی ۱۰: ۳۷ ؛ مرقس ۷: ۱ ـ ۱۳ ؛ اعمال ۴: ۱۹ ـ ۲۰ ؛ ۵: ۲۹ ؛ اول قرنتیان ۹: ۱۹ ـ ۲۳
گفتگو کنید: در چه شرایطی بایستی خداوند عیسی مسیح را بیشتر از والدین خود دوست داشته باشید؟ و در چه شرایطی میتوانید والدینتان را خشنود کنید؟
ملاحظات: اگر والدینتان از شما انتظار دارند که کاری را که در نظر خدا اشتباه است انجام دهید و به دلیل ایمان به مسیح از طرف خانوادهتان در جفا هستید و آنها انتظار دارند شما مسیح را انکار کنید یا انتظار دارند با يك غیرمسیحی ازدواج کنید پس بایستی به آرامی از اطاعت از آنها خودداری کنید. اگر خانوادهتان از شما انتظار دارند که از آداب و رسوم خانوادگی ای پیروی کنید که مخالف کتاب مقدس میباشند پس به آرامی از آن رسوم اجتناب کنید. به هر حال بعضی

آداب و رسوم و قوانین خانوادگی ای که خانواده شما آنها را پیروی می‌کنند مخالف کتاب مقدس نمی‌باشند. پیروی از این چیزها قطعاً احترام به والدینتان است.

۲- __تا زمانی که یک بچه (زیر سن قانونی) هستید، از والدینتان اطاعت کنید.__

بخوانید: لوقا ۲: ۵۱ ؛ مرقس ۳: ۲۰ - ۲۱، ۳۱ - ۳۵
کشف و گفتگو کنید: عیسی تا چه وقت از والدین خود اطاعت کرد؟
ملاحظات: کتاب مقدس تعلیم نمی‌دهد که شخص بایستی در سرتاسر عمرش از والدین خود اطاعت کند بلکه فقط از وقتی که کودك (زیر سن قانونی) است و تا سن بزرگسالی. بزرگسالی هنگامی شروع می‌شود که او خانه والدین خود را ترك کند یا وقتی که دیگر وابسته به والدین خود نیست و یا ازدواج میکند. پس اطاعت از والدین دارای محدوده زمانی است و تا زمانی که شخص تبدیل به بزرگسالی بالغ شود، ادامه می‌یابد.
احترام گذاشتن به والدین دارای محدودیت زمانی نمی‌باشد.

۳- __به والدین خود احترام بگذارید، چون شما یك مسیحی هستید.__

" والدین خود را در خداوند اطاعت کنید " به این معنی نیست که فقط وقتی بایستی از والدینتان اطاعت کنید که آنها مسیحی باشند بلکه شما بایستی از آنها اطاعت کنید چون شما مسیحی هستید.

ج - __فرزندان، پدر و مادر خود را احتــرام نمائیــد.__

تعلیم دهید: " احترام گذاشتن" یعنی توجه زیاد، نشان دادن توجه و محبت کردن بدون اکراه و بــدون انگیــزه‌های خودخواهانه یا ترس. مثالهای زیر به ارتباط تمام مردم جهان بـــه والدینشان، ارتباط با والدین همسرانشان و به ارتباط آنها با خدا به عنوان پدر آسمانی اختصاص داده شده است.
گفتگو کنید: در مورد پنج راه زیر درباره احترام گذاشتن به والدینتان، والدین همسرتان و به مفهومی بالاتر پدر آسمانیتان گفتگو کنید.

۱- __موضوع بحث کردن__

الف) __نحوه بی‌احترامی به والدین__
تا آنجایی که ممکن است با آنها بحث می‌کنید بخصوص در مورد مسائلی که اهمیت واقعی روحانی ندارند. برای مثال بر سر اینکه چه لباسی برای پوشیدن مناسب است یا اینکه کدام برنامه تلویزیونی را باید دید یا کارهای خانه را چه کسی باید انجام دهد، غیره. بحث کردن باعث می‌شود که والدین احساس کنند که افکارشان مسخره و اشتباه است.

ب) __نحوه احترام به والدین__
به آرامی بر نقطه نظر خودتان تأکید کنید اجازه دهید که خدا به شیوه‌ای که او را بیشتر خشنود می‌سازد آن را تغییر دهد. به این ترتیب شما ایمانتان را نشان می‌دهید که بر هر شرایطی خدا مسلط است و توانایی انجام آنچه برای شما بهترین است را دارد.

۲- __موضوع مشورت__

الف) __نحوه بی‌احترامی به والدین__
هرگاه والدینتان به شما پیشنهاد یا مشورتی می‌دهند که دوست ندارید، بلافاصله برای دفاع از موقعیت خود، مشورت آنها را رد می‌کنید. حتی به نظریات آنها بطور دقیق توجه نمی‌کنید. با این راه به والدینتان نشان می‌دهید که نظریات آنها حتی ارزش توجه کردن را ندارد.

ب) __نحوه احترام گذاشتن به والدینتان__
هرگاه والدینتان پیشنهاد یا مشورتی به شما می‌دهند، به آن گوش میدهید و از آنها یاد می‌گیرید. هر وقت فرصتی پیش مـــی‌آید از سالهای تجربیات و حکمتی که اندوخته‌اند استفاده کنید. به خصوص در زمینه‌های قوتها، استعدادها، دانش و مهارتهایشان چیزهایی یاد بگیرید. بعضی والدین در زمینه‌های برنامه‌ریزی و سازماندهی، تجارت و پس‌انداز، آشپزی و کشاورزی قابلیت‌هایی دارند و سایر والدین در زمینه رهبری، تعلیم، مشورت و خدمت. شما با طلبیدن مشورت و یادگیری از آنها به ایشان احترام می‌گذارید.

۳- موضوع صمیمیت

الف) نحوه بی‌احترامی به والدین
با والدینتان صمیمی نمی شوید. اجازه نمی دهید والدینتان بفهمند که شما به چه چیز فکر می‌کنید، چه احساسی دارید، چه برنامه‌ریزی دارید و واقعاً چه می‌کنید. وقتی نقشه می‌کشید فقط اجازه می دهید بدانند چه می‌خواهید بکنید ولی به آنها هیچ فرصتی نمی دهید که بر نقشه شما اثری بگذارند. همچنین به آنها اجازه نمی دهید در خوشیها و یا در رنجهای شما، در شادیها و یا صدماتتان سیهم شوند. به آنها اجازه نمی دهید شما را آنطور که واقعاً هستید بشناسند. والدین خود را از زندگی واقعی و تصمیمات خود کنار می گذارید. این روش باعث می‌شود که آنها احساس کنند ارزش ارتباط با شما را ندارند.

ب) نحوه احترام گذاشتن به والدینتان
۱) با والدینتان ارتباط برقرار کنید. اینکار مشکل است اما هنوز هم یکی از بهترین روش‌ها برای احترام گذاشتن به والدین محسوب می‌شود. برای حرف زدن با آنها قدم اول را بردارید. در مورد فعالیتهایتان، آنچه که در مدرسه یا سرکار انجام می‌دهید، آنچه با دوستانتان و یا در کلیسا انجام می‌دهید با آنها صحبت کنید. درمورد افرادی که با آنها ارتباط دارید، بخصوص دوستان مسیحیتان با آنها صحبت کنید. در مورد آنچه می‌بینید و می‌شنوید، در مورد آنچه فکر می‌کنید، در مورد مسائل و وقایع یا در مورد سیاست و اجتماع با آنها صحبت کنید. در مورد آنچه در مدرسه و کلیسا و از کتاب مقدس یاد می‌گیرید، در مورد آنچه ایمان دارید؛ در مورد خدا، مردم و دنیا حرف بزنید، در مورد اعتقادات مسیحی خود صحبت کنید. در مورد آنچه احساس می‌کنید؛ احساسات خشم و ناامیدی، غم و شادی و حتی بعضی مواقع زخم‌های خود را با آنها در میان بگذارید.

۲) آنها را در نقشه‌ها و تصمیماتتان دخالت دهید. به تجربه و حکمت والدینتان احترام بگذارید و مشورت آنها را جویا شوید. بعضی اوقات آنها بینش و نظریات خوبی را می‌توانند به شما بدهند. این راه شیوه‌ای فوق العاده است برای اینکه آنها احساس کنند که بدیشان نیاز دارید. هفته‌ها و یا حتی ماهها قبل از اینکه تصمیم نهایی را بگیرید با گفتن افکار و اندیشه‌های خود والدینتان را درتصمیم گیری مهم دخالت دهید. حتی اگر تصمیم نهایی شما خلاف خواسته‌های آنها باشد به آنها فرصت داده‌اید تا افکار و احساساتشان را درمیان بگذارند و در آنها این احساس را بوجود می‌آورید که به آنها گوش کرده‌اید و نظریات آنها را جدی گرفته‌اید. با دخالت دادن والدینتان در مرحله ابتدایی فرصت دارید که آنها را هفته به هفته در جریان پیشرفت افکارتان قرار دهید. پس در صورت لزوم آنها می‌توانند با تصمیم نهایی شما خود را تطبیق دهند و این برای آنها مانند یك شوك نخواهد بود.

۴- موضوع رسیدگی کردن

الف) نحوه بی‌احترام کردن والدینتان
از خدمت کردن والدینتان اجتناب می کنید مگر اینکه آنها از شما خواهش انجام کاری را کرده باشند و شما هم با اکراه آن را انجام می دهید. قبل از اینکه از شما خواهش کنند هرگز قدم اول را برنمی دارید. هیچگاه کارهایی را که کاملاً داوطلبانه است انجام نمی دهید. هیچگاه از جوانی و قدرت خود برای بلند کردن بارهای والدینتان استفاده نمی کنید. این بهترین راه برای گفتن این است که نمی‌خواهید قسمتی از خانواده آنها باشید.

ب) نحوه احترام گذاشتن به والدینتان
در رفتارتان نمونه باشید. در خانه روابط خوبی با برادران و خواهرانتان ایجاد کنید. بدون اینکه آنها از شما بخواهند، سهم خود را در انجام کارهای خانه انجام دهید. توجه به این موضوع را تمرین کنید که کجا می‌توانید خدمت کنید. در کجا کسی به خدمت شما نیاز دارد و یا کاری هست که دیگران اشتیاق یا توانایی انجام آن را نداشته باشند و شما می‌توانید آن را انجام دهید. قدم اول را در خدمت کردن و کمك کردن بردارید و منتظر نمانید که والدینتان از شما چیزی بخواهند. خارج از منزل با وجدان و مسئول باشید. در درس خواندن یا کار کردن کوشا باشید. نوع دوستانی که با آنها ارتباط برقرار می‌کنید، مکانهایی که به آنجا می‌روید، کارهایی که انجام می‌دهید یا در انجام آنها غفلت می‌کنید براحساسی که والدینتان نسبت به خود به عنوان والدین دارند تأثیر فوق‌العاده‌ای می‌گذارد.

۵- موضوع محبت

الف) نحوه بی‌احترام کردن والدین
فقط بر طبق ضروریات فرهنگی به والدینتان محبت نشان می دهید مثل ملاقات کردن و هدیه دادن به آنها. حتی این ضروریات فرهنگی را با دلسوزی همراه با نگرشی بد و در فضایی بی‌علاقه و بی‌تفاوت انجام می دهید. از انجام هر چیز خاص اجتناب می کنید و مستقیماً نمی گوید " از شما قدردانی می‌کنم ". حتی به آنها نمی گوید که آنها را تحسین می‌کنید و به آنها احترام می‌گذارید و یا نسبت به آنچه در گذشته برای شما انجام داده‌اند سپاسگزار هستید.

نسبت به قصورات آنها خود را بی‌تحمل نشان می دهید نسبت به اشتباهات آنها برخوردهای بی‌ادبانه نشان میدهید. هرگز اشتباهاتی را که نسبت به شما انجام داده‌اند نمی بخشید. نسبت به آنها خشمگین می مانید و به دنبال راههایی برای آسیب زدن به آنها می باشید. تمام این عکس‌العمل‌های شما به والدینتان می‌گوید که آنها را دوست ندارید.
بی‌احترام کردن والدینتان عمیقاً به آنها آسیب می‌زند. با راههای بی‌احترام کردن والدینتان که در بالا به آنها اشاره شد به پدر و مادرتان می‌گویید که شما آنها را لایق احترام نمی‌دانید. این راهها بخصوص اگر آنها مسیحی نباشند مؤثر است. چون این راهها به آنها چنین می گوید که " چون شما مسیحی نیستید عقایدتان دیگر برای ما مسیحیان ارزشی ندارد " یا " چون شما مسیحی نیستید دیگر نمی‌توانم شما را دوست داشته باشم ". وقتی پسر یا دختری به سوی مسیح باز می‌گردد بسیاری از والدین بی‌ایمان انتظار دارند یا می‌ترسند که ارتباط خود را با آنها از دست بدهند. هر عملی که عاری از محبت باشد فقط احساس طردشدگی و شکست را در آنها تقویت می‌کند. عکس‌العمل آنها ممکن است غیرمنطقی باشد اما اغلب به طریقی است که والدین ممکن است خود آن مسائل را در زندگی شخصی خود تجربه کرده اند.

ب) نحوه احترام به والدین
سعی کنید والدینتان را درك کنید. سعی کنید شیوه‌ای که والدینشان نسبت به آنها داشته‌اند درك کنید یعنی مشکلات و بحرانهای زندگیشان و رابطه‌ای که با والدین و سایر اعضای خانواده داشته‌اند.
ارزشهای آنها را درك کنید بخصوص در ارتباط با پول و شیوه زندگی، تحصیل، مقام، گفتن واقعیت و صداقت و غیره. قوانین و تشریفاتی را که بخصوص حفظ می‌کنند و اعتقادات مذهبی آنها را درك کنید و اینکه آنها چگونه بر فکر کردن، احساس کردن و رفتار آنها تأثیر می‌گذارند. نحوه عکس‌العمل آنها را در موقعیتهای مختلف درك کنید مثل مخالفت با ازدواج، نظم بچه‌ها، فشار در محل کار، غم از دست دادن یکنفر یا یك چیز، بی‌عدالتی از سوی دیگران و غیره و اینکه چرا آنها این عکس‌العمل را نشان می‌دهند. بخصوص سوءتفاهمات و ترس آنها را درك کنید مخصوصاً بعد از اینکه شما مسیحی شوید. بعد از اینکه مسیحی می‌شوید والدین بی‌ایمانتان می‌ترسند که تبدیل شما تاثیر منفی بر شما بگذارد. می‌ترسند که شما تحصیلاتتان را بخوبی انجام ندهید، کار خوبی نتوانید بدست آورید و نتوانید در زندگی موفق باشید، نتوانید پول کافی بدست آورید و اگر نیاز مالی داشته باشند نتوانید والدینتان را از نظر مالی حمایت کنید. آنها می‌ترسند که شما فرهنگ خود را از دست بدهید و خدای آنها را خشمگین بسازید. پس سعی کنید والدینتان را درك کنید. ایمان مسیحی خود را با دقت برای آنها توضیح دهید و به آنها ثابت کنید که از طریق آنچه عیسی مسیح برای شما انجام داده است شما تبدیل به شخصی شده‌اید که مسئولیت‌پذیرتر و با محبت‌تر است.

۵	**دعا (۸ دقیقه)** **دعای در پاسخ به کلام خدا**

به نوبت در تمام گروه یا درحالیکه به گروه‌های دو یا سه نفری تقسیم شده‌اید با دعاهای کوتاه، حقایقی را که امروز یاد گرفته‌اید به حضور خدا بیاورید.

۶	**تکلیف منزل (۲ دقیقه)** **برای درس بعدی**

(**سر گروه:** رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

۱- تعهد - متعهد باشید به اینکه شاگردان بسازید.
درس " ارتباطات والدین - فرزند " را برای یکدیگر، برای شخصی دیگر یا برای گروههای مردم موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
۲- رازگاهان - هر روز نیمی از یك فصل را از نحمیا ۴، ۸، ۹، ۱۰ بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
۳- بررسی کتاب مقدس - درس بعدی بررسی کتاب مقدس (افسسیان ۶: ۱۰ - ۲۰- نبرد روحانی در دنیا) را در خانه آماده کنید. از روش ۵ قدم بررسی کتاب مقدس استفاده کنید و یادداشت بردارید.
۴- دعا - در این هفته برای یك شخص یا موضوعی خاص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید. (مزمور ۵: ۳).
۵- آموخته های جدید درمورد شاگردسازی را وارد دفتر(یا پوشه) خود کنید. از تمام یادداشت‌های خود در مورد پرستش، رازگاهان، یادداشتهای تعلیمی و این تکلیف منزل یك دفتر(یا پوشه) درست کنید.

درس ۴۲

دعا	۱

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره شاگردسازی را به حضور خداوند بیاورید.

درمیان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه) نحمیا	۲

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (نحمیا ۴، ۸، ۹، ۱۰)، با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان میگذارد، بحث نکنید.

تعمق و حفظ کردن (۲۰ دقیقه) خدمت ـ مرقس ۱۰: ۴۵	۳

الف- تعـــمق

بخوانید: مرقس ۱۰: ۴۲ ـ ۴۵

این آیه حفظی را روی یک صفحه یا تخته سیاه بنویسید:

خدمت مرقس ۱۰: ۴۵
زیرا که پسر انسان نیامده تا مخدوم شود بلکه تا خدمت کند و تا جان خود را فدای بسیاری کند. مرقس ۱۰: ۴۵

۱- **حاکمین امتها بر مردم خداوندی می‌کنند.**

بسیاری از رهبران در دنیا چگونهه حکومت میکنند؟ عیسی می‌گوید که رهبران دنیا خود را رهبر به حساب می‌آورند و همینطور مردم نیز آنها را رهبر می‌دانند، اما آنها در چشم خدا واقعاً رهبر نیستند. انتظار می‌رود که آنها رهبر باشند اما نمی‌توانند رهبران واقعی مردم باشند. عیسی این واقعیت را با لحن طعنه بیان می‌کند. اگر این رهبران، رهبرانی واقعی بودند پس شیوه رهبری کاملاً متفاوتی داشتند.
رهبران دنیا تمام انرژی خود را صرف این می‌کنند که در صدر باشند و وقتی به آن نقطه می‌رسند باعث می‌شوند که تمام مردم فشار اقتدار آنها را حس کنند. آنها فقط به خود فکر می‌کنند و نه به آنانی که رهبرشان هستند. آنها باعث می‌شوند که زیردستانشان زیر تسلط ظالمانه آنها تحت فشار قرار گیرند. اغلب بر تمام جنبه‌های زندگی زیردستانشان اقتدار مطلق دارند و به مردم آنچه باید فکر کنند، اعتقاد داشته باشند، حرف بزنند و انجام دهند تحمیل می‌کنند. اغلب طوری رفتار می‌کنند که انگار " خدا " هستند و هیچکس بیشتر از آنها قدرت ندارند. یا ادعا می‌کنند که خدا ایـن اقتدار را به آنها داده است و آنانی که از آنها نااطاعتی می‌کنند در واقع از خدا نااطاعتی می‌کنند، این شیوه رهبری را "خداوندی کردن" می‌نامند.

۲- **شاگردان عیسی مسیح بایستی خادمین مردم باشند.**

رهبران مسیحی چگونه بایستی رهبری کنند؟ عیسی بوضوح تعلیم می‌دهد که رهبران مسیحی نباید مثل رهبران دنیا رهبری کنند. او می‌گوید، " درمیان شما چنین نخواهد بود ". عیسی تعلیم می‌دهد که هر کس می‌خواهد در میان مسیحیان بزرگتر باشد بایستی خادم آنها باشد و هر کس که می‌خواهد اول باشد غلام همه باشد. عیسی می‌گوید که در ملکوت خدا عظمت و بزرگی در خدمت کردن است. این تعریف دقیقاً با طرز فکر دنیا نسبت به بزرگ بودن مخالف است. عیسی می‌گوید که بزرگ بودن به جای گرفتن شامل بخشش فداکارانه می‌باشد. شامل فدا کردن خود برای دیگران است به جای اینکه از آنها برای رسیدن به اهدافتان استفاده کنید.

واژه غلام معمولاً دارای مفهومی منفی است. غلام دارای آزادی نیست و بایستی خدماتی را که مشتاق آنها نیست انجام دهد. با او ظالمانه رفتار می‌شود و غیره. در این متن واژه غلام با کلمه خادم برابر است و بایستی خدمتکار و فروتن ترجمه شود. به این معنی که رهبر مسیحی بایستی آزادانه و داوطلبانه خدمت کند. عیسی اشاره‌ای نکرد که رهبر مسیحی بایستی تحت ظلم یا بی‌احترامی قرار گیرد. در حالیکه سمبل رهبری موجود در دنیا شخصی است بر قله یك هرم، شخصی که بر یك هرم وارونه و آن هم در انتهای آن ایستاده بیانگر رهبری مسیحی است. رهبر مسیحی داوطلبانه و آزادانه انتخاب می‌کند که در انتهای هرم بایستد و مردم را خدمت کند. پس بزرگ بودن واقعی در مسیحیت خدمت کردن به مردم در محبت است.

۳- <u>نمونه خداوند عیسی مسیح</u>

الف) <u>عیسی با خدمت کردن رهبری می‌کرد.</u>
عیسی مسیح خدای خدایان و پادشاهان پادشاهان است با این وجود او در دوران اولین آمدنش به زمین نیامد تا خدمت کرده شود بلکه تا خدمت کند. عیسی مسیح با خدمت کردن مردم آنها را رهبری می‌کرد. او در خدمتش جان خود را به عنوان فدیه برای بسیاری فدا ساخت.

ب) <u>فــدیــه</u>
۱) فدیه چیست؟ کلمه فدیه در ریشه به معنی پولی است که برای آزادی یك برده پرداخت می‌شد. قیمتی که عیسی به عنوان فدیه پرداخت کرد زندگی خودش بود و این کفاره از نوع جانشینی بود و تنها قربانی بود که خدا پذیرفت.
۲) عیسی فدیه را به چه کسی پرداخت؟ گرچه مردم غلام شیطان بودند ولی او فدیه را به شیطان پرداخت نکرد. او فریه را به خدا پرداخت تا خشم عدالت خدا را در مقابل گناهان بسیاری از مردم برطرف سازد.
۳) چه کسی از این فدیه نفع می‌برد؟ گرچه فدیه او برای تمام مردم سرتاسر دنیا کفایت می‌کند ولی همه مردم دنیا از این فدیه نفع نمی‌برند. فدیه او برای تمام مردم دنیا مؤثر نیست. او زندگی خـود را به عنوان فدیه به تمام مردم دنیا نمی‌بخشد بلکه به بسیاری از آنها. این بسیاری از مردم، چه کسانی هســتند؟ اشعیاء ۵۳: ۸ می‌گوید، "به جهت گناه قوم من مضروب گردید". متی ۱: ۲۱ می‌گوید، " نام او را عیسی خواهی نهاد زیرا که او امت خویش را از گناهانشان خواهد رهانید ". در یوحنا ۶: ۳۹ عیسی می‌گوید، " از آنچه به من عطا کرد چیزی تلف نکنم ". اعمال ۲۰: ۲۸ می‌گوید، "کلیسای خدا را رعایت کنید که آن را به خون خود خریده است". رومیان ۸: ۳۲ - ۳۳ می‌گوید، " او که پسر خود را دریغ نداشت بلکه او را در راه جمیع ما تسلیم نمود " یعنی برای آنانی که خدا انتخاب کرده و عادل شمرده است. گرچه عیسی مسیح به عنوان فدیه، زندگی خود را به خاطر همه فدا نکرده است ولی علاوه بر این آن را نه به خاطر تعدادی محدود بلکه به خاطر عده بسیاری بخشیده است. در مکاشفه ۷: ۹ می‌خوانیم که یوحنا جمعیت عظیمی را دید که بی‌شمار بوده و از هر قوم، قبیله، قوم و زبانی در مقابل تخت خدا وعیسی مسیح ایستاده‌اند.

۴- <u>خدمت در کتاب مقدس</u>

بررسی خدمت مسیحی در ضرب‌المثل خادم وفادار و خادم خائن در ملکوت را در دستورعمل ملکوت خدا - کتاب چهارم - ضمیمه ۱ ملاحظه کنید.

ب - <u>حفظ کردن و مــرور</u>

۱- **بنویسید:** آیه کتاب مقدس را روی یك کارت سفید یا روی یك صفحه از یك دفترچه یادداشت خود بنویسید.
۲- **حفظ کنید:** آیه کتاب مقدس را به روش صحیح حفظ کنید. خدمت: مرقس ۱۰: ۴۵
۳- **مرور کنید:** به گروههای دو نفری تقسیم شوید و آخرین آیه حفظی را از یکدیگر بپرسید.

۴	**بررسی کتاب مقدس (۷۰ دقیقه)** **نبرد روحانی در دنیا**

با استفاده از روش ۵ قدم بررسی کتاب مقدس، افسسیان ۶: ۱۰ - ۲۰ را با یکدیگر بررسی کنید.

قدم ۱: بخوانید
بخوانید: افسسیان ۶: ۱۰ - ۲۰ را با هم بخوانیم.
هر یک به نوبت یك آیه بخواند تا تمام قسمت خوانده شود.

قدم ۲: کشف کنید
توجه کنید: چه حقیقتی در این قسمت برای شما مهم است؟ یا کدام حقیقت در این قسمت ذهن یا قلب شما را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟
بنویسید: یك یا دو حقیقتی را که درك می‌کنید، کشف نمایید، در مورد آنها فکر کنید و افکارتان را در دفتر یادداشت خود بنویسید.
در میان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی به اعضای گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد، به نوبت برکاتشان را با هم در میان بگذارند). به نوبت برکات خود را از نکاتی که کشف کردیم با یکدیگردر میان بگذاریم.
(موارد زیر، مثال دو شخصی است که برکاتشان را با یکدیگر در میان می‌گذارند. به خاطر داشته باشید. در هر گروه کوچك اعضای آن گروه نکات مختلفی را با هم در میان می‌گذارند که نباید لزوماً یکسان باشند.)

کشف ۱) یك حقیقت مهم از نظر من این واقعیت است که شیطان و لشکر دیوها دشمنان واقعی هستند که به هر فریبی متوسل می‌شوند تا من سقوط کنم و شکست بخورم. روزهای خاصی هست که شریر در آنها به من حمله می‌کند. بنابراین من از کتاب مقدس نقشه‌های شیطانی شریر را یاد می‌گیرم. استراتژی او این است که کلام خدا را از فکر و قلب مردم دور سازد (لوقا ۸: ۱۲). او همیشه دروغ می‌گوید (یوحنا ۸: ۴۴). او ذهن مردم را کور می‌کند تا نتوانند انجیل را درك کنند (دوم قرنتیان ۴: ۳ - ۴). او کاری می‌کند که مردم اعتقاد پیدا کنند که چیزهای خوب را می‌شود با انجام کارهای بد بدست آورد (لوقا ۴: ۶ - ۷). به غلط از کتاب مقدس نقل قول می‌کند (لوقا ۴: ۶)، او بعضی اشخاص شریر و نادرست را در کلیسا قرار می‌دهد (متی ۱۳: ۳۷ - ۴۱)، مردم را وسوسه می‌کند تا مرتکب گناهان جنسی بشوند بخصوص وقتی برخود تسلط و پرهیزگاری ندارند (اول قرنتیان ۷: ۵) و تعالیم غلط را از طریق معلمین کاذب در همه جا پراکنده می‌کند (اول تیموتائوس ۴: ۱ - ۳).

کشف ۲) یك حقیقت مهم از نظر من این حقیقت است که این قسمت هم شامل فیض الهی است و هم مسئولیتهای انسانی. از طرف دیگر تمام سلاحهای روحانی که اسلحه کامل خدا را تشکیل می‌دهند همه از طرف خدا است. خدا این سلاحها را ساخته و به سربازانش داده است. از طرف دیگر سرباز مسیحی بایستی این سلاح را بپوشد و از این اسلحه‌ها بایستی هم برای دفاع و هم برای حمله استفاده کند. پس در جنگ روحانی می‌خواهم کاملاً وابسته به خدا و امکانات او باشم و طرف دیگر نیز می‌خواهم با وقف خود کاملاً در این نبرد خود را مسئول بدانم. می‌خواهم قوی باشم ولی نه با قدرت خود بلکه با قدرت خدا می خواهم در برابر نیروهای شریر بایستم.

قدم ۳: سؤال کنید
توجه کنید: در این متن چه سؤالاتی در زمینه‌های مختلف وجود دارند که مایلید در گروه آنها را بپرسید؟
سعی کنیم تمام حقایق مربوط به افسسیان ۶: ۱۰ - ۲۰ را درك کنیم و در مورد آنچه نمی‌فهمیم، سؤال‌های خود را بپرسیم.
بنویسید: تا آنجایی که امکان دارد سؤال‌های خود را واضح و صریح مطرح کنید و سپس آنها را در دفتر یادداشت خود بنویسید.
در میان بگذارید: (بعد از این که مدتی به اعضای گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد اجازه دهید که هر کدام ازافراد سؤال خود را برای دیگران مطرح سازد).
گفتگو کنید: (سپس چند سؤال را از بین همه سؤالها انتخاب کنید و سعی کنید با گفتگو کردن در مورد آنها در گروه، جوابی برایشان پیدا کنید. درادامه نمونه‌هایی از سؤالهایی که شاگردان ممکن است بپرسند و همچنین ملاحظاتی در رابطه با آن مباحث آمده است.)

سؤال ۱) <u>نبرد روحانی چیست؟</u>
ملاحظات: کتاب مقدس می‌گوید که نبرد ما در مقابل مردم نیست بلکه در واقع برعلیه نیروهای روحانی شریر. ریاستها، قدرتها و جهان‌داران، انواع مختلف روحهای شریری هستند که تحت تسلط شیطان و از طریق انسانهای شریر روی زمین کار می‌کنند. مسکن این روحهای شریر در جایهای آسمانی یعنی مکانی در بالای دنیا اما زیر آسمانی است که فدیه‌شدگان زیست می‌کنند. این روحهای شریر فرشتگان سقوط کرده هستند. به همین خاطر است که آنها با خدای زنده مخالفت می‌کنند و سعی دارند کاری را که او در انسانها می‌کند از بین ببرند. به همین خاطر است که نیروهای شیطانی اغلب با سایر مذاهب دوستانه برخورد می‌کنند ولی با ایمان مسیحی بسیار دشمن هستند. نبرد روحانی نبرد جسمی نیست و از ارتش و سلاحهای این دنیا برای کشتن مردم استفاده نمی‌کند. نبرد روحانی همچنین با مبارزه‌ای که " جهاد مقدس " یا جنگ مذهبی خوانده می‌شود تفاوت دارد. نبرد روحانی هرگز از شیوه‌های دنیوی یا اسلحه‌های فیزیکی و برنامه‌های انسانی استفاده نمی‌کند. نبرد روحانی تنها با سلاحهای روحانی و اعتماد به قدرت روحانی خدای زنده امکان‌پذیر است. نبرد روحانی به معنی این است که شما فعالانه در مقابل نقشه‌ها و فعالیتهای روحهای شریر که از طریق اشخاص شریر و سیستم‌های شیطانی عمل می‌کنند مبارزه کنید. هدف نبرد روحانی از یک طرف این است که در مقابل حملات او ایستادگی کنید و از طرف دیگر جلوی پیشرفت او را بگیرید و مردم را از تسلط او برهانید.

سؤال ۲) (افسسیان ۶: ۱۴). <u>کمربند راستی که به دور کمر خود می‌توانیم ببندیم، چیست؟</u>
ملاحظات:
الف) در نبرد جسمی، کمر (یا کمربند) به دور پیراهن کوتاهی که سرباز رومی می‌پوشد بسته می‌شد. پس پاها و دستهایش برای مبارزه آزاد بودند. هرگاه که او مشغول نبرد نبود زره و شمشیر خود را به کمر خود می‌بست.
ب) در نبرد روحانی، کمربند نشانه راستی، صداقت و خواست است. سؤال مهم از نظر سرباز مسیحی این است که، "آیا صادقانه می‌خواهم که در نبرد روحانی مبارزه کنم؟"، " آیا کاملاً می‌خواهم در نبرد روحانی مبارزه کنم؟ " کمربند راستی، انگیزه و خواست سرباز مسیحی در جنگیدن است. صداقت سلاحی توانمند است. شخص صادق خیلی بیشتر از يك رياكار بر ديگران تأثير می‌گذارد. در داوران ۷: ۳ می‌خوانیم که بیش از دو سوم لشگر به خانه بازگشتند چون آنها نسبت به جنگیدن جدا صادق نبودند. اما در آن شب جدئون و سیصد نفر سرباز دیگر با انگیزه و مصمم با لشگر عظیمی جنگیدند.

سؤال ۳) (افسسیان ۶: ۱۴) جوشن عدالت که بایستی بپوشیم، چیست؟
ملاحظات:
الف) در نبرد جسمی، جوشن سلاحی بود که از بدن از گردن تا به رانها سرباز رومی را محافظت می‌کرد. شامل دو بخش بود يك بخش سطح جلو و بخش دیگر پشت را می‌پوشاند (اول سموئیل ۱۷: ۵، ۳۸، يك پوشش زره). پس ارگانهای حیاتی سرباز، مثل قلب و ریه‌ها، محافظت می‌شد.
ب) در نبرد روحانی، زره نشانه عدالت است. مقام عادلانه‌ای نیست که خدا به ایمانداران نسبت داده باشد بلکه کارهای عادلانه‌ای است که خدا می‌بخشد تا زندگی اخلاقی و مقدسی داشته باشیم. سؤال مهم از نظر سرباز مسیحی این است که، " آیا من برای اینکه بتوانم در نبرد روحانی شرکت کنم دارای زندگی اخلاقی و عادلانه روحانی هستم؟ " جوشن عدالت، اخلاق و توانایی روحانی سرباز مسیحی برای جنگیدن است. بدون عدالت او نمی‌تواند از نجاتش اطمینان داشته باشد، در مقابل لعنت شیطان نمی‌تواند دفاعی کند و دعای او قدرتمند و مؤثر نیست (یعقوب ۵: ۱۶). بدون عدالت، او در نبرد روحانی بی‌فایده خواهد بود. اما رفتار عادلانه سلاح توانمندی هم برای دفاع و هم برای حمله است. برای مثال در دوم قرنتیان ۶: ۶ - ۷ می‌خوانیم که سلاح‌های عدالت، سرباز را قادر می‌سازد که هم از راست و هم از سمت چپ با حملات مواجه شود و این نبرد در زمینه مسائلی است مثل پاکی، صبر، مهربانی، محبت بی‌ریا و سخنان راست. درست زندگی کردن سرباز را در نبرد توانا می‌سازد.

سؤال ۴) (افسسیان ۶: ۱۵) <u>کفش‌هایی که برای آماده شدن به پا می‌کنیم، چیست؟</u>
ملاحظات:
الف) در نبرد جسمی، سربازان رومی عادت داشتند کفشهایی به پا کنند که دارای میخ‌های فراوان و مقاوم بود تا در جاده‌های طولانی و سخت رومی فرسوده نشوند. پس سرباز خودش را برای قدم زدن در مسیری طولانی بخوبی مجهز و آماده می‌کرد و می‌توانست در زمان جنگ سریع قدم بزند و به مسافتهای دور برود. می‌دانیم که در تاریخ ژولیوس سزار سرزمین‌های بسیار دوری را که بارها و بارها دشمنانشان را خلع سلاح کرده بود، خیلی سریع اشغال می‌کرد.
ب) در نبرد روحانی کفش‌ها بیانگر تدارك و آمادگی كامل برای نبرد است. این تدارك یا آمادگی از طریق انجیل سلامتی بدست می‌آید. انجیل باعث می‌شود که شخص با خدا و با همرزمانش در رابطه صحیح قرار گیرد. به او در ارتباطش با خدا، با همسایه و در ارتباط با شکستهایی که در زندگی خود داشته صلح و آرامش می‌بخشد. سؤال مهم از نظر سرباز مسیحی این است، " آیا من کاملاً برای نبرد روحانی آماده و تدارك دیده‌ام؟ " کفشهای مربوط به آمادگی، توانایی و آمادگی سرباز مسیحی برای سریع اقدام کردن است. برای مثال مرد ثروتمندی که فقط مواظب این بود که دارایی‌اش را چند برابر کند و نسبت به خدا دولتمند نبود به هیچوجه برای مردن در آن شب آماده نبود (لوقا ۱۲: ۱۳ -

۲۱). مدیری که با زیردستانش بدرفتاری می‌کرد و وقت خود را با خوردن نوشیدن و مهمانی تلف کرد اصلاً برای بازگشت آقایش آمادگی نداشت (متی ۲۴: ۴۵ - ۵۱).

سؤال ۵) (افسسیان ۶: ۱۶) <u>سپر ایمان که تمامی تیرهای آتشین شریر را خاموش می‌کند چیست؟</u>
ملاحظات:
الف) در نبرد جسمی، این سپر رومی دارای شکلی کشیده، از چرم پوشیده شده و اندازه آن ۱۲۰ در ۷۵ سانتیمتر بود. طوری طراحی شده بود تا از قلب و ریه‌ها و ارگانهای حیاتی در مقابل تیرهای دشمن محافظت کند. تیرها را قبل از پرتاب در قیر فرو کرده و آن را آتش می‌زدند. وقتی این تیرها با سپر برخورد می‌کرد نوك آنها بی‌اثر و آتش آنها خاموش می‌گردید.
ب) در نبرد روحانی تیرهای آتشین، نماینده حملات از سوی شیطان یا انسانهای شریر است. تیردانهای آنها پر است از انواع تیرهای آتشین مثل جفا و سختی‌ها. بعضی از تیرهای آنها ایجاد شك، تردید، ترس، نگرانی، طمع، پوچی حسادت و شهوت و غیره در افکار و قلوب مردم است. بعضی اوقات شریر کرکاس ها را در میان گندم‌ها می‌کارد یعنی انسانهای شریر را در میان قوم خدا تا برای آنان هر نوع مشکلی را بوجود بیاورند (متی ۱۳: ۲۵، ۳۸). بعضی اوقات زبان انسانهای شریر مانند تیرهای مرگ‌آوری می‌ماند که راستی و حقیقت، اعتماد و اعتبار یکنفر را با غیبت و تهمت تخریب می‌کنند (ارمیاء ۹: ۸).
در نبرد روحانی، سپر بیانگـر ایمان اســت این ایمان، ایمان فرد مسیحی است که در عمل (عینی) میباشد و نه محتوای ایمان مسیحی (ذهنی) او. ایمانی است که به راستی کلام خدا و وعده‌های او اعتماد می‌کند و با این اطمینان دست به عمل می‌زند. ایمان هم سلاحی است دفاعی و هم تهاجمی.
سؤال مهم سرباز مسیحی این است که، " آیا من از ایمانم استفاده میکنم تا در مقابل حمله‌های شیطان و انسانهای شریر فعالانه از خود دفاع کنم و در این دنیا پیروزی بدست آورم؟ " سپر ایمان، قابلیت سرباز مسیحی در دفاع از خود است. برای مثال، وقتی دختر یایروس مرد، عیسی او را تشویق کرد تا نترسد بلکه ایمان بیاورد که او دوباره زنده خواهد شد (لوقا ۸: ۴۹ - ۵۰). و سپر ایمان، توانایی سرباز مسیحی است که به قلمرو شریر حمله کرده و بر او غلبه یابد. و در اول یوحنا ۵: ۴ می‌خوانیم که ایمان پیروزی و غلبه بر دنیا است. با ایمانی که عمل می‌کند مسیحیان برگناه خودشان و گناهی که در دنیای گناه آلود است و همینطور بر شیطان غلبه می‌یابند.

سؤال ۶) <u>کلاهخود نجات چیست؟</u>
ملاحظات:
الف) در نبرد جسمانی، کلاهخود رومی از آهن، برنج و چرم طوری ساخته شده که از سر محافظت می‌کند.
ب) در نبرد روحانی، کلاهخود، بیانگر نجات است. در اول تسالونیکیان ۵: ۸ نیز نشانگر " امید نجات " است. درمیان سختی‌ها و جفاها، سرباز مسیحی هم در زمان حال و هم زمان آینده به اطمینان از نجات خود نیاز دارد. بدون آن، او خیلی آسان جنگیدن را کنار خواهد گذاشت. این معرفت که خدا برای اومی‌جنگد (خروج ۱۴: ۱۴) و وقتی که او از آب و آتش عبور می‌کند همراه او خواهد بود (اشعیاء۴۳: ۲) و اینکه خدا او را از جفاها و رنج‌ها نجات خواهد داد (دوم تیموتائوس ۳: ۱۱) در ادامه نبرد به سرباز مسیحی قدرت می‌بخشد. اطمینان از اینکه خدا کار خوبی را در مسیحی شروع کرده و آن را به کمال خواهد رسانید (فلیپیان ۱: ۶) به او قدرت استقامت در جنگ را خواهد بخشید. نجات می‌تواند يك سلاح تهاجمی نیز باشد. درمزمور ۴۰: ۱ - ۳ می‌خوانیم که چطور داود بعد از اینکه خدا او را از غرق شدن در مشکلات نجات می دهد، " سرود نجات " را می‌خواند. او می‌خواند " سرودی تازه در دهانم گذارد ... بسیاری چون این را ببینند ترسان شده و برخداوند توکل خواهند کرد". همچنین موعظه " انجیل نجات " برای دیگران و شاهد بودن براینکه کلام خدا هیچگاه بی‌ثمر باز نمی‌گردد بلکه آنچه که او را خشنود می‌سازد انجام می‌دهد (اشعیاء ۵۵: ۱۱) یکی از بهترین سلاح‌های تهاجمی در دنیا است. سؤال مهم برای سرباز مسیحی این است، " آیا من ذهن و افکارم را در مقابل حملات شیطان محافظت می‌کنم، بطوریکه دائماً مطمئن باشم که نجات یافته ام، که خدا مرا دوباره و دوباره نجات میدهد و اینکه خدا از من استفاده میکند تا دیگران را نجات دهد؟ کلاهخود نجات، قابلیت و توانایی سرباز مسیحی در حفاظت از افکار و احساساتش در برابر حملات دشمن و حفظ اطمینان نجاتش است.

سؤال ۷) (افسسیان ۶: ۱۷) <u>شمشیر روح چیست؟</u>
ملاحظات:
الف) در نبرد جسمی، شمشیری کوتاه حمل می‌شد و سرباز رومی کاملاً مسلح آن را به کار می‌گرفت. هم برای دفاع و هم برای تهاجم عالی بود وپیروزی‌های بسیاری برای رومی‌ها به بار آورد.
ب) در نبرد روحانی، شمشیر، بیانگر کلام خدا است. اشاره به تمام کتاب مقدس نمیکند، بلکه اشاره به سخن گفتن با کلام خدا از کتاب مقدس درموقعیتهای خاص است. درصورتیکه بیان کلام خدا هماهنگ با مکاشفه خاص خدا در کتاب مقدس باشد پس این شمشیر روح‌القدس است. پس روح‌القدس برای آشکار شدن گناه، ملزم کردن مردم نسبت به گناهانشان، رد کردن مشاجره‌های آنان برخلاف حقیقت، متقاعد کردن آنها نسبت به راستی خدا، برطرف کردن شکهای آنها، دور کردن ترسهایشان، فراری دادن شیطان و روشن ساختن راهی که باید بروند، از کتاب مقدس استفاده می‌کند. سؤال مهم سرباز مسیحی این است، " آیا من در نبرد روحانی از سخنان خودم و یا کلام خداوند استفاده می‌کنم؟ " شمشیر

روح، قابلیت و توانایی سرباز مسیحی در حمله کردن و غلبه یافتن بر دروغها و متقاعد ساختن مردم با حقیقت خدا است. برای مثال وقتی عیسی توسط شیطان و سوسه شد او سه بار از کلام خدا در کتاب مقدس نقل قول کرد. او برای غلبه بر وسوسه‌ها و تله‌های شیطان از شمشیر روح استفاده کرد. عیسی مسیح دائماً وقتی به سئوالات مردم جواب میداد و وقتی در باره ملکوت خدا به مردم آموزش میداد، سخنانی را از کتاب مقدس نقل قول میکرد.

سؤال ۸) (افسسیان ۶: ۱۸ - ۲۰) <u>آیا دعا بخشی از نبرد روحانی است؟</u>
ملاحظات: افسسیان ۶ آیه ۱۷ و آیه ۱۸ به هم متصل هستند. سرباز مسیحی بایستی در هر وقت از شمشیر روح و دعا استفاده کند. دعای در روح یعنی دعا در محدوده روح‌القدس یعنی هماهنگ با اراده او که در کتاب مقدس آشکار شده و وابسته به کمك او. سرباز مسیحی بایستی از انواع مختلف دعا، استفاده کند، مثل صدا زدن برای درخواست کمك، طلبیدن حکمت، شفاعت برای مردم نیازمند و شکرگذاری بـرای پاسخ دعاها.
او بایستی همیشه به دعا کردن برای ایمانداران (مقدسین) ادامه دهد یعنی سلطنت مقتدر خدا و اراده و جلال وی بیشتر و بیشتر در زندگی او ظهور کند. سؤال سرباز مسیحی این است، " آیا من در نبرد روحانی در دعا استقامت دارم؟ " دعا قابلیت و توانایی سرباز مسیحی برای ماندن درتماس مستقیم با خدا است. از طریق دعا، خدا می‌تواند مشکلات مسیحیان را به فرصت‌ها تبدیل کند.

<u>قدم ۴: به کارببرید</u>
توجه کنید: کاربرد چه حقایقی در این قسمت برای مسیحیان امکان پذیر است؟
در میان بگذارید و بنویسید: افکار خود را صریحاً با هم در میان بگذارید و فهرستی از کاربردهای امکان پذیر بر اساس افسسیان ۶: ۱۰ - ۲۰ تهیه کنید.
توجه کنید: خدا از شما می خواهد کدامیک از کاربردهای امکان پذیر را تبدیل به یك کاربرد شخصی بکنید؟
بنویسید: این کاربرد شخصی را در دفتر یادداشت خود بنویسید. کاربرد شخصی خود را بدون دغدغه با دیگران در میان بگذارید. به یاد داشته باشید که افراد در هر گروه، کاربرد حقایق متفاوتی را پیدا می کنند وحتی از یك حقیقت کاربردهای متفاوتی می یابند.
(فهرست زیر، نمونه هایی از کاربردهای امکان پذیر در این قسمت از کتاب مقدس میباشند).

<u>نمونه هایی از کاربردهای امکان‌پذیر (افسسیان ۶: ۱۰ - ۲۰)</u>

- ۶: ۱۰ * هیچگاه سعی نکنید که با قدرت یا برنامه‌ریزی انسانی خود قوی باشید بلکه با اعتماد به قدرت و برنامه‌ریزی خدا قوی باشید.
- ۶: ۱۱ * هیچگاه سعی نکنید که با یك یا دو سلاح روحانی درنبرد روحانی مبارزه کنید. اسلحه تام روحانی ای که خدا مهیا کرده است بپوشید.
- ۶: ۱۱ * در ارتباط با رابطه شما با خدا، زمانی که یك مسیحی می‌نشیند یعنی با آرامش خیال در مقام روحانی خود یعنی عدالت خود که با مسیح درآسمان دارد قرار بگیرد، (افسسیان ۲: ۶). در ارتباط با رابطه خود با مردم این جهان وقتی یك مسیحی راه می‌رود یعنی به شیوه متمایز مسیحی رفتار می‌کند (افسسیان ۴: ۱ ؛ ۴: ۱۷ ؛ ۵: ۱ ؛ ۵: ۸ ؛ ۵: ۱۵) و در ارتباط با رابطه با شیطان و روحهای شریر وقتی یك مسیحی می‌ایستد یعنی با دشمن مواجه می‌شود، نقشه‌ها و حملات او را دفع می‌کند و حتی حمله‌های سخت او را بی‌اثر می‌کند.
- ۶: ۱۲ * به خاطر داشته باشید که نبردی که مسیحیان برای آن دعوت دارند هرگز برعلیه مردم نیست (خون و جسم) و هرگز با سلاح‌های نظامی انجام نمی‌شود. بلکه همیشه برخلاف ارواح شریر، نقشه‌های آنها، تأثیرات و حمله‌های شریر است و همیشه با اسلحه‌های روحانی انجام می‌شود.
- ۶: ۱۳ * به خاطر داشته باشید که شما نیاز به اسلحه تام روحانی خدا دارید تا در روز شریر بایستید یعنی وقتی که نیروهای شریر حمله می‌کنند.
- ۶: ۱۴ * تصمیم بگیرید که نمی‌خواهید از دشمنان روحانی فرار کنید بلکه صادقانه و بطورجدی می‌خواهید که در نبرد روحانی مبارزه کنید یعنی شما برای مبارزه در نبرد روحانی انگیزه دارید.
- ۶: ۱۴ * تصمیم بگیرد که نمی‌خواهید در مقابل نیروهای شریر خود را بدون محافظ قرار دهید بلکه با داشتن یك زندگی عادلانه اخلاقی و روحانی می‌توانید در نبرد روحانی مبارزه کنید.
- ۶: ۱۵ * تصمیم بگیرد که نمی‌خواهید قدرتهای شیطانی شما را خلع سلاح کنند بلکه به وسیله انجیل خود را کامل سازید یعنی کاملاً آماده و تدارك یافته برای شرکت در نبرد روحانی.
- ۶: ۱۶ * تصمیم بگیرید که نسبت به حملات قدرتهای شیطانی غیرفعال نمانید بلکه به وعده‌های خدا ایمان بیاورید و خود را با وعده‌های خدا منطبق سازید طوری که بتوانید در نبرد روحانی از خود دفاع کنید و غلبه یافته و پیروزیها کسب کنید.

- ۶: ۱۷ * تصمیم بگیرید که افکار و احساسات خود را درمقابل نیروهای شیطانی بدون محافظ قرار ندهید بلکه افکار و احساسات خود را با حقیقتی پر بسازید که خدا ازطریق بسیاری از سختی‌ها و جفاها شما را در این زندگی نجات دهد و سرانجام نیز در حضور خود شما را نجات خواهد داد.
- ۶: ۱۷ * تصمیم بگیرید که نمی‌خواهید در مقابل حملات قدرتهای شیطانی غیرفعال باشید بلکه فعالانه از کلام کتاب مقدس برای حمله به افکار و اعمال شیطانی استفاده کنید به طوری که در نبرد روحانی بتوانید بر وسوسه‌ها و تله‌های شیطان غالب آیید.
- ۶: ۱۸ - ۲۰ * تصمیم بگیرید که از قدرتهای شیطانی نترسید بلکه فعالانه و هماهنگ با مکاشفات روح‌القدس در کتاب مقدس دعا کنید تا در طی نبرد روحانی در تماس مستقیم با خدا بمانید. خدا می‌تواند نبرد روحانی را تبدیل به فرصت‌های روحانی بگرداند.

<u>نمونه هایی از کاربردهای شخصی</u>

الف) می‌خواهم کمربند راستی را به خود ببندم. نمی‌خواهم دیگر از موقعیتهای مشکل فرار کنم بلکه می‌خواهم صادقانه و جدی در نبرد روحانی شرکت کنم با این تعهد، همیشه دعا می‌کنم که خدا ترس را از من دور بسازد و مثل جدئون من را شجاع و دلیر بسازد.

ب) می‌خواهم هرگاه نیروهای شیطانی به افکار و احساسات من حمله می‌کنم از سپر ایمان استفاده کنم. وقتی تیرهای آتشین شك، تردید، ترس، نگرانی، طمع، پوچی، حسادت و شهوت و غیره به من نزدیك می‌شوند می‌خواهم با ایمان در مقابل این افکار و احساسات عمل کنم. با ایمان فعالانه می‌خواهم مقاومت کردن در مقابل شیطان و نقشه‌هایش را یاد بگیرم.

<u>قدم ۵: دعا کنید</u> در مورد حقیقتی که خدا به ما در افسسیان ۶: ۱۰ - ۲۰ آشکار کرده است، دعا کنیم. (در دعایتان به آنچه که در طی این بررسی کتاب مقدس دریافت کرده اید، پاسخ دهید، تمرین کنید که در فقط یک یا دو جمله دعا کنید. بیاد داشته باشید که افراد درهر گروه، در مورد حقایق متفاوتی، دعا خواهند کرد.)

۵	**دعا (۸ دقیقه)** **دعای شفاعت**

به دعا در گروه های دو یا سه نفری ادامه دهید. برای یکدیگر و مردم دنیا دعا کنید.

۶	**تکلیف منزل (۲ دقیقه)** **برای درس بعدی**

(**سر گروه:** رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

۱- <u>تعهد</u> - متعهد باشید به اینکه شاگردان بسازید.
آموخته های بررسی کتاب مقدس در ارتباط با افسسیان ۶: ۱۰ - ۲۰ را برای یکدیگر، برای شخصی دیگر یا برای گروهی از مردم موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
۲- <u>رازگاهان</u> - هر روز نیمی از یك فصل را از قسمت استر ۲، ۳، ۴، ۵ بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
۳- <u>حفظ کردن</u> - خدمت: مرقس ۱۰: ۴۵ را حفظ کنید. هر روز آخرین ۵ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.
۴- <u>دعا</u> - در این هفته برای یك شخص یا موضوعی خاص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید.
(مزمور ۵: ۳)
۵- <u>آموخته های جدید</u> درمورد شاگردسازی را وارد دفتر(یا پوشه) خود کنید. از تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگاهان، آیات حفظی، بررسی کتاب مقدس و این تکلیف منزل یك دفتر(یا پوشه) درست کنید.

درس ۴۳

۱	دعا

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره شاگردسازی را به حضور خدا بیاورید.

۲	پرستش (۲۰ دقیقه) شکرگزاری خدا

موضوع: پرستش به عنوان شکرگزاری از خدا.

در این درس یاد خواهیم گرفت که با شکرگذاری پرستش خود را بیان کنیم.

بخوانید: مزمور ۱۰۷: ۱- ۲۱

الف) دعا
توجه کنید: به بعضی از دعاهایی که خدا در زندگی شما به آنها جواب داده است.
پرستش کنید: به نوبت به خاطر یکی از دعاهایی که خدا در زندگی شما جواب داده است در یك یا دو جمله خدا را شکرگذاری کنید.

ب) معجزات
توجه کنید: به بعضی از معجزاتی که خدا در زندگی شما انجام داده است توجه کنید.
پرستش کنید: به نوبت به خاطر یکی از معجزاتی که خداوند در زندگی شما انجام داده در یك یا چند جمله شکرگزاری کنید.

پ) تعالیم
توجه کنید: به بعضی چیزهای خوبی که خدا در زندگی‌تان به شما تعلیم داده است توجه کنید.
پرستش کنید: به نوبت به خاطر یکی از چیزهای خوبی که خدا در زندگی به شما تعلیم داده است در یك یا دو جمله شکرگذاری کنید.

ت) درس‌ها
توجه کنید: به درس‌هایی توجه کنید که خدا به خاطر اشتباهاتی که در زندگیتان انجام داده‌اید به شما یاد داده است.
پرستش کنید: به نوبت به خاطر یکی از درس‌هایی که خدا در مورد یکی از اشتباهات زندگیتان به شما داده است در یك یا دو جمله خدا را شکرگذاری کنید.

۳	درمیان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه) استر

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (استر۲، ۳، ۴، ۵) با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان میگذارد، بحث نکنید.

۴	**تعلیم (۷۰ دقیقه)** **خداوندی: کشف اراده خدا**

" چگونه می‌توانید نقشه نیکوی خدا برای زندگیتان را تجربه کنید؟ " شخصیت خدا با برنامه ای که او برای زندگی شما دارد چه ارتباطی دارد؟ برای تصمیمات و انتخاباتی که بایستی انجام دهید چه اصولی شما را به کشف اراده خدا هدایت می‌کنند؟ آیا او شما را برای انتخاب نهایی آزاد می‌گذارد؟

الف- اراده یا نقشه خدا با شخصیت خدا ارتباط دارد.

۱- اراده یا نقشه خدا

افسسیان ۱: ۱۱ می‌گوید، " که ما نیز در وی میراث او شده‌ایم چنانکه پیش معین گشتیم برحسب قصد او که همه چیزها را موافق رأی اراده خود می‌کند ". برنامه خدا برای شما چه چیزی است؟ برنامه خدا برای کل خلقت و برای کل تاریخ شامل برنامه او برای زندگی تك تك افراد بوده است. برنامه او:

الف) نقشه خدا کاملاً شخصیت بی‌نظیر شما را رشد می‌دهد و کامل می‌کند.

ب) نقشه خدا دقیقاً با خدمتی که برای زندگی شما در نظر گرفته است مطابقت می‌کند.

پ) نقشه خدا شامل شرایطی است که خدا در زندگی شما اجازه میدهد، باشد و همینطور هدایت کردن شخصی شما است.

نقشه خدا برای هر شخص مناسب او است چون در قلب خدا هر شخص همراه با نقشه‌ای است که او برای وی دارد.

۲- شخصیت خدا

برای انجام نقشه خدا در زندگیتان، درك شخصیت خدا چقدر ضروری است؟

الف) خدا نسبت به همه چیزهایی که آفریده فیاض، رحیم، دیر خشم، در محبت دولتمند و نیکو است.
پس هر چقدر بیشتر خدا را می‌شناسید بهتر به او، برنامه او برای زندگیتان و وعده‌های او اعتماد می‌کنید (مزمور ۱۴۵: ۸ - ۹ ؛ ۲۳: ۱ - ۶).

ب) خدا امین است و هرآنچه می‌گوید انجام می‌دهد.
پس هرچقدر راستی خدا (آنچه خدا می‌گوید) را بهتر درك می‌کنید، بهتر می‌توانید اراده یا نقشه او را تمیز دهید. خدا در وهله نخست، راستی خود را از طریق کتاب مقدس مکتوب و سپس از طریق روح‌القدس آشکار می‌سازد که راستی کتاب مقدس را در ذهن، قلب و زندگی مردم به کار می‌برد (اعداد ۲۳: ۱۹ ؛ یوحنا ۱۴: ۱۶ - ۱۷ ؛ ۲۶، ۱۶: ۸ ، ۱۳ - ۱۴ ؛ ۱۷ - ۱۷).

۳- مکاشفه خدا

خدا بی‌نهایت عظیم‌تر از خلقت و مخلوقات خود است. خدا تمامی اراده یا نقشه خود را برای مردم آشکار نکرده است. آنچه خدا در ارتباط با هدایت بر انسان آشکار کرده است شامل دستورالعمل‌های اختصاصی و هم کلی می‌باشد.

الف) هدف از اراده آشکار شده خدا.
بخوانید: تثنیه ۲۹: ۲۹ ؛ اشعیاء ۵۵: ۸ - ۱۱ ؛ یوحنا ۱۴: ۲۱، ۲۳ ؛ رومیان ۸: ۲۸. هدف از اراده آشکار شده خدا این است که شما از آن اطاعت کنید و رابطه شما با مسیح نزدیکتر شود. شما بایستی مشتاقانه بکوشید تا اراده آشکار شده خدا را تمییز دهید. به هرحال نباید از اراده مخفی (آشکار نشده) خدا بترسید یا از وقایعی نگران باشید که از طریق آنها خدا زندگی شما را هدایت می‌کند. شخصیت خدا را به خاطر بیاورید. هدف از اراده مخفی و شرایط پیش‌بینی نشده‌ای که بوجود می‌آیند نیکویی و خیریت شما است. به خاطر داشته باشید که خدا در علم، قدرت و محبت با اقتدار است.

ب) نمونه‌هایی از دستورالعمل‌های خاص خدا.
بخوانید: خروج ۲۰: ۳ - ۴، ۱۲ - ۱۷ ؛ متی ۵: ۱۳ - ۱۴، ۲۴، ۳۷، ۴۴ ؛ ۶: ۱، ۶، ۱۴ - ۱۵.

فرامین، ممنوعیت‌ها و تعالیم کتاب مقدس چیزهای خاصی را مد نظر دارند که خدا آنها را ضروری می‌داند. برای مثال خدا فرمان می‌دهد که مردم به والدین خود احترام بگذارند (خروج ۲۰: ۱۲)، فساد جـنسی را منع می‌کند (خروج ۲۰: ۱۴) و تعلیم می‌دهد که مردم بایستی یکدیگر را ببخشند (متی ۶: ۱۴ - ۱۵).

پ) نمونه‌هایی از دستورالعملهای کلی خدا.
بخوانید: افسسیان ۵: ۱۰، ۱۵ - ۱۶ ؛ رومیان ۱۴: ۱۹ ؛ اول قرنتیان ۱۰: ۲۳.
دستوالعمل‌های کلی یا اصول کتاب مقدس به زمینه‌هایی توجه دارند که شما بایستی ابتدا شما آن عوامل مختلف را در نظر داشته باشید و سپس براساس آنها، تصمیم بگیرید و انتخاب کنید. برای مثال شما بایستی به چیزهایی که خدا را خشنود و ناخشنود می‌سازد توجه کنید (افسسیان ۵: ۱۰). احتیاج دارید بدانید چگونه می‌توانید مانند یك شخص حکیم زندگی کنید (افسسیان ۵: ۱۵).یا نیاز دارید به این موضوع توجه کنید که کدام شیوه عمل واقعاً مفید و بناکننده است (اول قرنتیان ۱۰: ۲۳) البته، هم تعالیم اختصاصی و هم اصول کلی کتاب مقدس بایستی به درستی توضیح داده شوند.

ب - دستورالعمل‌های اختصاصی خدا در رابطه با اراده او

خدا کتاب مقدس را به عنوان مکاشفه‌ای از اراده‌اش و همچنین به عنوان نقشه یا وسیله‌ای برای نشان دادن راهی که می‌بایست بروید، بخشیده است. قسمتی از مکاشفه خدا در کتاب مقدس شامل فرامین خاص، ممنوعیت‌ها و تعالیم است. زمانیکه می‌خواهید در محدوده خاصی اراده خدا را تمییز دهید ابتدا بایستی تمام فرامین خاص، ممنوعیتها و یا تعالیمی را که به موضوع مورد سؤال شما مربوط است در نظر بگیرید.

الف) **سؤال:** در ارتباط با موضوع مورد نظر، خدا در کتاب مقدس به طور خاص چه می‌گوید؟
(دوم تیموتائوس ۳: ۱۶ - ۱۷). کدام فرمان، ممنوعیت و یا تعالیم خاص در کتاب مقدس برای موضوع خاص یا موضوع مورد نظر کاربرد دارد؟ تمام چیزهایی را که در این مورد یا موضوع در کتاب مقدس پیدا کرده‌اید جمع‌آوری کنید. کتاب مقدس را درست تفسیر کنید (دوم تیموتائوس ۲: ۱۵).

ب) **سؤال:** کدام قسمت یا وعده کتاب مقدس اخیراً به من انگیزه داده است؟ (مزمور ۱۱۹: ۱۳۰) انتظار داشته باشید که خدا هنگام خواندن کتاب مقدس یا در رازگاهان با شما حرف بزند. کاملاً مطمئن شوید که کاربردهای شخصی کاملاً با آنچه خدا قصد دارد در این قسمت کتاب مقدس بگوید، با تأکید اصلی این قسمت وتعالیم سایر قسمتهای کتاب مقدس هماهنگ است.

پ) **سؤال:** چقدر از اراده آشکار شده خدا را که از قبل می‌دانستم انجام می‌دهم؟ (امثال ۱: ۲۲- ۲۳). اگر آنچه قبلاً از اراده فهمیده‌اید، انجام نمی‌دهید پس انتظار نداشته باشید آنچه را که هنوز نمی‌دانید خدا به شما نشان بدهد.

ت) **سؤال:** آیا هر آنچه اراده خدا باشد نسبت به آن اشتیاق دارم؟ (لوقا ۶: ۴۶ - ۴۹). خدا انتظار دارد که نه فقط کلام او را بشنوید بلکه آنها را انجام دهید. شما نمی‌توانید بر سر اراده خدا برای زندگیتان با او معامله کنید.

پ - دستورالعمل‌های کلی خدا در ارتباط با اراده‌اش

بخش دیگری از مکاشفه خدا در کتاب مقدس شامل دستورالعمل‌های کلی یا اصول هدایت است. وقتی دریك زمینه خـــاص و یا در ارتــباط با یك موضوع خاص به دنبال اراده خدا هستید و در آن رابطه فرمان، ممنوعیت یا تعلیم خاصی در کتاب مقدس وجود ندارد پس براساس هفت دستورالعمل کلی یا اصول هدایت کتاب مقدس یك تصمیم عاقلانه بگیرید. بخش‌هایی از کتاب مقدس که در پرانتز قرار دارند مربوط به دستورالعمل‌های کلی و یا اصول هدایت برای کشف اراده خدا هستند.

۱- اولین دستورالعمل کلی در ارتباط با هدایت خدا، حکمت همراه با آزادی است.

خدا در انجام اراده‌اش به مسیحیان آزادی زیادی داده است. در ارتباط با تمامیت زندگی نسبتاً فرامین، ممنوعیت‌ها و تعالیم خاص محدودی وجود دارد. به مسیحیان برای تصمیم‌گیری و انتخاب آزادی زیادی داده شده است.

الف) **سؤال:** در ارتباط با مسئله مورد نظر آیا هیچ فرمان، ممنوعیت یا تعلیم خاصی در کتاب مقدس وجود دارد یا من در تصمیم و انتخاب، آزادی دارم؟ اگر در ارتباط با موضوع، فرامین، ممنوعیت یا تعالیم خاصی وجود دارد پس بایستی ابتدا به آنها توجه کنید، اگر هیچ فرمان، ممنوعیت یا تعلیمی وجود ندارد پس در انتخاب یا گرفتن تصمیمی حکیمانه دارای آزادی هستید.

نمونه‌های زیر از کتاب مقدس نشان می‌دهند که در بعضی مواقع چندین انتخاب وجود دارند که به طور مساوی خدا را خشنود می‌سازند و از میان آنها مسیحیان، آزادی انتخاب دارند مسیحیان در تصمیمات زیر آزادی انتخاب دارند:

۱) آنها آزادند که فقط گیاهخوار و یا گوشتخوار باشند (رومیان ۱۴: ۱ - ۴).
۲) آنها آزادند که بعضی روزها را مقدس‌تر یا همه روزها را شبیه هم بدانند (رومیان ۱۴: ۵ - ۶).
۳) آنها آزادند که تصمیم بگیرند مجرد بمانند یا ازدواج کنند (اول قرنتیان ۷: ۸ - ۹، ۳۹).
۴) آنها آزادنـد که تصـــمیم بگیرند چقدر و به چه کسی هدیه بدهند (دوم قرنتیان ۹: ۶ - ۷).

البته آزادی مسیحیان وابسته به تعالیم کتاب مقدس به عنوان یك كل است. خدا مسیحیان را به سوی حکمت هدایت می‌کند. منـــابع حکمت، کلام خدا (مزمور ۱۱۹: ۹۷- ۱۰۰)، روح خدا (اشعیاء ۱۱: ۲)، دعا (یعقوب ۱: ۵)، مشورت دهندگان (امثال ۱۱: ۱۴) و تحقیق (نحمیا ۲) است. برای تصمیمگیری حکیمانه، مسیحیان بایستی سؤالات زیر را در نظر داشته باشند.

ب) **سؤال:** <u>در ارتباط با موضوع مورد نظر چه چیز مجاز، و چه چیز مفید و یا بناکننده است؟</u> (اول قرنتیان ۱۰: ۲۳). گرچه ممکن است چیزی مجاز باشد اما به طور خود بخود هر آنچه که مجاز است برای شما یا شخصی دیگر مفید یا بناکننده نیز نخواهد بود.

پ) **سؤال:** <u>در ارتباط با موضوع مورد نظر چه چیز خوب یا چه چیز بهتر است؟</u> (اول قرنتیان ۷: ۱، ۹). گرچه ممکن است چیزی خوب باشد اما به طور خود بخود مستلزم این نیست آن چیز برای شما یا شخص دیگر بهترین چیز نیز باشد.

ت) **سؤال:** <u>در ارتباط با موضوع مورد نظر چه چیز مشکل آفرین و یا شادی‌بخش و آرامش‌دهنده است؟</u> (اول قرنتیان ۷: ۲۸، ۴۰ ؛ رومیان ۱۴: ۱۹). گرچه ممکن است چیزی مجاز باشد اما به طور خود بخود مستلزم این نیست که آن چیز مشکل‌آفرین و ناراحت کننده نخواهد بود. بعضی اوقات تصمیم حکیمانه این است که آنچه را که بسوی آرامش هدایت میکند انتخاب کرد و گاهی اوقات تصمیم حکیمانه ممکن است به سمت مشکلات و زحمات هدایت کند.

ث) **سؤال:** <u>در ارتباط با موضوع مورد نظر چه چیز قابل توصیه و چه چیز الزامی است؟</u> (اول قرنتیان ۱۶: ۴ ؛ دوم قرنتیان ۹: ۵). گرچه ممکن است چیزی مجاز باشد اما به طور خود بخود مستلزم این نیست که قابل توصیه یا حتی ضروری باشد.

حکمت الهی اغلب همه انتخابها را به یك انتخاب تقلیل می‌دهد. وقتی این اتفاق افتاد پس فقط همان یك راه، خدا را خشنود می‌سازد. وقتی که چند انتخاب به طور مساوی حکیمانه هستند (به طور مـساوی مفید و بناکننده، خوب و ضروری) پس همه آنها از نظر خدا بطورمساوی پذیرفته شده‌اند. اراده مقتدر او شما را به جهت درست هدایت می کند. بقیه مشکل را حل خواهد کرد (امثال ۱۶: ۳۳ ؛ روت ۲).

۲- <u>دستورالعمل کلی دوم در ارتباط با هدایت خدا، با اشخاص حکیم و والدین خود مشورت کردن است.</u>

خدا به اجتماع شما، برادران و خواهران مسیحی و اشخاص حکیمی را بخشیده که با آنها مشورت کنید و از شما مواظبت کنند. خدا به کسانی که می‌خواهند خودرأی و لجباز باشند هشدار می‌دهد (اشعیاء ۳۰: ۱ - ۲).

الف) **سؤال:** مشورت مسیحیان باخدا و بالغ و اشخاص حکیم تر چیست؟ (امثال ۱۵: ۲۲). هر چقدر مشورت دهندگان بیشتری داشته باشید می توانید حقایق بیشتری را مورد توجه قرار دهید. هر چقدر مشورت دهندگان شما، بیشتر شما و وضعیت شما را بشناسند، توصیه آنها کامل تر خواهد بود (امثال ۲۷: ۲۳).

۱) در موضوعات روحانی و اخلاقی، مشورت‌دهنده شما بایستی مسیحی باشد چون بی‌ایمانان فکر مسیح را ندارند (اول قرنتیان ۲: ۱۲ - ۱۶). آنها بایستی بالغ باشند چون اشخاص غیربالغ نمی‌توانند نیك و بد را از یکدیگر تمیز دهند. (عبرانیان ۵: ۱۴) و بایستی باخدا باشند چون خدا آنانی را که شریر هستند نمی‌شنود (اول پطرس ۳: ۱۲).
۲) در سایر موضوعات، مشاوران شما می‌توانند غیرمسیحیان حکیم و مطلع نیز باشند (امثال ۱۴: ۷).

ب) **سؤال:** <u>اگر هنوز زیر سن قانونی هستم مشورت والدین من چیست؟</u> (امثال ۱: ۸ - ۹). تا زمانیکه زیر سن قانونی هستید خدا از والدین شما استفاده می‌کند تا شخصیت شما را برای زندگی دوران بزرگسالی شکل دهند و آماده کنند. فقط وقتی توصیه والدینتان مخالف با فرامین با تعالیم بسیار واضح خدا است می‌توانید به آرامی با آن مخالفت کنید (متی ۱۰: ۳۷ ؛ اعمال ۵: ۲۹).

پ) **سؤال:** <u>آیـــا از مشورتی که بـــاید به آن توجه شود اجتناب کرده و به آن اهمیتی نمی‌دهم؟</u> (امثال ۱۹: ۲۰ - ۲۱)

۳- دستورالعمل کلی سوم در ارتباط با هدایت خدا، توانایی‌ها و خدمات شما هستند.

خدا شما را با شخصیتی خاص و برای خدمت و هدفی آفریده است.

الف) **سؤال:** خدا چه استعدادهای طبیعی و عطایای روحانی به من بخشیده است و من چگونه از آنها برای انجام نقشه او در زندگیم می‌خواهم استفاده کنم؟ (اول قرنتیان ۱۲: ۴- ۶). خدا خالق شما و آفریننده دوباره شماست و شما را با توانایی های مشخص طبیعی و همچنین عطایای روحانی مجهز کرده تا بتوانید برطبق هدف او زندگی کنید. توانایی ها و محدودیت های شما نشانه مشخصی هستند از اینکه خدا میخواهد که شما چگونه باشید و زندگی کنید.

ب) **سؤال:** تا چه حد موضوع مورد نظر پیشرفت شخصیت من و تکمیل خدمت مرا پشتیبانی میکند و یا مانع میشود؟ به ارتباطات و فعالیتهایی که روی شما تأثیر منفی می‌گذارند، فوراً باید خاتمه دهید (مزمور ۱: ۱ ؛ امثال ۱: ۱۰، ۱۵ ؛ دوم قرنتیان ۶: ۱۴ - ۷: ۱). ولی بایستی در جستجوی روابط و فعالیتهایی بود که محرك شما درمحبت کردن و انجام کارهای نیك هستند (عبرانیان ۱۰: ۲۴ - ۲۵).
شخصیت شما، شامل اعتقادات و ارزشها، احساسات و رفتار شما است (دوم قرنتیان ۱۳: ۱۰). خدمت شما یعنی کارهای معمولی روزانه، اهداف بلند مدت و کوتاه مدت زندگیتان، دعوت شما از سوی خدا یا تکالیفی که خدا به شما محول کرده است (اعمال ۲۰: ۲۴). بعضی تصمیمات یا انتخابهای شما می‌توانند شخصیت شما را لکه‌دار کنند و به آن آسیب بزنند و بر خدمت شما اثر سوء گذارند. فقط تصمیمات و انتخابهایی را در نظر بگیرید که شخصیت شما را بنا می‌کند و باعث رشد آن می‌شود و همچنین خدمت شما را ارتقاء می‌دهند.

پ) **سؤال:** خدا اصرار دارد که من چه اولویتهایی را داشته باشم؟ (متی ۶: ۳۳). خدا نسبت به کدام هدف به شما حس ضرورت و اولویت داده است؟ در زندگی همه چیزها دارای اهمیت یکسان نـیستند. ۹۰ درصد وقت و تلاش خود را صرف چیزهایی نکنید که فقط ۱۰ درصد ارزش دارند. بلکه بهترین وقت و بیشترین تلاش خود را صرف چیزهایی بکنید که ابدی هستند. معمولاً اول چیزهای مهمتر را انجام دهید و بعد به چیزهایی که کمتر مهم هستند وقت بدهید.

۴- دستورالعمل کلی چهارم در ارتباط با هدایت خدا، حقایق و موقعیتها هستند.

خدا بر مکان و موقعیتها زندگی شما مسلط است (اعمال رسولان ۱۷: ۲۴).

الف) **سؤال:** آیا در ارتباط با موضوع مورد نظر تمام اطلاعات درست و کافی را تحقیق و جمع‌آوری کرده‌ام؟ (امثال ۲۵: ۲ ؛ نحمیا فصل ۲). مسیحیان بایستی حقایق را جمع‌آوری کرده و چیزهای خوبی را از سایر مردم منجمله غیرمسیحیان یاد بگیرند. برای مثال، وقتی شغلی را انتخاب می‌کنید با شرکت‌های مختلف مکاتبه کنید و اطلاعاتی را جمع‌آوری کنید بعنوان مثال:

۱) توصیف شغلتان، واژه‌های حرفه‌ای، ساعات کار، مکان کار و شرایط کاری.
۲) ارتباطات شغلی، ساختار اداری، مدیر ناظر بر شما کیست، شما بر چه کسانی نظارت میکنید.
۳) دستمزد، سود، احتمال ارتقاء شما.
۴) چگونه قدردانی خواهم شد؟
۵) نظر دیگران نسبت به این شغل چیست؟

ب) **سؤال:** خدا تا چه اندازه شرایط و یا حوادث را طبق اراده خود طوری ترتیب می‌دهد که همه آنها به وضوح شما را به یك جهت متوجه سازد؟ (اول قرنتیان ۱۶: ۸ - ۹ ؛ فیلیپیان ۱: ۱۲). آیا موقعیتها، شما را به همان اصول دیگر مطروحه در این درس هدایت میکنند؟

پ) **سؤال:** آیا در وجدان خود مطمئن هستم که من تلاش نکرده ام که خودم موقعیتها را ترتیب دهم؟ (اعمال ۲۴: ۱۶)

ت) **سؤال:** اگر با مشکلاتی مواجه میشوم، آیا آنها از طرف خدا میآیند تا مرا متوقف کند یا از نزد شیطان هستند تا بر آنها با ایمان غلبه کنم؟ (اعمال ۱۶: ۶ - ۱۰ ؛ اول تسالونیکیان ۲: ۱۸).
بعد از اینکه تمام اصول این بررسی را در نظر بگیرید هدف خدا واضح‌تر خواهد شد. اما اهداف و استراتژی‌های احتمالی شیطان را هم در نظر داشته باشید.
دعا کنید بخصوص چون موانع هم می‌توانند مربوط به موضوع رشد شخصیت باشند و هم مربوط به نبرد روحانی.

۵- <u>دستورالعمل کلی پنجم در ارتباط با هدایت خدا، افکار و احساسات هستند.</u>

خدا به شما دستور داده است که او را با تمام فکر و با تمام قلبتان دوست بدارید (مرقس ۱۲: ۳۰ ؛ اول قرنتیان ۲: ۱۶ ؛ فیلیپیان ۲: ۵).

الف) **سؤال:** <u>انگیزه‌ها، آرزوها و احساسات من چیست؟ عقل سلیم به من چه می‌گوید؟</u> (اول قرنتیان ۲۸: ۹ ؛ مزمور ۳۷: ۴ - ۶). چیزهایی را مانند موارد زیر در نظر داشته باشید: دنبال کردن جاه‌طلبی خودخواهانه، سعی برای بدست آوردن تائید مردم، آرزوی ثروت، قدرت یا شهرت، احســاس تلخی نسبت به بعضی بی‌عدالتی‌ها و چیزهایی را مانند موارد زیر را در نظر داشته باشید: انجام کارهای پرثمر و کمك به دیگران برای رشد در ایمانشان. کدامیك از این خواهش‌ها و احساسات به نظر از سوی خدا هستند؟ و کدام وسوسه‌ای است، برای اینکه یك تصمیم غلط بگیرید و یا از بین بهترین انتخابها، اولویت دوم را انتخاب کنید؟ در مورد آنها دعا کنید.

ب) **سؤال:** <u>انگیزه‌ها، خواهشها و احساسات آنانی که تحت تأثیر تصمیم من قرار می‌گیرند چه خواهد بود؟</u> (فیلیپیان ۲: ۳ - ۴). این موضوع مورد نظر چه تأثیری بر همسر و فرزندان من خواهد گذاشت؟ از نظر خدا، در اغلب تصمیمات و انتخابات شما، همسر و خانواده‌تان بسیار مهم هستند (تثنیه ۲۴: ۵ ؛ متی ۱۹: ۵ - ۶ ؛ اول قرنتیان ۹: ۵ ؛ اول تیموتائوس ۳: ۲ ؛ ۴ - ۵).

پ) **سؤال:** <u>بعد از اینکه تمام اصول این بررسی را در نظر گرفتم، در درون خود احساس آرامش می‌کنم و بیشتر متقاعد می‌شوم که خدا من را هدایت می‌کند؟ و یا احساس ناآرامی، بی‌صبری، تضاد درونی و آشفتگی در من رشد می‌کند؟</u> (اشعیاء ۳۲: ۱۷). توجه کنید:
۱) که آیا این آرامش فقط احساسی در مورد درست بودن عمل خودتان است و احساسی است بدون وجود ترس و اطمینان یا برخورد، بعد از اینکه خودتان یک تصمیم را گرفته اید
۲) یا این احساس آرامشی است ناشی از اطمینان به کلام خدا و هدایت خدا از طریق کلامش حتی با وجود احساس شك یا تغییرات روانی.

۶- <u>دستورالعمل کلی ششم درارتباط با هدایت خدا، زمان و ایمان است.</u>

خدا به شما فرصت داده تا هرکاری را که احتیاج دارید انجام بدهید. در جامعه ۸: ۵ - ۶ نوشته است، " دل مرد حکیم وقت و قانون را می‌داند. زیرا که برای هر مطلب وقتی و قانونی است ".

الف) **سؤال:** <u>آیا آرزوها و احساسات من باعث می‌شوند که من سریع به جلو حرکت کنم؟</u> (امثال ۱۹: ۲). چیزهایی مثل جاه‌طلبی‌های خودخواهانه، غیرت غیرمقدس، نداشتن پرهیزگاری، اعتماد بیش از حد، غرور، خشم، انتقام و بی‌صبری می‌تواند باعث اشتباهات بزرگ شوند. پس عجولانه تصمیم نگیرید و انتخاب نکنید.

ب) **سؤال:** <u>آیا آرزوها و احـــساسات من باعث تأخیر بیش از حد درعمل کردن می‌شوند</u> (افسسیان ۵: ۱۵ - ۱۶). منتظر ماندن برای دلیل قطعی و نهایی، انگیزه‌های خودخواهانه، دفاع از خود، بی‌ایمانی و ترس باعث می‌شوند که شما یك فرصت خوب را از دست بدهید. پس وقت را تلف نکنید.

پ) **سؤال:** <u>آیا اینقدر بالغ هستم که موضوعات مهم پیچیده راتشخیص بدهم؟ و یا بایستی بیشتر به رشد خود وقت بدهم تا آماده گرفتن چنین تصمیم مهمی بشوم؟</u> (عبرانیان ۵: ۱۴). گرچه یك تصمیم یا انتخاب خاص ممکن است موجه باشد اما به طور خود بخود مستلزم این نیست که شخص آنقدر بالغ است که آن تصمیم یا انتخاب را بگیرد.

ت) **سؤال:** <u>آیا خدا می‌خواهد که من با ایمان آن عمل را انجام دهم و یا با ایمان از انجام آن خودداری کنم؟</u> (عبرانیان ۱۱: ۶). شما هنوز کاملاً مقدس نیستند و درك شما محدود است. انسان جایزالخطا است و پذیرفتن آن خطا فروتنی واقعی است. وقتی صادقانه درك می‌کنید که چیزی اراده خدا است بایستی با ایمان آن را انجام دهید. ولی اگر بعدها متوجه شدید که تصمیمی اشتباه بوده است بایستی به خدا اعتماد کنید که برتمام عواقبی که متوجه شما و سایرین است مسلط است و به آنها توجه دارد. خدا مقتدر است. خدا همیشه و در همه چیز به خیریت آنانی که او را دوست دارند عمل می‌کند (رومیان ۸: ۲۸).

۷- <u>دستورالعمل کلی هفتم در ارتباط با هدایت خدا، دعا و روح‌القدس است.</u>
خدا به شـــما این امـــکان را بخشیده اســـت که از طریق دعا به او دسترسی مستقیم داشته باشید (افسسیان ۳: ۱۲ ؛ عبرانیان ۴: ۱۶).

الف) **سؤال:** <u>آیا برای اطلاعات حاصل از اصول این درس به اندازه کافی دعا کرده‌ام؟</u> (فلیپیان ۴: ۶). تمام درخواستهای خود را با خدا در میان بگذارید. قلب خود را باز کنید و تمام انگیزه‌ها، خواهش‌ها و احساسات خود را به او بگوئید. در دعا استقامت کنید تا بدانید که چه باید بکنید. در حـالیکه برای چیزهای خاص دعا می‌کنید آیا نسبت به ادامه دعا کردن خود احساس آزادی می‌کنید؟
شما به خدا دسترسی مستقیم دارید و خدا علاوه بر این روح‌القدس را به عنوان مشورت‌دهنده و نماینده خود به شما داده تا شما را به جمیع راستی هدایت کند، به گناه شما را ملزم سازد، همه چیز را به شما تعلیم داده وکلام خدا را به یاد شما بیاورد (یوحنا ۱۴: ۲۶ ؛ ۱۶: ۸، ۱۳ - ۱۴).

ب) **سؤال:** <u>آیا روح‌القدس نسبت به شیوه خاص یك عمل به من انگیزه می‌دهد یا من را از آن دور می‌کند؟</u> (اعمال ۱۱: ۱۲ ؛ اعمال ۱۶: ۷). آنچه روح‌القدس به شما می‌گوید هرگز نباید با کتاب مقدس تناقض داشته باشد (افسسیان ۶: ۱۷).

ت- <u>مسئولیت شما در ارتباط با کشف اراده خـدا</u>

خدا قطعاً دوست دارد مسیحیان را هدایت کند. او وعده داده، " تو را حکمت خواهم آموخت و به راهی که باید رفت ارشاد خواهم نمود و ترا به چشم خود که بر تست نصیحت خواهم فرمود " (مزمور ۳۲: ۸). اما مسیحیان نیز قطعاً مسئول هستند که آنچه خداوند را خشنود می‌سازد پیدا کنند (افسسیان ۵: ۱۰) و درك کنند که اراده خداوند چیست (افسسیان ۵: ۱۷).

۱- <u>چیزهایی را انتخاب کنید که شایسته مسیح است و خدا را خشنود می‌سازد.</u>

بخوانید: رومـیان ۱۲: ۱ و نمونه‌هایی در فیلیپیان ۲: ۳ - ۷ ؛ لوقا ۲: ۴۶ - ۵۲ ؛ لوقا ۱۴: ۱۰ - ۱۴.
کشف و گفتگو کنید: کدام نـــوع تصمیمات فداکارانه، شایسته مسیح است و خدا را خشنود می‌سازد؟
ملاحظات:
الف) به جای اینکه اغلب به دنبال حقوق شخصی خود باشید، علائق دیگران را جویا شوید.
(فیلیپیان ۲: ۳- ۴)

ب) به جای اینکه کاری را با هزینه خانواده انجام دهید خود را وقف مسئولیتهای خانوادگی‌تان بسازید.
(اول تیموتائوس ۳: ۴- ۵)

پ) به جای اینکه به اشخاص مذهبی، افراد قدرتمند و با موقعیت توجه نشان دهید، فقرا معلولین و مظلومین را به زندگیتان دعوت کنید. (لوقا ۱۴: ۱۲- ۱۴)

۲- <u>براساس تعالیم خاص و تعالیم کلی کلام خدا تصمیم حکیمانه بگیرید.</u>

مسیحیان بایستی در زمینه موضوع مورد نظرابتدا به فرامین خاص، ممنوعیت‌ها و تعالیم کتاب مقدس توجه کنند.آیا هیچ فرمان خاص، ممنوعیت یا تعلیمی در این رابطه وجود دارد. سپس مسیحیان بایستی از هفت دستورالعمل کلی در ارتباط با هدایت خدا استفاده کنند.

الف) اطلاعات جمع‌آوری کنید.
اطلاعتی را که از دستورالعمل‌های خاص و هم دستورالعمل‌های عمومی در کتاب مقدس جمع‌آوری کرده‌اید بنویسید. در حین توجه به اطلاعات خاص و یا دستورالعمل‌های عمومی درارتباط با هدایت خدا، افکاری که خدا به شما می‌دهد یادداشت کنید. افکار خود را در سه ستون مرتب کنید.

۱- عوامل مثبت و مزایا	۲- عوامل منفی و مضرات	۳- امکانات جایگزین

ب) <u>منتظر بمانید.</u>
اگر هنوز دلیل و مدرك نهایی را بدست نیاورده‌اید منتظر بمانید، اطلاعت جمع‌آوری کنید و دعا کنید.

پ) حکیم باشید.
اگر مسئله دارای بار عاطفی است مثلا در ارتباط با جنس مخالف (آشنایی و معاشرت)، ازدواج، شفا از بیماری، شرکت در مراسم مذهبی، غیره، بیشتر به اصول عینی توجه کنید: فرامین خاص، ممنوعیت‌ها و تعالیم کلام خدا و مشورت سایر مردم.

ت) درست تفسیر کنید.
به آیاتی از کتاب مقدس که توجه شما را جلب میکنند، فقط اعتماد نکنید بلکه درست آنها را تفسیر کنید (دوم تیموتائوس ۲: ۱۵).

ث) تصمیم بگیرید و عمل کنید.
اگر همه شواهد به یك جهت اشاره می‌کنند، تصمیمی بگیرید که مسئولانه باشد و با ایمان عمل کنید.

ج) اعتماد کنید.
اگر بعدها دچار مشکل شدید، پس در تاریکی به آنچه خدا در روشنایی به شما گفته است، شك نکنید.

۳- شرایط قدم زدن در اراده خدا را انجام دهید.
کشف و گفتگو کنید: برای کشف کردن و قدم زدن در اراده خدا چه شرایطی وجود دارد؟
الف) **بخوانید:** یوحنا ۱۵: ۵
ملاحظات: بکوشید که رابطه شخصی و نزدیك خود با خدا را حفظ کنید.

ب) **بخوانید:** لوقا ۶: ۴۶ - ۴۹ ؛ فلیپیان ۴: ۹
ملاحظات: مشتاق اطاعت از اراده آشکار خدا در کتاب مقدس باشید و واقعاً از آن اطاعت کنید.

پ) **بخوانید:** رومیان ۸: ۲۸
ملاحظات: مطیع اراده مقتدر و مخفی (آشکار نشده) خدا باشید که خود را در موقعیتهایی نشان می‌دهد که برای شما بوجود می‌آیند.

ت) **بخوانید:** رومیان ۱۲: ۲ ؛ فیلیپیان ۴: ۸
ملاحظات: با تازه کردن ذهن خود تبدیل شوید.

۱) از یکطرف نباید اجازه بدهید که جذابیتهای دنیای شریر یا فشارهای کاذب شما را شکل دهند. برای مثال نباید از زبانی رکیك و فاسد برای حرف زدن استفاده کنید. از گوش دادن یا خواندن موسیقی‌هـای فاسد و کثیف خودداری کنید. از خواندن کتابها و مجله‌های مستهجن خودداری کنید. مواظب باشید که لباسهای وسوسه کننده نپوشید. از شرکت در بازیها و فعالیتهای سؤال برانگیز خودداری کنید. از معاشرت‌های صمیمانه با دوستان دنیوی خودداری کنید.
۲) از طرف دیگر با خواندن کتاب مقدس، اطاعت از روح خدا و مشارکت با مسیحیان و غیره افکار ذهنتان و نگرش‌های خود را تازه بسازید.

ث- خلاصه تصویری از اراده خـــدا

تعلیم دهید: خلاصه‌ای از اصول هدایت خدا و تصمیم‌گیری را تعلیم دهید:

الف) درمواردی که فرمان، ممنوعیت یا تعلیم خاصی در کتاب مقدس وجود دارد که بایستی اطاعت کنید.

ب) درمواردی که هیچ فرمان، ممنوعیت یا تعلیم خاصی در کتاب مقدس وجود ندارد. بایستی تصمیم عاقلانه‌ای براساس دستورالعمل‌های کلی کتاب مقدس بگیرید یاممکن است داوطلبانه از یکی از نمونه‌های کتاب مقدس پیروی کنید.

پ) چیز دیگری که بایستی به دستان مقتدر خدا بسپارید این است که تسلیم اراده آشکار نشده و کامل او باشید.

خـــدا

↓

اراده مقتـــدر خدا

(افسسیان ۱: ۱۱)

↓

↓ **اراده آشکار** (کتاب مقدس) ↓		↓ **اراده آشکار نشده** (اشعیاء ۵۵: ۸ - ۱۱) ↓

↓ تعالیم، فرامین و ممنوعیت‌های خاص: **اطاعت کنید، تسلیم آنها باشید.** ↑	↓ بدون هیچ تعلیم، فرامین یا ممنوعیتهای خاص: **تصمیم حکیمانه بگیرید** براساس دستورالعمل‌های کلی کتاب مقدس ↑	↓ نمونه‌های مسیح و شاگردان: **چیزهایی را انتخاب کنید که شایسته مسیح باشد و خدا را خشنود سازد.** ↑	↓ اراده مخفی (آشکار نشده) اما کامل خدا (رومیان ۸: ۲۸) **تسلیم اینها بشوید.** ↑

↑

در مسیح بمانید و با تازه شدن تبدیل شـــوید.

↑

من

۵	**دعـا (۸ دقیقه)** **دعای در پاسخ به کلام خدا**

به نوبت در تمام گروه یا درحالیکه به گروه‌های دو یا سه نفری تقسیم شده‌اید با دعاهای کوتاه، حقایقی را که امروز یاد گرفته‌اید به حضور خدا بیاورید.

۶	**تکلیف منزل (۲ دقیقه)** **برای درس بعدی**

(**سر گروه:** رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

۱ - تعهد - متعهد باشید به اینکه شاگردان بسازید.
آموخته های درس " کشف اراده خدا " را برای یکدیگر، برای شخصی دیگر یا برای گروهی از مردم موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
هفت دستورالعمل کلی در ارتباط با تشخیص اراده خدا را حفظ کنید. از سؤالاتی که زیر اصول آمده است استفاده کنید در مورد موضوعی که در حال حاضر با آن مواجه هستید تصمیمی مهم بگیرید.

۲ - رازگاهان - هر روز نیمی از یك فصل را از قسمت استر ۶، ۷، ۸، ۹ بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.

۳ - بررسی کتاب مقدس - درس بعدی بررسی کتاب مقدس را در خانه آماده کنید.
(اول پطرس ۲: ۱۱ - ۲۵) - رنج کشیدن در دنیا. از روش ۵ قدم بررسی کتاب مقدس استفاده کنید و یادداشت بردارید.

۴ - دعا - در این هفته برای یك شخص یا موضوعی خاص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید.
(مزمور ۵: ۳)

۵ - آموخته های جدید درمورد شاگردسازی را وارد دفتر(یا پوشه) خود کنید. از تمام یادداشت‌های خود در مورد پرستش، رازگاهان، یادداشتهای تعلیمی و این تکلیف منزل یك دفتر(یا پوشه) درست کنید.

درس ۴۴

۱	دعا

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره شاگردسازی را به حضور خداوند بیاورید.

۲	درمیان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه) استر

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (استر ۶، ۷، ۸، ۹)، با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان میگذارد، بحث نکنید.

۳	تعمق و حفظ کردن (۲۰ دقیقه) بخشندگی: دوم قرنتیان ۹: ۶ - ۷

الف - تـعمـق

بخوانید: دوم قرنتیان ۹: ۶ – ۱۵

این آیه حفظی را روی یک صفحه یا تخته سیاه بنویسید:

بخشندگی دوم قرنتیان ۹: ۶ - ۷
اما خلاصه این است هر که با بخیلی بکارد با بخیلی درو کند و هر که با برکات کارد با برکات نیز درو کند اما هرکس به طوریکه در دل خود اراده نموده است بکند نه حزن و اضطرار زیرا خدا بخشنده خوش را دوست می‌دارد ".

۱- **اصول بخشیدن در عهد جدید.**

اصول بخشیدن در عهد جدید در دوم قرنتیان ۹: ۶ - ۷، ۱۰ و اول قرنتیان ۱۶: ۲ موجود است. اجازه دهید با هم آنچه این آیات میگویند، دریافت کنیم.

الف) اصل اول:" بخشش مسیحی مثل کاشتن و تکثیر تخم است ".
دوم قرنتیان ۹: ۶ می‌گوید، " هرکه با بخیلی کارد با بخیلی هم درو کند و هر که با برکت کارد با برکت نیز درو کند." بخشش مسیحی دورانداختن نیست. هر آنچه که يك مسیحی می‌دهد، از بین نمی‌رود بلکه چند برابر می‌شود. بخشش مسیحی درست مثل پاشیدن دانه است. از نظر ظاهری دانه کشاورز خیلی کوچك به نظر می‌رسد اما از نظر درونی هر دانه دارای قدرت ذاتی فوق‌العاده‌ای است. برخلاف ظاهرشان همه دانه‌ها دارای قدرت ذاتی حیات و افزایش هستند. برای اینکه به دانه امکان رشد و میوه آوردن داده شود کشاورز بایستی دانه‌ها را به درون خاك بپاشد. او قبل از اینکه بتواند رشد و تکثیر دانه‌ها را ببیند بایستی آنها را پخش کند. درست مانند دانه که رشد میکند و درخت می‌شود و میوه می‌آورد که درون آن دانه‌های فراوان وجود دارد در بسیاری موارد در بخشش مسیحی نیز مقدار داده شده از نظر کمی تکثیر می‌شود.

ب) اصل دوم: بخشش مسیحی بخشیدن چیزی است که خودتان دریافت کرده‌اید ".
دوم قرنتیان ۹: ۱۰ می‌گوید، " اما او که برای برزگر بذر و برای خورنده نان را آماده می‌کند بذر شما را آماده کرده خواهد افزود و ثمرات عدالت شما را مزید خواهد کرد. " مسیحیان فقط می‌توانند چیزی را که دارند ببخشند و آنچه که دارند چیزی است که به آنها داده شده است. خدا است که دانه را آماده می‌کند و مسیحی آن را می‌کارد. هر آنچه يك مسیحی می‌کارد نخست آن را از سوی خدا دریافت کرده است. دوم قرنتیان ۵: ۱۸ می‌گوید " همه چیز را خدا " و اول قرنتیان ۴: ۷ می‌گوید، " چه چیز داری که نیافتی؟" پس بخشش مسیحی نتیجه فیض خدا است و نه نتیجه نیکویی شخص مسیحی. فیض خدا نه فقط دانه را به مسیحی می‌دهد تا بکارد بلکه انبار دانه‌های او را وسیع می‌گرداند و دروی محصول عدالت او را وسیع می‌گرداند.

پ) اصل سوم: "در بخشش مسیحی، آنچه شخص می‌کارد درو می‌کند " (غلاطیان ۶: ۷).
دوم قرنتیان ۹: ۶ می‌گوید، " هر که با بخیلی کارد با بخیلی هم درو می‌کند و هر که با برکت کارد با برکت نیز درو کند ". يك مسیحی با همان طریقی که می‌کارد درو می‌کند. این قانون در مورد دنیای کشاورزی و دنیای اخلاقیات و روحانی نیز صدق می‌کند. هر که کم بکارد، کم درو خواهد کرد و هر که به فراوانی بکارد به فراوانی درو خواهد کرد. قبلاً در عهد عتیق این قانون معتبر بود. در امثال ۱۱: ۲۴ - ۲۵ آمده است که، "هستند که می‌پاشند و بیشتر می‌اندوزند و هستند که زیاده از آنچه شاید نگاه می‌دارند اما به نیازمندی می‌انجامد شخص سخی فربه می‌شود و هر که سیراب می‌کند خود نیز سیراب خواهد گشت." در امثال ۱۹: ۱۷ نوشته شده است، "هرکه بر فقیر رحم نماید به خداوند قرض می‌دهد و احسان او را به او رد خواهد نمود". عیسی تعلیم داد که هر که یکی از این صغار را " کاسه از آب سرد " نوشاند بدون پاداش نخواهد ماند (متی ۱۰: ۴۲). او همچنین گفت که غذا دادن بـه گرسنگان، آب دادن به تشنگان، پناه دادن به غریبه‌ها، لباس پوشاندن به آنانی که عریانند، عیادت از مریضان و زندانیان دقیقاً مانند این است که همه‌این کارها برای خود عیسی مسیح انجام شده باشد (متی ۲۵: ۳۵ - ۴۰). پس سخاوتمندانه بکارید و سخاوتمندانه برداشت کنید.

ت) اصل چهارم: میزان واقعی بخشش مسیحی در اندازه هدیه نیست بلکه به حالت قلبی بخشنده بستگی دارد.
دوم قرنتیان ۹: ۷ می‌گوید، "اما هرکس به طوریکه در دل خود اراده نموده است بکند نه به حزن و اضطرار زیرا خدا بخشنده خوش را دوست می‌دارد ". در عهد عتیق بخشیدن به صورت آزادانه نبود بلکه شریعت آن را تعیین می‌کرد (ملاکی ۳: ۶ - ۱۲) (ضمیمه ۱، ده يك را ملاحظه کنید). در مقابل، در بخشش مسیحی آزادی واقعی وجود دارد. هر مسیحی در قلب خود تصمیم می‌گیرد که بایستی چقدر ببخشد. هیچ سهم یا درصدی برای او تعیین نمی‌شود. بخشیدن با اکراه، یعنی بخشیدن و بعد اندوهگین شدن برای مال از دست رفته، بخشیدن نیست بلکه غرغر کردن است. همینطور بخشیدن تحت فشار قدرتی بالاتر و یا تحت فشار افکار عمومی نیز بخشش مسیحی نیست. پس شبانان یا اعضای يك کلیسا نباید مسیحیان را وادار کنند که ده يك درآمد خود را به کلیسا بپردازند. در وهله نخست لزوم دادن ده يك مربوط به قوانین تشریفاتی عهد عتیق است و برطبق کولسیان ۲: ۱۴ و افسسیان ۲: ۱۵ این قوانین باطل و از کلیسا منسوخ شده است. در وهله دوم، لزوم دادن ده يك، مسیحیان را مجبور می‌کند که به اجبار آن را ببخشند و در نتیجه بسیاری از مسیحیان با اکراه و نه با شادی می‌بخشند. کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که هر مسیحی بایستی در قلب خود نسبت به آنچه که باید ببخشد تصمیم بگیرد و با اشتیاق و با رضایت ببخشد. این مقدار ممکن است بیش از ده یک باشد.

ث) اصل پنجم: " بخشش مسیحی بایستی بخشش منظم و مرتب باشد ".
اول قرنتیان ۱۶: ۲ می‌گوید، "در روز اول هفته هر یکی از شما به حسب نعمتی که یافته باشد نزد خود ذخیره کرده بگذارد تا در وقت آمدن من زحمت جمع کردن نباشد". مسیحیان قرنتس تشویق می‌شوند تا مقدار مشخصی از درآمد خود را هر یکشنبه کنار بگذارند و آن را نگه دارند تا جمع شود. این کار اشاره به جمع‌آوری هدایا در يك جلسه کلیسایی نیست بلکه به وظیفه‌ای شخصی که هر شخص بایستی آن را انجام دهد. پولس به مسیحیان اعتماد می‌کند و با آنها مانند اعضای مسئول کلیسا برخورد می‌کند. هر مسیحی خودش تصمیم می‌گیرد که چه مقدار از درآمدش را بایستی کنار بگذارد و آن را در وقت ضرورت به اشخاصی که به آن احتیاج دارند بـبخشد.

۲- بعضی برکات بخشیدن چیست؟

الف) بخشش مسیحی باعث می‌شود که شما به اندازه نیازتان داشته باشید.
دوم قرنتیان ۹: ۸ می‌گوید، "ولی خدا قادر است که هر نعمتی را برای شما بیفزاید تا کفایت کامل داشته ... ". بخشیدن پول به خاطر کار خدا به نظر می‌رسد کار احمقانه‌ای باشد و از نظر مردم دنیا سرمایه‌گذاری اشتباهی است. اما مردم دنیا قدرت خدا رانمی‌دانند که می‌تواند مال اندك يك مسیحی را چندین برابر کند. فیض خدا، حتی وقتی که مسیحیان زیاد می‌بخشند افزایش دهنده است نه کاهش دهنده. بعد از اینکه يك مسیحی از مال خود می‌بخشد درمی‌یابد که هنوز به اندازه کافی برای رفع احتیاجش دارد.

ب) بخشش مسیحی باعث می‌شود که شما در هر کار نیکی کفایت داشته باشید.
دوم قرنتیان ۹: ۸ می‌گوید، " خدا قادر است که هر نعمتی را برای شما نیفزاید تا همیشه در هر امری ... برای هر عمل نیکو افزوده شوید ". مسیحی‌ای که از مال خود می‌بخشد در می‌یابد که خدا او را در انجام اعمال نیکو دولتمند می‌سازد. دوم قرنتیان ۹: ۹ می‌گوید، " پاشید و به فقراء داد و عدالتش تا بأبد باقی می‌ماند ". کتاب مقدس این موضوع رامطرح نمی‌کند که شخص با دادن هدیه به فقرا عادل می‌شود. هر شخص فقط با ایمان به عیسی مسیح می‌تواند عادل شمرده شود. ولی وقتی شخص مسیحی شروع به بخشیدن می‌کند خدا او را در عدالت یعنی کارهای خوب غنی می‌سازد.

پ) بخشش مسیحی شما را در سخاوت غنی می‌سازد.
دوم قرنتیان ۹: ۱۱ می‌گوید، " تا آنکه در هر چیز دولتمند شده کمال سخاوت را نمایید که آن منشاء شکر خدا به وسیله ما می‌باشد ". بعضی از مردم این آیه را مربوط به ثروت دنیوی تفسیر می‌کنند اما این متن بیشتر به ثروتهای روحانی یا درونی اشاره می‌کند. مسیحی‌ای که از مال خود می‌بخشد ضرورتاً از نظر مادی ثروتمند نخواهد شد اما او از نظر نیازهای مادی همانطوریکه آیه ۸ کفایت کامل دارد. در هر حال مسیحی‌ای که از مال خود می‌بخشد در قلب خود غنی‌تر خواهد شد. او همانطوری که آیه ۸ تعلیم می‌دهد در بخشندگی غنی‌تر خواهد شد. مسیحی که می‌بخشد، یاد می‌گیرد که از خودش، وقتش، انرژی و از استعدادهایش بیشتر و بیشتر ببخشد و یاد می‌گیرد که دیگران را در اموال مادی خود شریك بسازد. او چنین میکند، چون فیض خدا را تجربه میکند.

ت) بخشیدن مسیحی باعث می‌شود که مردم دعا کنند.
دوم قرنتیان ۹: ۱۱ - ۱۴ می‌گویند، آنانی که هدایا را دریافت می‌کنند خدا را شکر و همینطور برای بخشنده دعا می‌کنند. در اول قرنتیان ۱۲: ۲۴ - ۲۶ نوشته شده است، " خدا بدن را مرتب ساخت ... تا که جدایی در بدن نیفتد بلکه اعضاء به برابری در فکر یکدیگر باشند و اگر یك عضو دردمند گردد سایر اعضاء با آن همدرد باشند ". هر اتفاقی که برای قسمتی از بدن بیفتد کل بدن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نه فقط اعضای یك کلیسای محلی اعضای یك بدن هستند بلکه تمام کلیساهای محلی موجود در جهان اعضای بدن مسیح هستند. به همین علت مسیحیان بایستی نسبت به آنچه برای سایر مسیحیان که در نقاط دیگر جهان زندگی می‌کنند می‌افتد، توجه کنند.

ث) بخشش مسیحی قدردانی از عطای غیرقابل وصف خدا است.
دوم قرنتیان ۹: ۱۵ می‌گوید، " خدا را برای عطای غیرقابل وصف او شکر باد ". خدا پسر یگانه خود عیسی مسیح را به عنوان قربانی کفاره‌ای گناهان ما بخشید و با مسیح خدا همه چیز را به ما داد. بخشش خدا یقیناً از تمام چیزهایی که مسیحیان می‌بخشند عظیم‌تر است. او در مسیح، خود را به ما بخشید و از طریق او تمام برکات آسمانی ممکن را به ما بخشید. هدیه خدا نجات را به تمام مسیحیان بخشید. به همین علت هدیه خدا غیرقابل وصف است. زبان انسانی قادر به وصف آن نیست. اما قلب انسان می‌تواند آن را به صورت حقیقتی پرجلال و متحول کننده تجربه کند. پس بخشش مسیحی به خاطر قدرشناسی از هدیه غیرقابل وصف خدا به مسیحیان انجام می‌شود. هدیه خدا به تمام بخشش‌های مسیحی انگیزه می دهد.

۳- **مسیحیان به چه کسی باید ببخشند؟**

الف) به مسیحیانی که شما را تغذیه می‌کنند.
برطبق اول قرنتیان ۹: ۷ - ۱۴ و غلاطیان ۶: ۶، مسیحیان بایستی از کسانیکه انجیل را موعظه می‌کنند و کتاب مقدس را به آنان تعلیم می‌دهند حمایت کنند، حتی اگر آنها به کلیسای محلی آنها تعلق نداشته باشند.

ب) به مسیحیانی که شما را رهبری می‌کنند.
برطبق اول تیموتائوس ۵: ۱۷ - ۱۸، مسیحیان بایستی از پیران کلیسای محلی خود که به خوبی خدمت می‌کنند، حمایت کنند. پیران کلیسا و شبانان نباید وابسته به حمایت اعضاء باشند و اعضاء نیز نباید نسبت به حمایت از آنها غفلت کنند. هر دو بایستی به خدا اعتماد و از او اطاعت کنند.

پ) به مسیحیانی که کار خدا را انجام می‌دهند.
برطبق فیلیپیان ۴: ۱۴ - ۱۸ و سوم یوحنا ۵ - ۸، مسیحیان بایستی از مبلغین و مبشرین سیار حمایت کنند، حتی اگر آنها متعلق به کلیسای محلی آنان نباشند.

ت) به مسیحیانی که به شما نیاز دارند.
برطبق یعقوب ۲: ۱۵ - ۱۷، اول یوحنا ۳: ۱۷ - ۱۸ و دوم قرنتیان ۸: ۷ - ۱۵، مسیحیان بایستی از اعضای نیازمند کلیسای مسیحی خود،مثل بیوه‌ها، یتیمان، معلولین، فقراء و کسانی که گرفتاری دارند حمایت کنند. آنها همچنین بایستی از کلیساهای مسیحی نیازمند و سایر قسمتهای دنیا حمایت کنند.

ث) به تمام نیازمندان.
برطبق امثال ۱۹: ۱۷ و متی ۶: ۱ - ۴، مسیحیان بایستی به افراد نیازمند غیرمسیحی دنیا نیز کمك کنند.

۴- مسیحیان چقدر بایستی ببخشند؟

الف) متناسب با درآمدتان ببخشید.
در دوم قرنتیان ۸: ۱۲ می‌خوانیم،" زیرا هرگاه دلگرمی باشد مقبول می‌افتد به حسب آنچه کسی دارد نه چه حسب آنچه ندارد ". و در اول قرنتیان ۱۶: ۲ این فرمان را می‌خوانیم که هر مسیحی بایستی بطور مرتب مبلغی را برحسب درآمد و دارایی خود کنار بگذارد. مسیحیان بایستی متناسب با دارایی و درآمد خود ببخشند. برای مثال، ثروتمندان می‌توانند بیش از مقدار ده یك خود ببخشند درحالیکه فقرا مجبور به بخشیدن ده یك درآمد خود نیستند (به ضمیمه ۱، ده یك مراجعه کنید).

ب) برطبق تصمیم خود سخاوتمندانه ببخشید.
در دوم قرنتیان ۹: ۶ - ۷ می‌خوانیم که مسیحیان خودشان بایستی تصمیم بگیرند که چقدر ببخشند و هدیه بدهند. مقدار هدیه، موضوعی شخصی است بین هر مسیحی و خدا و نباید توسط شخص دیگر تعیین و یا تحمیل شود. در هر حال مسیحیان تشویق می‌شوند که سخاوتمندانه ببخشند.

ب - حفظ کردن و مـرور

۱- **بنویسید:** آیه کتاب مقدس را روی یك کارت سفید یا یك صفحه از دفترچه یادداشت کوچکتان بنویسید.
۲- **حفظ کنید:** آیه کتاب مقدس را به روش صحیح حفظ کنید. بخشندگی: دوم قرنتیان ۹: ۶ - ۷.
۳- **مرور کنید:** به گروههای دو نفری تقسیم شوید و آخرین آیه حفظی را از یکدیگر بپرسید.

۴	**بررسی کتاب مقدس (۷۰ دقیقه)** **رنج کشیدن در دنیا: اول پطرس ۲: ۱۱- ۲۵**

با استفاده از روش ۵ قدم بررسی کتاب مقدس، اول پطرس ۲: ۱۱ - ۲۵ را با یکدیگر بررسی کنید.

قدم ۱: بخوانید
بخوانید: اول پطرس ۲: ۱۱ - ۲۵ را با هم بخوانیم.
هر یک به نوبت یك آیه بخواند تا تمام قسمت خوانده شود.

قدم ۲: کشف کنید
توجه کنید: چه حقیقتی در این قسمت برای شما مهم است؟ یا کدام حقیقت در این قسمت ذهن یا قلب شما را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟
بنویسید: یك یا دو حقیقتی را که درك می‌کنید، کشف نمایید، در مورد آنها فکر کنید و افکارتان را در دفتر یادداشت خود بنویسید.
در میان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی به اعضای گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد، به نوبت برکاتشان را با هم در میان بگذارند). به نوبت برکات خود را از نکاتی که کشف کردیم با یکدیگردر میان بگذاریم.
(موارد زیر، مثال دو شخصی است که برکاتشان را با یکدیگر در میان می‌گذارند. به خاطر داشته باشید: در هر گروه کوچك اعضای آن گروه نکات مختلفی را با هم در میان می‌گذارند که نباید لزوماً یکسان باشند.)

کشف ۱) یك حقیقت مهم از نظر من در اول پطرس ۲: ۲۳ است که می‌گوید مسیح چون عذاب می‌کشید دشنام نمی‌داد و تهدید نمی‌کرد. آرزو دارم که من هم دارای این نوع پرهیزگاری و قدرت درونی باشم که آنطوریکه دشمنانم من را تهدید می‌کنند تهدیدشان نکنم.

کشف ۲) یك حقیقت مهم از نظر من در اول پطرس ۲: ۲۱ است که می‌گوید خدا مسیحیان را دعوت می‌کند تا در اثر قدمهای مسیح رفتار نمایند و به رنجهایشان عکس‌العملی را نشان بدهند که او نشان داد. رنج غیرقابل اجتناب است. تمام مسیحیانی که می‌خواهند زندگی مقدسی در مسیح داشته باشند رنج خواهند کشید (دوم تیموتائوس ۳: ۱۲). رنج کشیدن در مسیحیت دارای اهمیت است ومزایای زیادتری برای آنانی دارد که نمونه مسیح را پیروی می‌کنند.

قدم ۳: سؤال کنید
توجه کنید: در این متن چه سؤالاتی در زمینه‌های مختلف وجود دارند که مایلید در گروه آنها را بپرسید؟
سعی کنیم تمام حقایق مربوط به اول پطرس ۲: ۱۱ - ۲۵ را درك کنیم و در مورد آنچه نمی‌فهمیم، سؤال‌های خود را مطرح کنیم.
بنویسید: تا آنجایی که امکان دارد سؤال‌های خود را واضح و صریح مطرح کنید و سپس آنها را در دفتر یادداشت خود بنویسید.
در میان بگذارید: (بعد از این که مدتی به اعضای گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد اجازه دهید که هر کدام از افراد سؤال خود را برای دیگران مطرح سازد).
گفتگو کنید: (سپس چند سؤال را از بین همه سؤالها انتخاب کنید و سعی کنید با گفتگو کردن در مورد آنها در گروه، جوابی برایشان پیدا کنید. درادامه نمونه‌هایی از سؤالهایی که شاگردان ممکن است بپرسند و همچنین ملاحظاتی در رابطه با آن مباحث آمده است.)

سؤال ۱) مسیحیان چگونه بایستی به برده‌داری نگاه کنند؟
ملاحظات: به تعبیر ما مسیحیان در زمانهای قدیم اغلب از جانب آقایان سرسخت خود تحت ظلم بودند. اول پطرس ۲: ۱۸ می‌گوید، " ای نوکران مطیع آقایان خود باشید با کمال ترس ". در اینجا کلمه نوکران به معنی نوکران خانگی است که در خانه در تماس بیشتری با صاحبان و آقایان خود می‌باشند درحالیکه برده‌های دیگر در خارج از خانه و تحت نظارت کار می‌کردند (خروج ۵: ۶). خدا لازم می‌داند که آنها خود را مطیع اربابانشان سازند یعنی بایستی تسلیم آنها باشند و از آقایانشان اطاعت کنند. مقاومت بی‌فایده است و رفتار خشونت‌آمیز را افزایش می‌دهد به همین دلیل آنها نه فقط به دلیل ترس بلکه با کمال احترام درونی و هم احترام ظاهری آنها را بایستی اطاعت کنند چون خدا این را لازم می‌داند. آنها نه فقط بایستی مطیع اربابان خوب و ملاحظه‌گر خود باشند بلکه بایستی نسبت به اربابان سخت‌گیر خود نیز چنین باشند. سخت‌گیر یعنی تندخو، کله‌شق، بی‌منطق، غیرقابل پیش‌بینی و حتی غیرمنصف. پطرس رسول انتظار دارد که خادمین خانگی مطیع اربابانشان باشند حتی اگر به دلیل انتظارات غیرمنطقی و ناعادلانه خدمت کردن آنها سخت باشد.
این ارتباط برده – ارباب که در روزگاران اولیه وجود داشت درحال حاضر به صورت ارتباطات رؤسا – مرئوسین وجود دارد. کتاب مقدس انتظار دارد که مسیحیان مرئوس، رؤسای خود را با احترام اطاعت کنند. آنها رنج خواهند کشید هرگاه رؤسای آنان دارای انتظارات غیرمنطقی هستند و نسبت به آنها غیرعادلانه رفتار می‌کنند. در روزگار ما بسیاری از رؤسا طوری رفتار می‌کنند گویی صاحب کارکنان خود می‌باشند و از آنها هر انتظاری دارند. بعضی رؤسا انتظار دارند که مرئوسین آنها بیش از وقت و بدون دستمزد کار کنند. سایر رؤسا کارکنان خود را مجبور می‌کنند که در شرایط غیرسالم یا خطرناك کار کنند. و دیگر رؤسا نیز اشخاصی را که نسبت به استخدام خود ناامید هستند مجبور می‌کنند که سخت کار کنند در حالیکه دستمزد آنها بسیار ناچیز است و یا حتی از پرداخت دستمزد آنها خودداری می‌کنند. در بعضی کشورها رؤسا از کودکان بدون اینکه به آنها آموزش یا دستمزد مناسبی بدهند برای انجام کار سخت استفاده می‌کنند. بسیاری از این وضعیتهای ناعادلانه و سخت باعث رنج کشیدن مسیحیان می‌شود. مسیحیان بایستی حتی از رؤسای سخت‌گیر و حتی غیرمنصف با احترام اطاعت کنند. مسیحیان بایستی به انجام کارهای نیك، کارهای سخت، امانتداری و صداقت ادامه دهند. البته آنها بایستی با رؤسای خود در مورد شرایطشان صحبت کنند و با دیگران در مورد رؤسای خود محترمانه حرف بزنند. ولی اگر رؤسا از مرئوسین خود انتظار انجام کارهایی را دارند که در کتاب مقدس ممنوع است پس بایستی به آرامی با رؤسای خود مخالفت کنند. برای مثال تحت هیچ نوع شرایطی کارکنان مسیحی نباید رشوه بگیرند و رشوه بدهند. در تجارت فریب بدهند و دروغ بگویند، دزدی کنند و یا هر نوع اعمال شریرانه انجام دهند. هرگاه رؤسای آنان تهدیدشان کنند بایستی به آنها این نکته را اشاره کنند که آنها بایستی بر روی زمین خدا را بیشتر از هر کس دیگری اطاعت کنند (اعمال ۴: ۱۹ - ۲۰ ؛ ۵ - ۲۹). و اگر رؤسای آنان، آنها را تنبیه یا اخراج کردند بایستی این رنج را با احترام تحمل کنند. مسیحیان به خاطر انجام کارهای نیك ممکن است متحمل رنج شوند ولی هیچگاه نباید اجازه دهند که به خاطر انجام کارهای شریرانه متحمل رنج گردند.

سؤال ۲) نسبت به رنجی که به خاطر کارهای نیکو بوجود می‌آید عکس‌العمل مسیحیان چگونه باید باشد؟
ملاحظات: در دنیا، وقتی مردم دچار رنج و سختی می‌شوند، اغلب با سرکشی یا خشونت علنی عکس‌العمل نشان می‌دهند و بر حقوق انسانی و حقوقی که خودشان و رؤسا آنها را تعریف کرده‌اند تأکید می‌کنند و در صورتیکه رؤسای آنها تسلیم نشوند، به اعتصاب متوسل می‌شوند سایر کارکنان را مجبور می‌کنند که به سرکشی آنها بپیوندند و آنانی را که به آنها نمی‌پیوندند تحت جفا قرار می‌دهند. هرگاه خواسته‌هایشان برآورده نشود، متوسل به خشونت می‌شوند، همکاران خود را می‌زنند، اموال رئیس خود را یا حتی اموال عمومی را تخریب می‌کنند. در دنیا معمولاً مردم بی‌عدالتی را با بی‌عدالتی جواب می‌دهند. آنها " چشمی به چشمی و دندانی به دندانی " می‌گیرند. (متی ۵: ۳۸)
عکس‌العمل مسیحیان نسبت به رنجی که در مقابل انجام کارهای نیکو بوجود می‌آید چگونه باید باشد؟ پطرس رسول می‌گوید که مسیحیان بایستی در اثر قدم‌های استادشان یعنی عیسی مسیح رفتار نمایند. او هرگز مرتکب هیچ گناهی نشد اما با این وجود وقتی مردم به او توهین کردند دشنام آنـــها را پس نمی‌داد. او با انجام کارهای زشت نسبت به آنها کارهای بدشان را جبران نمی‌کرد. وقتی او را با شلاق و تازیانه زدند آنها را تهدید نمی‌کرد. او می‌توانست آنها را با

لشگر فرشتگان و داوری خدا تهدید کند اما در عوض دهان خود را نگشود. ولی عیسی مسیح وقتی به خاطر انجام کارهای نیك متحمل رنج می‌شد کاملاً غیرفعال نمی‌ماند. آیه ۲۳ می‌گوید، " بلکه خویشتن را به داور عادل تسلیم کرد ". هرگاه عیسی مسیح رنج می‌کشید دعا می‌کرد و مورد خود را به خدای پدر می‌سپرد. او هرگز حق داوری کردن را به هیچ انسان دیگری نمی‌سپرد. او در هر موردی حق داوری را فقط به خدا می‌سپرد. در زمانی که خود خدا تصمیم بگیرد، خدای پدر، ناعادلان و شریران، کارکنان شریر و ناعادل و رهبران سیاسی و شهروندان و رؤسای ناعادل و شریر را داوری خواهد کرد. پس عیسی مسیح نیازی نمی‌دید که دیگران را دشنام دهد یا تهدید کند. مسیحیان نیز بایستی دراثر قدمهای عیسی رفتار کنند و هرگز دشنام ندهند و تهدید نکنند.

سؤال ۳) پس چرا اینهمه رنج و مرگ در دنیا وجود دارد؟

ملاحظات: اغلب مردم رنج می‌کشند اما نه به خاطر اینکه در نظر خدا کار درست را انجام داده باشند بلکه به خاطر اینکه در نظر خدا کارهای اشتباه انجام می‌دهند. پنج دلیل وجود دارد که چرا مردم رنج می‌کشند.

الف) مردم رنج می‌کشند چون بی خدا هستند.

برطبق رومیان ۱: ۱۸ - ۲۳، خدا از بی‌خدایی و ناراستی مردم خشمگین است. بی‌خدایی داشتن رابطه غلط با خدای کتاب مقدس است. بی خدایی، ایمان نداشتن به وجود خدا است و در نتیجه داشتن شیوه زندگی همراه با انکار خدا که در آن، شخص خودش خدای خود است و آنچه خود می پسندد انجام میدهد. بی خدایی همچنین ایمان نداشتن به خدایی است که خود را در کتاب مقدس آشکار کرده است، بلکه ایمان آوردن به هر خدای دیگری، چه یک بت ساخته شده بدست انسان و یا خدایی که توسط بعضی رهبران مذهبی ساخته و پرداخته شده است. به طور خلاصه بی خدایی یعنی زندگی بدون خدای حقیقی که خود را در کتاب مقدس مکاشفه کرده است. بی خدایی یعنی داشتن ارتباطی غلط با تنها خدای واحدی که خود را در کتاب مقدس آشکار کرده است.
نتیجه بی خدایی این است که افکار انسان بیهوده و قلب انسان تاریك می‌شود. چون افکار انسان بی‌ارزش، بی‌فایده و بی‌ثمر می‌شود درنتیجه انسان در دنیایی از دروغ و فریب زندگی می‌کند که این باعث رنج کشیدن انسان می‌شود. و چون مردم از آن نوری که برای داشتن یك زندگی اخلاقی و روحانی نیاز دارند محروم هستند در دنیایی زندگی می‌کنند که نمی‌توانند قدرت انجام کارهای نیك را پیدا کنند و این باعث می‌شود که مردم رنج بکشند.

ب) مردم رنج می‌کشند چون شریر هستند.

بر طبق رومیان ۱: ۲۴ - ۳۲، خدا از تمامی شرارتهای مردم خشمگین است. شرارت یعنی داشتن رابطه‌ای غلط نسبت به سایر مردم. مردم نسبت به یکدیگر کارهای اشتباهی انجام می‌دهند. آنها یکدیگر را به سمت یك شیوه فاسد و ناشایسته زندگی می‌کشانند. آنها راههایی را برای انجام شرارت اختراع می‌کنند و هر نوع شرارت و بدی که فرصت آن را پیدا کنند نسبت به یکدیگر انجام می‌دهند. چیزهایی را در رومیان فصل ۱ فهرست شده است در نظر بگیرید مثل جهالت روحانی و نفرت از خدا، فساد و انحراف جنسی، طمع مالی و نیرنگ، شایعات و تهدیدات اجتماعی و حماقت و خیانت سیاسی. مردم پر از شرارت هستند و کارهای شریرانه انجام می‌دهند آنها شرارت را اختراع و آن را تأیید می‌کنند. مردم بعضی مواقع به جنگهای غیرمقدس و شیوه زندگی نامقدس خود تقدس مذهبی می‌بخشند. تعجبی ندارد که وقتی مردم اینکارها را نسبت به یکدیگر انجام می‌دهند همه در رنج باشند.

پ) مردم رنج می‌کشند چون به اعتقادات کاذب خود ایمان دارند.

برطبق رومیان ۱: ۱۸، ۲۵ مردم حقیقت را سرکوب می‌کنند و آن را تغییر می‌دهند. تحریف و تغییر حقیقت، داشتن رابطه غلط با خود است. این گناه، خلاف وجدان آن شخص است. حقیقت در مورد خدا، در مورد آنچه خدا می‌گوید و انجام می‌دهد، در مورد وضعیت انسان و در مورد سرنوشت این جهان اغلب مورد غفلت قرار می‌گیرد، آگاهانه مهار می‌شود و یا عمدا مورد تغییر قرار می‌گیرد. دولتها دوست ندارند که مطیع یك قدرت روحانی و اخلاقی بالاتر از خودشان باشند. انسانهای قدرتمند و تحصیل کرده اغلب حقیقت را سرکوب و تغییر می‌دهند چون پذیرفتن آن به معنی این است که آنها باید تغییر کنند. تا وقتی که دولتها و مردم از تغییر کردن خودداری می‌کنند، بی‌عدالت و خودخواه هستند خودرأی و خود محور هستند به تحریف و سرپوش کردن حقیقت در جهت مقاصد خود ادامه می‌دهند. نتیجه ایمان به اعتقادات نادرست این است که مردم در زندگی امنیت و ارزش نداشته باشند و این باعث می‌شود که آنها رنج بکشند. نداشتن امنیت یعنی اینکه آنها احساس نمی‌کنند که بدون شرط مورد پذیرش هستند و محبت می شوند. نداشتن ارزش یعنی اینکه احساس نمی‌کنند که زندگی آنها مفهوم و هدف دارد.

ت) مردم به خاطر وجود مرگ رنج می‌کشند.

بر طبق رومیان ۶: ۲۳، " مزد گناه موت است". وچون همه مردم گناه کرده‌اند همه آنها خواهند مرد. نتیجه گناه مرگ است. همه مردم از مرگ می‌ترسند. مرگ آنقدر وحشتناك است که مردم حتی نمی‌خواهند به آن فکر کنند یا حرف بزنند. نقطه اوج رنج برای اغلب مردم مرگ است. مرگ یعنی جدایی. مرگ یعنی جدایی از جسم. جسم شما به خاك زمین برمی‌گردد. مرگ یعنی جدایی از عــزیزانتان. بایستی آنها را ترك کنید. مرگ یعنی جدایی از اموال، از دست دادن تمام

تحصیلات، شغل و پشت سر گذاشتن تمام کمالات و مقامتان. همراه با مرگ هیچ چیز را نمی‌توانید با خود ببرید چیزهایی که به خاطر آنها در سرتاسر زندگیتان زحمت کشیده‌اید. مرگ برای آنانی هم که کسی را از دست می‌دهند وحشتناك است. آنان نیز از عزیزانشان جدا می‌شوند و دلشان برای آنان تنگ خواهد شد. به علاوه آنانی که هنوز زنده هستند از مرگ می‌ترسند چون نمی‌دانند که بعد از مرگ چه چیز در انتظار آنها است. مرگ باعث رنج کشیدن مردم می‌شود.

ث) مردم رنج می‌کشند چون داوری می‌شوند.
۱) مردم رنج میکشند چون آنها آنچه که میکارند درو میکنند. برطبق غلاطیان ۶: ۷ - ۸، خدا اجازه می‌دهد که داوری او کسانی را تنبیه کند که قوانینش را زیر پا می‌گذارند. خدا خلقت خود را آمیخته با این قوانین ساخته است. اگر این قوانین شکسته بشوند تنبیه را با خود به همراه دارند. برای مثال اگر شخصی قانون فیزیکی جاذبه زمین را فراموش کند سقوط وحشتناکی خواهد داشت. خدا نیز در خلقت خود و در درون مردم قوانین روحانی و قوانین اخلاقی ساخته است. اگر مردم قوانین اخلاقی و روحانی خدا را زیر پا گذارند تنبیه خواهند شد و در نتیجه عذاب خواهند کشید. کتاب مقدس می‌گوید، " زیرا که آنچه آدمی بکارد همان را درو خواهد کرد ". (غلاطیان ۶: ۷). هر که تنبلی بکارد فقر را درو خواهد کرد. هر که نفرت را بکارد روابط از هم گسیخته را درو خواهد کرد. هر که ظلم را بکارد جنگ را درو خواهد کرد. اغلب نتایج بی‌دینی و داشتن یك زندگی شریرانه،در طی حیات شخص را گرفتار می‌کند. مردم اغلب در نتیجه بی خدایی و کارهای شریرانه خود رنج می‌کشید.
۲) مردم در زیر فاجعه های عمومی هشدارآمیز خدا رنج میکشند. برطبق حجی ۱: ۶ - ۱۰ خدا انسانهایی که او را فراموش، طرد یا اطاعت نمی‌کنند تنبیه می‌کند. خدا جهان را کنترل می‌کند همچنین وقایع تاریخ و نیروهای طبیعت. در مواقعی که مردم از خدا نااطاعتی می‌کنند یا وقتی که ارتباطات بین مردم و خدا از هم گسیخته می‌شود خدا حفاظت و توجه خود را قطع می‌کند و یا حتی شدیداً مردم را تنبیه می‌کند. پس خدا داوری را بر مردم می‌فرستد و آنها رنج می‌کشند. برای مثال، خدا میوه‌های طبیعت و همچنین نیازهای اولیه خوردن و پوشیدن را از مردم دریغ می‌کند. کاری می‌کند که دستمزد مردم برای آنها ناکافی باشد و توقعات بیش از حد آنها بر باد می‌رود. به این ترتیب خدا از هر نوع بلا مثل زمین‌لرزه، طوفان، بخصوص وزش باد و قحطی در تمام طول تاریخ استفاده کرده است تا نارضایتی خود نسبت به گناه را نشان دهد و به مردم هشدار دهد که توبه کنند و به سوی او بازگردند (حزقیال ۱۴: ۲۱ ؛ عاموس ۴: ۶ - ۱۲).
۳) خدا در زیر داوری نهایی خدا رنج خواهند کشید. برطبق عبرانیان ۹: ۲۷، داوری نهایی خدا بعد از مرگ خواهد آمد. پس خدا تمام مردم را به خاطر بی‌خدایی، شرارت، ایمان به اعتقادات غلط و رد کردن او داوری خواهد کرد. برطبق دوم تسالونیکیان ۱: ۸ - ۹ شریران با جدایی ابدی از خدا تنبیه خواهند شد و شب و روز تا به ابد و تا به ابد عذاب خواهند کشید. رنج ناشی از داوری نهایی خدا بسیار بدتر از مرگ جسمی است. تمام بی‌ایمانان و انسانهای شریر در دوران آینده رنج خواهند کشید. این موضوع بسیار جدی است. رنج کشیدن در داوری آینده خدا بسیار بدتر است از تمام رنج‌های فعلی روی زمین.

پس تمام مردم به خاطر انجام کارهای بد عذاب خواهند کشید. ولی مسیحیان نباید به خاطر انجام کارهای بد متحمل رنج و عذاب شوند.

سؤال ۴) رنج کشیدن به خاطر انجام کارهای خوب چه مزایایی دارد؟
ملاحظات: مسیحیان بایستی میان رنج کشیدن برای انجام کارهای نیك و رنج کشیدن به خاطر کارهای اشتباه تمیز قائل شوند. مسیحیان دعوت نشده‌اند تا به خاطر انجام کارهای اشتباه متحمل رنج شوند بلکه به خاطر انجام آنچه درست است متحمل زحمت شوند. انبیاء عهد عتیق اغلب به خاطر انجام کارهای خوب زحمت می‌دیدند. عیسی مسیح به خاطر انجام کارهای خوب عذاب می‌کشید. رسولان به خاطر انجام کارهای خوب رنج کشیدند. مسیحیان سرتاسر قرون به خاطر انجام کارهای خوب رنج کشیدند. مسیحیان دعوت شده‌اند تا به خاطر انجام کارهای خوب زحمت ببینند.
اما مسیحیان همچنین این دعوت را دارند که نسبت به رنج‌هایشان عکس‌العملی را نشان بدهند که عیسی مسیح نسبت به رنج‌هایش نشان می‌داد. آنها نباید دشنام دهند و تهدید کنند بلکه زندگیشان و موقعیت خود را به خدای مقتدری تسلیم کنند که در زمان مناسب عادلانه داوری خواهد کرد. به علاوه رنج کشیدن به خاطر آنچه در نظر خدا درست است مزایای زیادی برای مسیحیان دارد:

الف) متی ۵: ۱۱ – ۱۲ می‌گوید، " خوشحال باشید چون شما را فحش گویند و جفا رسانند و به خاطر من هر سخن بدی بر شما کاذبانه گویند. خوش باشید و شادی عظیم نمایید زیرا اجر شما در آسمان عظیم است زیرا که به همین طور بر انبیای قبل از شما (یوسف، موسی، ایلیا، ارمیا، دانیال) جفا می‌رسانیدند ".

ب) عبرانیان ۱۲: ۱۰ - ۱۱ می‌گوید، " زیرا که ایشان اندك زمانی موافق صوابدید خود ما را تأدیب کردند لکن او به جهت فایده تا شریك قدوسیت او گردیم. لکن هرکه تأدیب در حال نه از خوشیها بلکه از دردها می‌نماید اما در آخر میوه عدالت سلامتی را برای آنانی که از آن ریاضت یافته‌اند بار می‌آورند ".

پ) یعقوب ۱: ۲ - ۴ می‌گوید، " ای برادران (مسیحیان) من وقتی که در تجربه‌های گوناگون مبتلا شوید کمال خوشی دانید. چونکه می‌دانید که امتحان ایمان شما صبر را پیدا می‌کند. لکن صبر را عمل تام خود باشد تا کامل و تمام شوید و محتاج هیچ چیز نباشید ".
پس در رنج کشیدن برای انجام کارهای نیك چندین مزایا وجود دارد.

قدم ۴: به کارببرید
توجه کنید: کاربرد چه حقایقی در این قسمت برای مسیحیان امکان پذیر است؟
در میان بگذارید و بنویسید: افکار خود را صریحاً با هم در میان بگذارید و فهرستی از کاربردهای امکان پذیر بر اساس اول پطرس ۲: ۱۱ - ۲۵ تهیه کنید.
توجه کنید: خدا از شما می خواهد کدامیک از کاربردهای امکان پذیر را تبدیل به یك کاربرد شخصی بکنید؟
بنویسید: این کاربرد شخصی را در دفتر یادداشت خود بنویسید. کاربرد شخصی خود را بدون دغدغه با دیگران در میان بگذارید. به یاد داشته باشید که افراد در هر گروه، کاربرد حقایق متفاوتی را پیدا می کنند و حتی از یك حقیقت کاربردهای متفاوتی می یابند.
(فهرست زیر، نمونه هایی از کاربردهای امکان پذیر در این قسمت از کتاب مقدس میباشند).

نمونه هایی از کاربردهای امکان‌پذیر (اول پطرس ۲: ۱۱ - ۲۵)

- ۲: ۱۱ * به خاطر داشته باشید که پرهیز از خواهشهای گناه‌آلود که با نفس شما می‌جنگند مشکل می‌باشد. بعضی از این خواهشهای گناه‌آلود فساد جنسی، خودمحوری، خودخواهی، خودرأیی و طمع مادیات، مقام (در اجتماع یا درخانواده) یا شهرت است. جنگیدن برعلیه خواهشهای گناه‌آلود ممکن است فرآیند دردناکی باشد اما پاداش آن تقدس و عدالت است.
- ۲: ۱۲ * به خاطر داشته باشید که بت‌پرستان و اعضای سایر مذاهب ممکن است شما را به خاطر مسیحی بودن، به خاطر پرستیدن عیسی مسیح و یا برای داشتن یك شیوه زندگی مسیحی جفا برسانند. اما اگر به انجام کارهای خوب درمیان آنهـــا ادامه دهید (مقایسه کنید با لوقا ۶: ۲۷ - ۲۸)،ممکن است یکروز تغییر کنند و خدا را جلال دهند.
- ۲: ۱۳ - ۱۵ * در هر چیزی که در نظر خدا درست است مطیع دولتهایی باشید که مسیحیان را تحت فشار قرار می‌دهند. با ادامه دادن به انجام کارهایی که در نظر خدا درست است سرانجام به حرفهای پوچ آنها خاتمه می‌دهید.
- ۲: ۱۶ * حتی تحت سلطه حکومتهای ظالم و ضد مسیحی آزادانه زندگی کنید یعنی مانند انسانهایی که از قدرت گناه آزاد شده و توسط خدا بخشیده شده‌اند. به صورت انسانهای آزاد زندگی کنید یعنی انسانهایی که از نفرت، دشنام، تهدید، دروغ و بی‌عدالتی آزاد شده‌اند.
- ۲: ۱۷ * حتی تحت سلطه حکومتهای ظالم و ضد مسیحی احترام واقعی را به همه نشان دهید. احترام صحیح برادرانه را نسبت به مسیحیان با ادامه محبت کردن مسیحیان همه فرقه‌ها نشان دهید بخصوص وقتی آنها تحت جفا و عذاب هستند. به صورت ترس از خدای واحد به خدا که خود را در کتاب مقدس آشکار گردید احترام واقعی را نشان دهید، بخصوص وقتی که خودتان به خاطر ایمانتان به عیسی مسیح تحت جفا هستید. و به صورت ادامه اطاعت از قوانین به جز در مواردی که این قوانین مستقیماً با کتاب مقدس مخالف هستند محبت واقعی خود را نسبت به دولت کشورتان نشان دهید.
- ۲: ۱۸ - ۲۰ * اگر شما کارمند رئیس غیرمسیحی خود هستید در مواردی که با کتاب مقدس تناقض ندارد با اطاعت کردن به او احترام بگذارید. اگر او نسبت به شما با خشونت رفتار می‌کند خدا شما را تحسین خواهد کرد برای اینکه از حضور خدا در این موقعیت سخت آگاه هستید و برای اینکه درد آن رنج ناعادلانه را متحمل می‌شوید.
- ۲: ۲۱ - ۲۳ * هرگز فراموش نکنید که خدا همه مسیحیان را به رنج کشیدن دعوت کرده است. او شما را دعوت کرده است تا به خاطر انجام کارهایی که در نظر خدا خوب و صحیح است رنج بکشید. او شما را دعوت کرده است تا به شیوه عیسی مسیح نسبت به رنج‌هایتان عکس‌العمل نشان بدهید. او شما را دعوت کرده است تا هرگز به کسانی که به شما بدی می‌رسانند دشنام ندهید. او شما را دعوت کرده است تا هرگز دیگرانی را که باعث رنج کشیدن شما می‌شوند تهدید نکنید. او شما را دعوت نکرده است تا در موقعیتهای سخت، خود و آنانی را که باعث درد و رنج شما می‌شوند داوری کنید. او شما را دعوت کرده است تا موقعیتهای مشکل خود را به خدا که عادلانه داوری می‌کند تسلیم کنید. خدا مسیحیان را دعوت کرده است تا رنج بکشند و او به آنها دستور داده است که چگونه نسبت به رنج‌هایشان عکس‌العمل نشان بدهند.

نمونه هایی از کاربردهای شخصی

الف) می‌خواهم از نمونه مسیح در رنج کشیدن پیروی کنم. هرگاه مردم به من توهین می‌کنند نمی‌خواهم دشنام بدهم بلکه می‌خواهم با انجام کارهای خوب نسبت به آنها برکتشان بدهم. هرگاه به دلیل رفتاری که سایر مردم با من دارد درد می‌کشم از آن درد فرار نمی‌کنم بلکه آن را تحمل می‌کنم.

ب) می‌خواهم تمرکز کنم اما نه بر اینکه چرا رنج می‌کشم، بلکه بر نتایج خوبی که رنج کشیدن به خاطر کارهایی که در نظر خدا درست است بر زندگی من دارد.

قدم ۵: دعا کنید در مورد حقیقتی که خدا به ما در اول پطرس ۲: ۱۱ - ۲۵ آشکار کرده است، دعا کنیم. (در دعایتان به آنچه که در طی این بررسی کتاب مقدس دریافت کرده اید، پاسخ دهید، تمرین کنید که در فقط یک یا دو جمله دعا کنید. بیاد داشته باشید که افراد درهر گروه، در مورد حقایق متفاوتی، دعا خواهند کرد.)

۵	**دعا (۸ دقیقه)** **دعای شفاعت**

به دعا در گروه های دو یا سه نفری ادامه دهید. برای یکدیگر و مردم دنیا دعا کنید.

۶	**تکلیف منزل (۲ دقیقه)** **برای درس بعدی**

(**سر گروه:** رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

۱ - تعهد - متعهد باشید به اینکه شاگردان بسازید.
آموخته های بررسی کتاب مقدس در ارتباط با اول پطرس ۲: ۱۱ - ۲۵ را برای یکدیگر، برای شخصی دیگر یا برای گروهی از مردم موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
۲ - رازگاهان - هر روز نیمی از يك فصل را از ایوب فصلهای ۱، ۲، ۱۲، ۱۴ بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
۳ - حفظ کردن - بخشندگی- دوم قرنتیان ۹: ۶ - ۷ را حفظ کنید. هر روز آخرین ۵ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.
۴ - دعا - در این هفته برای يك شخص یا موضوعی خاص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید.
(مزمور ۵: ۳)
۵ - آموخته های جدید درمورد شاگردسازی را وارد دفتر(یا پوشه) خود کنید. از تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگاهان، آیات حفظی، بررسی کتاب مقدس و این تکلیف منزل يك دفتر(یا پوشه) درست کنید.

درس ۴۵

۱	دعا

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره شاگردسازی را به حضور خدا بیاورید.

۲	پرستش (۲۰ دقیقه) زندگی برای جلال دادن خدا

موضوع: پرستش بعنوان زندگی برای جلال دادن خدا

در این درس یاد می‌گیریم که با زندگی که خدا را جلال می‌دهد پرستش خود را ابراز کنیم.

۱ - **شیوه زندگی مسیحی**

بخوانید: مزمور ۱۵: ۱ - ۵.
گفتگو کنید: ویژگی‌های شیوه زندگی مسیحی چیست؟
ملاحظات:
الف) رفتار او. شخص مسیحی بدون سرزنش راه می‌رود و رفتار می‌کند. او فقط کاری را که درست است انجام می‌دهد.
ب) سخنان او. او از قلبش سخن می‌گوید. در مورد درستی او هیچ شکی نیست.
پ) ارتباط او با همسایه‌اش. او نسبت به همسایه‌اش هیچ بدی نمی‌کند غیبت نمی‌کند یا تهمت نمی‌زند.
ت) ارتباط او با انسانهای شریر. او انسانهای پلید را طرد می‌کند یعنی او کارهای بدی را که آنها انجام می‌دهند رد می‌کند و آنها را ستایش یا تحسین نمی‌کند.
ث) ارتباط او با ایمانداران. او به انسانی که از خدا می‌ترسد احترام می‌گذارد و در نتیجه کارهای پلید انجام نمی‌دهد.
ج) وعده‌های او. او به وعده‌هایش امین می‌ماند مگر اینکه او وعده‌ای غیرمحتاطانه داده باشد که بایستی سریعاً آن را اصلاح کند (امثال ۶: ۱ - ۵).
چ) ارتباط او با نیازمندان. بدون اینکه طالب نفعی باشد به فقرا کمك کند.
ه) عدالت او. رشوه نمیدهد و رشوه نمی‌گیرد (اشعیاء ۱۶: ۱۹).

۲- **وعده خدا**

الف) مسیحیانی که برطبق شیوه زندگی مزمور ۱۵ زندگی میکنند، می‌توانند در حضور خدا ساکن باشند.
ب) آنها هرگز بوسیله هیچ شخص و یا وضعیتی در زندگی جنبش نخواهند خورد و متزلزل نمی شوند (۱۵: ۵).

پرستش کنید: به نوبت خدا را در شخصیت او که خواهان یک زندگی تحول یافته که او را جلال می دهد، میباشد، در یك یا دو جمله بپرستید.
زندگی خود را به کدام شیوه زندگی وقف خواهید کرد؟
با کدام شیوه زندگی برای جلال دادن خدا، در حال حاضر زندگی می‌کنید؟

۳	درمیان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه) ایوب

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (ایوب ۱، ۲، ۱۲، ۱۴) با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان میگذارد، بحث نکنید.

۴	تعلیم (۷۰ دقیقه) روح القدس: تعمید و پرشدن با روح‌القدس

در دستورعمل شاگردسازی - کتاب ۲، درس ۲۱ در مورد ذات روح‌القدس کار او در مردم و در کلیسا آموختیم. در دستورعمل شاگردسازی - کتاب ۴، درس ۴۵ در مورد بعضی از عملکردهای خاص روح‌القدس یاد خواهیم گرفت: تعمید با روح‌القدس، پرشدن با روح‌القدس و ثمره روح‌القدس. در دستورعمل بنای کلیسا - کتاب ۳، درس ۳۵ در مورد عطایای روحانی روح‌القدس یاد خواهیم گرفت.

الف - تعمید با روح‌القـدس

۱- عبارت " تعمید با روح‌القدس "

الف) این عبارت در کتاب مقدس

عبارت تعمید با روح‌القدس هفت بار در عهد جدید آمده است (متی ۳: ۱۰ - ۱۲ ؛ مرقس ۱: ۸ ؛ لوقا ۳: ۱۶ ؛ یوحنا ۱: ۳۳ ؛ اعمال ۱: ۵ ؛ اعمال ۱۱: ۱۴ - ۱۸ و اول قرنتیان ۱۲: ۱۲ - ۱۳). در تمام این هفت بار این عبارت، تولد تازه را بیان می‌کند یعنی آغاز زندگی مسیحی شخص. درمتی ۳: ۱۰ - ۱۲ تعمید با روح‌القدس آشکارا مربوط به جمع شدن ایمانداران در ملکوت خدا است درحالیکه تعمید با آتش در اینجا مربوط به داوری نهایی بی‌ایمانان می‌باشد.

ب) پیش‌بینی و انجام

تعمید با روح‌القدس قبلاً در عهد عتیق پیش‌بینی شده بود (حزقیال ۳۶: ۲۵ - ۲۷ ؛ یوئیل ۲: ۲۸ - ۳۲).

۱) وقوع تعمید با روح القدس برای نخستین شاگردان مسیح در اعمال ۲: ۱ - ۴ شرح داده شده است.
۲) وقوع تعمید با روح‌القدس برای نخستین ایمانداران یهودی دراعمال ۲: ۳۷ - ۴۱ شرح داده شده است (اعمال ۱: ۸).
۳) وقوع تعمید با روح‌القدس برای نخستین ایمانداران سامری در اعمال ۸: ۱۲ - ۱۷ شرح داده شده است (اعمال ۱: ۸)
۴) وقوع تعمید با روح‌القدس برای نخستین ایمانداران جلیلی در اعمال ۱۰: ۳۴ - ۴۸ شرح داده شده است (اعمال ۱: ۸ ؛ ۱۱: ۱۴ - ۱۸ ؛ ۱۵: ۷ - ۱۱).
۵) بعد از اینکه اساس کلیسا در میان یهودیان، نیمه یهودیان (سامری‌ها) و غیریهودی‌ها (امتها) گذاشته شد هرکس که انجیل را می‌شنود و به عیسی مسیح ایمان می‌آورد. "روح‌القدس را دریافت می‌کند" (اعمال ۲: ۳۸ - ۳۹) یعنی "با روح‌القدس تعمید می‌یابد" (اول قرنتیان ۱۲: ۱۲ - ۱۳)، "با روح‌القدس مهر می‌شود" (افسسیان ۱: ۱۳ - ۱۴) یا به معنی "تولد تازه یا تازه شدن توسط روح القدس" (تیطس ۳: ۵ - ۷) است.

۲- مفهوم تعمید با روح‌القدس

کتاب مقدس از چندین عبارت برای شرح ریزش روح‌القدس در روز پنطیکاست استفاده می‌کند.

۱) روح‌القدس بر آنانی که تازه ایمان می آوردند ریخته می‌شد (اعمال ۲: ۱۷، ۳۳ ؛ ۱۰: ۴۵ ؛ تیطس ۳: ۶).
۲) روح‌القدس بر آنانی که تازه ایمان می آوردند نازل شد (اعمال ۱۰: ۴۴ ؛ ۱۱: ۱۵).
۳) روح‌القدس به آنانی که تازه ایمان می آوردند بخشیده شد (اعمال ۱۱: ۱۷ ؛ ۱۵: ۸).
۴) آنانی که تازه ایمان می آوردند روح‌القدس را دریافت کردند (اعمال ۱۰: ۴۷).
۵) این اتفاق" تعمید با روح‌القدس " نامیده شد (اعمال ۱۱: ۱۶).
۶) همچنین " مهرشدن با روح‌القدس " نامیده شده است (افسسیان ۱: ۱۳ ؛ دوم قرنتیان ۱: ۲۱ - ۲۲).

همه این عبارتها دارای معانی یکسانی هستند.

الف) تعمید با روح‌القدس یعنی دریافت روح‌القدس که شخص از طریق آن، تولد تازه و نجات می‌یابد.

وقتی که اولین افراد از امتها انجیل را شنیدید و به عیسی مسیح ایمان آوردند (در حدود ۳۴ بعد از میلاد) روح‌القدس بر آنان نازل شد درست مانند موقعی که در ابتدا بین نخستین شاگردان یهودی نازل شد (۳۰ بعد از میلاد). خدا به آنها عطایی را داد که شامل روح‌القدس می‌شد و این اتفاق تعمید به روح‌القدس نامیده شد (اعمال ۱۱: ۱۵ - ۱۷). پنطیکاست نخستین شاگردان یهودی در ۳۰ میلادی بود. پنطیکاست نخستین ایمانداران امتها در ۳۴ میلادی اتفاق افتاد. نتیجه آن بود که امتهایی که به عیسی مسیح ایمان آوردند،درست مانند یهودیانی که به عیسی مسیح ایمان آورده بودند نـــجات یافتند

(اعمال ۲: ۱۸، ۲۱ ؛ ۱۱: ۱۴ ؛ ۱۵: ۱۱ ؛ افسسیان ۱: ۱۳). خدا به آنها توبه حیات‌بخش را عطا کرده بود (اعمال ۱۱: ۱۸). خدا قلبهای آنها را پاك کرد (اعمال ۱۵: ۹). تمام این عبارتهای کتاب مقدسی به تولد تازه یا نجات اشاره می‌کنند.
مدتهـــا قبل از این زمان، عیسی به آنانی که به او ایمان آوردند، تعلیم داد که آنها از نو مولود می شوند (یوحنا ۱: ۱۲ - ۱۳ ؛ ۳: ۳ - ۸)، حیات ابدی دارند (یوحنا ۳: ۱۶ ۹) و به ملکوت خدا وارد شده‌اند (یوحنا ۳: ۳ - ۸). همچنین مدتها بعد از آن، پولس تعلیم داد که روح القدس آنانی را که به خدا اعتماد می‌کنند، از طریق غسل تولد تازه و احیاء، نجات میبخشد. آنها با فیض خدا عادل شمرده شده و وارث حیات گردیده اند (تیطس ۳: ۳ - ۸).

ب) <u>تعمید با روح‌القدس به معنی دریافت روح‌القدس است که از طریق آن شخص متعلق به مسیح و کلیسای او (بدن) می‌شود</u>. یحیی تعمید دهنده چنین گفت که عیسی مسیح مردم را به روح‌القدس تعمید خواهد داد و به این صورت گندم را در انبار ذخیره خواهد نمود (متی ۳: ۱۱ - ۱۲). پولس ۲۶ سال بعد از روز پنطیکاست به ایمانداران یهودی و امتهایی که در قرنتیه زندگی میکردند، می‌نویسد که نه فقط گروهی خاص با روح‌القدس تعمید یافته‌اند بلکه " جمیع ما به یك روح در یك بدن تعمید یافتیم " یعنی در بدن مسیح. این موضوع شامل تمام رسولان و تمام ایمانداران جهان می‌شود (اول قرنتیان ۲: ۱۲ - ۱۳). پس وقتی مردم به عیسی مسیح ایمان می‌آورند توسط یك روح در بدن مسیح تعمید می‌یابند (افسسیان ۱: ۲۲ - ۲۳). آنها اعضای بدن مسیح یعنی اعضای کلیسای جهانی مسیحی می‌شوند. ایمانداران دیگر فقط یك فرد نیستند بلکه اعضاء یك اجتماع جدید می‌باشند.

پ) <u>تعمید با روح‌القدس به معنی دریافت روح‌القدس است که از طریق آن روح‌القدس می‌آید تا در ایماندار زندگی و کار کند</u>. در هنگام تعمید روح‌القدس، روح‌القدس می‌آید در بدن ایماندار (اول قرنتیان ۶: ۱۹ - ۲۰) و در میان کلیسا به عنوان بدن مسیح (یوحنا ۱۴: ۱۶ - ۱۷ ؛ افسسیان ۲: ۱۹ - ۲۲) ساکن می‌شود. روح‌القدس در آنها کمتر از " مسیح در آنان " نیست. هر کس که روح‌القدس را دریافت کند یك مسیحی است. اما هر آنکس نیز که روح‌القدس را دریافت نکرده است مسیحی نیست (رومیان ۸: ۹ - ۱۰ ؛ اول قرنتیان ۱۲: ۳). روح‌القدس کار کامل نجاتبخش مسیح را در زندگی ایمانداران به کار می‌برد. با گذشت زمان مشخص می‌شود که روح‌القدس به هر مسیحی عطای روحانی متفاوتی بخشیده است تا با آن سایر مسیحیان را خدمت کند (اول پطرس ۴: ۱۰ - ۱۱)، کلیسا یا بدن مسیح را بنا کند (اول قرنتیان ۱۲: ۷ ؛ ۱۴: ۱۲)، مسیحیان را برای انجام خـدمات مختلف تجهیز می‌کند (افسسیان ۴: ۱۱ - ۱۳) و خدا را جلال می‌دهد (اول پطرس ۴: ۱۱).

خلاصه: تعمید با روح‌القدس وقتی اتفاق می‌افتد که مردم برای نخستین بار به عیسی مسیح ایمان می‌آوردو منجر به این می‌شود که آنان تولد تازه و نجات بیابند، متعلق به مسیح و کلیسای مسیحی باشند، از طریق روح‌القدس در خدا ساکن باشند و همچنین باعث تقدس و تجهیز آنان با عطایای روحانی برای خدمت می‌شود.

۳- <u>ترتیب وقایع تعمید با روح‌القدس</u>

الف) <u>چرا ۱۲۰ شاگرد نخست عیسی بلافاصله با روح‌القدس تعمید نیافتند</u>.
بخوانید: یـوحنا ۷: ۳۷ - ۳۹ ؛ ۱۲: ۲۳ - ۲۴ ؛ ۱۶: ۷ ؛ لوقا ۲۴: ۳۹ ؛ اعمال ۱: ۵ ؛ ۲: ۱ - ۴، ۳۴
کشف و گفتگو کنید: چرا نخستین ۱۲۰ شاگرد عیسی فقط بعدها بعد از ایمانشان با روح‌القدس تعمید گرفتند؟
ملاحظات: اعمال ۲: ۱ - ۴ یك اتفاق بی نظیر را شرح می‌دهد و یك تعلیم جامع مسیحی نیست.
نخستین ۱۲۰ شاگرد عیسی (اعمال ۱: ۵) قبل از اینکه با روح‌القدس تعمید بیابند ایماندار بودند. آنها در همان لحظه ایمان آوردنشان با روح‌القدس تعمید نیافتند چون آنها زمانی به عیسی ایمان آوردند که عیسی هنوز بر روی زمین با آنان بود. آنها بایستی تا جلال یافتن عیسی منتظر می‌ماندند تا بتوانند سکونت روح‌القدس را در خود بیابند. آنها بایستی تا مصلوب شدن، قیام، صعود و سلطنت گرفتن عیسی در آسمان منتظر می‌ماندند تا بتوانند روح‌القدس یعنی روح مسیح را بیابند.
در یوحنا ۷: ۳۷ - ۳۹ و ۱۶: ۷ عیسی به روز پنطیکاست در آینده اشاره می‌کند. ریزش روح‌القدس در روز اول پنطیکاست، تعمید با روح‌القدس نامیده شده است (اعمال ۱: ۵ ؛ ۱۱: ۱۴ - ۱۸). پس ریزش روح‌القدس و دریافت سکونت روح‌القدس توسط نخستین ۱۲۰ شاگرد عیسی مسیح بعد از مرگ، قیام، صعود و سلطنت گرفتن عیسی مسیح اتفاق افتاد. این اتفاق بخش بی نظیری است از <u>تاریخ نجات خدا</u> و بنابراین یك موقعیت بی مانند تاریخی است. اعمال ۲: ۱ - ۴ نباید امروزه در باره زمان تعمید یافتن مردم با روح القدس به صورت یك تعلیم استفاده شود.
چون عیسی مسیح قبلاً جلال یافته است آنانی که امروزه به عیسی مسیح ایمان می‌آورند بلافاصله با روح‌القدس تعمید می‌یابند و مانند شاگردان نخستین عیسی نبایستی که منتظر بمانند. بعد از پنطیکاست ایمانداران بلافاصله با روح‌القدس تعمید می‌یابند. یعنی بلافاصله روح‌القدس در آنها سکونت می‌یابد. رومیان ۸: ۹ - ۱۰ به وضوح تعلیم می‌دهد که آنانی که روح‌القدس (روح خدا یا روح مسیح) را ندارند متعلق به عیسی مسیح نیستند یعنی مسیحی نیستند. پس غیرممکن است که ایمان آوردن به عیسی مسیح یا پذیرش عیسی مسیح (یوحنا ۱: ۱۲ - ۱۳) را از دریافت روح‌القدس (افسسیان ۱: ۱۳ - ۱۴) جدا کرد. مسیحیان به یك خدا یعنی پدر، پسر و روح‌القدس ایمان دارند.

ب) <u>چرا ایمانداران سامری بلافاصله با روح‌القدس تعمید نیافتند.</u>
بخوانید: متی ۱۶: ۱۸ - ۱۹ ؛ ۱۸: ۱۸ ؛ افسسیان ۲: ۱۹ - ۲۰ ؛ اعمال ۸: ۱۲ - ۱۷.
کشف و گفتگو کنید: چرا نخستین ایمانداران سامری فقط مدتی بعد از ایمان آوردن با روح‌القدس تعمید یافتند؟
ملاحظات: اعمال ۸: ۱۲ - ۱۷ یك اتفاق بی نظیر تاریخی را شرح می‌دهد و یك تعلیم جامع مسیحی نیست.
سامری‌ها نه یهودی خالص بودند و نه کاملاً از امتها به شمار می‌رفتند. نژاد مخلوطی بودند و دشمنان یهودیان به شمار می‌رفتند. در دوران عهد عتیق آنها قسمتی از قوم خدا به حساب نمی‌آمدند. دشمنی دیرینه بین یهودیان و آنها باور کردن این موضوع که سامری‌ها هم می‌توانستند نجات بیابند و قسمتی از قوم شوند را سخت می‌ساخت. همینطور دشمنی دیرینه بین یهودیان و امتها نیز باور کردن اینکه عیسی مسیح آمد تا امتها را نیز نجات دهد و قسمتی از قوم خدا شوند را مشکل می‌ساخت (اعمال فصلهای ۱۰ - ۱۱). سامری‌ها از طریق خدمت فیلیپس انجیل را شنیدند و به عیسی مسیح ایمان آوردند فیلیپس یک مبشر بود اما یکی از دوازده شاگرد عیسی مسیح نبود. نخستین مسیحیان سامری می‌باید برای تعمید با روح‌القدس منتظر می‌ماندند تا اینکه رسولان عیسی مسیح درهای ملکوت را برای آنها باز می‌کردند.
این اقتدار برای باز کردن در ملکوت خدا و اجازه ورود مردم در ملکوت خدا از طریق عیسی مسیح به دوازده رسول داده شده بود. عیسی مسیح کلیسای خود را نه بر ایمانداران معمولی بلکه براساس رسولان خود بنا نمود (متی ۱۶: ۱۸ ؛ ۱۸: ۱۸ ؛ افسسیان ۲: ۱۰ ؛ یوحنا ۲۰: ۲۱ - ۲۳ ؛ مکاشفه ۲۱: ۱۴).
فقط خدا مردم را به ملکوت خود می‌آورد (کولسیان ۲: ۳۷ - ۴۱) و دوازده رسول عیسی مسیحی وسیله‌ای در دست خدا شدند تا نه تنها <u>نخستین یهودیان ایماندار</u> (اعمال ۲: ۳۷ - ۴۱) بلکه <u>نخستین نیمه یهودیان ایماندار</u> (سامری‌ها) (اعمال ۸: ۱۲- ۱۷) و نخستین غیریهودیان ایماندار (امتها) (اعمال ۱۰: ۳۴- ۴۸) را به ملکوت او بیاورند. دوازده رسول عیسی و کار پراقتدار بنای کلیسای تاریخی مسیحی بخش بی نظیری بود از <u>تاریخ نجات خدا</u> و بنابراین یك موقعیت بی مانند تاریخی محسوب می‌شد. اعمال ۸: ۱۲ - ۱۷ نیز نباید امروزه در باره زمان تعمید یافتن مردم با روح القدس به صورت یك تعلیم استفاده شود.

پ) <u>ایمانداران امروزه بلافاصله با روح‌القدس تعمید می‌یابند.</u>
بخوانید: افسسیان ۱: ۱۳ - ۱۴.
کشف و گفتگو کنید: در مورد زمان تعمید یافتن مردم با روح‌القدس کتاب مقدس چه تعلیمی می‌دهد؟
ملاحظات: پس از اینکه کتاب اعمال رسولان <u>آغاز تاریخی</u> کلیسای مسیحی را در میان یهودیان (اعمال ۲)، سامری‌ها (اعمال ۸) و امتها (اعمال ۱۰) (اعمال ۱: ۸) <u>شرح داده است</u>، کتاب مقدس <u>این آموزه را تعلیم میدهد</u> که تعمید با روح‌القدس زمانی اتفاق می‌افتد که یك شخص انجیل را می‌شنود و به آن ایمان می‌آورد. آنانی که واقعاً به عیسی مسیح ایمان می‌آورند بدون تأمل و وساطت دیگران بلافاصله با روح‌القدس تعمید می‌یابند (اعمال ۲: ۳۸ - ۳۹).

۴- <u>نشانه‌های همراه با تعمید با روح‌القدس</u>

الف) <u>آنچه کتاب مقدس در مورد نشانه‌های همراه با تعمید با روح‌القدس شرح می‌دهد یا نقل می‌کند.</u>
کشف و گفتگو کنید: کتاب مقدس در مورد نشانه‌های همراه با تعمید با روح‌القدس چه چیز را شرح یا نقل قول می‌کند؟
۱) <u>کتاب مقدس نشانه‌های بی نظیر باد، آتش و سخن گفتن به زبانهای شناخته شده را نقل قول می‌کند.</u>
بخوانید: اعمال ۲: ۱ - ۱۱ ؛ اعمال ۱۰: ۴۶.
ملاحظات: کتاب مقدس بخش مهمی از تاریخ نجات توسط خدا را نقل قول می‌کند یعنی وقتی که نخستین شاگردان عیسی با روح‌القدس تعمید یافتند و صدای وزش باد شدیدی را شنیدند که از طرف آسمان آمد و کل اطاق را پر ساخت. آنها چیزی را دیدند که شبیه زبانهای آتش بوده و منقسم شده و بر هر یکی از ایشان قرار گرفت و با روح‌القدس پر شده و شروع به تلفظ زبانهای شناخته شده دنیا و ذکر کبریائی خدا کردند. نشانه‌های باد و آتش یقیناً مخصوص نخستین روز پنطیکاست بودند و دیگر هرگز اتفاق نیفتادند. سخن گفتن به زبانهای شناخته شده دنیا ممکن است که امروز هم اتفاق بیافتد اما کتاب مقدس تعلیم نمی‌دهد که اتفاق خواهد افتاد یا بایستی اتفاق بیفتد. سخن گفتن به زبانهای شناخته شده دنیا یقیناً با سخن گفتن به زبانها (زبان فرشتگان) در کلیسای قرنتیه متفاوت بود.
۲) <u>کتاب مقدس به این نشانه مشترك یعنی بوجود آمدن یك اجتماع فعال مسیحی اشاره می‌کند.</u>
بخوانید: اعمال ۲: ۳۷ - ۴۷.
ملاحظات: کتاب مقدس به قسمتی از تاریخ نجات توسط خدا اشاره می‌کند یعنی وقتی که ایمانداران یهودی در روز پنطیکاست تعمید یافتند و خود را به تعالیم رسولان و به مشارکت، شکستن نانها و دعا وقف کردند. به طور خلاصه در یك کلیسای فعال محلی را تشکل یافتند. برداشت و تصور اینکه این یهودیان نیز به زبانها سخن گفتند غیرمجاز است زیرا کتاب مقدس هیچ چیز در باره آن نمی گوید و لوقا مطمئناً از گزارش دادن چنین واقعه مهمی غفلت نمی کرد. نشانه عادی و معمولی تعمید با روح القدس در کتاب مقدس بوجود آمدن یک کلیسای محلی فعال میباشد (اعمال ۲: ۴۷ ؛ ۴: ۴ ؛ ۵: ۱۴ ؛ ۶: ۷ ؛ ۸: ۱۲ ؛ ۱۱: ۲۱ ؛ ۱۳: ۴۸ ؛ ۱۴: ۲۱ - ۲۳ و غیره).

ب) آنچه کتاب مقدس در مورد نشانه‌های همراه با تعمید با روح‌القدس تعلیم می‌دهد.
کشف و گفتگو کنید: کتاب مقدس در مورد نشانه‌هایی که باید همراه با تعمید با روح‌القدس باشد چه تعلیمی می‌دهد؟
ملاحظات: کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که در تاریخ نجات شخصی هر مسیحی بعد از تعمید با روح‌القدس، تجلی آشکار روح‌القدس در زندگی او بایستی به صورت سه نشانه آشکار باشد:

۱) مسیحی بایستی متعلق به بدن مسیح یعنی به یك کلیسای محلی فعال باشد.
بخوانید: اول قرنتیان ۱۲: ۱۲ - ۲۷.

۲) مسیحی بایستی اعمال طبیعت گناه‌آلود خود را به مرگ بسپارد و در عوض میوه روح به بار آورد بخصوص محبت.
بخوانید: غلاطیان ۵:۲۲ - ۲۳.

۳) مسیحی بایستی با استفاده از عطای روحانی که روح‌القدس به او داده است مسیح را خدمت کند. زمان دقیقی که چنین عطایای روحانی در زندگی یك مسیحی آشکار می‌شوند در بخش آموزه‌ای کتاب مقدس مشخص نشده است و بستگی به رشد روحانی مسیحی از طریق بلوغ روحانی و تعهد او به کار خدمتش در کلیسای مسیحی دارد.
بخوانید: اول قرنتیان ۱۲: ۳ - ۷، ۱۱، ۳۰ - ۳۱ ؛ ۱۳: ۱.

ب - پـــرشدن با روح‌الـــقدس

اگر روح‌القدس فقط یك قدرت بود که شخص می‌توانست به مقدار معینی آن را داشته باشد پس نگرش حاکم یك مسیحی در ارتباط روح‌القدس این خواهد بود که "چطور می‌توانم روح‌القدس بیشتری (قدرت بیشتر) داشته باشم؟ اما چون روح‌القدس یك شخص است که می‌تواند صاحب شما باشد و به مقدار خاصی شما را تحت تأثیر خود قرار دهد پس نگرش حاکم یك مسیحی نسبت به روح‌القدس این است که " چگونه روح‌القدس می‌تواند بر قسمت بیشتری از وجود من مسلط شود؟ "، " روح‌القدس چگونه می‌تواند زندگی مرا بیشتر تحت تأثیر خود قرار دهد؟" یك شخص هرگز نمی‌تواند بر خدا (عیسی مسیح یا روح‌القدس) تسلط پیدا کند اما خدا (عیسی مسیح، روح‌القدس) می‌خواهد و می‌تواند شما را به عنوان یك مسیحی تصاحب کند و این کار را خواهد کرد اگر شما به او اجازه بدهید. ارتباط ما با روح‌القدس هرگز مربوط به موضوع قدرت یا نشانه‌های معجزه آمیز نمی‌شود بلکه این موضوع مربوط به خداوندی عیسی مسیح در زندگی‌های مـــا و اطاعت کامل ما از خداوندی عیسی مسیح است که از طریق روح‌القدس در ما ساکن شده است. پس سؤال مطرح ما این است که عیسی مسیح چطور می‌تواند از طریق سکونت روح‌القدس درمن زندگی من را تحت تأثیر قرار دهد و برای آن تصمیم بگیرد؟ پرشدن با روح‌القدس به این معنی است که خدا (عیسی مسیح، روح‌القدس) مرا از طریق کتاب مقدس، تصاحب، اداره و هدایت می‌کند زندگی من و خدمت من را پرثمر و مفید می‌گرداند و کاری می‌کند که من کاملاً مطیع و تسلیم او باشم. یك مسیحی پر از روح، یك شخص واقعاً تسلیم به خدا است. او کاملاً خود را تقدیم، تسلیم و مطیع خدا می‌سازد. یك شخص کاملاً تسلیم، یك شخص پر از روح است.

۱- وعده پرشدن با روح‌القدس

عیسی به همه ایماندارانی که در او هستند وعده می‌دهد که روح‌القدس مانند نهرهای آب زنده از وجود آنها جاری خواهد شد (یوحنا ۷: ۳۷ - ۳۹). او به خصوص به شاگردان خود (رسولان) وعده داد که برای شهادت دادن در بین یهودیان سامری‌ها و امتها و تا به اقصای زمین قدرت خـــواهند یافت (اعمال ۱: ۸). روح‌القدس قدرت آسمانی برای زندگی و خدمت برروی زمین را عطا می کند.

۲- انجام وعده پرشدن با روح‌القدس

کتاب مقدس شرح می‌دهد و یا نقل قول می‌کند که پرشدن با روح‌القدس نتایج مختلفی دارد. توجه کنید که کتاب مقدس شامل توضیحاتی تاریخی است در مورد آنچه که در تاریخ نجات در حین پرشدن با روح‌القدس برای مردم اتفاق افتاده است. این توضیحات تاریخی در مورد آنچه که باید در کلیسای امروز اتفاق بیفتد فرمان یا تعلیم نیست. کتاب مقدس موارد بسیاری را در مورد نتایج پرشدن با روح‌القدس شرح داده یا نقل قول می‌کند:
لوقا ۱: ۴۱ - ۴۳. الیزابت این معرفت خاص را پیدا می‌کند که بچه‌ای که در مریم است مسیح می‌باشد.
لوقا ۱: ۶۷ - ۷۹. زکریا در مورد آینده یوحنای تعمید دهنده و عیسی نبوت می‌کند.
لوقا ۴: ۱ - ۲. عیسی بر وسوسه‌های شیطان غالب می‌آید.
اعمال ۲: ۴. نخستین ۱۲۰ شاگردان عیسی وقتی تعمید با روح‌القدس یافتند از روح‌القدس پر شدند و به زبانهای شناخته شده دیگردر مورد کارهای فوق‌العاده خدا نبوت کردند (کارهای عظیم خدا را آشکار ساختند).
اعمال ۴: ۸. پطرس بلافاصله برای سخن گفتن الهام یافت (مرقس ۳: ۱۱).

اعمال ۴: ۳۱. شاگردان شجاعت، شهامت و کلماتی را دریافت کردند تا پیغام خدا را بگویند.
اعمال ۶: ۳، ۸ - ۱۰. نخستین خادمان، پر از میوه روح بوده و با حکمتی غیرقابل وصف از کلام خدا سخن می‌گفتند و استیفان دارای عطای انجام معجزات بود.
اعمال ۷: ۵۵. استیفان توانست رویایی از جلال خدا و مسیح را که ایستاده است ببیند.
اعمال ۹: ۱۷ - ۲۲. پولس بیشتر و بیشتر برای موعظه کردن تقویت شده و مخالفان را بیشتر با کمک کتاب مقدس مجاب می‌ساخت که عیسی همان مسیح موعود است.
اعمال ۱۱: ۲۴. برنابا اشخاص زیادی را به سوی خداوند آورد.
اعمال ۱۳: ۹ - ۱۱. پولس این اقتدار را بدست آورد که بر یك جادوگر یا نبی دروغین داوری خدا را به زبان بیاورد.
اعمال ۱۳: ۴۹ - ۵۲. مسیحیان جدید می‌توانستند درمیان جفاها شادی کنند.

۳- تعلیم در مورد پرشدن با روح‌القدس

بخوانید: افسسیان ۵: ۱۵ - ۲۱.
کشف و گفتگو کنید: کتاب مقدس در مورد نتایج، وقتی که اشخاص با روح‌القدس پر می‌شوند چه تعلیمی می‌دهد؟
ملاحظات:
زمانی که مسیحیان، پرشده از روح القدس هستند، کتاب مقدس بطور آشکار چگونگی نتایج را تعلیم می‌دهد:
سه واقعیت مهم قابل توجه در این قسمت وجود دارد: فعل اصلی، افعال وابسته و حرف ربط.

الف) این دستور همیشه بطور دائمی قابل کاربرد است.
فعل اصلی در آیه، " از روح پر باشید ".

۱) فعل اصلی حالت دستوری دارد و بیان کننده عملی به صورت یك دستور است. کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که به یك مسیحی دستور داده شده که از روح پر باشد. پرشدن با روح‌القدس یك انتخاب نیست بلکه الزامی است.
۲) فعل اصلی به زمان حال استمراری است و بیان کننده عملی است که پیوسته و دوباره و دوباره قابل کاربرد است. کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که به یك مسیحی دستور داده شده که پیوسته و دوباره و دوباره با روح‌القدس پر شود.
۳) فعل اصلی به شکل مجهول است و بیان کننده عملی است که وابسته به خدا است و نه به شخص مسیحی. پرشدن با روح‌القدس کاری است که فقط خدا می‌تواند انجام دهد. خدای مقتدر باید آن را انجام دهد و آن را انجام خواهد داد. کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که زندگی معمولی مسیحی زندگی پر از روح است.

ب) نتیجه آن یك زندگی جذاب مسیحی است.
پنج فعل بعدی در آیات ۱۹ – ۲۱ وجه وصفی معلوم هستند و وابسته به فعل اصلی می‌باشند و بیان‌کننده عملی همزمان با فعل اصلی هستند و همچنین دارای دستوراتی امری است که پیوسته یا دوباره و دوباره قابل کاربرد است. این افعال عبارتند از " گفتگو کنید "، " بسرائید "، " ترنم نمایید " و " شکر کنید "، " اطاعت کنید ".
کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که یك مسیحی پر از روح دارای ویژگی‌های زیر است:

۱) مسیحی پر از روح در مهمانی‌های وحشیانه‌ای که همراه با مستی، آشوب و فساد اخلاقی است شرکت نمی‌کند (افسسیان ۵: ۳ - ۱۳ ؛ اول پطرس ۴: ۳ - ۴) . در عوض او سایر مسیحیان را ملاقات می‌کند و همراه با آنها گفتگو می‌کند، می‌سراید و ترنم می‌کند (به صورت تحت‌اللفظی شادی و سرور با سرود خواندن همراه با ابزار آلات موسیقی). هدف از چنین ملاقاتهایی جلال دادن خدا و بنای یکدیگر است. این نمونه‌ای است از ثمره روح به نام پرهیزگاری (غلاطیان ۵: ۲۳ ؛ اول قرنتیان ۷: ۹ ؛ ۹: ۲۴ - ۲۷).
۲) مسیحی پر از روح نسبت به مردم یا وضعیتهای موجود منفی و انتقادجو نخواهد بود و داوری نخواهد کرد. وجه تمایز او شکایت و مشاجره نیست (فیلیپیان ۲: ۱۴) او ناراضی و ناسپاس نیست. بلکه قانع (فیلیپیان ۴: ۱۱ ؛ اول تیموتائوس ۶: ۶) و در تمام شرایط شکرگذار خدا است (اول تسالونیکیان ۵: ۱۸). این مثالی است از میوه روح به نام خوشی (غلاطیان ۵: ۲۲).
۳) مسیـحی پر از روح مـغرور نیست و تك روی نمی‌کند و خود رأی نیست. او شخصی نیست که همکاری نکند، نفاق و شقاق ایجاد کند. خودخواه و متکی به نفس خود نخواهد بود بلکه او مطیع و تسلیم خداوند است. مسیحی مشتاق است که در بین دیگران، کوچکترین باشد و در جاهایی خدمت کند که دیگران نمی‌توانند یا نمی‌خواهند خدمت کنند (یوحنا ۱۳: ۱ - ۱۷). او به فکر علائق دیگران است (فیلیپیان ۲: ۴) و به دیگران بیشتر از خود احترام می‌گذارد (رومیان ۱۲: ۱۰). صمیمی، مؤدب، آرام، فروتن و باملاحظه است. این مثالی است از میوه روح به نام تواضع (غلاطیان ۵: ۲۳).

همچنین يك حرف ربط " و " بین آیه ۱۷ و ۱۸ در متن اصلی یونانی عهد جدید وجود دارد. پس مسیحی پر از روح با آنچه در آیات ۱۵ - ۱۷ نوشته شده است نیز متمایز می‌شود.

۴) مسیحی پر از روح بایستی نسبت به نحوه زندگی خود (رفتار) مواظب باشد. او از خود رأی بودن و استقلال از خدا جلوگیری می‌کند (داوران ۲۱: ۲۵) در عوض در هر جنبه از زندگیش نشان می‌دهد که شیوه زندگی کهنه دنیوی را کنار گذاشته و شیوه زندگی مقدس و عادلانه جدید را پذیرفته و در آن رشد می‌کند.
۵) مسیحی پر از روح دارای شیوه زندگی است که پر از حکمت عملی می‌باشد. او از بهترین راهها برای رسیدن به بهترین اهداف استفاده می‌کند. او معرفت خود از کتاب مقدس را طوری در زندگی به کار خواهد برد که خدا را جلال دهد (افسسیان ۵: ۱۵).
۶) مسیحی پر از روح از وقت و فرصتهایی که خدا به او داده است بهترین استفاده را می‌کند (افسسیان ۵: ۱۶).
۷) مسیحی پر از روح پیوسته و فعالانه دانستن و اطاعت از اراده خدا را که در کتاب مقدس آشکار شده است دنبال می‌کند (افسسیان ۵: ۱۷) او پیوسته آنچه که خدا را خشنود می‌سازد تحقیق می‌کند (افسسیان ۵: ۱۰).

۴- <u>عملکرد در مورد پرشدن با روح‌القدس</u>

تعلیم دهید: به منظور یافتن روح‌القدس برای نخستین دفعه شخص بایستی انجیل را بشنود و به عیسی مسیح ایمان بیاورد (افسسیان ۱: ۱۳).
<u>سؤال:</u> اما وقتی مسیحیان پرشدن با روح‌القدس، یعنی وقتی آنها يك زندگی تسلیم به خداوندی عیسی مسیح را تجربه نکنند، چه باید بکنند؟

الف) <u>احیای يك زندگی پر از روح.</u>
بخوانید: اول یوحنا ۱: ۹ ؛ افسسیان ۴: ۲۵ - ۳۲ ؛ ۵: ۸ - ۱۱ ؛ یعقوب ۴: ۵ - ۱۰.
کشف و گفتگو کنید: برای احیای يك زندگی پر از روح چه باید کرد؟ چه باید کرد تا روح‌القدس دوباره بتواند شما را تحت تأثیر و کنترل قرار بدهد؟
ملاحظات: گناه به هر شکلی روح‌القدس را محزون می‌کند و بین رابطه شما و خدا جدایی می‌اندازد (اشعیاء ۵۹: ۱ - ۲). اما، وقتی گناه می‌کنید روح‌القدس شما را ترك نمی‌کند، چون در واقع دارای وضعیت کاملاً عادلانه هستید و چون عیسی مسیح وعده داده است که روح‌القدس تا به ابد با شما و در شما خواهد بود (یوحنا ۱۴: ۱۶ - ۱۷). ولی به منظور احیای رابطه آشفته‌ای که بین شما و خدا هست و به منظور اینکه کار روح‌القدس باز هم در شما ادامه یابد بایستی موارد زیر را دنبال کنید:

۱) به تمام گناهانی که از وجود آنها آگاه هستید، اعتراف کنید و بخشش خدا را دریافت و باور کنید (اول یوحنا ۱: ۹).
۲) تمام کارهای گناه‌آلود (امثال ۲۸: ۱۳) و روابط غلط زندگیتان (اول قرنتیان ۱۵: ۳۳) را تـرك کنید و از هر نوع گناه خود را خلاصی دهید (افسسیان ۵: ۳ - ۱۴).
۳) از آنــانی که نسبت به ایشان کاری اشتباه انجام داده‌اید بخشش بطلبید (متی ۵: ۲۳ - ۲۴ ؛ یعقوب ۵: ۱۶). تا آنجایی که امکان دارد جبران کنید چیزهای بد را با درست جایگزین کنید و با همه مردم در صلح باشید (رومیان ۱۲: ۱۷). این موضوع، تبدیل روزانه خوانده می‌شود و همچنین ابراز محبت است (لوقا ۶: ۲۷ - ۲۸).
۴) خود را تسلیم یا مطیع خدا بسازید، از کلام او اطاعت کنید و آن را در زندگی روزانه خود بکار ببرید (یـــعقوب ۴: ۵ - ۱۰) این نیز ابراز محبت حقیقی است (یوحنا ۱۴: ۲۱ - ۲۳).

ب) <u>زندگی پر از روح را بطلبید.</u>
بخوانید: فیلیپیان ۴: ۶ - ۷ ؛ متی ۷: ۷ - ۱۱ ؛ لوقا ۱۱: ۹ - ۱۳.
کشف و گفتگو کنید: باید از عیسی مسیح چه چیز بخواهید تا برای شما انجام بدهد؟
ملاحظات: هر مسیحی بایستی تحقق يك زندگی پر از روح و جنبه‌های خاص زندگی پر از روح را از خدا بطلبد.

۱) تسلط روح‌القدس را بطلبید. دعا کنید که عیسی مسیح باز هم خداوندی یا تسلط خود بر کل زندگی شما را به وسیله سکونت روح‌القدس درشما بکار بندد (غلاطیان ۵: ۱۸).
۲) ثمره روح‌القدس را بطلبید. دعا کنید که مسیح با تغییر افکار، نگرش، عادات و شخصیت شما به وسیله میوه‌ای که سکونت روح‌القدس در شما ایجاد می‌کند، کاری درونی جدید یا تازه در زندگی شما انجام دهد (غلاطیان ۵: ۲۲ - ۲۳).
۳) عطایای روحانی روح‌القدس را بطلبید. دعا کنید که عیسی مسیح به وسیله عطایی خاص که سکونت روح‌القـدس در شـما ایجاد می‌کند و کار را به پیش می‌برد شما را برای خدمتی خاص تجهیز کند (افسسیان ۴: ۷، ۱۱ - ۱۲). اما دادن عطایای روحانی همیشه حق ویژه مقتدرانه خود خدا می باشد (اول قرنتیان ۱۲: ۱۱).

پ) <u>حفظ کردن زندگی پر از روح.</u>
کشف و گفتگو کنید: چگونه می‌توانم زندگی پر از روح خود را حفظ کنم؟
ملاحظات: با ادامه شاگردی، زندگی پر از روح حفظ می‌شود.
روح‌القدس در هر جنبه از شاگردی ضروری است.

۱) <u>روح‌القدس و مسیح در مرکز.</u> **بخوانید:** یوحنا ۱۶: ۱۴. روح‌القدس مسیح را آشکار می‌کند و جلال می‌دهد. او همیشه مسیح را در مرکز زندگی شما و حیات کلیسا قرار می‌دهد.
۲) <u>روح‌القدس و کلام خدا.</u> **بخوانید:** افسسیان ۶: ۱۷. شمشیری که روح‌القدس استفاده می‌کند کلام خدا است. او کلام کتاب مقدس را به خاطر شما می‌آورد، آنها را شرح می‌دهد و در زندگیتان به کار می‌برد.
۳) <u>روح‌القدس و دعا.</u> **بخوانید:** رومیان ۸: ۲۶ - ۲۸ ؛ افسسیان ۶: ۱۸. روح‌القدس کمك می‌کند تا دعا کنید و درست دعا کنید.
۴) <u>دعا و مشارکت.</u> **بخوانید:** رومیان ۵: ۵. روح‌القدس صلح و محبتی را که برای مشارکت نیاز دارید به شما می‌بخشد.
۵) <u>روح‌القدس و ثمره آوردن.</u> **بخوانید:** لوقا ۱۲: ۱۱ - ۱۲ ؛ اول قرنتیان ۱۲: ۱۱. روح‌القدس برای شهادت دادن، کلمات را می‌بخشد و برای خدمت کردن عطایای روحانی را.
۶) <u>روح‌القدس و اطاعت.</u> **بخوانید:** اعمال ۱: ۸ ؛ ۵: ۳۲ ؛ اول پطرس ۱: ۲. روح‌القدس قدرت می‌دهد تا آنچه خدا می‌گوید انجام دهید.

خلاصه: <u>پرشدن با روح‌القدس،</u> زندگی معمولی مسیحی را بعنوان زندگی ای که پیوسته یا دوباره و دوباره تحت اختیار روح‌القدس قرار می‌گیرد یعنی زندگی ای که پیوسته یا همیشه و همیشه مطیع یا تسلیم خداوندی عیسی مسیح است، شرح میدهد. بارها تولد تازه یک شخص را یعنی وقتی که روح‌القدس افکار، نگرش‌ها،عادات یا شخصیت فرد را به وسیله ثمره روح تغییر می‌دهد، تبیین میکند. و در زمانی تجهیز برای خدمت را وقتی روح‌القدس عطای روحانی مناسبی را به شخص می‌بخشد تا او خدمتی را که خدا محول کرده است انجام دهد توضیح میدهد.

<u>پ - ثـــمره روح‌القـــدس</u>

بخوانید: رومیان ۸: ۹ - ۱۶ ؛ غلاطیان ۵: ۱۳ - ۲۵.
کشف و گفتگو کنید: حضور طبیعت گناه‌آلود یا حضور روح‌القدس درشما، خود را چگونه نشان می‌دهند؟
ملاحظات:

۱- <u>تجلی طبیعت گناه‌آلود.</u>
سکونت طبیعت گناه‌آلود، خود را به صورت گناهان جسمی مثل فساد جنسی و افراط و به شکل گناهان روحانی مثل بت‌پرستی و مذاهب خرافی و همینطور گناهان اجتماعی مانند جاه‌طلبی و نزاع نشان می‌دهد.

۲- <u>تجلی روح‌القدس.</u>
سکونت روح‌القدس، خود را به صورت ثمره روح نشان می‌دهد. سکونت روح‌القدس، خود را به صورت کیفیت‌های روحانی مثل محبت، خوشی و صلح ابراز می‌کند یعنی در فضایلی که خود را در روابط اجتماعی آشکار می‌کنند مثل صبر، مهربانی و نیکویی و ایمان به خدا، تواضع نسبت به مردم و پرهیزگاری در وجود خودتان. وقتی که شما مسیحی هستید، متعلق به عیسی مسیح هستید و روح عیسی مسیح در شما ساکن است. پس این برای شما ضروری است که دیگر تحت سلطه طبیعت گناه‌آلود زندگی نکنید اما تحت کنترل سکونت روح‌القدس زیست کنید. روح‌القدس مخالف ظهور طبیعت گناه‌آلود است و به شما کمك خواهد کرد آن را مرده نگه دارید. روح‌القدس شروع می‌کند به ایجاد محبت، خوشی، سلامتی، حلم، مهربانی، نیکویی، ایمان، تواضع و پرهیزگاری در شما. روح‌القدس شما را به راهی هدایت می‌کند که خدا می‌خواهد، بروید. پس روح‌القدس قدرت حاکم بر زندگی شما می‌شود و بر آن تأثیر می‌گذارد و بیشتر و بیشتر تسلیم او می‌شوید و با او همکاری می‌کنید.

ملاحظه کنید: بررسی کتاب مقدس ثمره روح‌القدس را در درس بعدی ملاحظه کنید (دستورعمل شاگردسازی – کتاب ۴، درس ۴۶).

۵	**دعا (۸ دقیقه)** **دعای در پاسخ به کلام خدا**

به نوبت در تمام گروه یا درحالیکه به گروه‌های دو یا سه نفری تقسیم شده‌اید با دعاهای کوتاه، حقایقی را که امروز یاد گرفته‌اید به حضور خدا بیاورید.

۶	**تکلیف منزل (۲ دقیقه)** **برای درس بعدی**

(**سر گروه:** رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

۱ ـ تعهد ـ متعهد باشید به اینکه شاگردان بسازید.
درس " تعمید و پرشدن با روح‌القدس " را برای یکدیگر، برای شخصی دیگر یا برای گروهی از مردم موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید. داشتن زندگی پرشده از روح را در هر روزه زندگی خود، هدف قرار دهید. تأمل کنید که کدامیک از اعمال جسم است که باید در شما بمیرد یا چگونه میتوانید در محبت رشد کنید.
۲ ـ رازگاهان ـ هر روز نیمی از یك فصل را از ایوب فصلهای ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲ بخوانید. از روش "حقیقت محبوب" استفاده کنید و یادداشت بردارید.
۳ ـ بررسی کتاب مقدس ـ درس بعدی بررسی کتاب مقدس (غلاطیان ۵: ۱۳ ـ ۲۶- ثمره روح‌القدس درجهان) را در خانه آماده کنید. از روش ۵ قدم بررسی کتاب مقدس استفاده کنید و یادداشت بردارید.
۴ ـ دعا ـ در این هفته برای یك شخص یا موضوعی خاص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید. (مزمور ۵: ۳)
۵ ـ آموخته های جدید درمورد شاگردسازی را وارد دفتر(یا پوشه) خود کنید. از تمام یادداشت‌های خود در مورد پرستش، رازگاهان، یادداشتهای تعلیمی و این تکلیف منزل یك دفتر(یا پوشه) درست کنید.

درس ۴۶

۱	دعا

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره شاگردسازی را به حضور خداوند بیاورید.

۲	درمیان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه) ایوب

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (ایوب ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲)، با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان میگذارد، بحث نکنید.

۳	تعمق و حفظ کردن (۲۰ دقیقه) شاگردسازی - متی ۲۸: ۱۸ - ۲۰

الف- تعمق

بخوانید: متی ۲۸: ۱۶ - ۲۰

این آیه حفظی را روی یک صفحه یا تخته سیاه بنویسید:

شاگردسازی متی ۲۸: ۱۸ - ۲۰
تمامی قدرت در آسمان و برزمین به من داده شده است. پس رفته همه امتها را شاگرد سازید و ایشان را به اسم اب و ابن و روح‌القدس تعمید دهید. و ایشان را تعلیم دهید که همه اموری را که به شما حکم کرده‌ام حفظ کنند و اینك هر روزه تا انتقضای عالم همراه شما می‌باشم. متی ۲۸: ۱۸ - ۲۰

۱- ادعای بزرگ: (متی ۲۸: ۱۸)

عیسی مسیح ادعای بزرگی کرد. او ادعا کرد که خدای پدر تمام قدرت آسمان و زمین را به او داده است.

الف) انجام نبوت.
بعد از مرگ و قیام، تمام قدرت آسمان و زمین به عیسی داده شد و یکی از نبوتهای عهد عتیق به انجام رسید. دانیال در ۷: ۱۳ - ۱۴ نبوت می‌کند، " و در رویای شب نگریستم و اینك مثل پسر انسان با ابرهای آسمان آمد و نزد قدیم‌الایام رسید و او را به حضور وی آوردند. و سلطنت و جلال و ملکوت به او داده شد تا جمیع قومها و زبانها او را خدمت نمایند. سلطنت او سلطنت جاودانی و بی‌زوال است و ملکوت او زایل نخواهد شد". علاوه بر این یکی از نبوتهای انجام شده عهد جدید نیز بود. عیسی قبل از مرگ و قیامش نبوت کرد، " به شما می‌گویم بعضی از ایستادگان در اینجا می‌باشند که تا ملکوت خدا را که به قوت می‌آید نبینند ذائقه موت را نخواهند چشید" (متی ۱۶: ۲۸).

ب) قدرتی نامحدود.
او قبـــل از مـــرگ و قیامش نیز دارای قدرتی عظیم بود. خدای پدر همه چیز را به او سپرده است (متی ۱۱: ۲۷). او بیماران را شفا می‌داد دیوزده‌ها را آزاد می‌کرد و مفلوجین را نیز احیاء می‌کرد (متی ۴: ۲۴). او همه اینها را با وجود

محدود کردن خود انجام می‌داد چون او هنوز نمرده و قیام نکرده بود. او به جزامی و شخص نابینای شفا یافته گفت که کسی را از علاج خود اطلاع نـدهند (متی ۸: ۴ ؛ ۹: ۳۰). او از اینکه پادشاهی زمینی شود خودداری کرد (یوحنا ۶: ۱۴ - ۱۵). او می‌توانست برای رهایی خود دوازده فوج از ملائکه را فرا بخواند ولی خود را محدود ســاخت (متی ۲۶: ۵۳). او مردگان را قیام می‌داد اما به دشمنانش اجازه داد تا او را سیلی بزنند، شلاقش بزنند، آب دهان برروی صورتش اندازند، تاج خار بر سرش بگذارند، با چوب به سرش بزنند و بالاخره او را مصلوب کنند (متی ۲۶: ۶۷ ؛ ۲۷: ۱ - ۲، ۲۶ - ۳۱). قبل از مرگ و قیامش عیسی از قدرت بی‌حد خود استفاده نکرد. اما بعد از مرگ، قیام صعود و سلطنت گرفتن در آسمان او از اقتدار نامحدود خود بر آسمان و زمین شروع به استفاده می‌کند. او به معجزاتش از طریق شاگردانش ادامه داد و به آنها شجاعت و شهامت داد تا انجیل را در همه جا اعلان کنند. از طریق اعلان انجیل او مردم را از تسلط شیطان میرهاند و به ملکوت خود می‌آورد (کولسیان ۱: ۱۳). هیچ چیز و هیچکس نمی‌تواند او را متوقف سازد تا اینکه بالاخره هر زانویی در مقابل او خم گردد و هر زبانی اعتراف کند که او واقعاً خداوند است (فیلیپیان ۲: ۹ - ۱۱).

پ) <u>اقتدار به عنوان یك پاداش.</u>
عیسی این قدرت نامحدود را به عنوان پاداشی از کار کامل نجاتبخش خود دریافت کرد (افسسیان ۱: ۱۹ - ۲۳ ؛ فیلیپیان ۲: ۹ - ۱۱ ؛ مکاشفه ۵: ۵). از زمان نخستین آمدن عیسی به بعد او بر دنیا غالب آمده و دنیا همچنان نسبت به او در وضعیت مغلوب باقی مانده است (یوحنا ۱۶: ۳۳). رسولان و آنانی که او را پیروی می‌کنند، بایستی طالب این باشند که هرکس با هر شرایط زندگی اعتراف کند که عیسی مسیح " رب الارباب و پادشاه پادشاهان " است (مکاشفه ۱۷: ۱۴، ۱۹: ۱۶).

۲- <u>مأموریت بزرگ:</u> (متی ۲۸: ۱۹)

قدرت عظیم عیسی مأموریت بزرگ را امکان‌پذیر می‌سازد. " پس رفته همه امتها را شاگرد سازید و ایشان را به اسم اب و ابن و روح‌القدس دهید و ایشان را تعلیم دهید که همه اموری را که به شما حکم کرده‌ام حفظ کنند ".

الف) <u>قدم نخست را بردارید.</u>
شاگردان عیسی نباید منتظر بمانند تا مردم دنیا به سوی آنان بیایند بلکه بایستی آنها قدم نخست را برداشته و به سوی مردم دنیا بروند. آنها بایستی به نزد همسایگان و مردم شهرهای دیگر، کشورهای دیگر و با فرهنگهای متفاوت بروند. از آغاز کتاب مقدس خدا قصد داشت که قوم او شامل مردمانی از همه اقوام جهان باشد (پیدایش ۱۲: ۳). از همان آغاز، خدا نه فقط جهان را که خود خلق کرده بود دوست داشته بلکه انسانهای گمشده در دنیا را نیز. انسانهای گمشده در دنیا شامل انسانهایی هستند که با خدا بیگانه هستند، در زیر بار گناه خم شده و زیر داوری عدالت خدا بوده و نیازمند نجات خدا می‌باشند. خدا مردم را صرفنظر از نژاد، ملیت، زبان یا فرهنگ دوست دارد (یوحنا ۳: ۱۶). حالا که عیسی مسیح شرط لازم عدالت خدا برای نجات را بجا آورده بود خدا در نظر داشت که پیغام انجیل عیسی مسیح از اورشلیم خارج شده و به طرف تمام نقاط روی زمین برود (اعمال ۱: ۸).

ب) <u>همه امتها را شاگرد سازید.</u>
این فعل اصلی فرمان بزرگ است. افعال دیگر " رفته "، " تعمید دهید " و " تعلیم دهید که ... حفظ کنند " وصفی و وابسته به فعل اصلی هستند. پس آنها نیز دارای قدرت دستوری می‌باشند. حکم شاگردسازی پیوسته قابل کاربرد است. یك شاگرد به صورت مسیحی بدنیا نمی‌آید بلکه او یکی از پیروان مسیح می‌شود. یك شاگرد توسط خدا ساخته می‌شود زمانیکه خدا او را دوباره متولد می‌سازد و توسط ایمانداران ساخته می‌شود زمانیکه آنها انجیل را موعظه کنند. یك شاگرد پیرو عیسی مسیح است که در حین پیروی از او، از عیسی می‌آموزد. یك شاگرد دارای ویژگی‌های خاصی است که عیسی به وضوح در کتاب مقدس تعلیم داده است (کتاب دستورعمل شاگردسازی کتاب دوم، درس ۲۳ را ملاحظه کنید). فرمان این است که درمیان همه قومها تا آنجا که امکان دارد شاگردان عیسی مسیح بسازید. آنها شاگردسازی را توسط موعظه انجیل، با تعمید در آب و با تعلیم دادن آنها به اطاعت کردن از عیسی مسیح، انجام می‌دهند.

پ) <u>تعمید دادن آنها در نام پدر و پسر و روح‌القدس.</u>
زمانیکه مردم به عیسی مسیح ایمان می‌آورند یعنی او را در قلبها و زندگیشان می‌پذیرند توسط روح‌القدس در بدن واحد عیسی مسیح تعمید می‌گیرند. این بدان معنی است که آنها اعضای یگانه کلیسای مسیحی جهانی می‌شوند (اول قرنتیان ۱۲: ۱۲ - ۱۳). سمبل تعمید آنها با روح‌القدس یا تولد تازه آنها بوسیله روح‌القدس و عادل شمردگی آنها با ایمان، تعمید آنها با یا در آب است (تیطس ۳: ۵ - ۷).
تعمید مسیحی نشانه و مهر متحد شدن با خدای تثلیث است که خود را به صورت خدایی واحد با سه شخصیت متمایز درونی و در اتحاد ذات الهی آشکار ساخته است. تعمید مسیحی همچنین نشانه و مهر مشارکت در کاری است که خدا در جهان انجام می‌دهد، یعنی شاگردسازی مردم تمامی قومها در سرتاسر جهان.

ت) <u>ایشان را تعلیم دهید که همه اموری را که عیسی حکم کرده است حفظ کنند.</u>
بعد از اینکه يك ایماندار تعمید یافت، او با یادگیری تعالیم عیسی مسیح و با اطاعت از تعالیم عیسی مسیح مدام به رشد خود ادامه می‌دهد. واضح است که تنها تعلیم گرفتن فقط به منظور شناخت بیشتر و بیشتر عیسی مسیح کافی نیست. ایمانداران بایستی دانش خود را در عمل به اجراء گذارند (متی ۷: ۲۴ - ۲۷).

۳- <u>حقیقت بزرگ:</u> (متی ۲۸: ۲۰)

وعده بزرگ، مأموریت بزرگ را به واقعیت مبدل می‌کند. این تنها يك وعده نیست این يك واقعیت است. واقعیت این است که عیسی مسیح هر روزه و همه روزه و تا انقضای این جهان با شاگردان خود است. وقتی عیسی گفت " به خاطر داشته باشید "، منظورش این بود " دقیق توجه کنید ". مأموریت بزرگ خدمتی ساده نیست. بدون این حقیقت که عیسی مسیح حضور دارد، این مأموریت بزرگ غیرممکن خواهد بود. حالا این مأموریت نه تنها امکان‌پذیر است بلکه برای هر ایماندار که از آن اطاعت می‌کند حقیقتی واقعی است.

ب - <u>حفظ کردن و مرور</u>

۱- بنویسید: آیه کتاب مقدس را روی يك کارت سفید و یا يك صفحه از دفترچه یادداشت خود بنویسید.
۲- حفظ کنید: آیه کتاب مقدس را به روش صحیح حفظ کنید. شاگردسازی - متی ۲۸: ۱۸ - ۲۰
۳- مرور کنید: به گروههای دو نفره تقسیم شوید و آخرین آیه حفظی از کتاب مقدس را از یکدیگر بپرسید.

۴	**بررسی کتاب مقدس (۷۰ دقیقه)** **ثمره روح‌القدس در جهان**

با استفاده از روش ۵ قدم بررسی کتاب مقدس، غلاطیان ۵: ۱۳- ۲۶ را با یکدیگر بررسی کنید.

<u>قدم ۱: بخوانید</u>
بخوانید: غلاطیان ۵: ۱۳- ۲۶ را با هم بخوانیم.
هر یک به نوبت يك آیه بخواند تا تمام قسمت خوانده شود.

<u>قدم ۲: کشف کنید</u>
توجه کنید: چه حقیقتی در این قسمت برای شما مهم است؟ یا کدام حقیقت در این قسمت ذهن یا قلب شما را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟
بنویسید: يك یا دو حقیقتی را که درك می‌کنید، کشف نمایید، در مورد آنها فکر کنید و افکارتان را در دفتر یادداشت خود بنویسید.
در میان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی به اعضای گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد، به نوبت برکاتشان را با هم در میان بگذارند). به نوبت برکات خود را از نکاتی که کشف کردیم با یکدیگردر میان بگذاریم.
(موارد زیر، مثال دو شخصی است که برکاتشان را با یکدیگر در میان می‌گذارند. به خاطر داشته باشید. در هر گروه کوچك اعضای آن گروه نکات مختلفی را با هم در میان می‌گذارند که نباید لزوماً یکسان باشند.)

<u>کشف ۱)</u> از نظر من يك حقیقت مهم مظاهر طبیعت گناه‌آلود است. سکونت طبیعت گناه‌آلود، خود را با گناهان جسمی مثل فساد جنسی و افراط، با گناهان روحانی مانند بت‌پرستی و جادوگری و با گناهان اجتماعی مانند جاه طلبی و نزاع ابراز می‌کند.

<u>کشف ۲)</u> از نظر من يك حقیقت مهم <u>مظاهر سکونت روح‌القدس</u> است. سکونت روح‌القدس خود را به صورت ثمره روح ابراز می‌کند. شما يك مسیحی هستید پس متعلق به عیسی مسیح و روح خدا یا مسیح می‌باشید یعنی همان روح‌القدس که در جسم شما زندگی می‌کند. در صورتی که شما مسیحی هستید پس مسیح در شما است. پس شما دارای مسئولیتی هستید: شما بایستی تحت تسلط و کنترل روح‌القدس زندگی کنید یعنی به روح‌القدس اجازه بدهید شما را هدایت کند و شما بایستی ثمره روح را به بار آورید. روح‌القدس بایستی حقیقت با نفوذ و مسلط زندگی شما باشد و شما بایستی آزادانه، داوطلبانه و با سپاس به او پاسخ دهید و با او همکاری کنید. فقط توسط ثمره، که کار روح‌القدس در شما است می‌توانید بر مظاهر طبیعت گناه‌آلود وجود خودتان غلبه پیدا کنید. کار روح‌القدس خود را به صورت کیفیتهای روحانی بنیادی مانند محبت، خوشی و سلامتی و در فضائلی که مربوط به روابط اجتماعی است مانند حلم، مهربانی و نیکویی و در ایمان به خدا، تواضع نسبت به مردم و پرهیزگاری در وجود خودتان نشان می دهد.

قدم ۳: سؤال کنید
توجه کنید: در این متن چه سؤالاتی در زمینه‌های مختلف وجود دارند که مایلید در گروه آنها را بپرسید؟
سعی کنیم تمام حقایق مربوط به غلاطیان ۵: ۱۳ - ۲۶ را درك کنیم و در مورد آنچه نمی‌فهمیم، سؤال‌های خود را مطرح کنیم.
بنویسید: تا آنجایی که امکان دارد سؤال‌های خود را واضح و صریح مطرح کنید و سپس آنها را در دفتر یادداشت خود بنویسید.
در میان بگذارید: (بعد از این که مدتی به اعضای گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد اجازه دهید که هر کدام از افراد سؤال خود را برای دیگران مطرح سازد).
گفتگو کنید: (سپس چند سؤال را از بین همه سؤالها انتخاب کنید و سعی کنید با گفتگو کردن در مورد آنها در گروه، جوابی برایشان پیدا کنید. درادامه نمونه‌هایی از سؤالهایی که شاگردان ممکن است بپرسند و همچنین ملاحظاتی در رابطه با آن مباحث آمده است.)

سؤال ۱) (غلاطیان ۵: ۱۳ - ۱۵) آزادی واقعی چه ماهیتی دارد؟

الف) آزادی واقعی هرگز به این معنی نیست که آزاد هستید هر چه دوست دارید انجام بدهید.
بـسیاری از مردم دنیا اعتقاد دارند که آزادی یعنی شما مختارید که هر کار دوست دارید انجام دهید، آزادی در بیان آنچه دوست دارید بگویید و آزادی در اینکه هر چه دوست دارید باشید. آزادی یعنی داشتن اجازه پیروی از سیرت طبیعی بخصوص خواهش‌های طبیعت گناه‌آلود.

ب) آزادی واقعی به این معنی است که آزاد شده اید که آنچه درست است را انجام بدهید.
برطبق کتاب مقدس آزادی واقعی هرگز این نیست که شما آزادید از ذات طبیعی یا خواهش گناه‌آلود طبیعت کهنه خود پیروی کنید. در آزادی واقعی شما نه آنچه را **دوست دارید** بلکه آنچه را **شایسته است** انجام می‌دهید. آزادی واقعی در کتاب مقدس، رفتار و زندگی کردن به شیوه‌ای است که عیسی مسیح تعلیم می‌دهد. آزادی واقعی در کتاب مقدس این است که وابسته به عیسی مسیح بوده و بنابراین قادر باشید در محدوده خواست و اراده او عمل نمایید. در یوحنا ۸: ۳۲ - ۳۶ عیسی می‌گوید، " اگر شما در کلام من بمانید فی‌الحقیقه شاگرد من خواهید شد. و حق را خواهید شناخت و حق شما را آزاد خواهد کرد ... هر که گناه می‌کند غلام گناه است ... پس اگر پسر شما را آزاد کند در حقیقت آزاد خواهید بود ". خدا مردم را با این امکان که بتوانند کاملاً مستقل و آزاد از هر کس و هر چیز باشند نیافریده است. هر شخص به چیزی یا شخص دیگر وابسته است. همه آنانی که می‌خواهند از عیسی مسیح آزاد باشند اسیر قدرت گناه و غلام گناه می‌شوند. آنها معتقدند که آزادند تا آنچه دوست دارند بکنند و در نتیجه تسلیم طبیعت گناه‌آلود خود هستند. در مقابل همه کسانی که وابسته به عیسی مسیح هستند در واقع حقیقتاً از قدرت گناه آزاد می‌باشند. آنها فقط غلامان عیسی مسیح نیستند بلکه خیلی بیشتر از این، آنها متعلق به خانواده خدا هستند و " فرزندان خدا " یا " پسران و دختران خدا " نامیده می‌شوند و این به یک مفهوم پاک روحانی است.

پ) آزادی واقعی یعنی خدمت کردن یکدیگر در محبت.
مهمترین فرمان کتاب مقدس این است، " خداوند خدای خود را به تمامی دل و تمامی جان و تمامی خاطر و تمامی قوت خود محبت نما که اول از احکام این است. و دومین فرمان مهم کتاب مقدس این است: همسایه خود را چون نفس خود محبت نما. بزرگـتر از این دو حکمی نیست " (مرقس ۱۲: ۲۹ - ۳۱). بدین دو حکم تمام تورات و صحف انبیاء متعلق است (متی ۲۲: ۳۷ - ۴۰). اگر آزادی واقعی انجام دادن آن است که باید انجام بدهید پس آزادی واقعی محبت کردن خدا، محبت کردن سایر مردم و محبت کردن خودتان است. و چون ماهیت محبت مسیحی طالب بودن نفع خود نیست (اول قرنتیان ۱۳: ۵) پس ماهیت محبت مسیحی، خدمت کردن دیگران است.

سؤال ۲) (غلاطیان ۵: ۱۶) دو مسئولیت اصلی یك مسیحی تولد تازه یافته چیست؟
الف) هر مسیحی مسئولیت دارد که در وابستگی به خداوندی روح‌القدس یعنی خداوندی عیسی مسیح رفتار کند.
ب) هر مسیحی این مسئولیت را دارد که خواهش‌های گناه‌آلود خود را پیروی نکند بلکه آنها را به مرگ بسپارد (رومیان ۸: ۱۳).

سؤال ۳) (غلاطیان ۵: ۱۷). چرا مسیحیان در درون خود منازعه بزرگی را تجربه می‌کنند؟

ملاحظات:
الف) تفاوت میان شخص بی‌بند و بار، شریعت‌گرا و ایماندار.
شخص بی‌بند و بارکاملاً از ذات طبیعی خود پیروی می‌کند و زمانی که مرتکب گناه می‌شود در وجدان خود هیچ تناقضی حس نمی‌کند. او نمی‌خواهد که بر گناه پیروزی یابد. شریعت‌گرا مشتاق نیست که فیض خدا را بیابد بلکه برای اینکه

دوباره گناه نکند مدام در حال تقلاء و تلاش برای نگه داشتن شریعت است. اما او هم بر گناه پیروز نخواهد شد و مفهوم پیروزی نهایی و قطعی را تجربه نخواهد کرد. ایماندار نیز در درون خود منازعه عذاب‌آوری را تجربه می‌کند اما با این وجود این برای او مفهوم عمیقی نیز دارد یعنی خدا قبلاً برای او آشکار کرده که بخشیده شده و در نهایت کاملاً بر گناه پیروز خواهد بود.

ب) <u>منازعه روحانی فقط در مسیحیان.</u>
تا وقتی که روح‌القدس فرامین اخلاقی و روحانی را برای شخصی با مفهوم نکرده باشد او از گناهانی که انجام می‌دهد کلافه نخواهد شد. دروغ خواهد گفت دزدی و قتل خواهد کرد بدون اینکه احساس گناه کند. یا خودرأی، مغرور، معتقد به عدالت خود و مستقل از خدا خواهد بود بدون اینکه احساس شرمساری کند. اما وقتی تولد تازه می‌یابد یعنی از بالا مولود می‌شود روح‌القدس می‌آید و در قلب فکر و بدن او زندگی می‌کند. و اگر بعد از این دروغ بگوید و متقلب باشد احساس گناه خواهد کرد. اگر بعد از این خودخواه باشد و مستقل از خدا عمل کند احساس شرمساری خواهد کرد. پس منازعه درونی بین طبیعت گناه‌آلود و روح‌القدس از این پس يك تضاد واقعی خواهد بود. اگر يك مسیحی این منازعه را در درون خود بین خواهشهای گناه‌آلود و از طرف دیگر با روح‌القدس تجربه کند می‌تواند مطمئن باشد که او واقعاً تولد تازه دارد و خدا در وجود او کار می‌کند.

پ) <u>ماهیت این منازعه روحانی درونی.</u>
منازعه روحانی شامل این آگاهی می‌شود که شما بعضی مواقع کاری را که می‌خواهید انجام بدهید، انجام نمی‌دهید و بعضی اوقات کارهای اشتباهی را که نمی‌خواهید انجام می‌دهید (رومیان ۷: ۱۹). به قوانین اخلاقی و روحانی خدا (راستی خدا) رغبت دارید اما در عین حال از شرارتی که هنوز در وجودتان هست نفرت دارید (رومیان ۷: ۱۵، ۲۰).
طبیعت گناه‌آلود کهنه، شما را زندانی خود می‌کند یعنی باعث می‌شود شما احساس کنید يك زندانی هستید و نمی‌توانید از قدرت گناه که در وجود شما کار می‌کند فرار کنید (رومیان ۷: ۲۳). حقیقت این است که تجربه کردن این منازعه درونی مدرکی است دال بر اینکه روح‌القدس درشما کار می‌کند. منازعه درونی ناخوشایند است اما دانستن اینکه روح‌القدس در شما کار می‌کند بسیار آرامش‌بخش است.

سؤال ۴) (غلاطیان ۵: ۱۸) <u>منظور چیست که يك مسیحی دیگر زیر شریعت نیست، زمانیکه توسط روح هدایت میشود؟</u>
ملاحظات:

الف) <u>شریعت</u>
شریعت فریضه نیک خدا مبنی بر این است که همه انسانها باید کامل زندگی کنند و الزام عادلانه اوست مبنی بر اینکه هر عصیانی بر علیه قوانین او بایستی مجازات شود. چون خدا صددرصد قدوس و نیک است، او مقرر کرده و الزامی دانسته که همه انسانها تمام قوانین او را بطور صددرصد اطاعت کنند و او بایستی بطور صددرصد هر عصیانی بر علیه قانونش را مجازات کند. اگر خدا اطاعت کامل از قوانینش را مقرر نمیکرد و اگر او هر عصیانی بر علیه قانونش را مجازات نمی کرد، او دیگر خدایی قدوس و نیک نبود. کتاب مقدس میگوید: " ملعون است هر که ثابت نماند در تمام نوشته های کتاب شریعت تا آنها را بجا آرد." (غلاطیان ۳: ۱۰). خدا چیزی کمتر از صددرصد کاملیت را نمی پذیرد. کتاب مقدس میگوید: " زیرا هر که تمام شریعت را نگاه دارد و در یک جزو بلغزد، ملزم همه میباشد." (یعقوب ۲: ۱۰). او مقصر است. زیرا نه تنها بر علیه یک شریعت مشخص عصیان کرده بلکه بر علیه وضع کننده شریعت یعنی خود خدا عصیان کرده است.
شریعت، همچنین تعداد زیادی قوانین مذهبی دیگر مذاهب و تفسیرات این قوانین توسط معلمین مذهبی را شامل میباشد.

ب) <u>همه افراد مذهبی قانوناً هنوز زیر شریعت هستند.</u>
مردم در بسیاری مذاهب اعتقاد دارند که خدا میزان یا ترازویی در آسمان دارد که در روز داوری کارهای خوب آنان را در مقابل کارهای بد آنها وزن خواهد کرد. اینگونه افراد مذهبی ایمان دارند که اگر اعمال خوب بیشتری نسبت به اعمال بد داشته باشند، خدا ممکن است که آنها ببخشد (عادل بشمارد و نجات دهد) و به ایشان در بهشت جایی بدهد. ایشان چندین با در روز دعا میکنند، روزه های معینی را رعایت میکنند. به موعظه و سخنان رهبران مذهبی شان گوش میکنند، سفرهای زیارتی به اماکن مقدسی مانند اورشلیم انجام میدهند، پول هدیه می دهند و دیگر اعمال خوب انجام میدهند، زیرا بطور جدی امیدوارند که اعمال مذهبی آنها و دیگر اعمال خوبشان، سهل انگاری و غفلت آنان در اعمال مذهبی و انجام اعمال شریرانه ایشان را جبران میکنند، زمانیکه در روز داوری نهایی سنجیده شوند.
اما کتاب مقدس میگوید که چنین تلاشهایی کاملاً بیهوده هستند. حتی یک انسان هم نیست که توسط رعایت شریعت، عادل و نیک شمرده شود (غلاطیان ۲: ۱۶)، زیرا هیچکس نیست که شریعت را نگاه دارد و هیچ شخصی هم نمیتواند شریعت را نگاه دارد. همه انسانها نسبت به معیار کامل خدا کوتاهی و قصور کرده اند (رومیان ۳: ۱۰- ۱۲، ۲۳). همه

انسانهایی که فکر میکنند و تعلیم می دهند که انسان میتواند توسط نگاه داشتن قوانین مذهبی عادل شمرده شود (بخشیده شود، نجات داده شود)، زیر لعنت خدا باقی میمانند (غلاطیان ۳: ۱۰- ۱۳).

پ) <u>مسیحیان قانوناً دیگر زیر شریعت نیستند.</u>

۱) محبت خدا فرایض عدالت خدا را برآورده می کند. از آنجا که خدا نه تنها قدوس و عادل است، بلکه وی محبت نیز میباشد، او خودش عادل شمرده شدن گناهکاران را توسط خشنود ساختن کامل مقتضیات عدالت خود، امکان پذیر و میسر ساخت. خدا خودش در عیسی مسیح طبیعت انسانی دربر گرفت، در میان ما زندگی کرد، بارهای گناه هرکه به او ایمان بیاورد را بر دوش خود گرفت و بنابراین بزرگترین مشکل بشری را حل کرد. از یک طرف عیسی مسیح تمام فرایض شریعت خدا را در جای ایمانداران توسط داشتن یک زندگی صددرصد نیک کامل و مقدس روی زمین به انجام رساند. فقط عیسی مسیح بطورکامل بی گناه بود (عبرانیان ۴: ۱۵). در طرف دیگر او الزام شریعت خدا جهت مجازات همه گناهان را توسط مرگش به جای همه ایمانداران برآورده ساخت و بنابراین قربانی کفاره ای صددرصد کاملی جهت گناهان آنان شد (دوم قرنتیان ۵: ۲۱).

۲) خدا در مسیح، ایمانداران به عیسی مسیح را از آنچه آنها هرگز نمیتوانند خودشان را رهایی دهند، نجات میبخشد. همه انسانهایی که به عیسی مسیح ایمان می آورند، درک می کنند که دیگر هرگز نمیتوانند توسط اطاعت از شریعت خدا از دیدگاه خدا عادل شمرده شوند (بخشیده شوند، نجات داده شوند). آنها میفهمند که نیاز به یک منجی دارند، کسی که از تمام قوانین خدا بجای آنها اطاعت کرد و بجای آنان مجازات تمام عصیانهای ایشان را برعلیه قوانین خدا پرداخت کرد. عیسی مسیح تمام الزامات و فرایض قوانین خدا را به جای ایمانداران به مسیح به انجام رسانید (متی ۵: ۱۷). عیسی مسیح، ایمانداران به مسیح را از لعنت شریعت توسط مرگش روی صلیب رهایی داد (غلاطیان ۲: ۱۳). عیسی مسیح، ایمانداران را از سلطه قدرت گناه که مردم را برده گناه میسازد، آزاد ساخت (رومیان ۶: ۶). عیسی مسیح، ایمانداران در مسیح را از یک زندگی که پیوسته مغلوب گناه است، نجات بخشید (اول قرنتیان ۱۰: ۱۳).

۳) ایمانداران به عیسی مسیح دیگر سعی نمیکنند که توسط نگاه داشتن شریعت عادل و نیک شمرده شوند. ایمانداران به مسیح باور دارند به اینکه عیسی مسیح به جای آنها در کاملیت زندگی کرد و اینکه عیسی مسیح به عنوان مجازات به جای آنها مرد و اینکه عیسی مسیح قیام کرد و تا به ابد زندگی میکند، به عنوان تضمین کننده این است که آنها نیز قیام خواهند کرد و تا به ابد زندگی میکنند. قبل از اینکه مردم مسیحی شوند، هنوز قانوناً زیر شریعت هستند، اما پس از اینکه مسیحی شده اند دیگر بطور قانونی زیر شریعت نیستند. این بدین معنی است که مسیحیان دیگر نبایستی تلاش کنند توسط اطاعت از قوانین خدا عادل شمرده شوند (بخشیده شوند، نجات بیابند)، زیرا عیسی مسیح به جای آنان این کار را انجام داده است و شریعت دیگر سرور یا قدرت مسلط بر زندگی مسیحیان نیست، زیرا اکنون روح القدس، خداوند یا حاکم مسلطی است که <u>در</u> آنها زندگی میکند (غلاطیان ۵: ۱۸).

ت) <u>مسیحیان هنوز هم از شریعت اطاعت میکنند.</u>

این حقیقت که مسیحیان با اطاعت از شریعت عادل شمرده نمیشوند (بخشیده نمیشوند، نجات نمی یابند)، به این معنی نیست که مسیحیان دیگر توجهی به آنچه قوانین خدا می گویند، ندارند. مسیحیانی که تولد تازه دارند، هنوز هم از قوانین اخلاق و روحانی خدا (ده فرمان) اطاعت میکنند (مرقس ۱۲: ۲۹- ۳۱ ؛ رومیان ۱۳: ۸ - ۱۰ ؛ غلاطیان ۵: ۱۴). تفاوت در این است که شریعت دیگر <u>وسیله‌ای</u> برای عادل شمرده شدن (بخشیده شدن، نجات یافتن) نیست، بلکه <u>هدایتی</u> (راهنما، نقشه، نور) برای داشتن یک زندگی عادل و نیک شده (بخشیده، نجات یافته، جدید) به عنوان یک مسیحی است.

سؤال ۵) (غلاطیان ۵: ۱۹ - ۲۱) <u>مظاهر آشکاری که نشانگر این هستند که هنوز طبیعت گناه‌آلود شما را کنترل میکند، چیست؟</u>

ملاحظات:

موارد زیر مظاهر طبیعت گناه‌آلود بدون وجود سلطه روح‌القدس در شخص هستند.

الف) <u>گناهان در ارتباط با مسائل جنسی.</u>

۱) فسق یا فساد جنسی. این کلمه شامل تمام افکار، حرفها و اعمال مرتبط با مسائل جنسی است که قبل از ازدواج و خارج از روابط قانونی ازدواج انجام می‌شود. به خصوص به روابط جنسی غیرقانونی مثل زنا مربوط می‌شود (اول قرنتیان ۵: ۱ ؛ ۶: ۱۳، ۱۸ ؛ ۷: ۲). در مذاهب بت‌پرست فسق ارتباط نزدیکی با فساد روحانی دارد مانند بت‌پرستی (کولسیان ۳: ۵).

۲) ناپاکی. این کلمه به معنی تمام افکار، کلمات و اعمالی است که مربوط به گناهان جنسی غیرطبیعی می‌شود مـــانند پورنوگرافی، تخیلات جنسی، جوك‌های کثیف، عشوه‌گری و نوازشهای عاشقانه (اول تسالونیکیان ۴: ۷).

۳) فجور. این کلمه به معنی شهوانی، شنیع و هرزگی است. شامل رفتار بی‌شرمانه و هر نوع افراط جنسی و گناهان جنسی است مثل فحشاء، همجنس‌گرایی، زنا، لواط و وحشی‌گرایی جنسی (لاویان ۱۸: ۶، ۲۰، ۲۲، ۲۳ ؛ ۲۰: ۱۰، ۱۳، ۱۵، ۱۷ ؛ افسسیان ۴: ۱۹ ؛ دوم پطرس ۲: ۷).

ب) <u>گناهان در ارتباط با خدایان دروغین.</u>

۱) بت پرستی. این کلمه به معنی پرستش تصاویر و مراسم شیطانی مرتبط با بت‌پرستی است مثل خوردن گوشت قربانی بت‌ها، فحشاءگری درمعابد و رقص‌های مذهبی بی‌شرمانه و برهنه. همچنین یقیناً شامل این نیز می‌شود که هر چیز یا هرکس را جانشین پرستش تنها و تنها خدای حقیقی ساخت که خود را در کتاب مقدس آشکار کرده است. پرستش " خدایانی " که توسط فلسفه‌ها یا هر مذهب دیگری اختراع می‌شوند در حقیقت بت‌پرستی است. انکار خدا در حقیقت جلال دادن " خود " به عنوان خدا است.

۲) جادوگری. این کلمه به معنی اعمال جادویی یا سحرآمیز است که از طریق آن قدرتهای مرموز به اشیایی خاص نسبت داده می‌شود که به بدن وصل می‌شود یا درمکانهای خاص نصب می‌شوند، متن دعا یا قسمتهایی از کتابهای مذهبی که روی دیوار نصب می‌شود و وردخوانی که در جلسات خاصی تکرار و حفظ می‌شوند (خروج ۷: ۱۱). شامل ستاره‌بینی و طالع‌بینی و فال بینی است (اشعیاء ۴۷: ۹ - ۱۳). جادوگران ادعا می‌کنند دارای قدرت مافوق انسانی هستند (اعمال ۸: ۹ ؛ ۱۳: ۸ ؛ ۱۹: ۱۳، ۱۹ ؛ مکاشفه ۹: ۲۱ ؛ ۲۱: ۸). زمانیکه ایمان به جادوگری و قدرتهای شگفت‌انگیز و خارق‌العاده جانشین ایمان به خدا می‌شود، شکلی از بت‌پرستی نام دارد.

پ) <u>گناهان مربوط به خشونت.</u>

۱) دشمنی. در واقع این کلمه به معنی عداوت یا خصومت است (افسسیان ۲: ۱۶).

۲) نزاع. این کلمه به معنی مشاجره یا دعوا است (اول تیموتائوس ۶: ۴ ؛ تیطس ۳: ۹).

۳) غیرت یا رشک. این کلمه به معنی " احساس مالکیت شدید " است. این کلمه معمولاً با نزاع و مشاجره ارتباط دارد به این معنی که یك نفر به شخصی خاص یا موضوعی احساس وابستگی و تعلق شدید می‌کند و وقتی شخص دیگر به نام او یا آن موضوع اشاره می‌کند با دعوا و مشاجره به آن خاتمه می‌دهد. شخص غیور آرزو می‌کند به قهرمان خود نزدیك شود و حتی او را فقط برای خودش تصاحب کند.

۴) خشم. این کلمه به معنی " انفجار خشم " یا " آتش مشتعل خشم " است وقتی اتفاق می‌افتد که شخص نتواند به آرزویش برسد و یا جلوی رسیدن او به خواسته اش را بگیرند.

۵) جاه‌طلبی یا تعصب. این کلمه به معنی " تعقیب خودخوداهی‌های خود برای بدست آوردن یك مقام سیاسی از طریق نامناسب " است. متاسفانه بسیاری از اعضاء کلیسا هم در تعقیب خودخواهی‌های خود برای بدست آوردن یك مقام یا موقعیت هستند (فیلیپیان ۱: ۱۷ ؛ ۲: ۳). و متاسفانه بعضی از انسانها در بعضی مواقع ابزار نامناسبی را برای تعقیب خودخواهی خود به کار می‌گیرند مثلاً برای بدست آوردن رأی در خفا و یا در ملاء عام وعده‌های خاصی به مردم می دهند که نمی‌توانند انجام دهند.

۶) شقاق. این لغت به معنی " باعث تفرقه شدن یا باعث شقاق شدن " معنی می‌دهد. این کلمه مـــربوط به کسانی است که مخالف کتاب مقدس تعلیم می‌دهند (رومیان ۱۶: ۱۷).

۷) بدعتها. این کلمه به معنی با احزاب " گروه‌ها "یا فرقه‌ها است (اول قرنتیان ۱۱: ۱۸ - ۱۹). بعدها به آنانی مربوط شد که عقاید دینی عجیب تعلیم می‌دادند و یا مربوط به ارتداد است.

۸) حسد. درحالیکه غیرت یا رشک، ترس از دست دادن آن چیزی است که یکنفر در مالکیت دارد، حسد به معنی ناراحتی و نارضایتی از دیدن چیزی است که شخص دیگر در اختیار دارد. حسادت بود که باعث قتل هابیل، به چاه افتادن یوسف، یاغیگری قورح و همدستانش برعلیه رهبران روحانی، تعقیب داود توسط شائول، خشونت برادر بزرگتر علیه پدرش در مثل پسر گمشده و مصلوب شدن عیسی شد. محبت مسیحی واقعی هرگز حسد نمی‌ورزد (اول قرنتیان ۱۳: ۴).

ت) <u>گناهانی در ارتباط با نوشیدن شراب.</u>

۱) مستی. این کلمه در یونانی به معنی " مستی " یا " مست شراب شدن " است. کتاب مقدس اعتیاد به الکل را گناه می‌داند و نه فقط یك بیماری. هرگاه مسئولیت شخصی پاسـخگویی نسبت به گناهانی مثل الکلیسم و مستی کاهش می‌یابد یا مورد غفلت قرار می‌گیرد، آن تمدن فرسوده و نابود می‌شود.

۲) لهـب و لهو. این کلمه به معنی " افراط در عیاشی "، " خوش‌گذرانی " یا " میگساری " است. این کلمه در ریشه لغوی، جشنی دسته‌جمعی با حمل مشعل‌هایی در خیابان است که همراه با ترانه‌های شاد و شامی مفصل به افتخار رب‌النوع شراب به نام باکوس یا دیونیسیوس به راه انداخته می‌شد. عیاشان شرکت کننده در مهمانی مقدار زیادی گوشت و شراب می‌نوشیدند و صداهای زیادی ایجاد می‌کردند. بسیاری از مسیحیان جدید نیز قبل از اینکه ایماندار بشوند دراین نوع جشنها و فستیوالهای بت‌پرستان شرکت کرده‌اند.

ث) <u>هشداری جدی.</u>

پولس رسول هشدار می‌دهد که چنین اشخاصی ملکوت خدا را وارث نخواهد شد. حرف مخالفین او یعنی " بدی بکنیم تا نیکویی حاصل شود " قطعاً دروغ است. درحالیکه هیچکس با انجام کارهای نیك نمی‌تواند وارد ملکوت خدا بشود هیچکس هم نمی‌تواند با انجام کارهای شریرانه وارد ملکوت خدا بشود. شخصی که تازه مسیحی شده بایستی با تمام این اعمال

خداحافظی کند. در غیر اینصورت او نمی‌تواند ثابت کند که در نور سلوك می‌نماید (اول قرنتیان ۶: ۱۱ ؛ افسسیان ۵: ۷ - ۱۲).

سؤال ۶) (غلاطیان ۵: ۲۲ - ۲۳). مظاهرآشکار این واقعیت که روح‌القدس شما را کنترل می‌کند چیست؟
موارد زیر، مظاهر آشکار زندگی شخص تولد دوباره یافته تحت اختیار روح القدس است.

الف) ویژگی‌های روحانی.
۱) محبت. مهمترین فضیلت يك مسیحی است. محبتی نیست که بین يك زن و مرد ایجاد می‌شود. محبتی نیست که بین والدین و فرزندان وجود دارد. دوستی نیست که بین دوستان برقرار می‌شود بلکه محبتی است که خدا در مسیح به طور خاص نسبت به يك ایماندار دارد (رومیان ۸: ۳۹) و ایمانداران نیز در مسیح نسبت به خدا و نسبت به یکدیگر دارند. ویژگی از خود گذشتگی این محبت در اول قرنتیان ۱۳: ۱ - ۸ شرح داده شده است.
۲) خوشی. این لغت به معنی شادی و سرور است. ایمانداران با سلوك در فرامین خدا شادی خود را پیدا می‌کنند (مزمور ۱۱۹: ۳۵). ایمانداران حتی در میان جدی ترین شرایط اظطراب آور می‌توانند شاد باشند چون خدا از تمام چیزهایی که اتفاق می‌افتد برای خیریت آنها استفاده می‌کند (رومیان ۸: ۲۸).
۳) سلامتی. از يك طرف این کلمه به معنی نبودن جنگ و نزاع، مبارزه و ترس و تحريك است و از طرف دیگر این کلمه به معنی حضور قدرت خدا برای شفای مردم و موقعیتهایی است که تباه شده اند.

ب) ویژگی‌های اجتماعی.
۱) حلم. این کلمه به معنی صبور بودن در ارتباط با اشخاصی است که به شما آسیب می‌زنند با شما مخالفت می‌کنند و به شما آزار می‌رسانند حلم از خشمی که ناگهانی شعله‌ور می‌شود اجتناب می‌کند. حلم آسیبهایی که دیگران به او وارد می‌کنند را مدتها تحمل می‌کند و رنج می‌کشد.
۲) مهربانی. این کلمه یعنی " مهربانی "، " تواضع "، ملایمت و " نرمی " بخصوص نسبت به زنان (لوقا ۱۳: ۱۰ - ۱۳)، بچه‌ها (لوقا ۱۸: ۱۵ - ۱۷) و گناهکاران (لوقا ۲۳: ۳۴) است.
۳) نیکویی. این کلمه به معنی " فضیلت اخلاقی و روحانی " در هر زمینه است و این بوسیله روح‌القدس بوجود می‌آید. به معنی راستی و درستکاری (افسسیان ۵: ۹) و سخاوت است (غلاطیان ۵: ۲۲).

پ) فضیلت در سه ارتباط.
۱) ایمان. این کلمه میتواند به معنی ایمان باشد، اما بهتر است در این ردیف " امانتداری " یا وفاداری ترجمه شود.
۲) تواضع. به معنی " ملاحظه‌گری "، " وقار " و " فروتنی " یا " اطاعتی به آرامی " است.
۳) پرهیزکاری. این کلمه به معنی کنترل خود به خصوص در قسمت مسائل جنسی است. به معنی تسلط بر شهوات و تمایلات است.

سؤال ۷) (غلاطیان ۵: ۲۳). هیچ شریعتی برعلیه ثمره روح القدس نیست، یعنی چه؟
ملاحظات:
در مقابل این ویژگی‌ها و فضایل روحانی و اجتماعی که روح‌القدس در ایمانداران ایجاد می‌کند هیچ قانونی وجود ندارد. معمولاً قوانین اعمال مشخصی را قدغن می‌کنند. با گفتن این عبارت که هیچ شریعتی مانع این کارها نیست پولس رسول ایمانداران را برمی‌انگیزد تا این فضایل را به عمل آورند (ثمره روح) تا گناهان طبیعت گناه‌آلود را محو سازند. آنها ترجیح می‌دهند که توجه خود را بر روح‌القدس متمرکز بسازند که در آنها زندگی و کار می‌کند و در فضایل روح‌القدس رفتار کنند (غلاطیان ۵: ۱۶، ۱۸، ۲۵). آنها توجه خود را بر عیسی مسیح و حقایق روحانی آسمان متمرکز می‌سازند (رومیان ۷: ۲۵ ؛ کولسیان ۳: ۱ - ۴).

قدم ۴: بکار ببرید
توجه کنید: کاربرد چه حقایقی در این قسمت برای مسیحیان امکان پذیر است؟
در میان بگذارید و بنویسید: افکار خود را صریحاً با هم در میان بگذارید و فهرستی از کاربردهای امکان پذیر بر اساس غلاطیان ۵: ۱۳ - ۲۶ تهیه کنید.
توجه کنید: خدا از شما می خواهد کدامیک از کاربردهای امکان پذیر را تبدیل به يك کاربرد شخصی بکنید؟
بنویسید: این کاربرد شخصی را در دفتر یادداشت خود بنویسید. کاربرد شخصی خود را بدون دغدغه با دیگران در میان بگذارید. به یاد داشته باشید که افراد در هر گروه، کاربرد حقایق متفاوتی را پیدا می کنند وحتی از يك حقیقت کاربردهای متفاوتی می یابند.
(فهرست زیر، نمونه هایی از کاربردهای امکان پذیر در این قسمت از کتاب مقدس میباشند).

نمونه هایی از کاربردهای امکان‌پذیر (غلاطیان ۵: ۱۳ - ۲۶)

- ۵: ۱۳ * به خاطر داشته باشید که خدا شما را دعوت کرده تا نه اینکه غلام گناه باشید بلکه آزاد باشید تا دیگران را محبت و خدمت کنید.
- ۵: ۱۵ * به خاطر داشته باشید که نبودن محبت این نتیجه را دارد که مردم همدیگر را تباه می‌کنند.
- ۵: ۱۶ * تنها در صورتی که تحت کنترل روح‌القدس باشید خواهش‌های طبیعت گناه‌آلود را ارضاء نخواهید کرد و به جا نخواهید آورد.
- ۵: ۱۷ * به خاطر داشته باشید که روح‌القدس همیشه مخالف مظاهر طبیعت گناه‌آلود است.
- ۵:۲۴ * به خاطر داشته باشید مسیحی واقعی طبیعت کهنه را با خواهش و شهواتش مصلوب ساخته است.

نمونه هایی از کاربردهای شخصی

الف) گرچه کشمکش درونی خود بین طبیعت کهنه گناه‌آلود و روح‌القدس را دوست ندارم. در این حقیقت شادی می‌کنم که روح‌القدس در من زندگی و کار می‌کند، پس می‌خواهم با روح‌القدس همکاری کنم یعنی روح‌القدس را پیروی کنم.
ب) گرچه بایستی از مظاهر طبیعت گناه‌آلود که در زندگیم وجود دارند خود را خلاص و رها سازم توجه اصلی زندگیم بر این است که ثمره روح‌القدس در من بخصوص محبت به خدا، دیگران و خودم بوجود آید.

قدم ۵: دعا کنید
در مورد حقیقتی که خدا به ما در غلاطیان ۵: ۱۳ - ۲۶ کار کرده است، دعا کنیم.
(در دعایتان به آنچه که در طی این بررسی کتاب مقدس دریافت کرده اید، پاسخ دهید، تمرین کنید که در فقط یک یا دو جمله دعا کنید. بیاد داشته باشید که افراد درهر گروه، در مورد حقایق متفاوتی، دعا خواهند کرد.)

۵	**دعا (۸ دقیقه)** **دعای شفاعت**

به دعا در گروه های دو یا سه نفری ادامه دهید. برای یکدیگر و مردم دنیا دعا کنید.

۶	**تکلیف منزل (۲ دقیقه)** **برای درس بعدی**

(**سر گروه:** رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

۱ - تعهد - متعهد باشید به اینکه شاگردان بسازید.
آموخته های بررسی کتاب مقدس در ارتباط با غلاطیان ۵: ۱۳ - ۲۶ را برای یکدیگر، برای شخصی دیگر یا برای گروهی از مردم موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
۲ - رازگاهان - هر روز نیمی از يك فصل را از قسمت جامعه ۱,۲، ۳، ۴ بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
۳ - حفظ کردن - آیه شاگردسازی - متی ۲۸: ۱۸ - ۲۰ را حفظ کنید. هر روز آخرین ۵ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.
۴ - دعا - در این هفته برای يك شخص یا موضوعی خاص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید.
(مزمور ۵: ۳)
۵ - آموخته های جدید درمورد شاگردسازی را وارد دفتر(یا پوشه) خود کنید. از تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگاهان، آیات حفظی، بررسی کتاب مقدس و این تکلیف منزل يك دفتر(یا پوشه) درست کنید.

درس ۴۷

۱	دعا

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره شاگردسازی را به حضور خداوند بیاورید.

۲	پرستش (۲۰ دقیقه) وقف خود به خدا و به دعوت او

موضوع: خدا را به عنوان شخصی که خود را به او و دعوتش وقف می‌کنید، پرستش کنید.

در این درس یاد می‌گیریم که با وقف خود به خدا و به دعوت او پرستش خود را ابراز کنیم.

۱- وقف

وقف یعنی خود را به شخص یا چیزی بخشیدن. به معنی این است که خود را کاملاً تسلیم خدا و ملکوت او کنیم. وقف به خصوص خود را در خدمت نشان می‌دهد.

۲- وقف جسم خود

بخوانید: رومیان ۱۲: ۱ ؛ ۶: ۱۲ - ۱۳، ۱۹

الف) بدنهایمان
در اینجا منظور از بدن فقط جسم فیزیکی‌مان نیست. بلکه کل وجود و فردیت ما است چون جسم و اعضایش نشان دهنده هستی و فردیت ما است.

ب) قربانی زنده
در حالیکه قربانی حیوانات با کشتن حیوانات آورده میشد، ما باید بدنهای خود را توسط زندگی در بدنمان بعنوان قربانی زنده به خدا تقدیم کنیم. ما دیگر در بدنهایی که تحت سلطه طبیعت گناه آلود ما بود، زندگی نمی کنیم، بلکه تحت کنترل طبیعت جدید دوباره متولد شده می باشیم.

پ) قربانی مقدس
از يك طرف خودمان را از شرارت این جهان جدا می‌کنیم و از طرف دیگر خود را به خدا و هدف او در این دنیای گناه‌آلود وقف می‌کنیم.

ت) قربانی خشنود خدا
خود را وقف چیزی می‌کنیم که خدا می‌پذیرد و می‌پسندد و فرمان می دهد. آرزو داریم که خدا را خشنود سازیم با مکانهایی که می‌رویم، با فعالیتهایی که در آن شرکت می‌کنیم و با مردمی که ارتباط داریم.

ث) یک کار روحانی پرستش یا یک کار روحانی خدمت
با وقف هر روزه جسم خود بدین ترتیب، در یک عمل روحانی پرستش یا یک عمل روحانی خدمت مشغول به کار می‌شویم. پرستش نباید فقط در کلیسا انجام شود. پرستش همچنین در حین زندگی روزانه نیز انجام می‌شود. ما با وقف روزانه بدن خود در خدمت ملکوت خدا و عدالت او، خدا را می‌پرستیم.

۳- وقف افکارمان

بخوانید: رومیان ۱۲: ۲

الف) همشکل نبودن با این دنیا
ما اجازه نداریم که خود را مطابق الگوی شریر این زمانه بسازیم، شکل دهیم یا از قالب آن پیروی کنیم. به این دنیای شریر اجازه نمی‌دهیم که ما را به صورت قالب خود دربیاورد. یك مسیحی از هماهنگی و همشکل شدن با تمام اثرات شیطانی اجتناب می‌کند مثل فلسفه‌های بی‌خدایی، مذاهب کاذب، فساد جنسی، دوستان بد، مباحثات مخرب، مجله‌های کثیف، فعالیتهای سئوال برانگیز، لباسهای برهنه، سیاستهای افراطی، تجربیاتی از طریق دارو یا ورزشهای شدید و غیره. یك مسیحی با هر تاثیر شیطانی مقابله می‌کند. همرنگ شدن با شیوه زندگی و رفتار سایر مردم قدرت قوی است که ما را از سمت خدا به سوی شیوه زندگی می‌کشاند که خدا را خشنود نمی‌سازد.

ب) تبدیل با اراده خدا
پیوسته خودمان را وقف احیای افکارمان می‌کنیم. به محض اینکه شروع کردیم به هماهنگ شدن با الگوهای ظاهری مردم، تبدیل بایستی با تغییرات درونی یا تغییر افکار، انگیزه‌ها و نگرش‌ها برطبق کلام خدا آغاز می‌شود. این اتفاق وقتی می‌افتد که ما خودمان را تسلیم همکاری با کلام خدا و روح خدا بکنیم. بهترین راه برای داشتن زندگی که خدا را خشنود می‌سازد تبدیل درونی است که خود را به صورت تغییر ظاهری، نمایان می‌کند.

۴- وقف اعضای بدنمان

الف) **بخوانید:** متی ۶: ۲۲ - ۲۳. ما چشمانمان را به خدا وقف می‌کنیم چون چشمانمان دری است که ما از طریق آن به بعضی چیزها اجازه می‌دهیم به جانهای ما راه یابند (ایوب ۳۱: ۱).

ب) **بخوانید:** اشعیاء ۵۰: ۴ - ۵. گوش‌هایمان را به خدا وقف می‌کنیم چون گوشهایمان ما را به صدای خدا وصل می‌کنند.

پ) **بخوانید:** متی ۱۲: ۳۴ - ۳۷. زبانمان را به خدا وقف می‌کنیم چون زبانمان آنچه در قلبمان هست آشکار می‌کند (افسسیان ۴: ۱۵، ۲۹).

پرستش: به نوبت خدا را در یك یا دو جمله بپرستید.
به عنوان یك عمل روحانی در پرستش ، کدام بخش از بدنتان را می‌خواهید امروز وقف خدا کنید؟

۳	**درمیان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه)** **جامعه سلیمان ۱، ۲، ۳، ۴**

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (جامعه ۱، ۲، ۳، ۴) با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان میگذارد، بحث نکنید.

۴	تعلیم (۷۰ دقیقه) رهبری: ویژگی‌های یك رهبر مسیحی

این بررسی محدود به رهبری کلیسای عهد جدید است. ضمیمه ۴: سیر تحول تاریخی رهبری در کلیسای مسیح، ضمیمه ۵: خادمان (شماسان)، دستورعمل بنای کلیسا - کتاب دوم، ضمیمه ۳: کارکنان مونث کلیسا و دستورعمل بنای کلیسا - کتاب دوم، درس ۱۷: مراسم کلیسایی انتخاب رهبران کلیسا را ملاحظه کنید.

الف - رهبران بنیادین اجتماع مسیحی (کلیسا)

مقدمه: رهبر عالی و ابدی اجتماع مسیحی یا کلیسا، عیسی مسیح است.
رهبران بنیادین اجتماع مسیحی یا کلیسا، رسولان عیسی مسیح بودند.

۱- عیسی مسیح

الف) مسیح و اجتماع مسیحی (کلیسا)
بخوانید: متی ۱۶: ۱۸ ؛ اعمال ۲۰: ۲۸ ؛ افسسیان ۱: ۲۲ - ۲۳ ؛ اول پطرس ۲: ۲۵ ؛ ۵: ۴
کشف و گفتگو کنید: در ارتباط با کلیسا عیسی مسیح کیست؟
ملاحظات: عیسی مسیح بنیانگذار، سازنده و صاحب کلیسای مسیحی تمام جهان است. عیسی مسیح همچنین سر، ناظر و شبان اعظم کلیسای مسیحی کل جهان است. او از طریق مرگ و قیامش، بنیانگذار و مالك کلیسای عهد جدید است. او از طریق خدمت زمینی و آسمانی خود بناکننده کلیسا است. او تنها سر، ناظر و شبان اعظم کلیسای مسیحی تمام جهان که بدن او است، می‌باشد. او همچنین تنها سر هر کلیسای مسیحی موجود در دنیاست.

ب) مسیح و استفاده از اقتدارش
کشف و گفتگو کنید: عیسی مسیح اقتدارش را در کلیسا و زندگی مسیحیان چگونه به کار می‌برد؟

۱) مسیح اقتدارش را از طریق کتاب مقدس به کار می‌برد.
بخوانید: یوحنا ۸: ۳۱ - ۳۲ ؛ اعمال ۲۰: ۲۷، ۳۲ ؛ افسسیان ۶: ۱۷ ؛ اول تیموتائوس ۳: ۱۴ - ۱۵ ؛ دوم تیموتائوس ۳: ۱۶ - ۱۷ ؛ تیطس ۱: ۹ ؛ عبرانیان ۴: ۱۲ - ۱۳
مسیح اقتدارش را از طریق کتاب مقدس و تعالیمش به کار می‌برد. کتاب مقدس اراده آشکار شده مسیح برای کلیسا و هر مسیحی است. مسیح به کلیسا قانون بخشید یعنی تعالیم اساسی که بایستی کلیسا براساس آنها اداره شود. این تعالیم در عهد جدید نمایندگی میکند.

۲) مسیح از طریق روح‌القدس اقتدارش را به کار می‌برد.
روح‌القدس، روح مسیح و نماینده مسیح است. او به صورت نتیجه‌بخشی مسیح را در کلیسا ظاهر می‌کند.
بخوانید: یوحنا ۱۴: ۲۶ ؛ ۱۶: ۱۳ - ۱۵ ؛ ۲۰: ۲۱ - ۲۳ ؛ لوقا ۲۴: ۴۹ ؛ اعمال ۱: ۵ - ۸
از طریق روح‌القدس، مسیح، رسولان یعنی رهبران بنیادین کلیسا را برای انجام خدمات روحانی‌شان تجهیز ساخت. از طریق روح‌القدس، مسیح آنها را به جمیع راستی هدایت کرد، آنچه را که در زمان زندگیش به روی زمین به آنها یاد داد برای آنها یادآوری کرد و به آنها تمام آنچه که مورد نیازشان بود تعلیم داد. به این ترتیب رسولان مسیح، درحین موعظه انجیل و شاگردسازی برای مسیح و در حین ثبت حقیقت در کتابهای عهد جدید که خودشان آنها را نوشتند، شاهدین توانای مسیح بودند.

بخوانید: اعمال ۱۵: ۲۸
از طریق روح‌القدس، مسیح جلسه و تصمیمگیری نمایندگان کلیسای انطاکیه را با رسولان عیسی مسیح و با پیران کلیسای اورشلیم هدایت کرد. رسولان عیسی مسیح همراه با آنانی که در این جلسه به آنها ملحق شدند مدعی گردیدند که تصمیم آنها دارای اقتداری الهی است و توسط روح القدس پیشنهاد و الهام شده است. هیچ چیز از این عبارت نمی‌شود در ارتباط با اقتدار شورای کلیسایی و تصمیمات آنها استنتاج کرد جز اینکه آنها می‌دانستند که همه تحت کنترل و هدایت روح‌القدس هستند.

بخوانید: یوحنا ۱۶: ۸ ؛ رومیان ۸: ۵ - ۱۰، غلاطیان ۵: ۱۶، ۱۸، ۲۵ ؛ افسسیان ۶: ۱۷
روح‌القدس امروز هم به هدایت و یادآوری حقایق به آنها ادامه می‌دهد که البته هرگز مخالف کتاب مقدس و تعالیم آن نیست.

۳) <u>مسیح از طریق رهبری کلیسای محلی اقتدارش را به کار می‌برد.</u>
بخوانید: متی ۱۸: ۲۰ ؛ ۲۸: ۲۰ ؛ اعمال ۲۰: ۲۸
مسیح از طریق رهبری کلیسای محلی اقتدار خود را به کار می‌برد. دانستن این حقیقت آرامش‌بخش است که مسیح همیشه در کلیسا حضور دارد زمانیکه کلیسا جلسه‌ای برای پرستش خدا دارد و یا وقتی که در نام عیسی حرف می‌زند و عمل می‌کند.

پ) <u>نمونه‌هایی از حاکمیت مسیح</u>

کشف و گفتگو کنید: نمونه‌های خاصی از حاکمیت مسیح از طریق روح‌القدس در کلیسا چیست؟

۱) **بخوانید:** یوحنا ۱۶: ۸ - ۱۰
مسیح مردم را به گناه، عدالت و داوری ملزم می‌کند.
۲) **بخوانید:** یوحنا ۳: ۳ - ۸ ؛ دوم تسالونیکیان ۲: ۱۳ - ۱۴ ؛ اول پطرس ۱: ۲
او به صورت مؤثری مردم را از طریق تعلیم انجیل دعوت می‌کند، باعث تولد تازه آنها می‌شود، آنها را نجات می‌بخشد و تقدیس می‌کند.
۳) **بخوانید:** اول قرنتیان ۱۲: ۴ - ۷، افسسیان ۴: ۷
او مسیحیان را با عطایای روحانی تجهیز می‌کند تا او را آنطور که او تصمیم می‌گیرد خدمت کنند.
۴) **بخوانید:** مرقس ۱۳: ۴ ؛ اول قرنتیان ۳: ۶ ؛ ۱۲: ۵ - ۷
به هر مسیحی تکلیف یا خدمتی را در کلیسا و در جهان محول می‌کند.
۵) **بخوانید:** اول قرنتیان ۱۲: ۱۸، ۲۴ - ۲۶
او تمام مسیحیان را طوری در کلیسا قرار می‌دهد که خود می‌خواهد به طوریکه اتحادی در کلیسا در کنار تنوع خدمات وجود خواهد داشت.

در هر حال، مسیحیان در تمام این زمینه‌ها دارای مسئولیت شخصی و هم متقابل هستند. اگر آنها نسبت به مسئولیتهایشان غفلت کنند، حاکمیت مسیح را در زندگیشان یا در کلیسایشان تجربه نخواهند کرد.

۲- <u>رسولان عیسی مسیح</u>

کشف و گفتگو کنید: رسولان عیسی مسیح چه کسانی بودند؟ عملکرد و اقتدارشان چه بود؟

الف) <u>آنها گروه بی مانندی بودند.</u>
بخوانید: مرقس ۳: ۱۳ - ۱۹
رسولان عیسی مسیح، گروه بی مانندی بودند چون شخصاً انتخاب، دعوت، تجهیز شده و توسط مسیح فرستاده شدند تا شاهد او و بخصوص قیامش باشند.

ب) <u>آنان خدمتی بی نظیر یافتند.</u>
بخوانید: یوحنا ۱۶: ۱۲- ۱۵ ؛ ۲۰: ۱۹ - ۲۳ ؛ اعمال ۱: ۸
روح‌القدس به اندازه‌ای که خدمات خاص خود را انجام دهند به ایشان بخشیده شد. خدمت آنها، اعلام حقیقت و راستی در آغاز تاریخ کلیسا و ثبت حقایق در کتابهای عهد جدید بود که خودشان آنها را نوشتند و اینکه در همه جا نخستین کلیساهای محلی را تأسیس کنند. به همین علت آنها را بنیاد کلیسا می‌گویند.

پ) <u>آنها دارای اقتداری خاص بودند.</u>
بخوانید: متی ۱۶: ۱۸ - ۱۹ ؛ ۱۸: ۱۸ ؛ اعمال رسولان ۵: ۱- ۱۱ ؛ ۸: ۱۴- ۱۷ ؛ ۱۴: ۲۳ ؛ ۱۵: ۲۸- ۲۹ ؛ ۱۶: ۴
به آنها اقتداری خاص برای بنا کردن آموزه‌های کل کلیسا داده شد، از طریق تعالیمشان، فرمان به مسیحیان برای اطاعت از تعالیم، نصب نخستین رهبران کلیساهای محلی و وارد کردن و بیرون کردن مردم از ملکوت خدا (اعمال ۸: ۱۴ - ۱۷ ؛ ۵: ۱ - ۱۱).

ت) <u>آنها جانشینی نداشتند.</u>
بخوانید: اعمال ۱: ۲۱ - ۲۶ ؛ افسسیان ۲: ۱۹ - ۲۰ ؛ ۳: ۴ - ۵ ؛ مکاشفه ۲۱: ۱۴
رسولان عیسی مسیح شامل یازده نفر از شاگردان عیسی مسیح و پولس رسول می‌شوند. رسولان عیسی مسیح جانشینی نداشتند چون هیچکس در زمانهای بعد براساس اعمال ۱: ۲۱ - ۲۲ واجد شرایط محسوب نمی‌شد. تعداد رسولان عیسی مسیح برای همیشه محدود به ۱۲ نفر می باشد (مکاشفه یوحنا ۲۱: ۱۴). رسولان عیسی مسیح بایستی از رسولان

کلیساهای مسیحی متمایز گردند. رسولان کلیساهای مسیحی نمایندگان یا فرستادگان کلیساها هستند (دوم قرنتیان ۸: ۲۳ ؛ فیلیپیان ۲: ۲۵) یا به مفهوم وسیعتر مبلغین می باشند و در حالیکه کلیساهای جدید تأسیس می‌کنند، مأموریت دارند تا مسیح را نشان بدهند (اعمال ۱۴: ۱ - ۴ ؛ اول تسالونیکیان ۲: ۶ - ۷).

خلاصه: عیسی مسیح تا به ابد، بنیانگزار، بناکننده، مالك و سرکلیسا است. کلیسا بدن مسیح است. رسولان عیسی مسیح رهبران بنیادین کلیسا هستند. مسیح از آنها استفاده کرد تا اولین کلیساهای تاریخی را در میان یهودیان، سامری ها و امتها تأسیس کنند و اولین رهبران کلیساهای محلی را منصوب کردند.

ب - رهبران منصوب اجتماع مسیحی (کلیسا)

مقدمه: رهبـران منصوب اجتماع مسیحی (کلیسا) پیران کلیسا می‌باشند. رسولان مسیح نیز به عنوان پیران کلیساهای محلی عمل می‌کردند، زمانیکه هنوز زنده بودند. خادمان (شماسان) به منظور رهبری کلیسا منصوب نشدند بلکه فقط برای اینکه خدمات خاصی را در کلیسا هدایت کنند.

۱- مشایخ یا پیران در عهد عتیق

بخوانید: خروج ۳: ۱۶؛ ۱۸: ۱۷ - ۲۶ ؛ تثنیه ۱: ۹ - ۱۸ ؛ ۳۱: ۲۸
کشف و گفتگو کنید: قوم خدا در عهد عتیق چگونه رهبری می‌شدند؟
ملاحظات: در جامعه عهد عتیق خدا، مشایخ یا پیران، سران قبیله‌ها بودند (تثنیه ۳۱: ۲۸ ؛ اول سموئـــیل ۴: ۳ ؛ عـزرا ۶: ۷ ؛ ارمیاء ۱۹: ۱) یا سران خاندانی از یك قبیله بودند (دوم سموئیل ۱۲: ۱۷). هر شهری با هر موقعیت و اهمیتی دارای مشایخ خود بود (تثنیه ۲۱: ۳ ؛ روت ۴: ۲ ؛ امثال ۳۱: ۲۳). آنها براساس توانایی‌ها، ترسی که از خدا داشتند، قابل اعتماد بودن، نفرتشان از رشوه (خروج ۱۸: ۱۷ - ۲۶)، رهبریشان (اعداد ۱۱: ۱۶ - ۱۷)، حکمتشان، درکشان و در رابطه با دستوراتی که خدا در مورد شرایط لازم آنها داده است، انـتخاب می‌شدند (تثنیه ۱: ۹ - ۱۸). آنها مسئولین و مأمورین گروههای هزار، پنجاه، صد و ده نفره مردم بودند و بخصوص این خدمت را داشتند که همیشه میان مردم داوری کنند.

۲- مشایخ یا پیران در زمان ماد - فارس، یونانی و رومی‌ها

الف) <u>دوران امپراطوری ماد - فارس</u> (۵۵۹ - ۳۳۱ قبل از میلاد).
در طی این زمان یك گروه از رهبران تحت نظارت عزرا (۴۵۸ قبل از میلاد) تشکیل گردید که بیشتر شامل مشایخ برجسته محلی و همچنین بعضی از معلمین و داوران منتخب بودند (عزرا ۷: ۲۵ - ۲۶ ؛ ۱۰: ۱۴).

ب) <u>دوران امپراطوری سلوکیه</u> (۳۱۲ قبل از میلاد به بعد)
در این دوران، یك گروه به نام "شورای مشایخ " تشکیل گردید که شامل مشایخ، کاهن اعظم و کاهنین می‌شد. آنها نماینده قوم بودند (اول مکابی‌ها ۱۲: ۶).

پ) <u>دوران امپراطوری روم</u> (قرن اول قبل از میلاد).
در طی این دوران هــر بخش محلی دارای " شورایی از مشایخ " بود. در طی دوران وکلای رومی (۶ - ۶۶ میلادی) قدرتمندترین " شورای مشایخ " در اورشلیم " سنهدرین " نام داشت و شامل مشایخ، کاهن اعظم و معلمین شریعت می‌شد (متی ۱۶: ۲۱). مشایخ اعضای غیرمذهبی سنهدرین از خانواده‌های بسیار متمول اشرافی اورشلیم بودند. سنهدرین بر تمام امور داخلی کشور قدرت داشته و حتی در میان یهودیان پراکنده نیز به رسمیت شناخته شده بودند (اعمال ۲۲: ۵).

۳- پیران کلیسا در عهد جدید.

بخوانید: اعمال ۲: ۴۲ ؛ اعمال ۶: ۱ - ۴ ؛ اول پطرس ۵: ۱ ؛ سوم یوحنا ۱.
کشف و گفتگو کنید: اجتماع خدا در عهد جدید یعنی‌اولین کلیسای محلی چگونه رهبری می‌شد؟
ملاحظات: در دوران عهد جدید و بعد از پنطیکاست بعد از اینکه نخستین گروه شاگردان، قوم جدید خدا را بوجود آورند یعنی یك کلیسای محلی مسیحی، به احتمال قوی پیران کلیسای مسیحی مانند دوران عهد عتیق و از طبقات مشابه‌ای انتخاب شدند یعنی از میان سران خانواده‌ها و سایر مردان با نفوذ. آنها احتمالاً به وسیله ایمانداران و درست مانند خادمان انتخاب شدند (اعمال ۶: ۱ - ۷) لوقا (اعمال ۶: ۴)، پطرس (اول پطرس ۵: ۱) و یوحنا (سوم یوحنا ۱) روشن می‌سازند که رسولان عیسی مسیح قطعاً در جوامع یا کلیساهای محلی مسیحی به عنوان پیران کلیسا عمل می‌کردند. خدمت ابتدایی این پیران کلیسا در اجتماع مسیحی محلی دعا و خدمت موعظه و تعلیم کلام بود.

۴- پیران در کلیساهای غیریهودی

بخوانید: اعمال ۱۴: ۲۳ ؛ تیطس ۱: ۵.
کشف و گفتگو کنید: کلیساهای تازه تأسیس شده در میان امتها چگونه رهبری می‌شدند؟
ملاحظات: رسولان و همکارانشان (مبلغین یا مؤسسین کلیساها در دوران جدید) جوامع یا کلیساهای جدید مسیحی در میان امتها را تأسیس کردند. سپس پیران را در هر اجتماع یا کلیسای محلی مسیحی منصوب کردند. این پیران برای کار رهبری اجتماع مسیحی محلی یا کلیسا به کار گماشته شدند، همانطور که نوشته‌های رسولان بوضوح تعلیم می‌دهند. هرگز فقط یك پیر درکلیسا نبود بلکه همیشه گروهی از پیران کلیسا وجود داشت که مسائل اجتماع یا کلیسای محلی مسیحی را هدایت می‌کرد. این گروه از پیران، " شورای پیران کلیسا " نامیده می‌شد (اول تیموتائوس ۴: ۱۴).

خلاصه: عیسی مسیح خودش مؤسس، بناکننده و مالك کلیسای مسیحی است (متی ۱۶: ۱۸ ؛ اعمال ۲۰: ۲۸) و او از رسولانش دعوت کرد تا نخستین جوامع یا کلیساهای مسیحی تاریخی را بنیان گذارند. رسولان عیسی مسیح و همکارانشان پیران کلیسا را به کار گماشتند تا در نخستین جوامع یا کلیساهای مسیحی رهبر باشند. پس عیسی مسیح هنوز هم رهبر (سر، افسسیان ۱: ۲۲ ؛ ناظر، اول پطرس ۲: ۲۵) تمام کلیساهای مسیحی است. رسولان عیسی بنیاد تاریخی کل کلیسای مسیحی بودند (افسسیان ۲: ۲۰) و پیران کلیسا هنوز هم رهبران منصوب کلیساهای مسیحی محلی هستند. درحالیکه رسولان عیسی مسیح نمی‌توانند جانشینی داشته باشند (اعمال ۱: ۲۱ - ۲۲) باز هم اجتماعات یا کلیساهای مسیحی به انتخاب و انتصاب پیران به عنوان رهبران اجتماعات یا کلیساهای مسیحی محلی ادامه می‌دهند البته هماهنگ با دستورالعمل‌های رسولان عیسی مسیح.

پ - شورای پـــیران کلیسا

معرفی: برطبق عهد جدید، هر اجتماع مسیحی محلی (کلیسا) بایستی توسط گروهی از مردان به نام " شورای پیران کلیسا " رهبری شود (یونانی: presbuterion) (اول تیموتائوس ۴: ۱۴ ؛ اعمال ۲۰: ۱۷، ۲۸). امروزه ما ممکن است چنین گروهی از پیران را، " شورای پیران کلیسا " بنامیم. درعهد جدید، واژه‌های شبان و ناظر اغلب همراه با واژه پیر (یونانی: presbuteros) هستند.

۱- واژه‌های " پیـــران "، شبانان و ناظران

بخوانید: اعمال ۲۰: ۱۷، ۲۸ ؛ تیطس ۱: ۵ ، ۷ ؛ اول پطرس ۵: ۱ - ۴.
کشف و گفتگو کنید: بین واژه‌هایی مانند " پیر "، " شبان " و " ناظر " در عهد جدید چه تفاوتهایی وجود دارد؟
ملاحظات:
الف) عهد جدید از این واژه‌ها به صورت متناوب استفاده می‌کند.
۱) واژه یونانی مربوط به ناظر " episkopos " است. واژه انگلیسی آن bishop از واژه یونانی "episkopos " گرفته شده است.
۲) واژه یونانی " پیر " presbuteros " است. واژه انگلیسی priest از واژه یونانی آن presbuteros گرفته شده است.
۳) واژه یونانی " خادم یا شماس " diakonos " است. واژه انگلیسی آن deacon از واژه یونانی آن " diakonos " گرفته شده است.
۴) واژه یونانی شبان " poimen " است و کلمه لاتین آن " pastor " می‌باشد. واژه انگلیسی آن pastor از لاتین آن مشتق شده است.

در دوران عهد جدید (۳۰ - ۹۷ میلادی) واژه‌های ناظر (یونانی episkopos و انگلیسی: bishop)، شبان (لاتین و انگلیسی: pastor) و پیر (یونانی: presbuteros و انگلیسی: priest) بدون وجود هیچ تمایزی مربوط به یك کلمه و یك شخص هستند.
در اعمال رسولان تمام پیران کلیسا (اعمال ۲۰: ۱۷)، ناظران و شبانان نامیده شده‌اند (اعمـــال ۲۰: ۲۸). در تیـــطس تمام پیـــران کلیسا (تیطس ۱: ۵)، ناظران نیز نامیده شده‌اند (تیطس ۱: ۷). و در اول پطرس، تمام پیران کلیسا (اول پطرس ۵: ۱)، شبانان و ناظران نیز نامیده شده‌اند (اول پطرس ۵: ۲) که تحت نظارت شبان اعظم که عیسی مسیح است، می باشند. این موضوع نشان می‌دهد که در ارتباط با واژه‌شناسی لوقا، پولس و پطرس استفاده از سه واژه ناظران، پیران و شبانان به صورت قابل تعویض و جانشینی انجام می‌گیرد. با وجود آنکه تمام این واژه‌ها امروزه متفاوت معنی می‌دهند، عهد جدید هیچ تمایزی میان ناظران، پیران و شبانان قائل نمی‌شود.

ب) عهد جدید تعلیم میدهد که هر کلیسای محلی به عنوان رهبران کلیسا دارای " شورای پیران کلیسای " مختص به خود می‌باشد.
در کلیسای عهد جدید در میان رهبران هیچ سلسله مراتبی وجود نداشت. فقط يك گروه منصوب از رهبران کلیسای مسیحی در هر کلیسای محلی وجود داشت که " شورای پیران کلیسا " (اول تیموتائوس ۴: ۱۴) نامیده می‌شدند. همه پیران موجود در این گروه دارای مسئولیت رهبری در کلیسای محلی خودشان بودند (اعمال ۱۱: ۳۰ ؛ ۱۴: ۲۳ ؛ ۱۵: ۲، ۲۲ ؛ ۲۰: ۱۷ ؛ اول تیموتائوس ۵: ۱۷ ؛ تیطس ۱: ۵ ؛ یعقوب ۵: ۱۴ ؛ اول پطرس ۵: ۱).

پ) معنی این واژه‌های متفاوت.
این سه واژه episkopos به معنی ناظر، presbuteros به معنی پیر و poimen یا pastor به معنی شبان سه مقام یا موقعیت متفاوت کلیسایی را شرح نمی‌دهند. همه آنها مربوط به يك مقام کلیسایی یعنی " پیرکلیسا " می‌باشند. هر سه آنها يك گروه از رهبران کلیسا را از سه جنبه شرح می‌دهند.
۱) واژه پیر بلوغ روحانی، تجربه و احترام بیشتر به فرمان این رهبران را می رساند.
۲) واژه شبانان و ناظران نیز ماهیت کار آنها را توضیح می‌دهند.
عهد جدید تعلیم می‌دهد که تمام پیران يك کلیسای محلی، شبانان و ناظران آن کلیسا هستند.
تمام پیران يك کلیسای محلی در مقام شبانی هستند و در آن کلیسا دارای عملکردهای تعلیمی و اداری می‌باشند.

ت) سیر تحول تاریخی رهبری کلیسای مسیحی به صورت سلسله مراتب.
ضمیمه ۴ را ملاحظه کنید.

۲- مشخصات کتاب مقدسی پیران کلیسا

بخوانید: اول تیموتائوس ۳: ۱ - ۷ ؛ تیطس ۱: ۶ - ۹.
کشف و گفتگو کنید: ضروریات یا مشخصات کتاب مقدسی پیران کلیسا چیست؟
ملاحظات: مردان فقط در صورتی به عنوان پیران کلیسا انتخاب و به کار گماشته می‌شوند که ضروریات کتاب مقدسی زیر را داشته باشند.
ویژگی های پیران کلیسا به سه قسمت تقسیم می‌شود:

الف) رفتار شخصی او.
در ارتباط با خواهش‌ها و خلق وخو بایستی پرهیزگار باشد. در ارتباط با پول صادق باشد و نباید جمع کردن اموال زمینی را هدف خود بسازد.

ب) زندگی خانواده او.
در ارتباط با زنان، او بایستی نمونه وفاداری به همسرش باشد. اگر او مجرد است بایستی نسبت به همه زنان نمونه پاکی باشد. در ارتباط با فرزندانش بایستی آنها را به سوی اعتماد و اطاعت از مسیح هدایت کند و همینطور به والدینش احترام بگذارد.

پ) توانایی‌های خدمتی او.
در ارتباط با بلوغ، او نباید تازه ایمان و مسیحی نابالغ باشد. در ارتباط با کتاب مقدس او بایستی آموزه‌های صحیح را حفظ کند و بایستی بتواند از کتاب مقدس برای موعظه، تعلیم و هدایت مردم استفاده کند.

۳- خدمات پیــران کلیسا

الف) نخستین مسئولیت پیران کلیسا این است که شبانان گله خدا باشند.
بخوانید: اعمال ۲۰: ۲۸ - ۳۱ ؛ مزمور ۲۳ ؛ اول تیموتائوس ۵: ۱۶ ؛ یعقوب ۵: ۱۴ - ۱۵ ؛ اول پطرس ۲: ۲۵.
کشف و گفتگو کنید: شبانان يك اجتماع مسیحی (کلیسا) بودن یعنی چه؟
ملاحظات: به عنوان شبانان، به پیران کلیسا، خدمت شبانی اعضاء کلیسای محلی سپرده شده است. آنها این مسئولیت را دارند که بر کلیسای محلی نظارت کنند درست مانند عیسی شبان نیکو که بر کل کلیسای موجود در جهان نظارت می‌کند. به اتفاق هم پیران کلیسا، به منظور رشد و سلامتی روحانی، اعضای کلیسای محلی را تغذیه، مراقبت و هدایت می‌کنند. پیران کلیسا به اتفاق هم مسئولیت دارند که نسبت به اعضای واقعاً نیازمند کلیسای محلی مثل یتیمان، بیوه‌ها و تازه ایمانان توجه محبت‌آمیز و علاقه نشان دهد. آنها مریضان را ملاقات و برایشان دعا می‌کنند. پیران کلیسا همراه با هم نسبت به معلمین کاذب و فریبکار هوشیار هستند. هر يك از پیران کلیسا علاوه بر اعضای کلیسای محلی ناظر و مواظب سایر پیران کلیسا است. بدین ترتیب هم اعضاء و هم پیران کلیسا نسبت به شخص دیگر نیز پاسخگو می‌باشند. پیران

کلیسا به عنوان شبانان بایستی خدمت خود را نه به خاطر يك مقام بلکه به عنوان يك مسئولیت انجام دهند. همچنین نباید فقط يك شبان برای هر کلیسا وجود داشته باشد. هر يك از اعضاء " شورای پیران کلیسا " بایستی يك شبان باشد.

ب) خدمت دوم پیران کلیسا این است که مدیران در خاندان خدا باشند.

بخوانید: اول تسالونیکیان ۵: ۱۲ - ۱۵ ؛ تیموتائوس ۳: ۵ ؛ ۵: ۱۷ ؛ تیطس ۱: ۷.

کشف و گفتگو کنید: مدیر اجتماع مسیحی (کلیسا) بودن یعنی چه؟

ملاحظات: به عنوان مدیر به پیران کلیسا خدمت هدایت و مدیریت فعالیتها و دارایی‌های کلیسای محلی داده شده است. پیران کلیسا و نه خادمان بایستی امور کلیسای محلی را هدایت کنند.

۱) درتسالونیکیان و تیموتائوس، خدمت پیران کلیسا به صورت تصمیم گرفتن، هدایت کردن یا مدیریت ذکر شده است. البته هدایت یا مدیریت با مفهوم پیشبرد یا جهت دادن به دیگران با گذاشتن يك نمونه از خود می‌باشد.

۲) در تیطس، خدمت پیران کلیسا به عنوان مدیران و مجریان خاندان خدا شرح داده شده است.

به هر حال شیوه رهبری پیران کلیسا نباید خداوندی کردن بر آنانی باشد که بدیشان سپرده شده‌اند بلکه رهبری آنها از طریق به جا گذاشتن يك نمونه از خود می‌باشد (اول پطرس ۵: ۲ - ۳). اگر یکی از پیران کلیسا، خانواده خود را به خوبی مدیریت نکند (اول تیموتائوس ۳: ۴ - ۵) یا همسر و فرزندانش به توجه بیشتری احتیاج داشته باشند بایستی از مقام خود استعفاء داده و آنچه خانواده‌اش به آن نیاز دارند را در اختیار آنها قرار دهد. بایستی بین تمام مسئولیتهای آنها در زندگی هماهنگی برقرار باشد.

گفتگو کنید: پیران کلیسا بایستی کدام عملکردها و فعالیتها را هدایت و مدیریت کنند؟

ملاحظات:

۱) پیران در جلسات خود عملکردهای کلیسای محلی را اداره می‌کنند.

آنها هم جلسات معمولی و هم جلسات خاص را به پیش برده و هدایت می‌کنند.

- جلسات معمولی برای مثال خدمات پرستشی روز خداوند و همچنین جلسات گروههای کوچك بررسی کتاب مقدس، دعا و مشارکت هستند (اعمال ۲: ۴۲).
- جلسات خاص برای مثال تعمید و شام خداوند، جشن هایی مانند عید پاك، ازدواج مراسم دفن، ملاقات‌ها، جلسات مراقبت و تجهیز اعضاء و همچنین جلسات دعا برای نبرد روحانی برعلیه ملکوت ظلمت.

۲) پیران کلیسا عملکرد کلیسای محلی در جهان را اداره می‌کنند.

آنها فعالیتهای زیر را به پیش می‌برند و هدایت می‌کنند.

- آنها اعضای کلیسا را تشویق می‌کنند که به خانواده‌هایشان و همسایه‌هایشان بشارت بدهند از خود شهادتی مسیحی در مراکز و مؤسسات فرهنگی محلی به جا بگذارند مثل مدارس، انجمن‌ها و دولت (متی ۵: ۱۳ - ۱۶ ؛ ۱۰: ۳۲ - ۳۷ ؛ اعمال ۵: ۴۲) و برای همه مردم جهان دعا کنند (اول تیموتائوس ۲:۱ - ۲).
- از فعالیتهای مبلغین در سایر مناطق و سایر قومها حمایت میکنند و همینطور از سازمانهای مذهبی با اهداف خاص و کلیساهای نیازمند در سایر جاها (رومیان ۱۶: ۲۳ - ۲۴ ؛ فیلیپیان ۱: ۵ ؛ ۴: ۱۵ - ۱۶ ؛ سوم یوحنا ۵ - ۸ ؛ دوم قرنتیان ۸).

۳) پیران کلیسا عملکرد برنامه‌های آموزشی کلیسای محلی را اداره می‌کنند.

آنها فعالیتهای زیر را به پیش می‌برند و هدایت می‌کنند.

- آنها شاگردسازی را در کلیسا سازماندهی می‌کنند. همه اعضاء بایستی رشد کنند و در مسیح بالغ شوند.
- بایستی تجهیز همه اعضاء را برای انجام فعالیتهای مختلف خدماتی سازماندهی کنند (افسسیان ۴: ۱۱ - ۱۶).
- آنها کلاس‌های تعمید، تعلیم بچه‌ها، جوانان، بزرگسالان و افراد مسن و همچنین گروههای کار را برای بشارت سازماندهی می‌کنند.

۴) پیران کلیسا عملکرد شخصی اعضاء را به عنوان مسیحیان اداره می‌کنند.

آنها کمکهای شخصی را به پیش می‌برند و نظارت می‌کنند.

- آنها همه اعضاء را تشویق می‌کنند که در روابطشان محبت داشته و در فعالیتهایشان رفتار شایسته‌ای داشته باشند (عبرانیان ۱۰: ۲۴ - ۲۵).
- آنها اعضاء را با صبر زیاد و دستورالعمل دقیق، اصلاح، توبیخ و بخصوص تشویق می‌کنند (دوم تیموتائوس ۴: ۱ - ۵ ؛ تیطس ۲: ۱۵).
- آنها مشاوره با همه اعضایی که مشکل دارند و آسیب دیده‌اند را سازماندهی می‌کنند (اول تسالونیکیان ۵:۱۲ - ۱۵).

- نسبت به همه اعضایی که مرتکب گناهان بسیارجدی می‌شوند انضباط کلیسایی را به کار می‌برند (متی ۱۸: ۱۵ - ۱۷).

۵) پیران کلیسا عملکردهای اعضاء در خدمات مختلف را اداره می‌کنند.
آنها فعالیتهای زیر را به پیش می‌برند و هدایت می‌کنند.

- آنها همه اعضای کلیسای محلی را تشویق می‌کنند که در فعالیتهای خدماتی متفاوت شرکت کنند البته هماهنگ با خدمتی که مسیح به آنها محول کرده و عطایای روحانی که او به هرکدام از آنها داده است.
- به آنها کمك می‌کنند که توانایی‌های عطایای روحانی خود را کشف کنند و به آنها این فرصت را می‌دهند که نسبت به خدمات و عطایایشان دارای عملکرد باشند. این شامل تشویق آنها به زندگی، تشخیص، امتحان، محدودکردن و نظارت بر عمل منظم عطایای روحانی بر طبق تعالیم کتاب مقدس است (اول تیموتائوس ۴: ۱۴ ؛ دوم تیموتائوس ۱: ۶ ؛ اول تسالونیکیان ۵: ۱۹ - ۲۱ ؛ اول قرنتیان ۱۲: ۱۰ ؛ اول یوحنا ۴: ۱ ؛ اول قرنتیان ۱۴: ۲۶ - ۴۰).

پ) خدمت سوم پیران کلیسا این است که معلمین کلام خدا باشند.
بخوانید: اول تسالونیکیان ۵: ۱۲ ؛ اول تیموتائوس ۳: ۲ ؛ ۵: ۱۷ ؛ تیطس ۱: ۹.
کشف و گفتگو کنید: معلم کلام خدا در اجتماع مسیحی بودن، یعنی چه؟
ملاحظات: به عنوان معلم به پیران کلیسا مسئولیت استفاده از کتاب مقدس برای موعظه، تعلیم، نصیحت و تنبیه کردن مردم سپرده شده است.

۱) مسئولیتهای پیران کلیسا در ارتباط با کتاب مقدس.

- آنها کلام خدا را برای غیرمسیحیان و همینطور مسیحیان موعظه می‌کننـــد (اول تیموتائوس ۵: ۱۷).
- آنها از کتاب مقدس برای گفتگو در مورد عیسی مسیح با غیرمسیحیان همینطور مسیحیان استفاده می‌کنند (اعمال ۱۷: ۱ - ۴، ۱۱).
- آنها به اعضای کلیسای محلی تمام اراده خدا را که در کتاب مقدس آشکار کرده است تعلیم می‌دهند (اعمال ۲۰: ۲۰، ۲۷).
- آنها به اعضاء تعلیم می‌دهند که از فرامین عیسی اطاعت کنند (متی ۲۸: ۲۰).
- آنها با استفاده از حکمت کلام مسیح، کلام خدا را در افکار و قلوب اعضای کلیسا جا می‌اندازد و وارد می‌کنند، ترسوها را تشویق می‌کنند و به آنانی که تنبل هستند هشدار می‌دهند و به آرامی به مخالفین خود تعلیم می‌دهند (کولسیان ۳: ۱۶ ؛ اول تسالونیکیان ۵: ۱۲- ۱۵ ؛ دوم تیموتائوس ۲: ۲۳ - ۲۶).
- آنها در مورد موضوعات آموزشی گفتگو می‌کنند و تصمیم می‌گیرند (اعمال ۱۵ ؛ دوم تیموتائوس ۱: ۱۳) و تعالیم غلط را رد می‌کنند و غیره.

۲) پیران کلیسا الزاماً در آموزشگاه کتاب مقدس دوره ندیده و دارای خدمت تمام وقت نیستند.

- پیران کلیسای عهد جدید معمولاً شبانان، واعظین یا معلمین تمام وقت نبودند. گرچه پیران کلیسا بایستی بتوانند تعلیم بدهند (اول تیموتائوس ۳: ۲) و بایستی تعلیم درست مسیحی را درك کرده باشند (تیطس ۱: ۹).
- بعضی پیران کلیسای عهد جدید اساساً واعظین و معلمین بودند (اول تیموتائوس ۵: ۱۷) اما کتاب مقدس نمی‌گوید که آنها در خدمت تمام وقت بودند. کتاب مقدس تعلیم نمی‌دهد که فقط پیران کلیسا دارای آموزش رسمی در آموزشگاه یا مدرسه کتاب مقدس بوده‌اند و اقتدار یا قابلیت موعظه و تعلیم کلام خدا را دارند.
- گرچه بعضی از اشخاص مثل تیموتائوس و تیطس می توانند به عنوان شبانان تمام وقت به حساب آیند ولی آنها بیش از تنها، یک شبان کلیسای محلی بودند. آنها با پولس رسول به مسافرتهای زیادی می‌رفتند. بیشتر همکاران او و مبلغین بودند تا فقط شبانان.
- حتی تیموتائوس و تیطس هم در آموزشگاه یا مدارس کتاب مقدس آموزش ندیده بودند. اما از طرف پولس رسول در حین کار خدمت آموزش دیدند، درست مثل رسولان که از طرف عیسی مسیح آموزش یافتند.

۳) پیران کلیسا که هنوز جوان هستند، دارای اقتدار میباشند.
گرچه یك رابطه همراه با احترام در ارتباط بین مردان جوان و مسن تر درکلیسا لازم و ضروری است (اول پطرس ۵: ۵)، پیران کلیسا که هنوز جوان هستند، مسئولیت و اقتدار تعلیم، اصلاح و توبیخ همه اعضاء کلیسا حتی در صورت لزوم دیگر پیران کلیسا که مسن تر از آنان هستند را دارند (اول تیموتائـــوس ۱: ۳ - ۵ ؛ ۴: ۱۱ - ۱۳ ؛ دوم تیموتائوس ۲: ۲۲ - ۲۶). به هرحال همه پیران کلیسا بایستی نسبت به یکدیگر با احترام رفتار کنند (اول تیموتائوس ۳: ۲ ؛ ۵:۱ - ۲ ؛ تیطس ۱: ۷).

ت) خدمت چهارم پیران کلیسا این است که خادمین خدا و مردم باشند.
بخوانید: متی ۲۰: ۲۵ - ۲۸ ؛ اول پطرس ۵: ۲ - ۳.
کشف و گفتگو کنید: خادم خدا و مردم بودن در اجتماع مسیحی به چه معنی است؟

ملاحظات: به عنوان خادمین به پیران مسئولیت خدمت داوطلبانه، آزادانه و مشتاقانه خدا ومردم سپرده شده است.
۱) به عنوان خادمین، پیران کلیسا، خدمات را به نفع دیگران انجام می‌دهند.

۲) خدمت کردن فقط یك كار نیست بلکه یکی از ویژگی‌های پیران کلیسا است. خلاصه‌ای است از شیوه ضروری رهبری خدا برای پیران کلیسا. شیوه رهبری همه رهبران کلیسا بایستی کاملاً متفاوت باشد از شیوه رهبری رهبران جهان. پیران کلیسا بایستی داوطلبانه آزادانه و مشتاقانه خدمت کنند.
هم عیسی مسیح و هم پطرس رسول، رهبران کلیسا را قدغن می‌کنند از اینکه بر اشخاصی که عیسی مسیح به آنها سپرده است خداوندی کنند. در عوض رهبران کلیسا بایستی برای ایمانداران کلیسا نمونه باشند و به جای رهبری اعضاء با فرمان دادن به آنها، پیران کلیسا بایستی پیش روی ایمانداران حرکت کرده و آنها را هدایت کنند و به جای اینکه انتظار داشته باشند که اعضاء آنها را خدمت کنند آنها بایستی اعضاء را خدمت کنند (مرقس ۱۰: ۴۵ ؛ لوقا ۲۲: ۲۵ - ۲۷).

۵	**دعا (۸ دقیقه)** **دعای در پاسخ به کلام خدا**

به نوبت در تمام گروه یا درحالیکه به گروه‌های دو یا سه نفری تقسیم شده‌اید با دعاهای کوتاه، حقایقی را که امروز یاد گرفته‌اید به حضور خدا بیاورید.

۶	**تکلیف منزل (۲ دقیقه)** **برای درس بعدی**

(**سر گروه:** رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

۱ - تعهد - متعهد باشید به اینکه شاگردان بسازید.
آموخته های درس " درس ویژگی‌های یك رهبر مسیحی " را برای یکدیگر، برای شخصی دیگر یا برای گروهی از مردم موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
۲ - رازگاهان - هر روز نیمی از یك فصل را از قسمت جامعه ۵، ۶، ۷، ۸ بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
۳ - بررسی کتاب مقدس - درس بعدی بررسی کتاب مقدس (اعمال ۲۰: ۱۷ - ۳۸ - انتقال رهبری کلیسا در جهان) را در خانه آماده کنید. از روش ۵ قدم بررسی کتاب مقدس استفاده کنید و یادداشت بردارید.
۴ - دعا - در این هفته برای یك شخص یا موضوعی خاص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید. (مزمور ۵: ۳)
۵ - آموخته های جدید درمورد شاگردسازی را وارد دفتر(یا پوشه) خود کنید. از تمام یادداشت‌های خود در مورد پرستش، رازگاهان، یادداشتهای تعلیمی و این تکلیف منزل یك دفتر(یا پوشه) درست کنید.

درس ۴۸

۱	**دعا**

سرگروه. دعا کنید و گروه خود و این دوره شاگردسازی را به حضور خدا بیاورید.

۲	**درمیان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه)** **جامعه سلیمان**

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (جامعه ۵، ۶، ۷، ۸)، با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان میگذارد، بحث نکنید.

۳	**تعمق و حفظ کردن (۲۰ دقیقه)** **مرور آیات درباره شاگردی**

الف - <u>شیوه مرور آیات حفظی از کتاب مقدس</u>

مرور کردن آیاتی که قبلاً حفظ کرده‌اید دارای مراحل زیر است:

۱- **<u>مرور</u>** به این معنی که پنج آیه آخری را که حفظ کرده‌اید روزی یکبار تکرار کنید. تکرار، بهترین روش برای به خاطر سپردن آیه و بازگو کردن صحیح آن است. بنابراین پنج آیه آخر را که حفظ کرده‌اید حداقل یکبار در روز به مدت ۵ هفته مرور کنید. پس هر آیه جدید کتاب مقدس را قبل از اینکه به شیوه مرور آیات قبل اضافه شود، در حدود ۳۵ بار مرور می‌کنید.

۲- **<u>مرور مجدد</u>** به معنی مرور کردن تمام آیات سابق است که هر سه هفته یکبار انجام می‌شود. مرور آیات قبل بهترین شیوه برای به خاطر آوردن تمام آیات کتاب مقدسی است که قبلاً حفظ کرده‌اید. بنابراین از هر ۱۰۰ آیه قبلی که حفظ کرده‌اید پنج آیه از آن را هر روز دو بار مرور کنید. پس همه آیاتی را که قبلاً حفظ کرده‌اید هر سه هفته یکبار دوباره مرور کنید.

۳- **<u>همراه ببرید.</u>** مجموعه کارتها یا دفترچه یادداشت مربوط به آیات حفظی را با خودتان به سرکار ببرید. از زمانی که درحال مسافرت هستید و از وقتهای اضافی درطی روز، برای مرور، تعمق و دعا استفاده کنید. پنج آیه آخر کتاب مقدس را که حفظ کرده‌اید مرور کنید. چند آیه را که قبلاً حفظ کرده‌اید دوبار مرور کنید. درمورد محتویات این آیه تعمق و دعا کنید.

۴- **<u>سؤال کنید.</u>** از همدیگر آیات را بپرسید تا مطمئن شوید هنوز آیاتی را که بطور صحیح حفظ کرده‌اید می‌دانید. درهر جلسه گروهی، دو به دو تقسیم شوید و آخرین آیه‌ای را که حفظ کرده‌اید از یکدیگر بپرسید. همچنین گاهی دو به دو تقسیم شوید و پنج آیه‌ای را که قبلاً حفظ کرده بودید از یکدیگر بپرسید تا مطمئن شوید علاوه برکل آیه، نام مجموعه، عنوان و محل آیه را بدون اشتباه می‌دانید. به عنوان علامت راهنما، عنوان و محل آیه و بعضی اوقات چند کلمه نخست آیه را بگویید.

ب - <u>مرور دو به دوی مجموعه " شـــاگـــردی "</u>

۱) خداوندی. رومیان ۱۲: ۱ - ۲ ۲) انکارخود. لوقا ۹: ۲۳ ۳) خدمت. مرقس ۱۰: ۴۵	۴) بخشندگی. دوم قرنتیان ۹: ۶ - ۷ ۵) شاگردسازی. متی ۲۸: ۱۸ - ۲۰

بررسی کتاب مقدس (۷۰ دقیقه) انتقال رهبری کلیسا در جهان	۴

با استفاده از روش ۵ قدم بررسی کتاب مقدس، اعمال رسولان ۲۰: ۱۷ - ۳۸ را با یکدیگر بررسی کنید.

قدم ۱: بخوانید
بخوانید: اعمال ۲۰: ۱۷ - ۳۸ را با هم بخوانیم.
هر يك به نوبت آيه بخواند تا تمام قسمت خوانده شود.

قدم ۲: کشف کنید
توجه کنید: چه حقیقتی در این قسمت برای شما مهم است؟ یا کدام حقیقت در این قسمت ذهن یا قلب شما را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟
بنویسید: يك یا دو حقیقتی را که درك می‌کنید، کشف نمایید، در مورد آنها فکر کنید و افکارتان را در دفتر یادداشت خود بنویسید.
در میان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی به اعضای گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد، به نوبت برکاتشان را با هم در میان بگذارند). به نوبت برکات خود را از نکاتی که کشف کردیم با یکدیگردر میان بگذاریم.
(موارد زیر، مثال دو شخصی است که برکاتشان را با یکدیگر در میان می‌گذارند. به خاطر داشته باشید. در هر گروه کوچك اعضای آن گروه نکات مختلفی را با هم در میان می‌گذارند که نباید لزوماً یکسان باشند.)

کشف ۱) يك حقیقت مهم از نظر من این است که همیشه زمان انتقال رهبری فرار می‌رسد. همیشه زمان این می‌رسد که بایستی رهبران جدید مسیحی انتخاب و به جای سایر رهبرانی که مسئولیت جدیدی به آنها محول شده به کار گرفت. پولس رسول کلیسای افسس را تأسیس کرد (اعمال ۱۹) و به مدت ۲ سال کلیسا را بنا نمود (اعمال ۱۹: ۱۰). پولس تعلیم داد که او به زودی به دلیل جفای یهودیان خواهد مرد (اعمال ۲۰: ۳، ۱۹، ۲۲ - ۲۳، ۲۱: ۱۰ - ۱۳) و این آخرین باری خواهد بود که از افسس دیدار می‌کند (اعمال ۲۰: ۲۵، ۳۸). اعمال رسولان فصل ۲۰ چند اصول مهم را در ارتباط با شرایط رهبران جدید مسیحی تعلیم می‌دهد. زمانی که به دنبال مسیحیانی هستید که بالقوه رهبر می باشند به شرایط موجود در اعمال رسولان ۲۰ نگاه کنید.

کشف ۲) يك حقیقت مهم از نظر من این است که رهبران قدیمی بایستی از خود نمونه‌ای برای رهبران جدید به جا بگذارند. رهبران جدید نباید فقط انتخاب و منصوب شوند. آنها را بایستی با دعا انتخاب کرد، اگر لازم است آموزش داد و بعد به کار گرفت. عیسی دو تا سه سال و نیم برای انتخاب، آموزش و به کار گماشتن رهبرانی که می‌بایست کار او ادامه دهند وقت صرف کرد. اما یکی از مهمترین حقایق این است که رهبران قدیمی بایستی رهبران جدید را از طریق به جا گذاشتن يك نمونه آموزش دهند یعنی با ویژگی خداپسندانه و رهبری ماهرانه خود (داود به عنوان یک رهبر، مزمور ۷۸: ۷۲).

قدم ۳: سئوال کنید
توجه کنید: در این متن چه سؤالاتی در زمینه‌های مختلف وجود دارند که مایلید در گروه آنها را بپرسید؟
سعی کنیم تمام حقایق مربوط به اعمال رسولان ۲۰: ۱۷ - ۳۸ را درك کنیم و در مورد آنچه نمی‌فهمیم، سؤالهای خود را مطرح کنیم.
بنویسید: تا آنجایی که امکان دارد سؤال‌های خود را واضح و صریح مطرح کنید و سپس آنها را در دفتر یادداشت خود بنویسید
درمیان بگذارید: (بعد از این که مدتی به اعضای گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد اجازه دهید که هر کدام ازافراد سؤال خود را برای دیگران مطرح سازد).
گفتگو کنید: (سپس چند سئوال را از بین همه سئوالها انتخاب نمایید و سعی کنید با گفتگو کردن در مورد آنها در گروه، جوابی برایشان پیدا کنید). (در ادامه نمونه هایی از سئوالهایی که شاگردان ممکن است بپرسند و همچنین توضیحاتی در رابطه با آن مباحث آمده است).

سؤال ۱) (اعمال ۲۰: ۱۷) پیران کلیسا بایستی چه خصوصیاتی را داشته باشند؟
ملاحظات: رسولان نامه‌هایی را نوشته‌اند که در آنها به وضوح خصوصیات پیران کلیسای مسیحی را تعلیم داده‌اند. یک پیر کلیسا نباید هرگز براساس مقام، قدرت یا ثروت اجتماعی انتخاب شود. او بایستی بر اساس زندگی شخصی، زندگی خانوادگی و خدمتش برای عیسی مسیح انتخاب شود.

الف) <u>شرایط لازم در ارتباط با زندگی شخصی و رفتار.</u>
بعضی از این شرایط لازم يك به يك نام برده می‌شوند:

۱) **بخوانید:** اول تیموتــائوس ۳: ۱ - ۷ . او بایستـــی بی‌مــلامت، معتدل، پـــرهیزگار، قابل احترام، مهمانواز باشد و میگسار نباشد، زورگو نباشد بلکه آرام نه اهل نزاع و نه پول دوست، نه مغرور بوده و نزد دیگر مردم اعتبار باشد.
۲) **بخوانید:** تیطس ۱: ۵ - ۹ . او بایستی بی‌ملامت، حلیم و نه جنگجو و نه اهل مستی و نه اهل زور و نه اهل سود قبیح باشد بلکه مهمانواز باشد و آنچه خوب است را دوست بدارد پرهیزگار، درستکار، مقدس و منظم باشد.
۳) **بخوانید:** عبرانیان ۱۳: ۷ . او بایستی در رفتار و ایمان نمونه باشد.
۴) **بخوانید:** اول پطرس ۵: ۱ - ۵ . او بایستی مشتاق هدایت کردن افرادی باشد که به او سپرده شده‌اند و نه خداوندی کردن بر آنها. بایستی برای همه نمونه و فروتن باشد.

به طور خلاصه، در ارتباط با خواهشها و خشم بایستی پرهیزگار باشد. در ارتباط با پول بایستی قابل اعتماد و بدون طمع باشد. در روابطش بایستی فروتن باشد و بر دیگران خداوندی نکند. و در ارتباط با تأثیری که بر دیگران می‌گذارد بایستی يك نمونه باشد.

ب) <u>شرایط لازم در ارتباط با خانواده.</u>
شرط لازم این نیست که ازدواج کرده باشد بلکه نباید حرکات ناشایسته‌ای نسبت به زنان داشته باشد. اگر او ازدواج کرده بایستی نمونه‌ای از وفاداری نسبت به همسرش باشد و اگر ازدواج نکرده است او بایستی برای همه زنان نمونه‌ای از پاکی باشد. اگر دارای بچه است او بایستی آنها را در راه ایمان و اطاعت از مسیح هدایت کند و به آنها تعلیم دهد که به والدینشان احترام بگذارند.

پ) <u>شرایط لازم در ارتباط با توانایی‌های روحانی.</u>
در ارتباط با بلوغ روحانی، او نباید تازه ایمان یا ایمانداری نابالغ باشد. در ارتباط با کتاب مقدس او بایستی کاملاً آموزه مسیحی صحیح را حفظ کند و بتواند از کتاب مقدس در جنبه‌های مختلف خدمتش استفاده کند.

سؤال ۲) (اعمال ۲۰: ۱۸ - ۱۹) <u>ویژگی های شخصی رهبری پولس رسول چه بودند؟</u>
ملاحظات:
الف) <u>یک رهبر مسیحی قلبش برای گمشدگان است و این رویا را دارد که در مناطق و کشورهای دیگر در جستجوی آنها باشد.</u>
پولس فقط يك رهبر مسیحی یا شبان يك کلیسای محلی نبود بلکه او رسول عیسی مسیح بود. عیسی مسیح از ۱۲ رسول خود برای پایه گذاری کلیسای مسیحی در دنیا استفاده کرد. پطرس رسول یکی از اولین کسانی بود که در بین یهودیان (اعمال ۲)، در بین سامری‌ها (نیمه یهودیان) (اعمال ۸) و در میان غیریهودیها (اعمال ۱۰) کلیسای مسیحی بنا نمود. اما پولس رسول کلیسای مسیحی را به تمام مناطق شرقی و غربی امپراطوری روم توسعه داده و نخستین کلیسای مسیحی را در سوریه و آسیای صغیر (ترکیه) (اعمال ۹: ۳۰ ؛ غلاطیان ۱: ۲۱ - ۲۳ ؛ اعمال ۱۳، ۱۴)، قبرس (اعمال ۱۳)، مقدونیه (اعمال ۱۶)، یونان (اعمال ۱۷ - ۱۹)، الیرکون (آلبانی) (رومیان ۱۵: ۱۹)، کریت (تیطس ۱)، ایتالیا (رومیان ۱۵: ۲۳ ؛ اعمال ۱۹: ۲۱) و احتمالاً اسپانیا (رومیان ۱۵: ۲۴، ۲۸) تأسیس نمود.

ب) <u>رهبر مسیحی با نحوه زندگی و خدماتش يك نمونه به جا می‌گذارد.</u>
رفتار و اعمال رهبر مسیحی بلندتر از موعظه و تعالیمش فریاد می‌زنند. عیسی تعلیم داد که او بایستی نوری در تاریکی، نمك در اجتماع بی‌فایده و خدمتگزار آنانی که رهبریشان می‌کند، باشد (متی ۵: ۱۴ - ۱۶ ؛ متی ۲۰: ۲۵ - ۲۸).

سؤال ۳) (اعمال ۲۰: ۲۰ - ۲۷) <u>مسئولیت شخصی رهبری پولس رسول چه بود؟</u>
ملاحظات:
الف) <u>رهبر مسیحی تمامی اراده خدا در کتاب مقدس را تعلیم می‌دهد</u> (۲۰: ۲۷).
حداقل چیزی که مسیحیان بایستی بدانند تمامی اراده خدا است. ایماندار جدید نباید فقط انجیل و قسمتهای مشخصی از کتاب مقدس را بشنود بلکه تمامی اراده خدا را در کتاب مقدس. پیغام کتاب مقدس یکپارچه است.

۱) رهبران مسیحی بایستی ایمانداران را براساس عناوین موجود در عهد عتیق تعلیم دهند: ماهیت کتاب مقدس، خلقت، سقوط انسان در گناه، نجات ایمانداران توسط خدا، نسب‌نامه مسیح در سرتاسر کتاب مقدس، عهد خدا و ایمان انسان، شریعت و فیض، کتب تاریخی کتاب مقدس، سلطنت خدا در حکومت الهی، کتب شعری در کتاب مقدس، کتب نبوتی در کتاب مقدس و اسرائیل در کتاب مقدس.

۲) رهبران مسیحی بایستی ایمانداران را با عناوین جدید عهد جدید تعلیم دهند: زندگی مسیح، مرگ مسیح، قیام مسیح، خداوندی مسیح، ملکوت خدا، روح‌القدس، جامعه مسیحی یا کلیسا، رشد مسیحی، ارتباطات مسیحی بین مردان – زنان، نبرد روحانی، شاگردسازی، آموزش کارکنان، تجهیز رهبران، استفاده از عطایای روحانی در مسئولیتهای کلیسای مسیحی و آمدن ثانویه عیسی مسیح .
۳) رهبران مسیحی بایستی به ایمانداران تعلیم دهند نه فقط برای اینکه آنان آگاهی و ایمان داشته باشند، بلکه ایماندار باشند و برطبق ایمان عمل کنند. آنها باید تعلیم دهند که آنان کلام خدا را بطور عملی بکار ببرند و شخصیت مسیحی داشته باشند.

ب) رهبر مسیحی هر آنچه که کمك کننده باشد را موعظه می‌کند (۲۰: ۲۸).
حداکثر چیزی که مسیحیان باید بدانند آن چیزهایی است که کمك کننده می‌باشند. ایمانداران نباید به فلسفه‌های ساخته شده توسط انسان، تئوری‌های برنامه‌های سیاسی، کاشتن نفرت برعلیه سایر مردم، تعالیم دروغین انبیاء کاذب یا نظریات شخصی مردم در مورد موضوعات روحانی گوش دهند. رهبران مسیحی و معلمین بایستی خود را به اندازه کافی آماده کنند، کتاب مقدس را کاملاً تعلیم دهند و هر آنچه که کمك‌کننده و بناکننده است تعلیم دهند (افسسیان ۴: ۲۹).

پ) رهبر مسیحی مردم را علناً و خانه به خانه تعلیم می‌دهد (۲۰: ۲۰).
یک پیر کلیسا بایستی بتواند کتاب مقدس را تعلیم دهد (اول تیموتائوس ۳: ۲). بعضی رهبران مسیحی کتاب مقدس را در کلیسا علناً تعلیم خواهند داد (اول تیموتائوس ۵: ۱۷) در حالیکه سایرین کتاب مقدس را در گروههای کوچکتر و در خانه‌های ایمانداران تعلیم خواهند داد (اعمال ۵: ۴۲ ؛ ۱۷: ۱ - ۴).

ت) رهبر مسیحی بدون استثناء بر همه مردم آشکار می‌کند که بایستی بازگشت کرده و ایمان بیاورند (۲۰: ۲۱).
رهبران مسیحی نباید برای علاقمندان فقط سخنرانی کنند بلکه آنها را به چالش وا دارند تا به پیغام پاسخ دهند. آنها بی‌ایمانان را دعوت می‌کنند که به سوی تنها خدای واحد بازگشت کنند و این کار را با حالت توبه انجام دهند. این یعنی بی‌ایمانان قبول می‌کنند که گناهکار و گمشده هستند و نیاز به یك نجات‌دهنده دارند. آنها مردم را دعوت می‌کنند که به خداوندی عیسی مسیح ایمان بیاورند که به جای گناهان آنها مرد و از مردگان قیام کرد تا آنها زندگی تازه‌ای داشته باشند.

ث) رهبر مسیحی آماده است تا زندانی شود و سختی ببیند (۲۰: ۲۲ - ۲۳).
به خودی خود این دعوت سختی از رهبر مسیحی به شمار می‌آید. اما رنج کشیدن به خاطر مسیح و ملکوتش همچنین پاداش عظیمی دارد. عیسی مسیح خداوند، داور عادل، او را با تاج و عدالت پاداش خواهد داد (دوم تیموتائوس ۴: ۸) و او در جلال خداوند عیسی مسیح شریك خواهد گردید. در اینجا جلال خداوند عیسی مسیح مربوط به آسمان و زمین جدیدی است که فقط عادلان در آن زیست خواهند کرد. بهشت قدیم باغی بود زیبا که در آن باز هم مردم می‌توانستند گناه کنند و بالاخره هم گناه کردند (پیدایش ۲: ۱۵ - ۱۷ ؛۳: ۶). اما بهشت جدید از بهشت قدیم بسیار فاصله دارد. شامل کل زمین احیاءشده می‌باشد (مکاشفه ۲۱: ۱ - ۲). فقط ایمانداران درعیسی مسیح در آن زندگی خواهند کرد (۲۱: ۸، ۲۷) و هرگز دوباره قادر نخواهند بود که گناه کنند و نخواهند مرد (مکاشفه ۲۱: ۴ - ۵).

ج) رهبر مسیحی واقعی، خاتمه دهنده است (۲۰: ۲۴).
او هرگز خسته خاطر و مأیوس نمی‌شود تا تکلیفش را که خدا به او سپرده است، کامل کند.

سؤال ۴) (اعمال ۲۰: ۲۸- ۳۱) شرح خدمت پیران کلیسا چیست؟
ملاحظات:
الف) روح‌القدس مردان خاصی را تعیین می‌کند تا پیران کلیسا باشند؟
او اینکار را از طریق زیر انجام می‌دهد:

۱) کاندیداهای این خدمـــت بایستی مردانی با تولد تازه باشند. تولد تازه همیشه کار روح‌القدس است (یوحنا ۳: ۳ - ۸).
۲) مردانی که از قبل ثابت کرده‌اند که دست خدا بر آنها و خدمت آنها است یعنی روح‌القدس از طریق آنها خدمت می‌کند. اینها بهترین کاندیداهای رهبری می‌باشند (دوم قرنتیان ۱۰، ۱۸، اعمال ۶، ۳، ۵).
۳) اعضای کلیسا، که این رهبران جدید را انتخاب می‌کنند نیز بایستی تولد تازه داشته باشند (اعمال ۱: ۲۱ - ۲۲ ؛ ۶: ۳).

ب) رهبران مسیحی دارای مسئولیتهای زیر می‌باشند:
یك کلیسای مسیحی بایستی توسط شورای پیران کلیسا هدایت شود (تیموتائوس ۴: ۱۴) که شامل چندین پیر کلیسا می‌شود و نه فقط یك پیر (شبان).

۱) پیران کلیسا بایستی شبانان ایمانداران و ناظرین تمام فعالیتهای ایمانداران باشند. یك شبان گوسفندش را تغذیه و محافظت می‌کند. یك ناظر با گذاشتن یك نمونه از خود، کلیسا را هدایت می‌کند و مواظب اتفاقاتی است که برای کلیسا می‌افتد.
۲) پیران کلیسا بایستی مواظب خودشان باشند. پیران نه تنها مسئول زندگی اخلاقی و روحانی ایمانداران هستند بلکه مسئول زندگی اخلاقی و روحانی دیگر پیران کلیسا نیز می باشند. به همین خاطر است که باید بیش از یك پیر کلیسا در کلیسا وجود داشته باشد. هر رهبر مسیحی بایستی با دیگران رابطه‌ای داشته باشد که بتواند نسبت به زندگی و خدمتش به دیگران پاسخگو باشد.
۳) پیر کلیسا بایستی ایمانداران را در مقابل معلمین دروغین که سعی می‌کنند گله (کلیسا) را آشفته سازند، محافظت کنند.
۴) پیران کلیسا بایستی از نمونه پولس پیروی کنند و به مردم درصورت لزوم هشدار دهند.

سئوال ۵) (اعمال ۲۰: ۳۲ - ۳۵) رهبران مسیحی چگونه بایستی حمایت شوند؟
ملاحظات:
الف) اعتماد به اینکه خدا از قومش مواظبت می‌کند.
حال که پولس رسول بایستی آنانی را که مواظبتشان می‌کرد ترك کند آنها را رها نکرد. او آنها را به خدا و فیض خدا که شایستگی آن را ندارند می‌سپارد که یقیناً به اندازه زمانی که پولس رسول درمیان آنها بود به خوبی از آنها مواظبت خواهد کرد. او آنها را به کلام خدا در کتاب مقدس می‌سپارد که آنها را بنا خواهد کرد و به آنها میراثی درمیان ایمانداران خواهد بخشید.
کلیسای افسس حالا بایستی بر روی پای خود بایستد و دیگر وابسته به یك رسول نباشد. آنها خدای زنده را دارند که هرگز آنها را ترك نخواهد کرد (عبرانیان ۱۳: ۵ - ۶ ؛ متی ۲۸: ۲۰). آنها کتاب مقدس، کلام خدا را دارند که دائماً آنها را بنا می‌کند و آنها دارای شورای پیران کلیسا هستند که آنها را شبانی و نظارت می‌کنند.

ب) حق حمایت شدن.
گرچه پولس به ندرت از جانب کلیساهای مسیحی دیگر حمایت می‌شد (اول قرنتیان ۹: ۶) او تعلیم داد پیران کلیسا که مسائل کلیسایی را به خوبی اداره می‌کنند شایسته هستند که " حرمتی مضاعف " بیابند یعنی حرمت و دستمزد. این بخصوص در مورد پیران کلیسایی صدق می‌کند که کتاب مقدس را موعظه و تعلیم می‌دهند. کارگر مستحق دستمزد خود است (اول تیموتائوس ۵: ۱۷ - ۱۸). خداوند عیسی مسیح دستور داده بود که هر که به انجیل اعلام نماید از انجیل معیشت یابد (اول قرنتیان ۹: ۷ - ۱۴). گرچه یك رهبر مسیحی حق حمایت شدن را دارد اما او این حق را ندارد که از کلیسا این انتظار را داشته باشد.

پ) آزادی خدمت بدون حمایت (۲۰: ۳۳ – ۳۴).
پولس رسول اغلب کلیساهای مسیحی را خدمت می‌کرد بدون اینکه هیچ حمایتی را از آنها بطلبد یا دریافت کند. او واقعاً افتخار می‌کرد که برای تدارك نیازهای شخصی و همچنین نیازهای همکاران همراهش کار می‌کند. این امکان وجود دارد که علت این انتخاب پولس این بود که در اطراف، رسولان کاذبی وجود داشتند که خدمتشان را با پول به کلیساها می‌فروختند. او می‌خواست نمونه‌ای برای مسیحیان به جا بگذارد که آنچه دارد مجاناً از مسیح یافته است (اول قرنتیان ۴: ۷) و آنچه به دیگران سپرده، مجاناً سپرده است (متی ۱۰: ۸). او یقیناً نمی‌خواست که برای کلیسای مسیحی بار باشد (دوم قرنتیان ۱۱: ۹).

ت) مسئولیت شریك ساختن نیازمندان (۳۵:۲۰).
خواه مسیحیان حمایت بشوند و یا به خاطر کارشان دستمزد دریافت کنند این مسئولیت را دارند که آن را با نیازمندان بین خودشان درمیان بگذارند (یعقوب ۲: ۱۴ - ۱۶ ؛ اول یوحنا ۳: ۱۶ - ۱۸). رهبران مسیحی قطعاً بایستی در این زمینه نمونه باشند. عیسی مسیح خداوند خودش گفت " دادن از گرفتن فرخندەتر است ".

سؤال ۶) (اعمال ۲۰: ۳۶ - ۳۸) پولس رسول و مسیحیان افسس چگونه با یکدیگر ارتباط می‌یافتند؟
ملاحظات:
الف) رابطه مرئی دعا، آنها را به هم پیوسته بود.
وقتی پولس آنجا را ترك می‌گفت همه زانو زده و پولس برای آنها دعا کرد.

ب) رابطه مرئی محبت، آنها را به هم متصل کرده بود.
پس برای او گریستند بر گردن او آویخته و او را بوسیدند.
این راه شیوه خوبی برای انتقال رهبری کلیسا به سایرین است.

قدم ۴: به کاربرید
توجه کنید: کاربرد چه حقایقی در این قسمت برای مسیحیان امکان پذیر است؟
در میان بگذارید و بنویسید: افکار خود را صریحاً با هم در میان بگذارید و فهرستی از کاربردهای امکان پذیر بر اساس اعمال ۲۰: ۱۷ - ۳۸ تهیه کنید.
توجه کنید: خدا از شما می خواهد کدامیک از کاربردهای امکان پذیر را تبدیل به یك کاربرد مشخص بکنید؟
بنویسید: این کاربرد شخصی را در دفتر یادداشت خود بنویسید. کاربرد شخصی خود را بدون دغدغه با دیگران در میان بگذارید. به یاد داشته باشید که افراد در هر گروه، کاربرد حقایق متفاوتی را پیدا می کنند وحتی از یك حقیقت کاربردهای متفاوتی می یابند.
(فهرست زیر نمونه هایی از کاربردهای امکان پذیر در این قسمت از کتاب مقدس میباشند).

نمونه هایی از کاربردهای امکانپذیر (اعمال رسولان ۲۰: ۱۷- ۳۸)

- ۲۰: ۱۷ * ماهی یکبار شورای پیران کلیسا به منظور مشارکت، دعا و آموزش درمورد وظایفشان جمع شوند.
- ۲۰: ۱۸ * به آنچه موعظه می‌کنید (یا تعلیم می‌دهید) عمل کنید.
- ۲۰: ۱۹ * همیشه رهبری فروتن باشید.
- ۲۰:۲۰ * هیچگاه در مورد موضوعاتی که کمك کننده نیستند، موعظه نکنید.
- ۲۰: ۲۱ * موعظه خود را با دعوت شنوندگان به پاسخ دادن به کلام خدا خاتمه دهید.
- ۲۰: ۲۳ * این حقیقت را بپذیرید که رهبران مسیحی اغلب اولین کسانی هستند که با جفا، مشکلات و حبس مواجه می‌شوند.
- ۲۰: ۲۴ * خاتمه دهنده باشید و کاری که خداوند عیسی مسیح به شما محول کرده است تمام کنید (یوحنا ۴: ۴۲ ؛ ۱۷: ۴ ؛ اول قرنتیان ۷: ۲۴ - ۲۷ ؛ کولسیان ۴: ۱۷؛ دوم تیموتائوس ۴: ۷ ؛ عبرانیان ۱۲: ۱ - ۳).
- ۲۰: ۲۵ * به خاطر داشته باشید که انجیل فیض (۲۰: ۲۴) همان انجیل ملکوت است (۲۰: ۲۵ ؛ اعمال ۸: ۱۲ ؛ ۲۸: ۲۳، ۳۱).
- ۲۰: ۲۷ * تصمیم بگیرید که تمام اراده خدا را برای مردم موعظه کنید.
- ۲۰: ۲۸ * اگر رهبر هستید، برای اعضاء شبان و نسبت به فعالیتها ناظر باشید و سایر پیران کلیسا را تحت مراقبت و توجه داشته باشید.
- ۲۰: ۲۹ - ۳۱ * از گله خداوند عیسی مسیح درمقابل گرگان محافظت کنید (معلمین دروغین).
- ۲۰: ۳۱ * درمقابل معلمین دروغین بارها و بارها به گله هشدار بدهید.
- ۲۰: ۳۲ * زمانیکه رهبری را واگذار می‌کنید رهبران جدید را به خدا، فیض و کلام او بسپارید.
- ۲۰: ۳۳ - ۳۴ * اگر امکان‌پذیر است بعضی اوقات برای رفع احتیاجات خود و همچنین همکاران خود کار کنید.
- ۲۰: ۳۵ * به خاطر داشته باشید که دادن از گرفتن فرخنده‌تر است.
- ۲۰: ۳۶ * بعضی وقتها که دعا می‌کنید روی زانوها دعا کنید.
- ۲۰: ۳۷ * بعضی اوقات محبت و توجه خود را به شیوه‌ای که از نظر فرهنگی پذیرفته است به برادران و خواهران خود ابراز کنید.

نمونه هایی از کاربردهای شخصی

الف) می‌خواهم موعظه و تعالیم خود را در این دو محدوده حفظ کنم. از یك طرف تمام اراده خدا از کتاب مقدس را موعظه و تعلیم دهم و نه فقط یك قسمت مشهور از کتاب مقدس را. و از طرف دیگر هرگز در مورد عناوینی که برای شنوندگان کمك کننده نیستند موعظه نکنم و تعلیم ندهم.

ب) می‌خواهم آنچه موعظه می‌کنم را به عمل آورم. زندگی من و همه چیزهایی که می‌گویم و انجام می‌دهم بایستی نمونه‌ای برای سایر ایمانداران باشد. می‌دانم که همیشه تأثیرگذار هستم. هم تأثیری منفی می‌توانم داشته باشم با به جا گذاشتن نمونه‌ای غلط و یا با بیکار بودن و یا دارای تأثیری مثبت خواهم بود با به جا گذاشتن نمونه‌ای درست و انجام کارهایی که بیشتر مردم را به شباهت عیسی مسیح تغییر دهد. می خواهم یک تغییردهنده باشم. می خواهم یک نظم دهنده باشم.

قدم ۵: دعا کنید
در مورد حقایقی که خدا به ما در اعمال ۲۰: ۱۷ - ۳۸ آشکار کرده است، دعا کنیم.
(در دعایتان به آنچه که در طی این بررسی کتاب مقدس دریافت کرده اید، پاسخ دهید، تمرین کنید که در فقط یک یا دو جمله دعا کنید. بیاد داشته باشید که افراد در هر گروه، در مورد حقایق متفاوتی، دعا خواهند کرد.)

۵	**دعا (۸ دقیقه)** **دعای شفاعت**

به دعا کردن در گروه های دو یا سه نفره ادامه دهید. برای یکدیگر و برای مردم دنیا دعا کنید.

۶	**تکلیف منزل (۲ دقیقه)** **برای درس بعدی**

(**سر گروه:** رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

۱- تعهد - متعهد باشید به اینکه شاگردان بسازید.
آموخته های بررسی کتاب مقدس در ارتباط با اعمال ۲۰: ۱۷ - ۳۸ را برای یکدیگر، برای شخصی دیگر یا برای گروهی از مردم موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
۲- رازگاهان - هر روز نیمی از یك فصل را از قسمت مرقس ۱: ۱ - ۴: ۲۰ بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
۳- حفظ کردن - مرور ۵ آیه حفظی آخر از کتاب مقدس را عادت خود قرار دهید. برآیه جدید کتاب مقدس از مجموعه بعـدی تعمق کنید و آن را حفظ کنید: شباهت مسیح - دوم قرنتیان ۳: ۱۸.
۴- دعا - در این هفته برای کلیسا، یك شخص یا موضوعی خاص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید. (مزمور ۵: ۳)
۵- آموخته های جدید در مورد شاگردسازی را وارد دفتر (یا پوشه) خود کنید. از تمام یادداشتهای خود در مورد رازگاهان ، آیات حفظی، بررسی کتاب مقدس و این تکلیف منزل یک دفتر (یا پوشه) درست کنید.

ضمیمه ۱
بخشندگی: ده یك

گرچه برای مسیحیان کلیسا دادن ده یک از درآمدشان به خاطر عیسی مسیح کاملاً مجاز است اما کتاب مقدس تعلیم نمی‌دهد که مسیحیان باید ده یك بدهند. ده یك در کتاب مقدس متعلق به قوانین تشریفاتی عهد عتیق است درست مانند معبد، کهانت و قربانی‌های حیوانات. قوانین تشریفاتی انجام شده و در عهد جدید کنار گذاشته شده‌اند.

الف - ده یك در زمانهای قدیم

۱- ده یك محدود به اسرائیل نبود.

ده یك از محصولات سرزمین، از منافع زندگی تجاری و غنایم جنگی و اهدای آن به یك خدای خاص یکی ازسنن قدیمی در میان سامی‌ها و همچنین قومهای هندوژرمن بوده است.

۲- ده یك در کتاب مقدس چندین مفهوم دارد.

الف) نشان دادن احترام.
ابراهیم (۲۱۶۷ - ۱۹۹۲ قبل از میلاد) به ملکیصدق پادشاه سالیم و کاهن خدای تعالی از غنایم جنگی ده یك داد. این کار نشانه‌ای از احترام به شخصی بود که مهمتر از شخص دهنده محسوب می‌شد (پیدایش ۱۴: ۱۸ - ۲۰).

ب) جبران کردن یك نذر.
یعقوب (۲۰۰۷ - ۱۸۶۰ قبل از میلاد) در بیت‌ئیل در نزد خدا نذری کرد. " اگر خدا با من باشد و مرا در این راه که می‌روم محافظت کند و مرا نان دهد تا بخورم و رخت تا بپوشم تا به خانه پدر خود به سلامتی برگردم هر آینه یهوه خدای من خواهد بود و این سنگی را که چون ستون برپا کردم بیت خدا شود و آنچه به من بدهی ده یك آن را به تو خواهم داد " (پیدایش ۲۸: ۲۰ - ۲۲).

پ) پرداخت سهم یك مالك دنیوی است.
یوسف برای مصریان مقدار ضروری را تعیین کرد که آنها دو دهم از محصول زمین را به فرعون بدهند (پیدایش ۴۷: ۲۴، ۲۶). این ده یکی دنیوی است و با ده یك مقدس تفاوت دارد.

ت) حمایت از خدمت پرستش عهد عتیق.
خدا بعد از خروج، فرمان ده یك مقدس را از طریق شریعت به موسی داد (۱۴۴۷ - ۱۴۰۷ قبل از میلاد) یعنی ده یك بخشی است از خدمت پرستشی قوم او در دوران عهد عتیق.

ب - ده یك برطبق شریعت عهد عتیق

۱- ده یك قسمتی از مراسم و تشریفات شریعت اسرائیل بود (۱۴۴۷ - ۱۴۰۷ قبل از میلاد).

الف) محتویات قوانین تشریفاتی.
قوانین تشریفاتی قوانینی در ارتباط با موارد زیر مطرح می‌ساخت:

۱) اشخاص مقدس (کاهنین، لاویان)
۲) مکانهای مقدس (خیمه اجتماع یا خیمه، معبد)
۳) اعمال مقدس (ختنه، قربانی آوردن، هدایا و ده یك، فقط گوشت پاك خوردن).
۴) اوقات مقدس (سبت، جشنها و یک روز روزه گرفتن)

ب) هدف از شریعت تشریفاتی.
شریعت تشریفاتی همراه با پرستش خدا در سرزمین مقدس است و به قوم دوران عهد عتیق یاد می‌داد که خدا می‌خواهد آنها به او نزدیک شده و او را پرستش کنند. خدا به اسرائیل دستور خراب کردن بتها را داد و همچنین فرمان داد که او را مانند سایر قومها پرستش نکنند (تثنیه ۱۸: ۹ - ۱۳). خدا مکانی را انتخاب کرد و چنین فرمان داد که تمام هدایایی

که به مذبح اختصاص نداشت مثل ده یك‌ها، میوه‌های خاص (احتمالاً نوبرها)، هدایای نذری، هدایای داوطلبانه (هدایایی که طبق شریعت یا نذر آوردن آنها الزامی نبود) و نخستزاده‌ها (تثنیه ۱۲: ۱ - ۶) را به آنجا بیاورند.
در مورد نخستزاده‌ها، نخستزاده‌های حیوانی به منظور خوراك کاهنین استفاده می‌شدند و اینها به عنوان هدایای خاص آماده می‌شدند (اعداد ۱۸: ۱۵ - ۲۰). و یا اینکه این حیوانات نخستزاده به عنوان غذا در جشنهای قربانی اورشلیم استفاده می‌گردیدند. (تثنیه ۱۲: ۷، ۱۷). ممکن است که کاهنین، جشن قربانی‌های نخستزاده های حیوانی را تدارك دیده و دهندگان این حیوانات را دعوت می‌کردند.

۲- محتوای ده یك کاملاً آشکار و ثابت نیست.

برطبق بعضی از متون عهد عتیق، ده یك شامل تمامی محصولات مزرعه‌ای است که سال به سال از زمین برآید یعنی غله، شراب نو و روغن (تثنیه ۱۴: ۲۲ - ۲۳ ؛ ۲۶: ۱۲ ؛ اعداد ۱۸: ۲۷ - ۳۰ ؛ نحمیا ۱۰: ۳۷ ؛ ۱۳: ۱۲). برطبق سایر قسمتها، ده یك شامل، تخم‌زمین، میوه درخت، ده یك گاو، گوسفند یا گله می‌باشد که " از زیر دست عصای شبان گذشته باشند یعنی تمام حیوانات نخستزاده‌ای که در طی سرشماری سالانه از زیر دست شمارندگان خواهند گذشت " (لاویان ۲۷: ۳۰، ۳۲ ؛ دوم تواریخ ۳۱: ۶ ؛ ارمیاء ۳۳: ۱۳).

۳- تعیین نحوه استفاده از ده یك کاملاً مشخص و ثابت نبود.

الف) ده یك برای لاویان (نخستین ده یك)
۱) ده یك به منظور خدمات تشریفاتی خیمه اجتماع. برطبق اعداد ۱۸: ۱ - ۷ خداوند قبیله لاوی را به منظور خدمت خیمه اجتماع و بعدها درهیکل جدا کرده بود. فقط یك خانواده از لاویان یعنی خانواده هارون به عنوان کاهنان در خیمه شهادت یعنی در" اندرون حجاب و هر کار مذبح " خدمت می‌کردند. بقیه لاویان درخیمه اجتماع سایر کارها را انجام می‌دادند. چون خداوند لاویان را به خدمت خوانده بود، برای معیشت زندگی آنها هم ترتیباتی داده بود. خداوند فرمان داده بود که ده یك اسرائیلیان به آنانی داده شود که در خیمه اجتماع خدمت می‌کنند یعنی قبیله لاوی.
۲) ده یك لاویان. ده یك‌های اسرائیل به عنوان سهم آنها از میراث زمین و دستمزد کارشان در خیمه اجتماع به لاویان داده می‌شد. اما لاویان هم بایستی یك دهم از بهترین قسمت این ده یك غله و شراب را به کاهنین می‌دادند. این درست مثل تمام اسرائیلیان که تمامی بهترین روغن مو و غله را به عنوان نوبر محصول خود به خداوند می‌دادند (اعداد ۱۸: ۱۲).
۳) یك دهم ده یك از آن کاهنین بود. خداوند موارد زیر را به عنوان دستمزد کاهنین به آنها سپرده بود:
- هدایای قدس‌الاقداس، هدایای قدس، بخشی جدا شده از هدایای جنبانیدنی، نوبر محصول و هر چیز که به خداوند تخصیص می‌یافت و نخستزاده (اعداد ۱۸: ۸ - ۱۹ ؛ تثنیه ۱۸: ۱ - ۵).
- بخش دهم از تمام ده یك به لاویان اختصاص می‌یافت (اعداد ۱۸: ۲۵ - ۲۸).
- شراکت درغنایم جنگی (اعداد ۳۱: ۲۵ - ۲۹) و غرامت جرم در صورتیکه کسی که نسبت به او جرم شده است مرده باشد و بستگان نزدیك نداشته باشد (اعداد ۵: ۶ - ۱۰).

ب) ده یك برای اعیاد شادی و در حضور خداوند (دومین ده یك)
۱) ده یك برای اعیاد شادی در اورشلیم. بر طبق تثنیه ۱۲: ۶ - ۷ ؛ ۱۱ - ۱۲، ۱۷- ۱۹ ؛ ۱۴: ۲۲ - ۲۷، ده یك تمام محصول غله اسرائیل، مو و روغن نو بایستی در حضور خداوند در مکان سکونت نام او یعنی در معبد اورشلیم خورده شود. نخستزاده گله و گاو گوسفند نیز در آن زمان خورده می‌شود و این بخش قربانی به عنوان بخش‌خوردنی گذرانده می‌شد (تثنیه ۱۵: ۱۹ - ۲۰). این اتفاق هر سال می‌افتد و احتمالاً در موقعی که اسرائیلی‌ها به اورشلیم می‌آمدند تا عید حصاد را در پاییز جشن بگیرند (خروج ۲۳: ۱۶). در اینجا این ده یك به عنوان درآمد لاویان به حساب نمی‌آمد بلکه وسیله‌ای برای مشارکت با خداوند. اگر مسافت یك اسرائیلی تا اورشلیم آنقدر دور بود که نمی‌توانست ده یك خود را به آنجا ببرد پس اجازه داشت که آن را بفروشد و هر آنچه که دوست دارد مثل گله، گوسفند، مو و سایر نوشیدنی‌های تخمیر شده و هر چه که دوست دارد برای عید خریداری کند و همراه با کل خانواده و خادمین و لاویان شهر خود، آنها را در حضور خداوند می‌خورد و یاد می‌گرفت که همیشه به خدا احترام بگذارد.
۲) دومین ده یك. معلمین یهودی از نخستین قرن بعد از میلاد این ده یك " دومین ده یك " را بوجود آوردند. بعد از اینکه نخستین ده یك لاویان کنار گذاشته می شد از نه دهم باقیمانده یك دهم جدا می‌گردید. ممکن است که این دومین "ده یك" از نظر تحت‌اللفظی بی‌معنی باشد چون منطقی نیست که فکر کنیم اینهمه غذا همراه با خوراك گوشت حیوانات نخستزاده همه در طی یك خوراك قربانی مصرف می‌گردیدند پس به این ترتیب کلمه " ده یك " مفهومی عمومی‌تر از مفهوم فنی آن یعنی مفهوم" قسمتی ازکل " پیدا می‌کند. از طرف دیگر هیچ دلیلی وجود ندارد که معنی تحت‌اللفظی آن را بپذیریم و توجه داشته باشید که چنین خوراکهای فراوانی در روزهای عید دور از انتظار نبود. در واقع ما دقیقاً نمی‌دانیم که در آن روزها اینها دقیقاً چه معنایی داشت.

پ) <u>ده يك نيازمندان (سومين ده يك)</u>

۱) <u>ده يك براى نيازمندان.</u> برطبق تثنيه ۱۴: ۲۸ - ۲۹ و ۲۶: ۱۲ - ۱۵ در پايان هر سه سال تمام ده يك محصول آن سال در شهر ذخيره شده تا براى لاويانى كه حصه يا نصيبى در مال بخشنده نداشته‌اند و بـــراى غريبان و يتيمان و بيوه‌زنانى كه در شهر زندگى مى‌كردند خوراك باشد. در كل، اين ده يک نيازمندان بود. نيازمندانى كه مى‌توانستند بيايند از آن بخورند و راضى شوند. به اين معنى كه آنها بتوانند براى گذران زندگى حمايت شوند. اين ده يك مربوط به خوراك اعياد شادى نبود چون آنها در اورشليم برگزار مى‌شدند. و اين ده يك در ارتباط با زيارتگاه آورده نمى‌شد. به هر حال براى اينكه به اين ده يك ويژگى مقدس داده شود، آوردن آن داراى آئين خاصى بود. آورنده آن در حضور خداوند احتمالاً در حين ملاقات از اورشليم چيزى را اعلان مى‌كرد (تثنيه ۲۶: ۱۳ - ۱۵). او مى بايست اعلان مى‌كرد كه تمام ده يك را آورده و نبايد مادامیكه ده يك در خانه او ذخيره شده بود آن را آلوده مى‌ساخت. اين ده يك را " بخش مقدس " مى‌ناميدند چون گرچه به زيارتگاه مقدس آورده نمى‌شد ولى باز هم به خداوند تقديم مى‌گرديد. اين اعلان با بركت سال جديد كشاورزى خاتمه مى‌يافت.

۲) <u>ده يك براى فقرا.</u> " ده يک سومين سال " (تثنيه ۱۴: ۲۸- ۲۹) احتمالاً مانند همان ده يک عيد شادى در حضور خداوند است (" دومين ده يک "، تثنيه ۱۴: ۲۲- ۲۷)، اما در هر سومين سال با يک منظور متفاوتى يعنى به فقيران داده مى شد. مقدار ده يک شايد واقعاً يكدهم از تمام قسمت بود. معليمن يهودى در قرن نخست ميلادى اين ده يك را "ده يك فقرا" ناميدند.

<u>نتيجه:</u> قوم خدا در دوران عهد عتيق واقعاً هر سال ملزم بودند كه براى خداوند و خدمت در اسرائيل، دو ده يك از اموال خود جدا كنند كه مساوى يك پنجم محصولاتشان بود. هر سال يكى از اين ده يك به منظور حمايت از خدمت معبد به لاويان داده مى شد. هر سال ده يك دوم به مدت دو سال براى خوراك اعياد اورشليم استفاده مى شد. اما در هر سه سال ده يک دوم براى فقراى شهر كنار گذاشته مى‌شد.

۴- <u>مفهوم ده يك‌ها.</u>

ده يك متعلق به خداست. آنها " مقدس براى خداوند " بودند يعنى براى خداوند كنار گذاشته مى‌شدند و وقف خدمت خداوند مى گرديدند (لاويان ۲۷: ۳۰). سرزمين مقدس متعلق به خداوند بود اما بنى‌اسرائيل اجازه داشتند كه از ميوه آن بخورند (لاويان ۲۵: ۲۳). ده يك‌ها مانند اجاره زمين بود كه توسط مستاجر به مالك داده مى‌شد. با دادن ده يك بنى‌اسرائيل اينچنين بيان مى‌كردند كه چيزى بيش از مستاجرين اين زندگى نيستند. محصول فراوان از مزارع و گله‌ها بيانگر نيكويى خداوند بود. پس اسرائيليان قسمتى از محصول خود را به عنوان پيشكش به خدا مى‌دادند.

۵- <u>ده يك غيرقابل تغيير، ولى قابل فديه دادن بود.</u>

برطبق نوشته‌هاى يهودى (Bekoroth 58b) حيوانات به داخل آغل‌هاى به شكل ۷ رانده مى‌شدند كه راه خروج آن در آن واحد فقط براى يك حيوان امكان‌پذير بود. آنها زير عصاى شبان راه مى‌رفتند و او آنها را مى‌شمرد (ارمياء ۳۳: ۱۳). شبان حيوان دهم را با عصاى خود لمس مى‌كرد و آنها را با رنگ قرمز با يك تكه چوب علامت مى‌گذاشت. مالك طورى اين فرآيند را سازماندهى نمى‌كرد كه حيوانات خوب را براى خود نگه دارد اگر او نسبت به تعويض گوسفندها خطا مى‌ورزيد يعنى حيوان خوب را براى خود و حيوان بد را به خدا مى‌بخشيد پس هر دو حيوان به خدا تعلق مى‌گرفتند. در هر صورت فديه دادن هر كدام از دهمين حيوانات (گوسفند) مجاز بود. اگر مالك مى‌خواست هر حيوان دهم (يك گوسفند خاص) را براى خود نگه دارد، پول آن را حساب مى‌كرد و سپس يك پنجم ارزش آن را نيز اضافه نموده و به خداوند مى‌داد (لاويان ۲۷: ۳۰ - ۳۳).

پ - <u>ده يك بعد از تبعيد</u>

بعد از تبعيد، ده يك مبدل به نوعى ماليات هيكل تبديل شد كه براى حمايت از خادمين هيكل و برقرارى خدمات هيكل انجام مى‌شد.

۱- <u>نحميا در دوران نخست والى شدن خود ده يك را دوباره برقرار كرد (۴۴۵ - ۴۳۳ قبل از ميلاد).</u>

بعد از بازگشت از تبعيد بابل (۵۳۸ قبل از ميلاد)، اسرائيليان معبد را دوباره ساختند (عزرا ۶: ۱۵، ۵۲۱ - ۵۱۶ قبل از ميلاد). بعد رهبران كاهنيـــن و لاويان توافقى كرده و آن به صورت نوشته مهر كردند (نحميا ۹: ۳۸). در آن نوشته آنها قول داده بودند از شريعتى كه خدا به موسى داده بود پيروى خواهند كرد (نحميا ۱۰: ۲۹). اين شامل ازدواج نكردن با خارجى‌ها، نگه داشتن سبت، پرداخت نوعى ماليات به هيكل براى برقرارى خدمت هيكل، فراهم كردن چوب براى آتش قربانى، آوردن نوبر محصول همچنين نخست‌زاده گاو وگوسفند گله‌ها و بالاخره آوردن ده يك محصول براى لاويان مى‌شد (نحميا ۱۰: ۳۰ - ۳۹).

در هر صورت در ارتباط با شریعت موسی تفاوتی بوجود آمد (۱۴۴۷ - ۱۴۰۷ قبل از میلاد) بعد از تبعید، مردم ده یك را به هیكل نمی‌آورند اما لاویان می‌رفتند و ده یك را در شهرهای مختلف جمع‌آوری می‌كردند. این كار تحت نظارت كاهنین انجام می‌شد كه ده یك این ده یك‌ها را دریافت می‌كردند. این ده یك‌ها را در حجره‌های بیت‌المال در بارگاه هیكل ذخیره می‌ساختند (نحمیا ۱۰: ۳۷ - ۳۹). پس درروزگار نحمیا كاهنین و لاویان كه شامل خوانندەها و دروازەبانها می‌شدند درآمد خود را از ده یك‌ها دریافت می‌كردند (نحمیا ۱۲: ۴۴ - ۴۷).

۲- ملاكی آوردن ده یك‌ها را متذكر ساخت (۴۳۲ – ۴۲۰ قبل از میلاد).

بعدها وقتی نحمیا در اورشلیم نبود (۴۳۳ - ۴۳۲ قبل از میلاد)، كاهن مسئول حجره‌های هیكل نسبت به پرداخت حقوق لاوی‌ها غفلت كرده و آنها را مجبور كرد كه به اطراف شهر رفته و درآمد خود را از راه دیگری غیر از خدمت هیكل بدست آورند (نحمیا ۱۳: ۴ - ۱۰).
از طریق ملاكی نبی، خداوند اسرائیل را نسبت به دزدی از ده یك‌ها و هدایا توبیخ كرد (ملاكی ۳: ۶ - ۱۲) كه در نتیجه از او عبادت هیكل را دزدیده‌اند. به عنوان حقیقت خداوند اسرائیلیان را به خاطر بازگشت از احكام او از زمان پدرانشان سرزنش كرد. اسرائیلیان قبلاً هرگز شریعت را و همچنین قانون ده یك را كاملاً حفظ نكرده بودند. نتیجه این غفلت این بود كه خدا دوباره بر اسرائیل لعنت آورد كه این لعنت شامل شكست در برداشت محصول به دلیل خشكسالی (حجی ۱: ۲ - ۱۱) و ملخ‌ها (یوئیل ۱: ۴، ۱۳) بود. خداوند آنها را تشویق كرد كه تمام ده یك محصول زمین را به حجره‌های بارگاه هیكل بیاورند تا به اندازه كافی از خادمین هیكل حمایت شود. خداوند قول داد كه اگر بنی‌اسرائیل چنین كنند خداوند باز هم روزنهای آسمان را گشوده و بر مزارع باران خواهد ریخت (پیدایش ۷: ۱۱ - ۱۲) درنتیجه محصولات فراوان به بار خواهد آمد و او نخواهد گذاشت كه ملخ‌ها محصولات آنها را ضایع سازند (ملاكی ۳: ۱۱ - ۱۲).

۳- نحمیا در دوره دوم والی شدن خود ده یك را دوباره احیاء ساخت (۴۳۲ قبل از میلاد).

مطمئناً مردم به موعظه ملاكی اعتنایی نكردند چون وقتی نحمیا به اورشلیم بازگشت بایستی كارهای قبلی خود را احیاء می‌ساخت. نحمیا مأمورین را توبیخ كرد، لاویان را به سر كار خود فرا خواند، بر بازگشت ده یك به حجره‌ها نظارت كرده و مردان قابل اعتمادی را به كار گرفت تا مسئول توزیع این هدایا به لاویان و كاهنین باشند (نحمیا ۱۳: ۱۱ - ۱۳).

ت - تـــاریـــخ ده یـــك

تاریخ ده یك كاملاً درعهد عتیق مشخص نیست.

۱- ده یك درابتدای خروج (۱۴۴۷ قبل از میلاد)

درهنگام شروع خدمت موسی در سینا، " تمامی ده یك محصول زمین " همچنین " تمامی ده یك گاو و گوسفند و گله‌ها "به خداوند متعلق بود (لاویان ۲۷: ۳۰، ۳۲).

۲- ده یك در دوران خروج (۱۴۴۶ - ۱۴۰۷ قبل از میلاد)

بعدها، در دوران كهانت اعظم هارون، به عنوان درآمد لاویان فقط به " تمامی ده یك محصول زمین " اشاره شده است (اعداد ۱۸: ۲۰ - ۳۲).

۳- ده یك در پایان خروج (۱۴۰۷ قبل از میلاد)

بعدها بعد از پایان دوران موسی، " تمامی ده یك محصول زمین " به مكان مقدس آورده می‌شد تا صرف خوراك جشن‌ها بشود درحالیكه هر سه سال این ده یك به عنوان حمایت بین لاویان محلی ونیازمندان تقسیم می‌شد (تثنیه ۱۲: ۶ - ۷، ۱۱ - ۱۲، ۱۷- ۱۹ ؛ ۱۴: ۲۲ - ۲۹).

۴- ده یك قبل از تبعید (۷۱۳ - ۶۹۶ قبل از میلاد)

قبل از تبعید، پادشاه حزقیا هیكل را پاكسازی كرده بود، پرستش هیكل را احیاء كاهنین و لاویان را بر سر وظایفشان دوباره منصوب كرده بود تا مردم سهم خود را كه مربوط به خادمین هیكل می‌شد یعنی " عشر موقوفاتیكه برای خداوند وقف شده بود " را بیاورند. این شامل " تمامی ده یك محصول زمین " (غله، مو، روغن، عسل) و همچنین " ده یك گاو، گوسفند و گله‌ها "می‌شد (دوم تواریخ ۳۱: ۲ - ۱۰).

۵- <u>ده یك بعد از تبعید (۴۴۵ - ۴۲۰ قبل از میلاد)</u>

بعد از تبعید " تمامی ده یك محصول زمین " ویژگی نوعی جمع‌آوری مالیات را بدست آورد که بوسیله لاویان و کاهنین به منظور حمایت از خادمین هیکل جمع‌آوری می‌شد (نحمیا ۱۰: ۳۷ - ۳۹ ؛ ۱۳: ۱۲ - ۱۳ ؛ ملاکی ۳: ۶ - ۱۲).

۶- <u>ده یك در دوران قرن اول میلادی</u>

معلمین یهودی در دوران یوسفوس مورخ (قرن اول میلادی) مشکل را به صورت زیر حل کردند.

۱) <u>ده یك اول.</u> هر سال بــه حمایت از خادمین هیکل، لاویان، به علاوه کاهنان (لاویان ۲۷: ۳۰ - ۳۲ ؛ اعداد ۱۸: ۲۰ - ۳۲) اختصاص می‌یافت.
۲) <u>ده یك دوم.</u> از نه دهم باقیمانده در هر سال به عنوان غذا برای خوراك قربانی استفاده می‌گردید (تثنیه ۱۴: ۲۲ - ۲۷).
۳) <u>ده یك سوم.</u> که ده یک محصول تولید شده در هر سومین سال بود که به منظور حمایت از فقرا در هر شهر اختصاص می‌یافت (تثنیه ۱۴: ۲۸ - ۲۹ ؛ ۲۶: ۱۲ - ۱۵).

نتیجه: معلمین یهودی در قرن اول میلادی واقعاً یهودیان را ملزم کرده بودند تا دو ده یك را هر سال و سه ده یك را در سال سوم کنار بگذارند. به هر حال معلمین یهودی شریعت از این نظر بدنام بودند که قانون می‌گذارند ولی آنها را نگه نمی‌دارند (متی ۲۳: ۱ - ۴ ؛ لوقا ۱۱: ۴۶).

ث - <u>ده یك در عهد جدید قبل از مصلوب شدن مسیح</u>

فریسی‌ها و معلمین شریعت ریاکار بودند چون آنها ضروریات شریعت عهد عتیق را برای قوم عهد عتیق خدا بیش از حد بسط و توسعه می‌دادند. برای مثال در متی ۲۳: ۲۳ - ۲۴ از گیاهان معطر بسیار ریز که در مزارع خود می‌کاشتند و برای معطر کردن غذا استفاده می‌کردند ده یك می‌دادند درحالیکه این مورد از ضروریات عهد عتیق نبود. درحالیکه آنها پیروانشان (یهودی‌ها و تازه ایمانداران غیریهودی) را مجبور می‌کردند که آنها نیز چنین کنند.
عهد عتیق حتی یك کلمه در مورد ده یك گیاهان، نعناع، زیره و سبت نگفته است. در عوض شریعت پرداخت ده یك "تمامی محصولات مزرعه که سال به سال از زمین برآید" ضروری ساخته است. بلافاصله متن توضیح می‌دهد که خدا قصد دارد که این شامل " غله، مو و روغن زمین "، " میوه درختان " و " نخست‌زاده گاو و گوسفند و گله‌ها " باشد. فریسی‌ها و معلمین شریعت ارزشهای کتاب مقدس را تغییر می‌دادند. تأکید بر مسائل کوچك می کردند و از موضوعات مهم شریعت مثل عدالت رحمت و ایمان غفلت می کردند.
عیسی می‌گوید که فریسی‌ها بایستی عدالت، رحمت و ایمان داشته باشند و نسبت به ده یك‌های ضروری درشریعت عهد عتیق نیز غفلت نورزیدند. با گفتن این مطلب به یهودیان عیسی مسیح دادن ده یك گیاهان ریز معطر را تصدیق نکرد. بلکه مشاجره خود آنان را باطل ساخت. او ترجیحاً می‌گوید که حکم خدای عهد عتیق در ارتباط با ده یك بایستی بدون غفلت از مسائل مهمتر در شریعت عهد عتیق انجام شوند.
توجه به این نکته مهم است که عیسی این را به یهودیان می‌گوید و همچنین قبل از مصلوب شدنش این را گفت. در زمانیکه عیسی هنوز مصلوب نشده بود و هنوز قوانین تشریفاتی عهد عتیق خدا باطل نشده بود قوانین مربوط به ده یك نیز هنوز معتبر بودند (لوقا ۱۸: ۱۲).
بعضی قوانین مهم برای تفسیر صحیح کتاب مقدس عبارتند است:

۱- **<u>به شنوندگان توجه کنید.</u>** عیسی با یهودیان فریسی و معلمین شریعت سخن گفت و نه با اعضاء کلیسا.
۲- **<u>به زمان توجه کنید.</u>** عیسی قبل از مصلوب شدن خود این را گفت یعنی قبل از اینکه قوانین تشریفاتی شریعت و همینطور ده یك باطل گردند.
۳- **<u>به هدف توجه کنید.</u>** هدف عیسی این بود که به فریسی‌های یهودی و معلمین شریعت تعلیم دهد که این اقتدار را نداشتند که ارزشها و قوانین شریعت را تغییر دهند (متی ۱۵: ۱ - ۲۰) قصد عیسی این نبود که به مسیحیان درمورد ده یك تعلیم دهد.

ج - ده یك درعهد جدید بعد از مصلوب شدن مسیح

۱- کلمه " شریعت " در کتاب مقدس چندین معنی دارد.

الف) شریعت بعنوان فریضه خدا
شریعت خدا، فریضه مقدس و عادلانه خدا جهت این موضوع است که همه مردم بایستی زندگی صد درصد کامل داشته باشند و اینکه تمام نافرمانی های آنان از شریعت او باید مجازات شوند.
همه انسانها " تحت شریعت خدا " هستند (رومیان ۲: ۱۲ - ۱۶). شریعت خدا، خواهان عدالت کامل است. اما از آنجا که هیچکس شریعت خدا را حفظ نکرده است (یعقوب ۲: ۱۰) و هیچ انسان طبیعی نمی تواند شریعت خدا را نگهدارد (رومیان ۸: ۷- ۸)، همه انسانها محکوم (رومیان ۳: ۱۹ ؛ ۸: ۱) و زیر لعنت خدا (غلاطیان ۳: ۱۰) هستند. حتی یک نفر هم توسط تلاش برای حفظ شریعت خدا، عادل شمرده نخواند شد (غلاطیان ۲: ۱۶ ؛ رومیان ۳: ۲۰). هیچکس نمیتواند شرط مقرر قدوس و عادلانه خدا را به انجام برساند. فرایض مقدس و عادلانه خدا در قوانین اخلاقی، قوانین تشریفاتی و قوانین مدنی خدا در طی دوران عهد عتیق تبیین شده بودند.

ب) شریعت به عنوان فرایض اخلاقی خدا در طی دوران عهد عتیق
قوانین اخلاقی، فرایض خدا مربوط به این بودند که قوم او (اسرائیل) بایستی به عنوان قوم خدا در دنیا چگونه زندگی کنند. قوانین اخلاقی در ده فرمان (خروج ۲۰: ۱- ۱۷) یا در قانون محبت (تثنیه ۶: ۵ ؛ لاویان ۱۹: ۱۸) خلاصه شده بودند.

پ) شریعت به عنوان فرایض تشریفاتی خدا در طی دوران عهد عتیق
قوانین تشریفاتی و آئینها، فرایض خدا مربوط به این بودند که قوم او (اسرائیل) بایستی چگونه به خدا نزدیک میشد و او را پرستش میکرد. قوانین تشریفاتی تقسیم شده بودند به قوانین مربوط به اشخاص مقدس (کاهنین و لاویان)، اماکن مقدس (معبد، خیمه اجتماع)، اعمال مقدس (ختنه، آوردن قربانی ها، نوبر میوه ها، هدایا، نخست زادگان، ده یک ها، خوردن فقط غذاهای پاک) و اوقات مقدس (سبت، عیدها، یک روز روزه گرفتن). بخاطر داشته باشید که " ده یک اول " موسوم، بعنوان حمایت از عبادت مذهبی معبد و " ده یک دوم " موسوم، بعنوان یک نوع جشنواره عمومی مذهبی در اسرائیل به کار برده می شد.

ت) شریعت به عنوان فرایض مدنی خدا در طی دوران عهد عتیق
قوانین مدنی (اجتماعی)، فرایض خدا مربوط به این بودند که قوم او (اسرائیل) بعنوان قوم خدا تحت یک حاکمیت خداسالار چگونه باید عمل کنند. قوانین مدنی بخصوص به سیستم حکومت خداسالار اسرائیل و قوانینی می پرداخت که مربوط به جنگهای او بر علیه امتهایی بود که خدا آنان را در طی دوران عهد عتیق محکوم کرده بود (تثنیه ۷: ۱- ۱۱).
بخاطر داشته باشید که " ده یک سوم " موسوم شریعت تشریفاتی عهد عتیق، بعنوان یک سیستم مالیاتی سیاسی یا اجتماعی عمل میکرد که از فقیران و افراد نیازمند در محدوده حکومت خداسالار اسرائیل حمایت میکرد.

۲ – با آمدن اولیه عیسی مسیح، " شریعت " به انجام رسید.

الف) انجام فرایض شریعت اخلاقی
شریعت اخلاقی خدا به دو طریق به انجام رسید. با آمدن اولیه خود، عیسی مسیح مقررات شریعت اخلاقی خدا را به جای ایمانداران به انجام رسانید و او معنی حقیقی قوانین اخلاقی خدا را اعلان نمود.

۱) فرایض عادلانه خدا بطور صد درصد به انجام رسیدند، زمانی که عیسی مسیح روی صلیب مرد و از مردگان برخاست، تا اثبات کند که خدای پدر کار کامل نجات توسط او را به جای ما بطور صد درصد پذیرفته است.
عیسی مسیح تمام فرایض شریعت اخلاقی خدا را بوسیله داشتن یک زندگی کاملاً بدون گناه (عبرانیان ۷: ۲۶) و توسط یک بار و برای همیشه مردن بروی صلیب بعنوان یک قربانی کفاره ای کامل برای همه گناهان قوم خود (آن افرادی که به او ایمان دارند) (عبرانیان ۷: ۲۷) به انجام رسانید. او قوم خود را از لعنت شریعت توسط " بخاطر آنها لعنت شدن بر صلیب " بازخرید (غلاطیان ۳: ۱۳). بنابراین عیسی مسیح، کاهن اعظم کامل برای همیشه گردید (عبرانیان ۷: ۲۸).

۲) عیسی مسیح پیغام نجات (مرقس ۱: ۱۴- ۱۵) و معنی حقیقی قوانین اخلاقی خدا را اعلام کرد و اینکه قوم خدا چگونه بایستی بعنوان قوم خدا زندگی کنند (متی ۵: ۱۷- ۴۸ و همه تمثیلها). بنابراین عیسی مسیح، پیامبر کامل برای همیشه گردید (تثنیه ۱۸: ۱۸- ۱۹ ؛ اعمال ۳: ۲۲- ۲۳).

ب) <u>انجام فرایض شریعت تشریفاتی</u>
با آمدن اولیه عیسی مسیح، زمانیکه " واقعیتها " آشکار شدند، همه سایه ها، نمونه ها و رسوم شریعت تشریفاتی عهد عتیق به انجام رسیدند (عبرانیان ۸: ۵ ؛ ۱۰: ۱- ۴ ، به نکته ۴ ، قسمت (ب) مراجعه کنید).

پ) <u>انجام مقررات شریعت مدنی</u>
عیسی مسیح با آمدن اولیه خود ملکوتش را، نه فقط در اسرائیل بلکه در تمام جهان استوار ساخت. او همان پادشاه کامل، شاه شاهان، خداوند خداوندان (مکاشفه ۱۹: ۱۶) شد، که به او تمامی سلطنت روی زمین داده شده است (متی ۲۸: ۱۸) و آنکه پادشاهی او تمام دیگر پادشاهی ها را سرنگون خواهد کرد و به حاکمیت آنها خاتمه خواهد داد (دانیال ۲: ۴۴). تمام تعالیم و تمثیلهای او در باره ملکوت خدا در عهد جدید جایگزین قوانین مدنی حکومت خداسالار اسرائیل در عهد عتیق می شود (متی ۲۱: ۴۲- ۴۴)، ملکوت او از تمام قوانین امتها در دنیا برتری دارد و دارای هدایتهایی است که قوم او در هر کشوری در دنیا بایستی بر طبق آنها زندگی کنند (متی ۵ - ۷).

ت) <u>عملکرد شریعت اخلاقی در دوران عهد جدید</u>
عملکرد شریعت اخلاقی خدا در طی دوران عهد جدید همانند عملکرد شریعت اخلاقی او در دوران عهد عتیق است. قوانین اخلاقی هرگز ابزاری برای نیک و عادل شمرده شدن از دید خدا نبودند و اکنون نیز نیستند. آنها هنوز هم هدایت خدا هستند که به قوم او نشان دهند که آنها در این دنیا بعنوان قوم خدا چگونه بایستی زندگی کنند (متی ۲۲: ۳۷ - ۴۰ ؛ رومیان ۱۳: ۸ - ۱۰ ؛ غلاطیان ۵: ۱۴). به شریعت اخلاقی، معنی کاملی بعنوان راهنمایی برای چگونه زندگی کردن قوم خدا داده شده است، اما شریعت اخلاقی هرگز باطل و منسوخ نشد.

۳ - <u>با آمدن اولیه عیسی مسیح، " شریعت " لغو شد.</u>

بخوانید: کولسیان ۲: ۱۴

الف) <u>شریعت، مردم را متهم و محکوم می کرد.</u>
دستخط (نوشته مکتوب) بطور آشکار به شریعت عهد عتیق در هر دو صورت جنبه های اخلاقی و تشریفاتی آن اشاره می کند (کولسیان ۲: ۱۶- ۱۷). میتوان چنین گفت که اسرائیلیها قراردادی کتبی را امضا کردند، زمانیکه خود را جهت رعایت همه دستورات و قوانین شریعت خدا در قید و بند لعنت قرار دادند (تثنیه ۲۷: ۲۶). از آنجا که هیچکس هرگز قادر نبود، شریعت را نگه دارد (رومیان ۳: ۱۰- ۱۲ ؛ یعقوب ۲: ۱۰)، هر فردی زیر لعنت خدا بود (غلاطیان ۳: ۱۰). تمام شریعت خدا مانند دشمنی بر علیه همه مردم بود، آنها را به طغیان بر علیه فرایض مقدس و عادلانه خود متهم میکرد و آنها را به مقصر بودن و خطاکار بودن در برابر خدا محکوم میساخت. شریعت خدا در طول دوران عهد عتیق جهت نظارت، متهم کردن و محکوم ساختن مردم ادامه یافت (غلاطیان ۳: ۲۴- ۲۵). شریعت بر علیه مردم بود و در برابر مردم ایستاده بود.

ب) <u>عیسی مسیح، شریعت را برداشت (لغو و منسوخ کرد).</u>
توسط میخکوب کردن شریعت بر صلیب، با مرگ خود، عیسی مسیح شریعت را بعنوان ابزاری فرض شده جهت عادل و نیک شمرده شدن از دید خدا از میان برداشت. برای ایمانداران به مسیح، مقتضیات شریعت در آن زمان که عیسی مسیح مرد، از بین رفتند. مقتضیات شریعت دیگر آنها را محکوم نمی کنند. ایمانداران به مسیح در آن هنگام که خود با مسیح مردند، نسبت به مقتضیات شریعت نیز مردند. آنها دیگر تلاش نمیکنند که با نگه داشتن شریعت، عادل و نیک شمرده شوند (رومیان ۷: ۱- ۶). عیسی مسیح توسط مرگش بروی صلیب باعث توقف قدرت دربند کننده شریعت شد. بنابراین کتاب مقدس می آموزد که عیسی مسیح شریعت را باطل کرد به این معنی که او آن را لغو کرد یا شریعت را منسوخ کرد. شریعت دیگر نمیتواند ایمانداران به مسیح را متهم کند و محکوم سازد (نابود کند).

۴ - <u>با آمدن اولیه عیسی مسیح، شریعت منسوخ شده است (خاتمه یافته است).</u>

بخوانید: افسسیان ۲: ۱۳- ۱۸

الف) شریعت، مردم را از یکدیگر جدا میساخت.
پس از دوران تبعید، معلمین و رهبران مذهبی یهود، اهمیت را از شریعت اخلاقی گرفته و به شریعت تشریفاتی انتقال دادند. ظاهر بیرونی نگه داشتن شریعت بیش از اطاعت درونی و خالص فرایض عادلانه شریعت خدا مهم گردید (متی ۵: ۱۷- ۴۸). آنها حتی شریعت تشریفاتی را توسط اضافه کردن ۶۱۳ قواعد و ترتیبات سنتی خود، پوچ ساختند (متی ۱۵: ۱- ۲۰). دیواری به دور صحن معبد کشیده شد تا آن محوطه فقط برای ایمانداران یهودی اختصاص داده شود و نوشته کتبی آویخته شد تا مانع ورود ایمانداران از میان امتهای غیریهودی به درون صحن معبد شوند. در افسسیان ۲:

۱۵ پولس شریعت تشریفاتی و ترتیبات آن را با این دیوار مقایسه می کند. معلمین و رهبران مذهبی یهود، شریعت تشریفاتی را تبدیل به یک دیوار روحانی کرده بودند که آنها را از امتهایی که ایمان یهودی را پذیرفته بودند، جدا میکرد. همینطور مسیحیان یهودی نژاد به نگهداری بعضی از قوانین تشریفاتی مانند ختنه، نگه داشتن سبت، عیدها، روزه های یهودی، خوردن غذاهای پاک و آوردن ده یک ها تمایل داشتند. بنابراین آنها نیز یک دیوار روحانی بین خود و دیگر مسیحیانی که این قوانین تشریفاتی را نگه نمی داشتند، برقرار کردند. این تقسیم و جدایی باعث کینه بین دو گروه مسیحیان گردید.

ب) عیسی مسیح، شریعت تشریفاتی را منسوخ کرد (خاتمه داد).
با مرگ خود بر صلیب، عیسی مسیح این " دیوار جداکننده " بین ایمانداران یهودی و ایمانداران امتها را خراب کرد. او شریعت تشریفاتی را منسوخ کرد، بدین معنی که به موجودیت شریعت تشریفاتی خاتمه داد. او این کار را کرد برای اینکه یک اجتماع مسیحی از ایمانداران یهودی و ایمانداران امتهای غیریهودی بیافریند. عیسی مسیح آن عقیده را که شریعت اخلاقی می توانست مردم را نیک و عادل بشمارد، از بین برد و او قوانین تشریفاتی را بعنوان ابزاری جهت نزدیکی و عبادت خدا از میان برداشت.
آمدن اولیه عیسی مسیح همچنین منجر به تغییری پایدار در شریعت شد (عبرانیان ۷: ۱۲). تعالیم عهد جدید بطور آشکار نشان میدهند که چگونه قسمتهای مختلف شریعت تشریفاتی منسوخ شده اند.

۱) **کاهنین -** کاهنان به رتبه هارون برای کهانت به رتبه ملکیصدق تغییر یافتند. کاهنین منسوخ شدند و توسط یگانه و تنها کاهن اعظم ما، عیسی مسیح جایگرین شد (عبرانیان ۷: ۱۱- ۲۸).
۲) **معبد -** خیمه اجتماع منسوخ شد (عبرانیان ۸: ۱- ۶ ؛ ۹: ۱- ۸ ، ۲۴). معبد منسوخ شد (متی ۲۷: ۵۱ ؛ اعمال ۷: ۴۸- ۴۹ ، ۱۷: ۲۴- ۲۵ ؛ مکاشفه ۲۱: ۲۲) و توسط اجتماع مسیحی یا کلیسا، که شامل یک ساختمان مذهبی نیست، بلکه گروهی از مردم که مسکن روح خدا می باشند، جایگزین شد (دوم قرنتیان ۶: ۱۴ ؛ افسسیان ۲: ۱۹- ۲۲).
۳) **اعیاد -** عیدهای یهودی منسوخ شد (رومیان ۱۴: ۵ ؛ کولسیان ۲: ۱۶- ۱۷ ؛ غلاطیان ۴: ۸- ۱۱).
۴) **سبت -** جنبه تشریفاتی سبت منسوخ شد و توسط انجام اعمال خوب و نجات زندگیها در روز آرامش جایگزین گردید (مرقس ۲: ۲۳- ۲۸ ؛ ۳: ۱- ۶).
۵) **دعاها -** دعاهای تشریفاتی سه بار در روز به سمت اورشلیم (مزمور ۵۵: ۱۷ ؛ دانیال ۶: ۱۰) توسط دعای در خلوت با خدا جایگزین شد (متی ۶: ۵- ۶).
۶) **روزه ها -** روزه ها و سوگواری آن منسوخ شد و با شادی جایگزین گردید (متی ۶: ۱۶- ۱۸ ؛ ۹: ۱۴- ۱۷ ؛ مرقس ۲: ۱۸- ۲۲).
۷) **ختنه -** ختنه جسمانی منسوخ شد و توسط ختنه روحانی قلب جایگزین شد (رومیان ۲: ۲۸- ۲۹ ؛ اول قرنتیان ۷: ۱۷- ۲۰ ؛ غلاطیان ۶: ۱۵).
۸) **غذاهای پاک -** ترتیبات مربوط به غذاهای پاک منسوخ شدند و همه غذاها " پاک " اعلان شدند (مرقس ۷: ۱۹ ؛ رومیان ۱۴: ۲- ۶ ، ۱۳- ۲۳ ؛ کولسیان ۲: ۱۶ ؛ اول تیموتائوس ۴: ۳- ۵).
۹) **قربانیها -** تقدیم قربانیها منسوخ شد، زیرا آنها در قربانی یک باره و برای همیشه عیسی مسیح روی صلیب به انجام رسیدند (یوحنا ۱: ۲۹ ؛ عبرانیان ۷: ۲۷ ، ۹: ۹- ۱۴ ، ۲۵- ۲۶ ؛ ۱۰: ۱۰).
۱۰) **ده یک ها -** دادن ده یک ها منسوخ شدند و توسط شیوه بخشش در عهد جدید جایگزین شد (مرقس ۱۲: ۴۱- ۴۴ ؛ لوقا ۶: ۳۸ ؛ اول قرنتیان ۱۶: ۲ ؛ دوم قرنتیان ۸: ۳ ، ۱۲، ۱۴ ؛ ۹: ۶- ۷).

نتیجه: عیسی مسیح شریعت تشریفاتی را منسوخ کرد و هیچیک از این قوانین تشریفاتی هرگز نباید دوباره درون اجتماع مسیحی معرفی شوند و بنابراین باعث جدایی مسیحیان گردند.
ترتیبات شریعت تشریفاتی یکبار و برای همیشه از میان برداشته شده اند (لغو، فسخ و محو شدند) (کولسیان ۲: ۱۴) و منسوخ شدند (به موجودیت آنها خاتمه داده شد) (افسسیان ۲: ۱۵). آنها دیگر هرگز نباید درون کلیسای مسیحی دوباره معرفی شوند و در نتیجه باعث ایجاد جدایی در بین ایمانداران کلیسا گردند.

بنابراین ، ترتیبات شریعت تشریفاتی عهد عتیق مانند انتخاب کاهنان، ساختن معابد و قربانگاهها، ختنه جسمانی پسران، نگه داشتن سبت و دیگر عیدهای یهودی و اوقات روزه، خوردن غذاهای پاک تشریفاتی و تقدیم حیوانات قربانی نباید دوباره در کلیسای مسیحی معرفی شوند.
همچنین قاعده ده یک عهد عتیق (ملاکی ۳: ۱۰) نباید درون کلیسای مسیحی بعنوان یک وظیفه یا فریضه مسیحی معرفی شود. خدا از مسیحیان نمی خواهد که ده یک بدهند، بلکه او تعلیم میدهد که آنها با سخاوت، با یقین، به رضایت، بی منت و با خوشرویی هدیه بدهند (دوم قرنتیان ۹: ۶- ۷).

ضمیمه ۲
شخصیت مسیحی: خشـم

این بررسی در مورد ویژگی مسیحی است. چگونه بایستی نسبت به خشم رفتار کرد؟

الف - خشم و دلایل آن

۱- خشم چیست؟

خشم نارضایتی شدید است نسبت به اشتباهات و بی‌عدالتی دیگران و نیاز به ابراز آن است. در حالیکه خشم خود را باید ابراز کنیم این آزادی را نداریم که هر طور دوست داریم آن را بیان کنیم. خشم معمولاً به طریقی گناه‌آلود بیان می‌شود (منظور فراموش کردن هدف خدا است). نیاز است که خشم به طریقی درست بیان شود (بایستی هدف خدا انجام گردد).

بخوانید: اول سموئیل ۲۰: ۳۰ - ۳۳ ؛ افسسیان ۴: ۲۶ ؛ لوقا ۱۴: ۲۱ ؛ یوحنا ۲: ۱۳ - ۱۷ ؛ رومیان ۱: ۱۸
گفتگو کنید: خشم گناه‌آلود و خشم مقدس چیست؟
ملاحظات: خشم گناه‌آلود احساس شدید و ناخوشایندی است که تمایل به آسیب زدن به مردم و خراب کردن اموال دارد. خشم مقدس حالت خشم عادلانه است نسبت به اشتباهات و همراه با اعمال بجا است.

۲- چرا مردم عصبانی می‌شوند؟

گفتگو کنید: چه دلایل متفاوتی برای خشمگین شدن شما وجود دارد؟
ملاحظات:
الف) مخالفت - وقتی مانع شما می‌شوند که به آرزوها، خواهشها، اهداف و امیدهایتان و غیره برسید.

ب) برانگیختن - وقتی که شما به دلیل نداشتن ارتباط، درخواستهای غیرمنطقی، رفتار بد و غیره برانگیخته می‌شوید.

پ) آسیـب - وقتی توسط آنچه مردم می‌گویند و انجام می‌دهند آسیب می‌بینید. وقتی که مردم نسبت به شما ناشایسته رفتار می‌کنند و شما را رد می‌کنند.

ت) ترس - وقتی که از شکست و طرد شدن می‌ترسید.

ث) از دست دادن - وقتی کسی را که دوست دارید، دارایی، معامله تجاری، رابطه‌ای خوب با یکنفر و غیره را از دست می‌دهید.

ج) عاجز بودن - وقتی که با افراد یا موقعیتهای سخت نمی توانید تطبیق یابید. خسته و پریشان هستید و نمی‌توانید تطبیق یابید.

چ) از دست دادن آبرو - وقتی که سایر مردم شما را رسوا و توبیخ کرده، از شما انتقاد می‌کنند، بر شما داوری کرده یا شما را اصلاح می‌کنند به خصوص در ملاء عام.

ح) ناامیــدی - وقتی که سایر مردم نمی‌توانند انتظارات شما را از خود برآورده کنند.

خ) بــی‌عدالتــی - وقتی که بی‌عدالتی و ظلم می‌بینند یا از آن رنج می‌کشید.

ب - عکس‌العمل به خشم و نتایج خشـــم

۱ - تصویر نردبانی خشم

نردبان خشم تصویری است از نحوه عکس‌العمل‌های متفاوت نسبت به خشم و نتایج هر واکنش.

تصویر نردبانی خشم

تعلیم دهید: نردبان خشم واکنش‌های انسانی را نسبت به خشم به تصویر می‌کشد و از بدترین واکنش در انتها به بهترین واکنش در قله آن تنظیم شده است. هفت واکنش ممکن نسبت به خشم عبارتند از:

۷ **خشم کنترل شده تنها راه برای ابراز خشم است.** شخص خشمگین نسبت به خود، خدا و شخص مقصر می‌پذیرد و قبول دارد که خشمگین است و خشم خود را فقط به طریقی درست بیان می‌کند. او خشم خود را محدود به موضوع تحریك کننده خود می‌سازد و خشم خود را نسبت به شخص مقصر به شیوه‌ای ناخوشایند و احساساتی بیان نمی‌کند بلکه به شیوه‌ای پرهیزگارانه و معتدل بیان می‌کند. خشم کنترل شده گناه‌آلود نیست (افسسیان ۴: ۲۶).

۶ **خشم محدود، خشمی ناخوشایند ولی محدود است.** شخص خشمگین هنوز خشم خود را از راهی ناخوشایند ابراز می‌کند (صدای بلند و صورت خشمگین) اما خشم خود را محدود به شخص و موضوعی که او را به خشم تحریك کرده است، می‌سازد او هیچگاه دیگران را (بی‌تقصیر) درگیر خشم خود نمی‌کند و هیچگاه در مسائل نامربوط گذشته سیر نمی‌کند.

۵ **خشم ناخوشایند، خشمی نامحدود و پر سر و صدا است.** شخص خشمگین، خشم خود را با ایجاد صداهای مـختلف نشان می‌دهد. خشم ناخوشایند خود را با صدای بلند و رفتاری ناخوشایند، مثل جیغ زدن، با صدای بلند گریه کردن یا نق زدن همراه با بیان خشم به صورت جســمی (مثل صورتی خشمگین، مشت روی میز کوبیدن یا خشمی ناگهان) و سایر سروصداها (مثل کوبیدن در و پخش موزیك با صدای خیلی بلند). خشم ناخوشـایند، اشخاص بـــی‌تقـــصیر (خانواده، دوستان، همسایگان و همکاران) را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

۴ **خشم بد دهن ، خشمی بدون کنترل از نظر کلامی است.** شخص خشمگین خشم خود را فقط از طریق کلامی به همه نشان می‌دهد. خشم بد دهن خود را به صورت طوفانی بدون کنترل، با سخنان زشت نشان می‌دهد که به احساسات آسیب می‌زند، به حرمت و احترام شخصی لطمه می‌زند و به اعتبار شخص آسیب وارد می‌کند. خود را به صورت کلمات خشن، مثل نفرین، صدا زدن نام شخص، لعنت کردن او، طعنه زدن و انتقاد کردن غیردوستانه که اغلب با صداهای ناخوشایند خشمگین مثل جیغ زدن یا گریه کردن همراه است.

۳ **خشم متجاوز، خشمی مخرب و بدون کنترل است.** شخص خشمگین خشم خود را با اعمال و کلماتش به همه نشان می‌دهد. خشم متجاوز نه فقط خود را با طوفانی از کلمات بدون کنترل مثل نفرین، فحش، سوءاستفاده ولی به خصوص همراه با خشونت بدون کنترل مثل خراب کردن اموال، پرتاب اشیاء، زدن و مجروح کردن مردم و حتی به صورت ظالمانه و قتل آشکار میشود. خشم متجاوز دیگران را بسیار تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۲ **خشم مخفی مهار یا پنهان می‌شود.** باعث مسائل مختلفی در شخص خشمگین می‌شود. می‌تواند باعث مشکلات روانی شود مثل دلسوزی برای خود، افسردگی و افکار خودکشی (یونس ۴: ۳). شخص خشمگین معمولاً تصمیمات عاقلانه نمی‌گیرد و اغلب به خاطر آنها ناامید می‌شود (یونس ۱۸: ۴). بالاخره اینکه می‌تواند باعث مشکلاتی درنگرش شخص مثل نفرت، روح کینه، افکار کینه‌توزانه و انتقام جویانه و حتی خلق و خوی شریرانه و متجاوز گردد. ممکن است خود را به صورت مشکلات اجتماعی نشان دهد در رفتار ضد اجتماعی و ضد اطاعت از هر نوع قدرت، مثل عادت به دیرکردن، نمره‌های بد در مدرسه گرفتن، خلق و خوی نامناسب، استفاده از مواد مخدر، حاملگی نامشروع، انجام جرم، از هم پاشاندن خانواده‌ها و کلیساها، می‌تواند خود را به صورت سرزنش دیگران به خاطر اشتباهاتشان نشان دهد. یا خودش را نسبت به اشخاص بی‌دفاع که مقصر نیستند نشان می‌دهد (همسر، فرزند، کارکنان یا حیوانات).

۱ **خشم حذف شده خشمی است که فرونشانده شده انکار و رد می‌شود.** در شخص خشمگین خود را به صورتهای مختلف نشان می‌دهد: به صورت مشکلات روانی مثل افسردگی، اضطراب و آشفتگی ذهنی. به صورت مشکلات اجتماعی مانند شخصیتی محدود و بدون رابطه، دارای روابطی سرسختانه یا سرد و نگرش منتقد و تحریك‌پذیر ممکن است خود را به صورت مشکلات جسمی مانند سردرد، ... و حتی حملات قلبی ظاهر سازد. یا در رفتار غیرمتعارف مثل الکلیسم و استفاده از مواد مخدر آشکار شود. خشم حذف شده اساساً شخص خشمگین را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۲ - مزایا و مضرات عکس‌العمل‌های مختلف خشم

گفتگو کنید: چرا یکی از راههای ابراز خشم بهتر از راههای دیگر است.
ملاحظات: یکی از راههای ابراز خشم بهتر از راه دیگر است چون نتایج آن کمتر آسیب‌زننده می‌باشد.
برای مثال:
الف) خشم حذف شده. از همه بیشتر مخرب است چون شخص خشمگین قبول نمی‌کند و نمی‌پذیرد که خشمگین است. شخص خشمگین مصرانه قبول دارد که او خشمگین نیست. او نمی‌پذیرد که مشکلی وجود دارد پس مشکل قابل حل نیست. او به تدریج بیشتر و بیشتر به شخص خشمگین یعنی خودش آسیب می‌زند بدون اینکه درك کند که خشم او باعث این مشکلات شده است.

ب) خشم پنهان. نیز از مخرب‌ترین است چون شخص عصبانی می‌داند که عصبانی است و از درون در مورد مشکل به فکر فرو می‌رود. اما مشکل را از اشخاص دیگر پنهان می‌کند. چون او از مواجه مستقیم با مشکل خودداری می‌کند نمی‌تواند از نتایج آن شفا یابد.

پ) خشم متجاوز. نیز بسیار آسیب‌زننده به همه است چون با زور به مردم حمله می‌کند و اموال و اشیاء را تخریب می‌کند اما چون به هر حال خشم خود را ابراز می‌کند پس لااقل آن را برطرف می‌کند و از آسیب‌های درونی که خشم حذف شده و پنهان در شخص خشمگین ایجاد می‌کند جلوگیری می‌شود.

ت) خشم بد دهن. نیز آسیب‌زننده است چون با کلمات به مردم آسیب می‌زند. در هر حال یك قدم بهتر است از خشم متجاوز چون شخص خشمگین بر اعمال خشونت‌آمیز و مخرب خود تسلط دارد.

ث) خشم ناخوشایند. قطعاً ابراز نادرست خشم است. ولی یك قدم بهتر است از خشم بد دهن چون شخص خشمگین بر کلمات مخرب تسلط دارد.

ج) خشم محدود. خیلی بهتر است از انواعی که در بالا برای ابراز خشم ذکر شد. یك قدم دیگر در نردبان خشم بالاتر می‌رود چون شخص خشمگین تسلط بیشتری را در ارتباط با شخصی که خشمش را نسبت به او ابراز می‌کند و همینطور نحوه ابراز خشم خود بدست آورده است.

چ) خشم کنترل شده. تنها خشمی است که بدون گناه می‌توان آن را ابراز کرد. این شخص در ارتباط با نحوه ابراز خشم خود کنترل کسب کرده است. راهی است که خدا دوست دارد مسیحیان خشم خود را از آن طریق ابراز کنند. اینگونه خشم گناهی برعلیه خدا نیست که به مردم و به خود آسیب بزند، بلکه آنچه را که خدا میخواهد انجام میدهد.

پ - برخورد با خشــم

تعلیم دهید: چگونه باید یا می‌توان با خشم برخورد کرد.

۱ - به نتایج خشم گناه‌آلود توجه کنید.

کشف و گفتگو کنید: اگر با خشم گناه‌آلود مقابله نکنید چه نتایجی خواهد داشت؟
ملاحظات: خشم گناه‌آلود شما را احمق می‌سازد (جامعه ۷: ۹). خشم گناه‌آلود شخص را فقط به سمت شرارت و گناه می‌کشاند (مزمور ۳۷: ۸). خشم گناه‌آلود باعث زندگی مقدسی که خدا را خشنود می‌سازد نمی‌شود (یعقوب ۱:۱۹ - ۲۰). خشم گناه‌آلود بر دعاهای شما اثر می‌گذارد (اول تیموتائوس ۲: ۸). خشم گناه‌آلود باعث می‌شود که شما برای رهبری واجد شرایط نباشید (تیطس ۱: ۷). خشم گناه‌آلود، روح‌القدس را محزون می‌کند (افسسیان ۴: ۳۰ - ۳۱). چنین شخص خشمگینی بایستی با داوری خدا مواجه شود (متی ۵: ۲۲).

۲ - بالا رفتن از نردبان خشم را تمرین کنید.

گفتگو کنید: از نردبان خشم چگونه بالا رفت؟
ملاحظات: از نشان دادن خشم خود نترسید اما یاد بگیرید که خشم خود را به طریقی که از نظر کتاب مقدس و اجتماع پذیرفته است نشان بدهید. از غضب و خشم گناه‌آلود خلاص شوید (افسسیان ۴: ۳۱). تمرین کنید که دفعه بعد خشم خود را به صورت یك پله بالاتر از این دفعه در نردبان خشم ابراز کنید. با هر پیشرفتی که در ابراز خشم خود بدست می‌آورید تشویق شوید.

۳- خشم خود را به روشی پرهیزگارانه ابراز کنید.

کشف و گفتگو کنید: چگونه خشم خود را به روشی پرهیزگارانه ابراز کنید.

الف) با قبول مسئولیت درقبال اعمالتان پرهیزگاری خود را نشان دهید.

صرفنظر از آسیبی که در خود احساس می‌کنید خدا می‌خواهد که شما مسئول ابراز احساساتتان به دیگران باشید (متی ۵: ۲۲). اگر احساس می‌کنید که احساسات شما در مرز انفجار است پس برای مدتی خود را مهار کنید. برای مثال، مسافت زیادی را قدم بزنید، بر آیه‌ای از کتاب مقدس تعمق کنید، دعا کنید و آنچه فکر و احساس می‌کنید یادداشت کنید اما برای ابراز خشم خود صبر کنید تا زمانیکه احساسات شما تحت کنترل شما دربیایند.

ب) با صبور بودن نسبت به شخص دیگر پرهیزگاری خود را نشان دهید.

سعی کنید شخص دیگر را درك كنید (امثال ۱۴: ۲۹). به جای تحریك دعوا، نزاع را آرام کنید (امثال ۱۵: ۱۸). به جای اینکه فاتح مشاجره باشید بر خشم خود مسلط شوید (امثال ۱۶: ۳۲). به جای انتقام از گناه صرفنظر کنید (امثال ۱۹: ۱۱). به جای ابراز خشم، بر خودتان مسلط باشید (امثال ۲۹: ۱۱).

پ) با آرام و مثبت حرف زدن پرهیزگاری خود را نشان دهید.

یاد بگیرید که دیر خشم باشید، درمورد هر چیز آشفته نشوید و هر چیز را حمله‌ای شخصی به حساب نیاورید که نشاندهنده خودخواهی است (یعقوب ۱: ۱۹). بیشتر از همان روز خشمگین باقی نمانید (افسسیان ۴: ۲۶). از آنانی که زود خشمگین می‌شوند دوری کنند چون ممکن است بر شما اثر گذارند (امثال ۲۲: ۲۴- ۲۵). بدون مهار کردن افکار یا غفلت از خشمتان، بر خصوصیات مثبت شخصی که نسبت به آن عصبانی هستید متمرکز شوید (رومیان ۱۲: ۱۰). لیستی از اشتباهات دیگران درنزد خود نگه ندارید (اول قرنتیان ۱۳: ۵).

۴- خشم خود را به طریقی عاقلانه ابراز کنید.

کشف وگفتگو کنید: چگونه خشم خود را به طریقی عاقلانه ابراز کنید؟

الف) با برداشتن قدم نخست درمصالحه با دیگران.

بخوانید: متی ۵: ۲۳ - ۲۴ ؛ ۱۸: ۱۵. بدون در نظر گرفتن اینکه چه کسی مقصر است بایستی قدم نخست را بردارید و تمایل خود را به حل مسئله نشان دهید.

ب) با پذیرفتن اینکه عصبانی هستید درمقابل خودتان، خدا و شخص تحریك‌کننده.

بخوانید: اول یوحنا ۱: ۹. از خدا، برای حرف زدن با افرادی که شما نسبت به آنها عصبانی هستید به شما حکمت بدهد (یعقوب ۱: ۵).

پ) با صحبت کردن با شخص تحریك کننده.

بخوانید: افسسیان ۴: ۱۵، ۲۹. صحبتهای شما بایستی واقعی، کمك‌کننده و محبت‌آمیز باشد.

۱) حرفهای شما بایستی راست باشد. برای آرام کردن شخص دیگر، کاذبانه بیش از میزان، اشتباهتان را نپذیرید. هر دوی شما بایستی یاد بگیرید که مسئول اعمال خودتان باشید.

۲) حرفهایتان باید کمك کننده باشد. خشم عادلانه خود، انتقاد یا توبیخ خود را به شیوه‌ای مؤدبانه و کمك‌کننده بیان کنید. برنامه‌ریزی کنید که چه می‌خواهید بگویید، کی و چگونه آن را خواهید گفت. بر سر موضوع تحریك‌کننده با هم گفتگو کنید بدون اینکه به مسائل نامربوط و کهنه گذشته اشاره کنید. تا وقتیکه صحبتهای شخص دیگر تمام نشده است شما حرف نزنید سعی کنید نقطه نظرات و احساسات طرف دیگر را درك کنید. سریع سهم خود را در مشکل بپذیرید. به جستجو برای یافتن راه‌حل ادامه دهید تا هر دو به توافق برسید که هردو نیاز دارید چه قدم‌های عملی را بردارید.

۳) صحبتهای شما بایستی محبت‌آمیز باشند. محبت، حلیم، مهربان، بخشنده، مودب، متواضع، با نزاکت، غیرخودخواه، فروتن، باگذشت، بی‌ریا، مواظب دیگران، قابل اعتماد و امیدوار و پایدار است (اول قرنتیان ۱۳).

۵- خشم خود را به شیوه‌ای خوشایند بیان کنید.

تعلیم دهید: مواظب باشید که کلام شما، حالت و بلندی آن و حالت چهره و حرکاتتان در موقع حرف زدن نشاندهنده طرد شدن شخص دیگر نباشد بلکه پذیرش او (امثال ۱۵: ۱۳).

۶- انتقام نگیرید، بلکه ببخشید و محبت کنید.

کشف و گفتگو کنید: در مقابل شخصی که خشمگین هستید چه کارهایی باید بکنید؟

الف) ببخشید. شخص مقصر را بارها و بارها با تمام قلبتان ببخشید (متی ۱۸: ۲۱ - ۳۵).
ب) او را دوست بدارید، او را برکت دهید و برایش دعا کنید و نسبت به او خوبی کنید (لوقا ۶: ۲۷ - ۲۸).
پ) هرگز انتقام نگیرید (رومیان ۱۲: ۱۴ - ۲۱).

۷ - اجازه دهید خدا احساسات مجروح شما را شفا بخشد.

کشف و گفتگو کنید: با احساسات مجروح خود چه باید بکنید؟

الف) دعا کنید و با خدا در مورد احساسات مجروح خود صحبت کنید.
بخوانید: مزمور ۶۲: ۸ ؛ ۳۴: ۱۸. از او بخواهید شما واحساساتتان را عوض کند و شما را از ادامه افکار و احساسات خشم‌آلود آزاد سازد. از او بخواهید که به شما فیض بدهد تا شخص مقصر را ببخشید و محبت کنید.

ب) با یك مشاور صحبت کنید و یا با گروهی از دوستان دعا کنید.
بخوانید: یعقوب ۵: ۱۳ - ۱۶. اگر تلاش می‌کنید ولی بخشیدن و محبت کردن را سخت می‌بینید پس با یك مشاور در مورد احساسات خود گفتگو کنید و یا از یك یا دو مسیحی دیگر بخواهید که برای شفای شما دعا کنند.

ضمیمه ۳
خداوندی: درك نادرست در ارتباط با کشف اراده خدا

مسیحیان اغلب برای داشتن یا درك اراده خدا در تلاش هستند. سوءتفاهمات زیر در مورد یافتن اراده خدا به دانستن و درك بهتر اراده خدا کمك خواهند کرد.

۱- ناتوانی در اعتماد کامل به خدای پدر

درك نادرست.
اگر خودم را به اراده خدا بسپارم در نتیجه به قربانی یا رنج منجر خواهد شد پس در واقع نمی‌توانم به خدا اعتماد کنم.

اصـــلاح.
چون در دنیایی شریر که پر از انسانهای عصیان گر است زندگی می‌کنیم، رنج برای هرکدام از ما اتفاق خواهد افتاد، هم برای مسیحیان و هم برای غیرمسیحیان. درد و رنج فقط با آمدن ثانویه مسیح برای مسیحیان خاتمه خواهد یافت (مکاشفه ۲۱: ۴ - ۵). مخصوصاً کسانی که از خانواده‌های از هم گسیخته و ناشایسته هستند، توکل به خدا را به عنوان پدر خود، سخت می‌یابند چون پدر آنها در بعضی مواقع از آنها سوءاستفاده کرده و در بعضی مواقع همیشه غایب بوده است.
درکتاب مقدس خدای کتاب مقدس کاملاً با پدر زمینی متفاوت است. " او رحیم، فیاض، دیر خشم، بسیار با محبت است ... با ما به حسب خطایای ما جزا نداده است ... گناهان ما را از ما دور کرده است ... زیرا جبلت ما را می‌داند و یاد می‌دارد که ما خاك هستیم" (مزمور ۱۰۳: ۸ - ۱۴). " او هیچ تبعیضی قائل نیست، رشوه نمی‌پذیرد، از یتیمان و بیوه‌ها حمایت می‌کند و غریبه‌ها را دوست دارد ..." (تثنیه ۱۰: ۱۷ - ۱۸). توجه کنید که خدا به خصوص از یتیمان دفاع می‌کند. ترس از آنچه ممکن است اتفاق بیفتد را با یادآوری کارهای فوق‌العاده‌ای جانشین کنید که خدا در گذشته برای شما انجام داده است و وعده داده است که در آینده برای شما انجام خواهد داد (فیلیپیان ۱: ۶).

۲- از خدا نشانه‌ای طلبیدن

درك نادرست.
می‌توانم با طلبیدن نشانه‌ای از خدا اراده او را کشف کنم.

اصلاح.
در داوران ۶: ۱۷- ۲۲ جدئون نشانه ای را طلبید و فرشته خداوند مقتدرانه نشانه ای به او داد: آتشی از صخره برافروخته شد و قربانی را بلعید. در داوران ۶: ۳۶- ۴۰ جدئون دوباره از خدا خواست که هدایت خود را با دادن نشانه ای تأیید کند. جدئون از پوست پشمی برای تائید هدایت خدا استفاده می‌کند. اما پوست پشمین جدئون یك اتفاق ماوراءالطبیعی بود و نه یك اصل روحانی. از ابتدا تا پایان این ماجرا مکاشفه‌ای الهی برای جدئون بود و نه یک نمونه که قوم خدا از آن پیروی کند. خدا پیغامی قاطعانه از طریق فرشته به او داد و پیروزی مطلق از طریق گروهی کوچك از مردان.
خدا می‌تواند ما را از طریق شرایط هدایت کند و این کار را می‌کند و بعضی مواقع حتی از طریق شرایط خاصی که ما برای نشان دادن نشانه‌ها از او می‌طلبیم (پیدایش ۲۴: ۱۲ - ۱۴). اما وقتی سعی می‌کنیم که هدایت خدا را به طور مطلق در محدوده نشانه‌ها محدود می‌سازیم تبدیل به تلاشی مخفی برای دستکاری وقایع مطابق سلیقه خودمان می‌شود. به علاوه ما اکثر وقتمان را صرف دعا کردن برای موقعیتهای خاص می‌کنیم تا ما را هدایت کنند تا اینکه در حکمت کلام خدا خودمان را غوطه‌ور سازیم.

۳- انتظار دعــوت خــدا

درك نادرســـت.
من اول بایستی از طرف خدا دعوتی برای خدمتی مشخص و یا خدمت تمام وقت دریافت کنم.

اصــلاح.
آنانی که وارد یک خدمت تمام وقت برای خدا میشوند به یک نوع دعوت مخصوص تر از آنانی که یک کار دنیوی تمام وقت دارند، احتیاج ندارند. جامعه می‌گوید " در راههای قلبت ... سلوك نما.. از خدا بترس و اوامر او را نگاه دار " (جامعه ۱۱: ۹ ؛ ۱۲: ۳). در حالیکه خود را به خدا و کلام او وقف می‌کنیم آرزوهایمان، نیازهایمان، تجربه و آموزش،

ما را هدایت و به کار مناسبی دعوت خواهند کرد. آنانی که علاقه شدید دارند (اول تیموتائوس ۳:۱) و از نظر کتاب مقدس واجد شرایط (اول تیموتائوس ۳: ۲ - ۷ ؛ تیطس ۱: ۵ - ۹) ورود به خدمت مسیحی و یا حتی خدمت تمام وقت مسیحی می‌باشند، لازم نیست که منتظر دعوتی اضافی یا استثنایی باشند برای مثال مانند موسی(خروج ۳) یا شاگردان (متی ۴: ۱۷). آنها بایستی با اشتیاق آن جریان را تا آنجائیکه خدا اجازه می‌دهد دنبال کنند. اگر خدا برنامه‌های دیگری دارد قطعاً باعث وقوع آنها خواهد شد (اعمال ۱۵: ۳۶ - ۴۱ ؛ اعمال ۱۶: ۱ - ۳). مهمترین چیز این است که درك کنیم که ارتباطمان با خدا و نه دعوتمان، منبع واقعی هدف و کمال در زندگیمان است. بدون در جستجوی خدا بودن، حتی برجسته‌ترین دعوت الهی نیز بیهوده است.

۴- احساس آرامش در قلبتان

درك نادرست.
احساس آرامش می‌کنم پس می‌دانم که این اراده خدا است.

اصـــلاح.
احساس آرامش همیشه نشانه خوبی از هدایت خدا نیست. اگر بعد از اینکه تصمیم می‌گیریم، احساس آرامش و آزادی از ترس و عدم اطمینان و یا تناقض می کنیم، این نوع آرامش همیشه نشانه‌ای از هدایت خدا نیست. آرامش خدادادی را نمی‌شود صرفاً به خاطر آرامش بخشیدن به احساسات یا حتی به مفهوم درست بودن اعمال ما تغییر داد. حتی تصمیمات درست روحانی باعث اضطراب فراوان می‌شوند فقط به خاطر نتایج مهمی که خواهند داشت برای مثال، ایستادگی در برابر رئیسی نادرست و یا خودداری از شرکت در تجارتهای غیرقانونی کار درستی است که باید انجام داد اما ممکن است ما را تمام شب از ترس نتایج آن بیدار نگه دارد.
در کتاب مقدس آرامش تقریباً همیشه مربوط به ارتباط ما با خدا می‌شود. در رومیان ۵: ۱ مکتوب است، " پس چونکه به ایمان عادل شمرده شدیم نزد خدا سلامتی داریم به وساطت خداوند ما عیسی مسیح ". اراده خدا در زندگی یك مسیحی در وهله نخست به ارتباط با خدا و کلام خدا توجه دارد. اگر ما آرامش را اینطور درك کرده‌ایم که اطمینانی آرامش‌بخش در نیکویی و تسلط خدا است و اطمینان به قدرت او در همه چیز که برای خیریت آنانی که دوستشان دارد و برطبق اراده او خوانده شده‌اند برای نیکویی آنها در کار است، بنابراین این نوع آرامش، ثمره روح‌القدس است. در اشعیاء ۲۶: ۳ - ۴ نوشته شده است، " دل ثابت را در سلامتی کامل نگاه خواهی داشت زیرا که بر تو، توکل دارد. بر خداوند تا به ابد توکل نمایید ". اگر آرامش را اینطور درك کرده‌ایم یعنی اعتمادی آرامش‌بخش به کلام خدا و هدایت خدا از طریق کلامش، با وجود عدم اطمینان و بی‌ثباتی احساسی، با وجود مشکلات در شرایط یا مخالفت دیگر افراد، با وجود نداشتن آرامی در احساسات ولی داشتن آرامش در رابطه ام با خدا، بنابراین این نوع آرامش، نشاندهنده خوبی از هدایت خدا است. در اشعیاء ۳۲: ۱۷ نوشته شده است " و عمل عدالت، سلامتی و نتیجه عدالت، آرامی و اطمینان خواهد بود تا ابدالاباد ".

۵- دریافت آیه‌ای از کتاب مقدس

درك نادرست.
خدا آیه‌ای از کتاب مقدس به من داده پس این اراده خدا است.

اصـــلاح.
بعضی اوقات خدا ما را تحت تأثیر یك آیه خاص از کتاب مقدس قرار می‌دهد که به نظر می‌رسد دقیقاً با شرایط ما هماهنگ است و ما را هدایت می‌کند یا خدا بعضی اوقات هدایتی را که قبلاً داده است با آیه‌ای خاص از کتاب مقدس تأیید می‌کند. اما ما بایستی به عناصر ذهنی در فهرست هدایت کننده زیر توجه کرده و آنها را تشخیص دهیم:

الف) عناصر ذهنی
از خود سئوالات زیر را بپرسیم:

۱) آیا این خداست که صحبت میکند و یا من کاری می‌کنم که کتاب مقدس آنچه را بگوید که من دوست دارم بشنوم؟
۲) آیا سایر اصول کشف اراده خدا، دریافتهای من را تأیید می‌کنند و یا در مورد صحت آنها تردید ایجاد می‌کنند؟
۳) آیا فقط در جستجوی آیاتی هستم که به من مربوط می‌شوند و آرزوهایم را تأیید می‌کنند و یا من به کل تعالیم کتاب مقدس توجه می‌کنم؟
۴) آیا من از کتاب مقدس مانند اسطرلاب و یا استخاره و یا " با روشی آسان برای به سرعت دستیابی به اراده خدا " استفاده می‌کنم، یا اینکه کتاب مقدس را دقیق تفسیر می‌کنم و تعیین می‌کنم که خدا قصد دارد من چه چیز را بدانم، ایمان بیاورم، باشم و انجام دهم؟

بعضی اوقات مردم وعده‌هایی را در کتاب مقدس پیدا می‌کنند و آنها را به عنوان تضمینی برای آینده خود تفسیر می‌کنند. و زمانیکه وقایع آنطور که آنها انتظار داشتند به پیش نمی روند از خواب بیدار می شوند و به اعتماد خود به کتاب مقدس شك می‌کنند و شاید حتی خدا را سرزنش کنند که وعده خود را نگه نداشته است. آنها درك نمی‌کنند که آنچه خدا گفته است را درست درك نکرده‌اند و به اشتباه آن آیه از کتاب مقدس را یك وعده تفسیر کرده‌اند.

ب) دو ســـئوال مفید در ارتباط با تفسیر صحیح کتاب مقدس (نبوتها، وعده‌ها، تهدیدات و فرامین. ...):

۱) شنوندگان مورد نظر خدا چه کسانی بودند؟ آیا این حقیقت خاص در کتاب مقدس برای همه مردم است (مرقس ۱: ۱۵) یا برای همه مسیحیان (یوحنا ۱۳: ۳۴ - ۳۵)؟ آیا این حقیقت خاص کتاب مقدس محدود به شخص خاص (اول تواریخ ۱۷: ۷، ۱۱ - ۱۴ ؛ مــرقس ۱۰: ۲۱)، گروهی خاص (اشعیاء ۶: ۸ - ۱۰ ؛ متی ۸: ۱۱ - ۱۲)، دورانی خاص (پیدایش ۱۷: ۹ - ۱۴ ؛ غلاطیان ۶: ۱۲- ۱۴ ؛ عبرانیان ۹: ۶- ۱۰ ؛ ۱۰: ۱- ۴) و یا یک وضعیت خاص (ارمیا ۱۸: ۱- ۱۷ ؛ حزقیال ۳۳: ۱۱ - ۲۰ ؛ مکاشفه ۲: ۷) است؟

۲) تاکید این قسمت بر چیست؟ آیا آموزه‌ای تعلیمی است (یوحنا ۱۴: ۶)؟ یا تشویقی نسبت به انجام یك عمل است (یوحنا ۱۳: ۳۴ - ۳۵)؟ یا مربوط به تاریخ است (اعمال ۱۷: ۱۱)؟ آیا آموزه‌ای مربوط به شما است پس بایستی به آن ایمان بیاورید. اگر عملی مربوط به شما است پس بایستی آن را انجام دهید. اگر در تاریخ نمونه‌ای بد است، پس بایستی از آن اجتناب کنید اما اگر نمونه‌ای مثبت در تاریخ است پس میتوانید از آن نمونه خوب پیروی کنید اما انتظار نداشته باشید که سایرین نیز آن نمونه را دنبال کنند مگر اینکه این نمونه خوب در جایی دیگر در کتاب مقدس تعلیم یا به آن فرمان داده شده است.

۶- دیدن رویـــا

درك نادرست.
من خواب یا رویایی در مورد آن دیده ام، بنابراین میدانم که آن موضوع اراده خداست.

اصـــلاح.
خدا می‌تواند و بعضی مواقع از طریق معجزه‌آمیز و غیرعادی هدایت کند. او اسرائیل را به وسیله ستونی از ابر یا آتش هدایت کرد او از طریق حرف زدن یك الاغ یك نبی را هدایت کرد و با یك ستاره مــردانی حکیم را. او مریم را با ملاقات یك فرشته و یوسف را به وسیله یك رویا هدایت کرد. او پطرس و کرنیلیوس را به وسیله رویاها هدایت کرد. به هر حال هیچکدام از این نشانه‌ها را کسی نطلبیده بود بلکه با اقتدار و با بصیرت و حکمت الهی بخشیده شدند. شما نمی‌توانید از خدا بخواهید که شما را به طریقی معجزموار هدایت کند. اگر خدا در حکمش می‌داند که شما به چنین هدایتی نیاز دارید پس مطمئناً آن را به شما خواهد داد. اما اگر شما همیشه به دنبال راههای خارق‌العاده و مهیج می‌گردید احتمالاً راههای معمولی دسترسی به اراده او را که از طریق کلامش در کتاب مقدس است فراموش خواهید کرد.
وقتی که رویا یا خوابی می‌بینید باز هم نیاز دارید که آن را با فرامین عینی، ممنوعیت‌ها و تعالیم کتاب مقدس امتحان کنید. آنچه خدا به وسیله رویا یا خواب آشکار می‌کند هرگز با کتاب مقدس متناقض نخواهد بود (ارمیاء ۲۳: ۱۶، ۱۸، ۲۱ - ۲۲، ۲۵ - ۲۹).

۷- مجازات شدن

درك نادرست.
چون همه چیزهای بد برای من اتفاق می‌افتند بایستی تصمیم یا انتخابی غلط گرفته باشم پس نتیجه می‌گیرم که من از اراده خدا پیروی نمی‌کنم و خدا من را مجازات می‌کند.

اصـــلاح.
چرا چیزهای بد برای انسانهای خوب اتفاق می‌افتند؟ و مردم چه می‌توانند بکنند وقتی از هدایت خدا پیروی نکرده‌اند؟

الف) بعضی مواقع مسیحیان از نتایج گناهان خود در رنج هستند.
وقتی ایمان یا نگرش‌های ما با اراده آشکار خدا در کتاب مقدس متناقض است پس شرایط ناخوشایندی را ممکن است تجربه کنیم. اعتراف و توبه از گناهان عمدی ما را احیاء می‌کند تا با خدا مشارکت داشته باشیم (اول یوحنا ۱: ۹) اما همیشه نتایج بد تصمیمات و نااطاعتی‌های ما را ازبین نمی‌برد (گناه داود با بت شبع در دوم سموئیل ۱۱، توبه و بخشش او در دوم سموئیل ۱۲: ۱ - ۱۳ و با این وجود، نتایج گناه او در دوم سموئیل ۱۲: ۱۴ - ۲۳ و دوم سموئیل ۱۳). در هر صورت اگر ما در مشارکت نزدیك با خدا سلوك می‌کنیم و متعهد اطاعت از کتاب مقدس هستیم پیروی نکردن از اراده خدا حتی بعضی مواقع سخت‌تر از زمان ایمان آوردنمان است.

ب) <u>اغلب چیزهای بد برای انسانهای خوب و مسیحیان اتفاق می‌افتند.</u>

ما در دنیای سقوط کرده‌ای زندگی می‌کنیم که هم برای مسیحیان و هم برای غیرمسیحیان در آن درد، مشکلات و رنج وجود دارد (پیدایش ۳: ۱۶ - ۱۹). مسیحیان نیز مریض می‌شوند (دوم قرنتیان ۱۲: ۷ - ۱۰ ؛ دوم تیموتائوس ۴: ۲۰) و یا کارشان را از دست می‌دهند. مسیحیان هم رنج و غم ناشی از یکی از افراد خانواده را که از خدا روگردان شده متحمل می‌شوند (متی ۲۳: ۳۷) و در تجربیات رنج می‌کشند (یعقوب ۱: ۲ - ۴) و یا در جفا (متی ۵: ۱۱ - ۱۲ ؛ دوم تیموتائوس ۳: ۱۲).

کتاب ایوب تعلیم می‌دهد که قوم خدا رنج می‌کشند. مفهوم اخلاقی اولیه‌ای که ایوب از خدا داشت این بود که " خدا ترسندگان خود را برکت می‌دهد و بی خدایان را تنبیه می‌کند. " اما سرانجام فهمید که مفهوم او از خدا اشتباه بود و او نمی‌تواند کاملاً راهها و اهداف خدا را در ارتباط با رنج درک کند. ایوب مفهوم بسیار بزرگتری را از خدا درک نمود یعنی " حاکمیت خدا ". خدا آنچه که می‌خواهد انجام خواهد داد فقط بخاطر اینکه او خدا است. حاکمیت او بر رنج، حتی رنج پیروان مطیعش، کامل است خواه دلیلی برای آن بیابد یا نه . ایوب اعلام کرد، " می‌دانم که به هر چیز قادر هستی، و ابداً قصد ترا منع نتوان نمود " (ایوب ۴۲: ۲).

ارزیابی خود مهم است، اما وقتی مشکلات هجوم آورده، ما را احاطه می‌کنند، نیاز داریم که نترسیم و فکر نکنیم که اراده خدا را دنبال نکرده‌ایم. می‌توانیم باز هم خود را متعهد بسازیم که در اراده خدا بمانیم و بگوییم " نه اراده من بلکه اراده تو انجام بشود (متی ۲۶: ۳۹). شرایط هر طور که باشد با ادامه محبت کردن خدا و مردم، قلوب خود را در آرامش حضور خدا قرار می‌دهیم. خدا از قلوب ما بزرگتر است و او می‌داند که " چرا " و" مدت " هر موقعیت را می‌داند (اول یوحنا ۳: ۱۸ - ۲۰).

ضمیمه ۴
رهبری: تحول تاریخی رهبری در کلیسای مسیحی

امروزه کلیساهای مسیحی مختلف دارای ساختارهای رهبری بسیار متفاوتی هستند. این تحوا چگونه اتفاق افتاد؟ هدف این بررسی تغییر ساختار و رهبری کلیسای شما نیست. بلکه فقط می‌خواهد خلاصه‌ای از شرح تکامل تاریخی چند ساختار رهبری مختلف را بعد از دوران عهد جدید ارائه کند.

۱- <u>پیران کلیسا</u> (۳۰ - ۹۷ میلادی). <u>ساختار رهبری بدون سلسله مراتب در کلیسای مسیحی.</u>

الف) <u>شورای پیـــران کلیسا</u>

۱) در دوران عهد جدید، واژه‌های ناظر (یونانی: episkopos)، شبان (لاتین: pastor) و پیر (یونانی: presbuteros) بدون هیچ تمایزی فقط مربوط به یك شخص یكسان می‌شوند.

۲) کلیسا توسط " شورای پیران کلیسا " (یونانی: presbuterion) (اول تیموتائوس ۴: ۱۴) هدایت می‌شد. همه پیران مساوی بودند گرچه بعضی از آنها وظیفه موعظه و تعلیم را داشتند (اول تیموتائوس ۵: ۱۷). پیران کلیسا درهیچ مدرسه یا آموزشگاه کتاب مقدس آموزش ندیده بودند. آنها فقط از بالغترین ایمانداران کلیسا بودند که بر اساس شرایط کتاب مقدس برای رهبری انتخاب می‌شدند.

ب) <u>مجمع یا شورا</u>

بعد ازجفای عظیم مسیحیان در اورشلیم (اعمال ۸: ۱ - ۴) ایمانداران به کشورهای مختلف پراکنده شوند و انجیل را موعظه کردند. تعداد زیادی از مردم در انطاکیه سوریه به عیسی مسیح ایمان آوردند. کلیسای اورشلیم برنابا را برای کمك به آنها فرستاد و او پولس را از طرسوس ترکیه برای کمك به خودش به آنجا آورد (اعمال ۱۱: ۱۹ - ۲۷). کلیسای انطاکیه در نتیجه فعالیت رسالت تبلیغی تأسیس گردید. بعدها تعدادی از مسیحیان یهودی از اورشلیم به انطاکیه مسافرت کردند و سعی می‌کردند ایمانداران را وادار کنند که قبل از اینکه مسیحی بشوند ابتدا یهودی شوند. آنها بدیشان تعلیم دادند که قبل از اینکه آنها بتوانند نجات یابند باید در وهله نخست ختنه شوند (اعمال ۱۵: ۱). کلیسای انطاکیه پولس و برنابا را فرستاد تا کلیسای اورشلیم را ملاقات و این مشکل را حل کنند. این جمع شدن مسیحیان از دو کلیسای محلی یك شورا یا مجمع کلیسایی محسوب نمی‌شود چون سایر مسیحیان کلیساها در منطقه و یا کل جهان نماینده‌ای نداشتند. به علاوه اعمال فصل ۱۵ فقط مربوط به نحوه حل یك مشکل در تاریخ کلیسا بود اما نحوه حل یك مشکل را تعلیم نمی‌دهد. این نمونه خوب از دو کلیسای مسیحی که با هم ملاقات کردند تا مشکلی را حل کنند، ممکن است دنباله‌روی شود اما کتاب مقدس تعلیم نمی‌دهد که کلیسای مسیحی، شورا یا مجمعی را نصب کرد تا بر تمام کلیساهای محلی مسیحی موجود ریاست (حکمرانی) کنند.

۲- <u>اسقـف‌ها (ناظرین)</u> (۹۷ - ۳۲۳ میلادی، تا قیصر کنستانتین کبیر). <u>آغاز ساختار سلسله مراتبی.</u>

الف) <u>ویژگی های تاریخی.</u>

ویژگی این دوره از کلیسا کشمکش‌های داخلی فراوان کلیسا است. این مشکل به دلیل تأثیر مذهب یهودیان و مذاهب بت‌پرستی امتها و تأثیر خارجی سیاستهای امپراطوری روم و فلسفه‌های بت‌پرستانه آن بود. در پایان کلیسای " کاتولیك " پیروز شد. کلمه " کاتولیك " (یونانی: Katholikos) بـــه معنی " کلی و جهانی " در مقابل یك انجمن محلی است. پدر کلیسا ازوبیوس (۲۶۴ - ۳۴۰ میلادی) از هفت نامه " کاتولیك " به عنوان " نامه‌های عمومی " در کنار نامه‌های پولس سخن می‌گوید.

ب) <u>تکامل واژه‌شناسی کتاب مقدس به پیران کلیسا.</u>

بعد از دوران اولیه عهد جدید و در دوران قرن دوم میلادی، یك تکامل تاریخی درمفهوم رهبری کلیسا در کلیسای مسیحی اتفاق افتاد. ما این اتفاق را در نامه‌های شهید ایگناتیوس که در سال ۱۱۰ میلادی فوت کرد، می‌بینیم. نمونه سلسله مراتب رهبری عهد عتیق درکهانت اسرائیل (کاهن اعظم، کاهنان و لاویها) به رهبری کلیسای عهد جدید نفوذ کرد.

۱) واژه ناظر (اسقف) دیگر به صورت خدمت پیرکلیسا شرح داده نمی‌شد بلکه یك مقام یا موقعیتی بالاتر از پیران کلیسا گردید. این واژه برای اشخاصی استفاده می‌شد که در کلیسای عهد جدید نوعی کاهن اعظم (اسقف) به شمار می‌رفتند. نوعی رهبری محلی در کلیسا و عالی‌ترین مقام کلیسا بود. رسولان مرده بودند و در نتیجه اسقفان به عنوان جانشینان رسولان به شمار رفتند. کم کم فقط اسقفان می‌توانستند فعالیتهای اداری کلیسا و یا خدمات را انجام دهند.

۲) واژه پیرکلیسا دیگر تنها مقام اصلی رهبری کلیسا که با پیران دیگر در " شورای پیران کلیسا " شریك است را شرح نمی‌داد. این واژه برای شخصی استفاده می‌شد که کاهن (کشیش) عهد جدید در کلیسا است. او رهبر و شبان یا کشیش کلیسای محلی است و توسط اسقف نظارت می‌شد.
۳) واژه شماس یا خادم برای شخصی استفاده می‌شد که نوعی لاوی (شماس یا خادم) عهد جدید در کلیسا است. او نوعی خادم یا خدمتگزار کشیش کلیسای محلی محسوب می‌شد و توسط کشیش نظارت می‌گردید.

به هر حال عهد جدید هیچ سلسله مراتبی را از نظر مقامات کلیسا تعلیم نمی‌دهد.

پ) اسقفان و مقامات اسقفی (یا اسقف نشینان)

اجتماعات جدید مسیحی در هر کجای امپراطوری روم و حتی خارج از آن بوجود آمدند. بسیاری از اجتماعات "مرکزی" (مادر) نمی‌خواستند که اجازه دهند که اجتماعات " تحت نظر" (دختر) که خود آنها تأسیس نموده بودند، از زیر نظر آنها خارج شوند. پس یك مقام کلیسایی جدید با استفاده از عنوان " اسقف " بوجود آوردند.
در عهد جدید عنوان ناظر (اسقف) فقط برای شرح خدمت یك پیرکلیسا به کار می‌رفت اما در طی قرن دوم کلمه ناظر (اسقف) کم کم مقام یا موقعیتی جدید را شرح داد. در عهد جدید " شورای پیران کلیسا " (یونانی: presbuterion) مسئولیت داشتند که " ناظرین " یك اجتماع محلی مستقل باشند. اما در طی قرن دوم یک ناظر (اسقف) تبدیل به ناظری (اسقفی) شد که بر تمام اجتماعات وابسته در یك منطقه خاص نظارت می‌کرد. تکامل دقیق تاریخی از " رهبری شورای پیران کلیسا " (یک اجتماع مستقل که توسط گروه پیران (جمع) اداره می‌شد) به " رهبری اسقفی " (اجتماعات به هم وابسته یك منطقه که توسط یك اسقف (مفرد) هدایت می‌شد) کاملاً واضح نیست. همه اجتماعات وابسته به هم در یك منطقه خاص " یك رهبری اسقفی " (یک اسقف نشین) را بوسیله " یك اسقف " تشکیل دادند. در عهد جدید فقط شوراهای مستقل پیران کلیسایی (یونانی: presbuterion) برای هدایت اجتماعات مستقل محلی انتخاب می‌شدند. اما در قرن دوم، اسقفان (یونانی: episkopos) مستقلی بودند که به منظور رهبری اجتماعات وابسته به یکدیگر در یك منطقه به این مقام منصوب می‌گردیدند. این اولین قدم در ایجاد ساختار سلسله مراتب در رهبری کلیسای مسیحی بود. به هر حال عهد جدید در مورد تکامل رهبری کلیسا به ساختار سلسله مراتب تعلیمی نمی‌دهد.

۳- اسقف‌نشینان، پاتریارخ‌ها و پاپ‌ها (۳۲۵ - ۶۰۰ میلادی تا پاپ گریگوری اول).

سرانجام کشمکش میان اسقفان منجر به توجه به این موضوع شد که اسقف بالاترین و مهمترین مقام است. کشمکش سیاسی برای داشتن قدرت در بین قیصران دنیا تبدیل به کشمکش روحانی برای قدرت در بین اسقفان کلیسا شد.

الف) ویژگی‌های تاریخی.

۱) کلیسای مسیحی تحت فشار شدید قیصر در این دوره کلیسای کاتولیك (جهانی)، به دولت رومی پیوسته و به کلیسای دولتی رومی - یونانی تبدیل شد (۳۱۳ میلادی به بعد). مسیحیت به مذهب دولتی تبدیل شده و قیصر کنستانتین خود را " اسقف یا ناظر موضوعات خارجی کلیسا " نامید. کنستانتین مقر سیاسی خود را از روم در غرب به کنستانتین (بینرانتیوم، استانبول) در شرق منتقل ساخت. درعرصه سیاسی دو امپراطوری قدرتمند تشکیل گردید: امپراطوری روم شرقی با پایتخت کنستانتین پل (تا ۱۴۵۳ میلادی) و امپراطوری روم غربی با پایتخت روم (تا ۴۷۶ میلادی). در این قرنها کلیسای یونانی در شرق و کلیسای لاتین در غرب از همدیگر جدا شدند.
۲) در دوران کلیسای مسیحی سه تحول اتفاق افتاد:
- تحول آموزه‌های مسیحی در تعلیم.
- ظاهر گرایی مراسم مسیحی در پرستش.
- ایجاد سلسله مراتب مسیحی در رهبری.

ب) اسقف اعظم.

اسقفان شهرهای بزرگتر را اسقف اعظم می‌نامیدند. پس اسقف در اجتماعاتی که توسط رسولان تأسیس گردیده بود حتی موقعیتی بالاتر بدست آورد این اسقف‌نشینی در شهرهای اورشلیم فلسطین، انطاکیه سوریه، افسس ترکیه، قرنتس در یونان، روم در ایتالیا و اسکندریه مصر واقع بود.

پ) پاتریارخ‌ها.

۱) شورای نیقیه (۳۲۵ میلادی)، اسقف‌نشینی روم (در غرب)، اسکندریه (در جنوب) و انطاکیه (در شرق) را بالاتر از سایر اسقف‌نشین‌ها قرار داد و آنها را پاتریارخ‌ها نام نهاد.
۲) شورای کنستانتین پل (۳۸۱ میلادی)، اسقف‌نشینی کنستانتین پل، شورای افسس (۴۳۱ میلادی) و اسقف‌نشینی اورشلیم را به فهرست پاتریارخ‌ها اضافه کرد. یعنی در مجموع پنج مقام اعظم کلیسایی بعنوان پاتریارخ ها.

ت) پاپ‌هـــا.

۱) کم کم دو پاتریارخ برای برتری نسبت به یکدیگر دچار رقابت شدند: پاتریارخ روم در غرب و پاتریارخ کنستانتین پل در شرق. بعد از سقوط امپراطوری غربی روم در ۴۷۶ میلادی، اسقفان روم به عنوان " پاتریارخ " راضی نبودند. آنها با دادن یك پیشنهاد با مطرح کردن استدلال زیر خواستار مهمترین و بالاترین مقام کلیسایی شدند:

- آنها به سنت متوسل شدند یعنی اینکه پولس اولین اسقف روم بود.
- آنها به حقایق تاریخی متوسل شدند که هم پطرس و هم پولس در روم زندگی و کار کردند.
- آنها به متی ۱۶: ۱۸ - ۱۹ متوسل شدند که چنین تفسیرش می‌کرد که عیسی به پطرس بالاترین مقام را در بین رسولان بخشید.

۲) در کنستانتین پل، پاتریارخ‌ها چیزی بیش از یك توپ بازی و گماشته قیصر رومی نبودند. آنها فقط یك وسیله در دستان رهبران سیاسی بودند. پس روم به عنوان یکی از مناطق پنجگانه پاتریارخ‌ها نه تنها پرافتخارترین مقام (لاتین: primatus honoris) را در بین پاتریارخ‌ها دریافت کرد بلکه بالاخره تبدیل به مقــام اعظم مطلق (لاتین: primatus ordinis) در بین پاتریارخ‌ها گردید با عنوان " حق الهی " که مربوط به متی ۱۶: ۱۸ - ۱۹ می‌شد.
به هر حال عیسی هیچگاه به پطرس بالاترین مقام را نبخشید. تفسیر متی ۱۶: ۱۸ - ۱۹ تحت عنوان بالاترین مقام، به تعلیم عیسی در متی ۲۰: ۲۵ - ۲۸ تجاوز می‌کند. عیسی از پطرس و سایر رسولان به منظور تأسیس نخستین کلیسای تاریخی در میان یهودیان (اعمال ۲: ۱۴ - ۴۲)، نخستین کلیسای تاریخی در میان نیمه یهودیان (سامری‌ها، اعمال ۸: ۴ - ۱۷) و نخستین کلیسای تاریخی در میان غیریهودیان (امتها، اعمال ۱۰: ۹ - ۴۸) استفاده کرد. پس گفته خود را در متی ۱۶: ۱۸ - ۱۹، ۱۸: ۱۸ انجام داد. رسولان رهبران بنیانگذار کلیسای تاریخی بودند اما مقام آنها دارای جانشین نبود چون برطبق کتاب مقدس کسی واجد شرایط این مقام نبود (اعمال ۱: ۲۱ - ۲۲ ؛ افسسیان ۲: ۲۰ ؛ مکاشفه ۲۱: ۱۴).

۳) پاپ اینوسنتیوس اول (۴۰۱ - ۴۱۷ میلادی) به عنوان اسقف روم مدعی اقتداری بالاتر از سایر اسقفان جهان شد. اسقفان روم خودشان را با عنوان " papa " (پاپ) به معنی " پدر " خطاب می‌کردند. در اصل به تمام اسقفان با عنوان " papa " اشاره می‌شد اما حالا فقط روم مدعی این عنوان بود.

۴) پاپ گریگوری اول (۵۹۰ - ۶۱۵ میلادی) به عنوان مؤسس قدرت جهانی قلمرو پاپ (مقام پاپی) خوانده می‌شود. پاپ نه تنها به عنوان بالاترین قدرت در امور روحانی ، بلکه همچنین بالاترین مقام قدرت در امور دنیایی محسوب میشد.

۴- کلیساهای ارتدکس شرق (یونانی) و کاتولیك رومی غرب (۶۰۰ - ۱۵۱۷ میلادی).

الف) بیگانگی بین کلیسای غرب و شرق.

قرون وسطی از ۶۰۰ تا ۱۵۱۷ میلادی به طول کشید. در طی قرون نخست این دوران، بین کلیسای لاتین غربی و کلیسای یونانی شرق بیگانگی ایجاد گردید. این بیگانگی در نهایت منجر به جدایی دائمی شد.

۱) حوزه وابسته به رسولان در شرق و غرب. حوزه، یك بخش اسقفی بود که توسط یك ناظر یا اسقف اعظم نظارت می‌گردید. رسولان مسیح کلیساهای بسیاری را در شرق بنیاد نهادند و این کلیساها قویاً تساوی تمام اسقفان را مطرح می‌ساختند. اما فقط روم در غرب مدعی شد که دارای بنیادی از جانب رسولان است و می‌خواست که به عنوان پایگاه و حوزه رسولان در غرب شناخته بشود. در حالیکه غرب تصمیمات شورای جهانی را پذیرفت ولی نقش فعال را در شوراها بازی نکرد. در غرب، کلیسا کمتر به عنوان یك هیئت بلکه بیشتر به صورت یك حکومت یعنی حکومت پاپ دیده می‌شد.

۲) حکومت امپراطور در شرق. حکومت امپراطور در بیزانتیوم (کنستانتین پل یا استانبول) تصویر یا نشانه‌ای از حکومت خدا در آسمان به حساب می‌آمد. امپراطور نماینده خدا بر روی زمین به شمار می‌رفت. در کلیسا، مردم در مقابل شمایل مسیح زانو می‌زدند و در قصر در مقابل شمایلی زنده یعنی امپراطور. در شرق خط جدایی واقعی بین مسیح و دولت وجود نداشت. این دو را به عنوان یك ارگانیزم به حساب می‌آوردند یعنی کلیسا مواظب جانهای مردم و امپراطور مواظب جسم مردم بود. امپراطور شوراها را احضار می‌کرد، اسقفان بر آنچه که ایمان حقیقی بود رأی می‌دادند و امپراطور تصمیمات شورا را انجام می‌داد.

۳) عملکردهای مستبدانه پاپ در غرب. حملات بربرها در غرب، امپراطوری غربی روم را در هم شکست و این باعث تقویت ساختار استبدادی کلیسای غرب شد. پاپ، اقتدار در حوزه سیاسی و صدور دستورات زمینه‌های مذهبی و دنیوی را بدست آورد. در دوران قرون وسطی بسیاری از قبیله‌های آلمانی به کلیسای مسیحی در غرب پیوستند. از طرفی مردم خواستار " یك کلیسای حکومتی " بودند یعنی یك کلیسا در درون یك حکومت و از طرف دیگر پاپ خواستار " یك حکومت کلیسایی " بود یعنی یك حکومت که توسط یك کلیسا اداره می‌گردید. پاپ‌ها می‌خواستند که بر کلیسا و دولت حکومت کنند. پس دائماً کشمکش میان دربار و از طرف دیگر پاپ‌ها وجود داشت.

۴) روحانیون و غیر روحانیون در غرب. بسیاری از مسیحیان شرق و همینطور الاهیدانان از مردان تحصیل کرده بودند. آنها الهیات می‌خواندند، می‌نوشتند و تعلیم می‌دادند. اما تهاجمات بربرها درغرب منتج به این شد که بسیاری از مردم نمی‌توانستند بخوانند و فقط اجازه داشتند مسائل الهیاتی را درك کنند. تحصیلات و الهیات در کلیسای غرب به کاهنین یا کشیشان اختصاص داشت و در کلیسای غرب بین طبقه روحانیون و طبقه مردم جدایی شدیدی شکل گرفت.

۵) تکامل الهیاتی بین شرق و غرب. کلیسای یونانی شرقی بیشتر نظری بود در حالیکه کلیسای لاتین غربی بیشتر تجربی بود. یونانی‌ها الهیات را با واژه‌های پرستش و مناجات می‌شناختند درحالیکه افکار لاتین تحت تأثیر نظریات قضایی با مفاهیم قانون رومی بود. هنگام تفکر در مورد تثلیـــث، یـونانی‌ها با سه‌گانگی افراد شروع می‌کردند درحالیکه رومی‌ها با وحدت الوهیت. در هنگام انعکاس صلیب، یونانی‌ها دروهله نخست به مسیح به عنوان پیروز، فکر می‌کردند در حالیکه رومی ها در وهله نخست به مسیح به عنوان قربانی فکر می‌کردند. یونانی‌ها بیشتر از الوهیت درحالیکه رومی ها از رهایی صحبت می‌کردند.

۶) پاپ غرب مدعی قدرت جهانی شد. ساختار مرکزیت و حکومتی کلیسای غرب، نخست به پاپ اجازه داد که مدعی قدرت مطلق در غرب شود. اما وقتی که پاپ کم کم به این موضوع اعتقاد پیدا کرد که قدرت بی‌واسطه قضایی او علاوه بر غرب به شرق گسترش یابد مشکل آغاز شد.

۷) پاپ غربی مدعی مصونیت از لغزش شد. پاپ در کلیسای غرب مصونیت از خطا را حق مسلم خود می‌دید. اما پاتریارخ‌ها درکلیسای شرق معتقد بودند که در موضوعات مربوط به ایمان تصمیم نهایی تنها بستگی به پاپ ندارد بلکه به شورایی که همه اسقفان کلیسای مسیحی در آن حاضر باشند.

ب) ادعاهای پاپ‌های غربی.

۱) پاپ نیکلاس اول (۸۵۸ - ۸۶۷ میلادی) قدرت پاتربارخ‌های رومی را بالاتر از سایر اسقف‌نشینان درون کلیسا در کل جهان و بالاتر از قدرت همه قیصرهای خارج از کلیسا دانست.

۲) پاپ نیکلاس دوم (۱۰۵۹ میلادی) اقتدار را به پاپی جدید به نام " کاردینال‌ها " سپرد که شامل هیئتی از ۶ اسقف، ۵۰ کشیش و ۱۴ شماس بودند که همه در شهر روم ساکن بودند.

۳) پاپ انوسنتیوس چهارم کاردینال‌ها را بالاتر از تمام اسقفان می‌دانست و به عنوان نشانه‌ای افتخاری کلاهی قرمز می‌پوشیدند.

۴) پاپ بونیفاسیوس هشتم (۱۲۹۴ - ۱۳۰۳ میلادی) فرمان پاپ را صادر کردد به نام "Unam Sanctum" (۱۳۰۲ میلادی) و تأکید داشت بر این که نیروی دنیوی تحت تسلط نیروی روحانی و قدرت دنیوی تحت تسلط قدرت روحانی است.او حتی چنین اعلام کرد که ایمان به قدرت مطلق پاپ برای نجات ضروری است.

۵) شورای واتیکان ۱۸ جولای ۱۸۷۰ تحت نفوذ Jesuits زمانیکه مصون از خطا بودن پاپ را به عنوان یك اصل دینی که همه اعضاء کلیسا باید به آن ایمان بیاورند مطرح ساخت، به سیستم پاپی مهمترین قسمت را بخشید.

پ) مسئله کلمه " از پسر صادر شده " (filioque).

در اعتقاد نامه نیس – کنستانتین پل در اصل می‌خوانیم، " اعتقاد دارم ... به روح‌القدس، خداوند، حیات دهنده که از نزد خدای پدر صادر شده و همراه با پدر و پسر با یکدیگر پرستش و جلال می‌یابند ". به نظر می‌رسد که از اسپانیا منشاء گرفته و به عنوان محافظی درمقابل آریانیزم به شمار می‌رفت. در غرب در طی شورای تولدو در اسپانیا (۵۸۹ میلادی) کلمات " و از پسر " (در لاتین filioque) به اعتقادنامه اضافه شده است و حالا ما چنین می‌خوانیم " که از پدر و پسر صادر شده ". این عبارت اضافه شده به فرانسه و در آلمان نیز توسعه یافت و توسط charlemagne استقبال گردید و توسط شورای تمثال شکننان Semi – iconoclast (۷۹۴ میلادی) پذیرفته گردید. نویسندگان دادگاه charlemagne عبارت Filioque را موضوعی بحث برانگیز دانسته، ارتداد یونانی‌ها را لعنت کردند. در ۱۰۵۴ میلادی کاردینال غربی هومبرت فرمان تکفیر را در مقابل مذبح حاجی سوفیا در کنستانتی پل قرار داد ولی رد گردید. این باعث آغاز جدایی بین کلیسای شرق و کلیسای غرب گردید.

در ۱۱۰۹ میلادی پاتریارخ شرق سرجیوس کنتانتینپل نام پاپ سرجیوس غربی چهارم را از Diptychs حذف نمود که لیستی است که هر کدام از پاتریارخ نزد خود نگه می‌داشتند و شامل اسامی تمام پاتریارخ‌های زنده و مرده بود که او به عنوان راستادین می‌شناخت.

از نظر فنی کلیسای غربی روم و کلیسای شرقی کنستانین پل مشارکتی نداشتند.

ت) جنگهای صلیبی مذهبی.

جنگجویان غربی، انطاکیه را در سال ۱۰۹۸ میلادی از ترکها و اورشلیم را در سال ۱۰۹۹ میلادی گرفتند و پاتریارخ‌های لاتین غربی تأسیس شد. تا سال ۱۱۸۷ میلادی پاتریارخ لاتین غربی در Acre و پاتریارخ یونانی شرق در اورشلیم وجود داشتند. دو اسقف رقیب، مدعی یك حکومت شدند و دو اجتماع دشمن که هر دو در یك شهر ساکن بودند روح نفرت و تلخی را از خود نشان می‌دادند. ساکنین بیزانتین شرقی بسیاری از ساکنان لاتین کنستانتین پل را در سال ۱۱۸۲ میلادی قتل عام کردند. مهاجمین غربی کنت‌تینپل را در سال ۱۲۰۴ میلادی شکست داده و جدایی و شکاف بین کلیسای ارتدکس در شرق و کلیسای روم در غرب آشکار گردید.

بخاطر داشته باشید که جنگهای صلیبی مذهبی بعنوان " جهاد مقدس " برعلیه ترکها مطلقاً برخلاف تعالیم عیسی مسیح در انجیل متی ۵: ۳۵- ۴۸ بودند.

ث) نتیـــجه.

دشمنی بین پاتریارخ‌های رومی و کنستانتین پل سرانجام باعث اولین شکاف بزرگ در کلیسای مسیحی (یونانی

katholikos) سرتاسر جهان گردید. کلیسای مسیحی در شرق شامل چندین کلیسای ارتدکس مستقل و هرکدام با پاتریارخ خودش می‌شد. کلیسای مسیح در غرب کلیسای رومی کاتولیك نامیده شده و پاپ روم رئیس آن محسوب می‌شد. پاتریارخ‌های کلیساهای ارتدکس و پاپ روم دیگر بر تمام اسقفان زیردست خود ریاست می‌کردند. بعدها در غرب اسقفان بسیاری وجود داشتند که طبقه دیگری از رهبران را مابین مقام اسقفان و پاپ بوجود آوردند به نام اسقفان اعظم. اسقف اعظم بر تمام اسقفان یك کشور ریاست می‌کرد. سیستم رهبری سلسله مراتبی بالاخره به شکل امروزی آن رسید.

۵- اصـلاحات (۱۵۱۷ میلادی).

الف) شکاف بزرگ دوم در کلیسای مسیحی.

در طی قرن شانزدهم، فساد چندین رهبر مختلف در کلیسای کاتولیك رومی به قدری زیاد بود که افراد زیادی اصلاحاتی را در کلیسای کاتولیك رومی آغاز نمودند. انسانهایی مانند لوتر، کالون، سوینگلی (Zwingli) و ناکس (aknox) و سایرین می‌خواستند کلیسای کاتولیك رومی از درون اصلاح گردد اما رهبری کلیسای کاتولیك رومی در آن زمان با اصلاحات مخالفت کرده و قدرت خود را حفظ کرد. پاپ اصلاح‌طلبان را اخراج کرد. این امر باعث شکاف بزرگ دوم بین کلیسای کاتولیك رومی و کلیسای اصلاحات در ۱۵۱۷ میلادی گردید. کلیسای اصلاحات میخواست به کلیسای عهد جدید در قرن اول میلادی باز گردد. درحالیکه کلیسای کاتولیك رومی قدرت خود را در چیزهای ظاهری متجلی و پیدا می‌کرد، کلیسای اصلاحات مردم را به چیزهای درونی دعوت کرد. کلیسای کاتولیك رومی بر قدرت مقامات کلیسایی (کشیش، اسقف، اسقف اعظم، پاپ)، آئین‌های دینی و اعمال خوب تأکید می‌کرد. کلیسای اصلاحات بر کلام خدا همانطور که در کتاب مقدس ثبت شده است تأکید می‌کرد عادل‌شمردگی از طریق ایمان و یك زندگی تغییر یافته بر پایه فیض مسیح.

خدا را شکر بسیاری از تفاوتهایی که پنج قرن بین کلیسای کاتولیك رومی و کلیسای اصلاحات وجود داشت، امروزه دیگر وجود ندارد. امروز ارتباطات بسیار خوبی بین کلیساهای مسیحی مختلف، رهبران و اعضایشان وجود دارد.

ب) ادامه شکاف در کلیسای مسیحی.

تکامل سریع علم (بخصوص تئوری تکامل) باعث انتقادی گردید که تأثیر وحشتناکی بر آموزه مسیحی و در نتیجه بر زندگی مسیحی داشت. افزایش زیاد فردگرایی باعث ایجاد فرقه‌های مختلف مسیحی گردید بعضی از این فرقه‌های کلیسایی باز هم به فرقه‌های کلیسایی دیگر تقسیم شدند. هر فرقه کلیسایی برای رهبری خود طرح خاص خود را ایجاد نمود.

۶- دوران جدید.

الف) کلیسای اسقفی.

۱) کلیساهای اسقفی معمولاً اعتقاد دارند که فقط یك کلیسا وجود دارد و آن کاتولیك است (در سرتاسر جهان توسعه یافت). کلیساهای محلی استقلالی ندارند. کلیسا بایستی به صورت یک واحد در جهان دیده بشود، کلیسای واحد بازتابی از امپراطوری رومی است.
۲) تأکید بر مقام اسقفی است که سایر مقامات کلیسایی دیگر را تحت نفوذ خود دارد.
۳) مسیح کلیسای جهانی را به وسیله شورای اسقفان اداره می‌کند و کلیسای کاتولیك رومی را به وسیله اسقف روم (پاپ) و کلیسای محلی را به وسیله اسقفان اداره می‌کند.

ب) کلیساهای جماعتی.

۱) کلیساهای جماعتی معمولاً اعتقاد دارند که هر اجتماع محلی کاملاً یك کلیسا است. کلیساهای محلی کاملاً مستقل هستند. کلیساهای مستقل بازتابی است از انسانهای مستقل در دوران روشن‌فکری و فردگرایی. هر جا که انجیل موعظه می‌شود مردم ایمان می‌آورند. ایمانداران در اجتماعی (کلیسای محلی) جمع می‌شوند که مسیح در آنجا حاضر است (متی ۱۸: ۲۰). آنها داوطلبانه خود را مقید به انجام دعوت کتاب مقدس می‌کنند. این اجتماعات عمداً کوچك نگه داشته می‌شوند تا تأکید بر مقام ایماندار باشد. اجتماعات جدید مستقل از جماعتهای بزرگتر مستقل بوجود آمده است. اغلب چند کلیسای مستقل ائتلاف سستی از کلیساها را تشکیل می‌دهند که در آن هر کدام از اجتماعات کاملاً مستقل باقی می‌ماند.
۲) تأکید بر مقام و موقعیت ایماندار که کاهن، نبی و پادشاه در حوزه آشنایان خود و در کل جماعت، مسئول رهبری جماعت می‌باشد.
۳) مسیح مستقیماً اداره کننده کلیسا به وسیله روح‌القدس، به وسیله کتاب مقدس و جلسه کل اعضاء است، که در آن ایمانداران براساس اصول دموکراتیك تصمیمات مهم می‌گیرند. تحت نفوذ خردگرایی مدرن و دموکراسی کلیساهای مستقل همدیگر را به صورت کل ملاقات کرده تا کمیته کلیسایی تعیین کنند که وظیفه‌اش اجرای تصمیماتی که در جلسه کل اعضاء گرفته شده است.

پ) کلیساهای شورایی.

۱) کلیساهای شورایی معتقدند که هر کلیسای محلی کاملاً کلیسای مسیح است اما اینکه يك کلیسای محلی کاملاً مستقل نیست و بایستی زیر چتر یک سازمان درون ملت یا حکومت سازماندهی شود. چتر سازماندهی، شورا (به معنی آمدن با یکدیگر) نامیده میشود. شورا به معنی جمع شدن پیرانی است که انتخاب شدهاند تا نمایندگان کلیساهای محلی در یک ملت یا حکومت باشند. کلیساهای شورایی بازتابی از ملت یا حکومت ملی هستند.

۲) تـــأکید بر انتصاب مقام کتاب مقدسی گروه پیران است که به صورت ملی با شورا نشان داده میشود.

۳) مسیح اداره کننده کلیسای ملی یا حکومتی است که به صورت محلی با مقامات کلیسایی مثل شبانان، پیران و شماسان و به صورت ملی به وسیله شوراهای منطقهای و يك شورای ملی اینکار را انجام میدهد.

ت) کلیساهای مشایخی.

۱) کلیساهای مشایخی معمولاً معتقدند که هر کلیسای محلی مکاشفه کامل و مرئی بدن جهانی مسیح است (اول قرنتیان ۱۲: ۲۷) و کاملاً مستقل میباشد.

۲) تأکید بر مقام کتاب مقدسی پیران (مشایخ) (یونانی: presbuteros) است. پیران (مشایخ) يك کلیسای محلی را به اتفاق هم و با گروه پیران (هیئت مشایخ) (یونانی: presbuterion) اداره میکنند. تأکید بر مقام هر ایماندار بعنوان کاهن و نبی در حوزه اطرافیان خودش نیز میباشد.

۳) مسیح تنها رهبر اعظم کلیسا است (افسسیان ۱: ۲۰ - ۲۳) و هر کلیسای محلی را با روحالقدس (یوحنا ۱۶: ۱ - ۱۵)، کتاب مقدس (افسسیان ۶: ۱۷) و گروه پیران (اول تیموتائوس ۳: ۱- ۷، ۱۴- ۱۵) اداره میکند. گروه پیران (مشایخ) به وسیله اجتماع محلی یا جامعه ایمانداران در حین جلسه کل اجتماع آنان انتخاب میشوند. پس گروه پیران و جلسه کل اعضاء همدیگر را امتحان میکنند.

۷- تعلیـــم عهد جـــدید.

الف) شورای پیـــران کلیسا.

عهد جدید تعلیم میدهد که هر کلیسای محلی به عنوان رهبر دارای شورای پیران خود میباشد (اول تیموتائوس ۴: ۱۴).

۱) اعمال ۲۰: ۱۷، ۲۸. همه پیران (اعمال ۲۰: ۱۷)، اسقف (ناظرین) و شبانان (اعمال ۲۰: ۲۸) نامیده میشوند.

۲) تیطس ۱: ۵: ۷. تمام پیران (تیطس ۱: ۵)، اسقفان (ناظرین) نامیده میشوند (تیطس ۱: ۷).

۳) اول پطرس ۵: ۱، ۲. تمام پیران (اول پطرس ۵: ۱)، شبانان و اسقفان (ناظرین) (اول پطرس ۵: ۲) نامیده میشوند و تحت نظر شبان اعظم، عیسی مسیح هستند.

واضح است که در واژهشناسی لوقا، پولس و پطرس استفاده از کلمات ناظرین، پیران و شبانان به صورت متناوب درعهد جدید انجام میشود. با وجود این که این واژهها در طول تاریخ معنی خاصی پیدا کرده و امروز آن معنی را میدهند ولی عهد جدید هیچ تمایزی بین ناظرین، پیران و شبانان قائل نمیشود. در کلیسای عهد جدید هیچ سلسله مراتبی وجود ندارد. فقط يك گروه رهبران منصوب شده در هر کلیسای محلی وجود دارد که شورای پیران کلیسا (یونانی presbuterion) (اول تیموتائوس ۴: ۱۴) نامیده میشود. تمام پیران در این گروه مسئولیت اداره کلیسای مستقل محلی خود را به اشتراك میگذارند.

ب) مفهوم واژههای مختلف.

سه واژه پیران، شبانان و ناظرین سه مقام مختلف موجود در کلیسا یا سه جایگاه مقام درکلیسا را شرح نمیدهند. همه آنها مربوط به يك مقام به نام پیرکلیسا میشوند. يك گروه از رهبران کلیسا را از سه زاویه دید شرح میدهند.

۱) واژه پیران (یونانی presbuteros، انگلیسی priest) نشان دهنده بلوغ روحانی، تجربه و احترام بیشتر به فرمان این رهبران است.

۲) واژههای شبانان (یونانی poimen، لاتین و انگلیسی: pastor) و ناظرین (یونانی episkopos، انگلیسی: bishop) ماهیت خدمات آنها را شرح میدهند: آنها مردم را مانند شبانان هدایت و مانند ناظرین فعالیتها را اداره میکنند.

عهد جدید تعلیم میدهد که تمام پیران يك کلیسای محلی شبانان و ناظرین آن کلیسا هستند. تمام پیران يك کلیسای محلی عملکردهای رسمی شبانی، تعلیمی و مدیریتی آن کلیسا را با هم به اشتراك میگذارند.

پ) نتیجـــه.

رهبری در کلیسای مسیحی دوران تکاملی طولانی و سختی را پشت سر گذاشته است. منظور از این خلاصه تاریخی، تغییر ساختار رهبری در کلیسای شما نیست. اما این مطالعه به شما و کلیسایتان کمك میکند که این نگرش کتاب مقدس نسبت به رهبران کتاب مقدس را حفظ کنید یعنی اینکه، " هر که در میان شما میخواهد بزرگ گردد خادم شما باشد و هر که میخواهد در میان شما مقدم بود، غلام شما باشد " (متی ۲۰: ۲۵ - ۲۸).

ضمیمه ۵
رهبری: خادمان (شماسان) در عهد جدید

در این بررسی کلمه یونانی "diakonos" (مفرد) و "diakonoi" (جمع) با کلمات فارسی " خادم " و " خادمان " ترجمه شده اند. بعضی ترجمه ها و بعضی کلیساها از واژه های " شماس " و " شماسان " استفاده میکنند.

خادمان (شماسان) چه کسانی هستند؟
در عهد جدید فقط در مورد سه اجتماع مسیحی یا کلیسا می‌خوانیم که خادم (شماس) داشتند. در هر سه متن همراه با پیران کلیسا می‌باشند (اعمال ۶: ۱ - ۳ ؛ فیلیپیان ۱: ۱، اول تیموتائوس ۳: ۸). در هر صورت، انتخاب و انتصاب خادمان (شماسان) به منظور رهبری اجتماع یا کلیسای محلی مسیحی نیست بلکه هدایت بعضی خدمات خاص در اجتماع یا کلیسای محلی مسیحی.

۱ - محدودیتهای خادمان

الف) خادمان (شماسان) در رابطه با انتصابشان محدودیتهایی داشتند.

۱) تعلیم کتاب مقدسی. عهد جدید چندین محدودیت را در ارتباط با خادمان (شماسان) تعلیم می‌دهد. درحالیکه کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که یك کلیسای محلی بایستی پیران کلیسا را به این کار منصوب کند ولی تعلیم نمی‌دهد که خادمان (شماسان) نیز بایستی منصوب شوند.

۲) تاریخ کتاب مقدسی. در کنار کلیسای اورشلیم (اعمال ۶: ۱ - ۷) فقط به دو کلیسای محلی دیگر در کتاب مقدس اشاره شده که خادم (شماس) داشتند یعنی کلیسای فیلیپی (فیلیپیان ۱: ۱) و کلیسای افسس (اول تیموتائوس ۳: ۸ - ۱۳). پس برطبق عهد جدید هر اجتماع مسیحی (کلیسا) احتیاج به خادمان (شماسان) ندارد. خادمان (شماسان) در کلیسای اورشلیم به منظور خدمتی خاص و در زمانی محدود به کار گرفته شدند برای مثال فیلیپس به مدت محدودی خادم (شماس) بود (اعمال ۶: ۵ ؛ ۸: ۴ - ۵).

ب) خادمان (شماسان) در ارتباط با رهبری کلیسا، محدودیت داشتند.

۱) خادمان (شماسان) نمی‌توانند جای پیران کلیسا را بگیرند. خدمت خادمان (شماسان) با خدمت پیران کلیسا تفاوت دارد. مقام خادمی (شماسی) هرگز مربوط به مقام رهبری بر کل کلیسای محلی نمی‌شود! شورای خادمان (هیئت شماسان) نمی‌توانند جانشین شورای پیران کلیسا (یونانی: presbyterion، اول تیموتائوس ۴: ۱۴) به عنوان رهبران کلیسا شـوند. بهتر است که شورایی از خادمان (شماسان) تشکیل نشود بلکه آنها فقط تحت نظارت پیران کلیسا عمل کنند. مسئولیت خادمان (شماسان) خدمت کردن است و نه هدایت مسائل و امور کلیسای محلی.

۲) پیران کلیسا می‌توانند رهبری خدمات یا فعالیتهای خاصی را به خادمان (شماسان) بسپارند. هرگاه پیران کلیسا فعالیتهای خاصی را به خادمان (شماسان) می‌سپارند. باز هم پیران کلیسا، رهبران مسئول کلیسا و تمام خدمات یا فعالیتهای کلیسا هستند.

پ) خادمان (شماسان) در ارتباط با خدماتشان محدود هستند.

خدمات خادمان (شماسان) متفاوت است با خدمات اعضای معمولی کلیسا. واژه شماس یعنی خادم. برطبق اعمال ۶: ۱ - ۷ خادمان (شماسان) برای یك خدمت خاص در کلیسای محلی انتخاب می‌شدند. در هر صورت برطبق اول پطرس ۴: ۱۰ - ۱۱ تمام اعضای کلیسا بایستی با استفاده از توانایی‌ها و عطایای روحانی خود، فعالیتی خاص در کلیسا داشته باشند. پس خادمان (شماسان) نباید جانشین و مانع خدمات سایر اعضای کلیسا بشوند.

۲ - شرایط کتاب مقدسی خادمان (شماسان).

بخوانید: اعمال ۶: ۳، اول تیموتائوس ۳: ۸ - ۱۳.
کشف و گفتگو کنید: ضروریات و یا خصوصیات کتاب مقدسی خادمان (شماسان) چیست؟

ملاحظات: خادمان (شماسان) هرگز به خاطر مقام، قدرت و ثروت اجتماعی انتخاب نمی‌شوند بلکه آنها بایستی براساس رفتار شخصی، زندگی خانوادگی و توانایی‌های خدمتی انتخاب شوند.

۳- <u>خدمات خادمان (شماسان).</u>

بخوانید: اعمال ۶: ۱- ۲ ؛ یعقوب ۱: ۲۷ ؛ ۲: ۱۵- ۱۷ ؛ اول یوحنا ۳: ۱۶- ۱۸ ؛ دوم قرنتیان فصلهای ۸- ۹.
کشف و گفتگو کنید: خدمات ویژه خادمان (شماسان) چیست؟

الف) <u>خدمات خادمان (شماسان) با خدمات پیران کلیسا متفاوت است.</u>
خادمان (شماسان) نمی‌توانند جای پیران کلیسا را بگیرند. یک شورای خادمان (هیئت شماسان) نمی‌تواند جانشین شورای پیران کلیسا شود. مسئولیت خادم (شماس) خدمت کردن است و نه هدایت کردن امور کلیسای محلی.

ب) <u>خدمات خادمان (شماسان) با خدمات اعضای معمولی کلیسا تفاوت دارد.</u>
خادمان (شماسان) نباید جانشین اعضای معمولی بشوند و تمام خدماتی را که در کلیسا احتیاج به انجام آنها وجود دارد، انجام دهند.

پ) <u>خدمت خاص خادمان (شماسان) توجه به موقعیتهای جدیدی است که در نتیجه موعظه کلام و رشد کلیسا بوجود می‌آید.</u>
بخوانید: اعمال ۶: ۱ - ۷.
ملاحظات: در اولین کلیسای تاریخی در اورشلیم، خادمان (شماسان) بنا به دلایل خیلی خاص انتخاب شدند. وقتی تعداد شاگردان به ۵۰۰۰ نفر رسید، مشکل یا نیازی خاص بوجود آمد یعنی نظارت بر توزیع غذای روزانه بعضی از افراد، رسولان همراه با سایر اعضای کلیسا از بین آنها مردانی را انتخاب کردند تا به این خدمت خاص بپردازند. خادمان (شماسان) انتخاب شدند چون پیران کلیسا وقت و انرژی لازم برای توجه به تمام اعضاء نیازمند را علاوه بر انجام خدمات خودشان نداشتند.
پس خادمان (شماسان) بایستی محدود به خدمات خاصی بشوند که احتیاج به مهارتهای خاصی دارند که به وسیله گروه ایمانداران غفلت شده اند. پس خادمان (شماسان)، اغلب رهبران خدمات خاصی هستند که از طرف شورای پیران کلیسا به آنها محول می‌شوند. در کلیسای محلی خادمان (شماسان) می‌توانند معلمین گروههای خاص کلیسایی باشند مثل رهبران جوانان، همکاران مبشرین و غیره . در حالیکه پیران کلیسا، رهبران در انجام مسئولیتهای رهبری می‌باشند، خادمان (شماسان)، رهبران در انجام مسئولیتهای خدماتی می‌باشند.

ت) <u>خدمت سنتی خادمان (شماسان) مواظبت از اعضای نیازمند کلیسا است.</u>
بخوانید: اعمال ۶: ۱ - ۲ ؛ اول قرنتیان ۱۶: ۲ - ۳ ؛ یعقوب ۱: ۲۷ ؛ ۲: ۱۵- ۱۷ ؛ اول یوحنا ۳: ۱۶ - ۱۸.
ملاحظات: خادمان (شماسان) در عهد جدید انتخاب شدند چون پیران کلیسا علاوه بر انجام خدمات خودشان، توانایی، وقت یا انرژی کافی برای مواظبت از نیازمندان را نداشتند. یکی از مسئولیتهای خاص خادمان (شماسان) جمع‌آوری هدایایی است که مسیحیان به خدا می‌دهند و بعد توزیع این هدایا با روحیه‌ای شایسته در میان نیازمندان کلیسای خودشان است. برطبق دوم قرنتیان فصلهای ۸ - ۹ (۸: ۴، ۲۰ ؛ ۹: ۱، ۱۲، ۱۳) آنها همچنین هدایایی را که برای کمك به سایر کلیساهای نیازمند داده شده اند را توزیع می‌کنند.

خلاصــه: اگر خادمان (شماسان) انتخاب می‌شوند، انتخاب آنها فقط برای انجام خدماتی خاص در کلیسای محلی است. آنها نمی‌توانند جانشین خدمات اعضای دیگر کلیسا بشوند اما درحیطه مسئولیتهایی خدمت می‌کنند که احتیاج به مهارتهای خاص دارند و یا اینکه توسط اعضای کلیسا غفلت شده اند. کتاب مقدس خصوصیات و خدمات آنها را تعیین می‌کند. خدمت آنها تا وقتی است که کار خاص خود را کامل کنند.